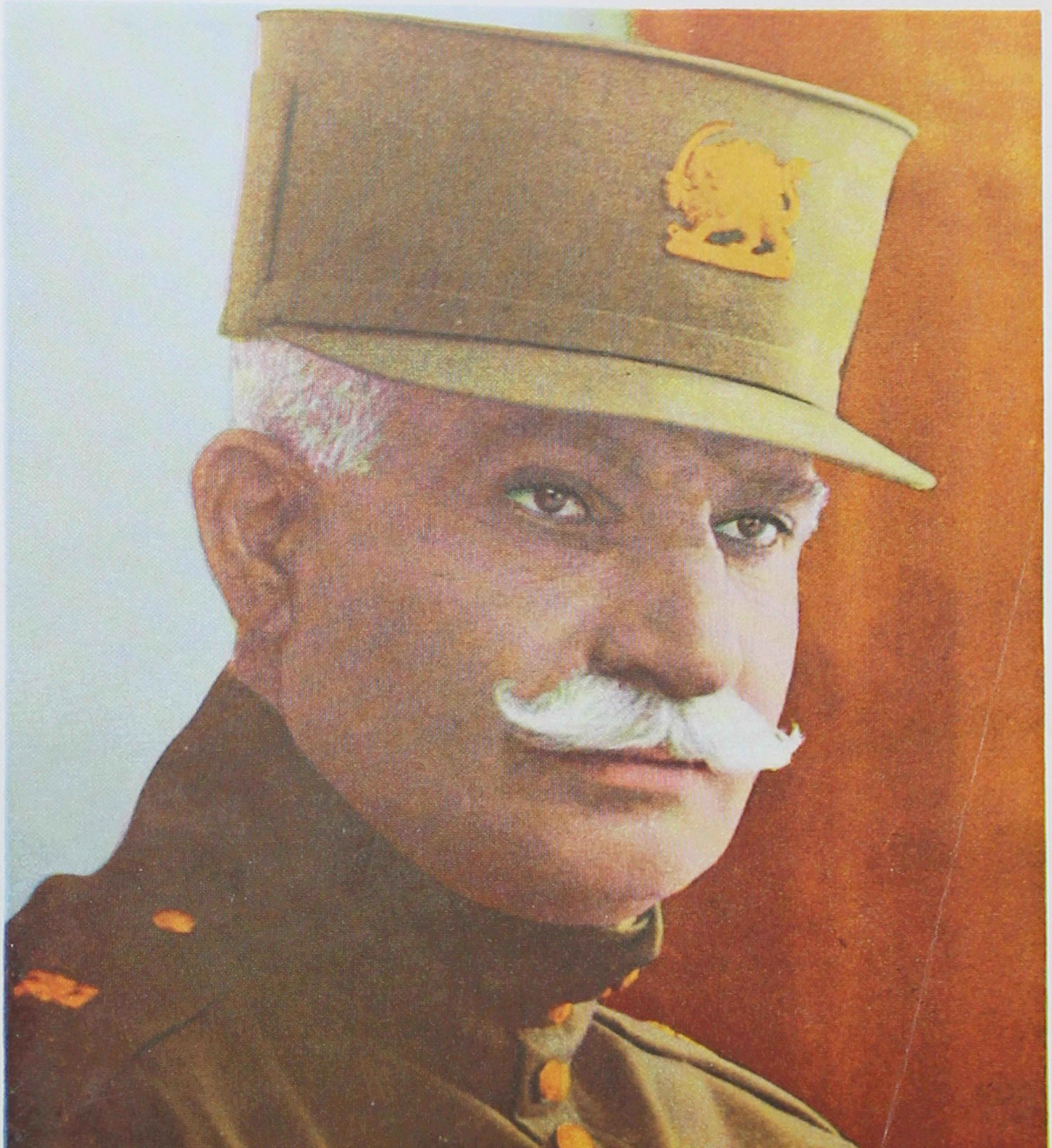
سعید نفیسی

تاریخ معاصر ایران

از چهارم اسفند ماه ۱۲۹۹ - تا بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۲۰

این کتاب بسرمایه کتابفروشی فروغی در دوهزار نسخه در شهریور ماه ۱۳۴۵
در چاپ شرق بپایان رسید



... تاریخ باید در کمال بی غرضی و دور از هر گونه خودخواهی و جانب داری تألیف گردد

زیرا که هیچ اثری که جز در این شرایط نوشته شود نه شایستهٔ مقام واقعی فرهنگ و تمدّن

ایران و نه شایستهٔ علم و دانش است. دانش واقعی با اعمال غرض و قلب حقایق سازگار

نمی تواند بود و تاریخ جهان نیز خواه ناخواه آنچه را که جز بر اساس شرافتمندی و حقیقت طلبی

کامل نوشته شده باشد بعنوان سندی باطل بدور خواهد افکند ....

از نطق افتتاحیهٔ شاهنشاه آریامهر

در کنگرهٔ جهانی ایران شناسی

شاه عباس بزرگ بوده است . نسب سعیدشریف کرمانی نیز به‌سه پشت به حکیم برهان‌الدین نفیس بن عوض بن حکیم‌طبیب کرمانی میرسیده است .

حکیم برهان‌الدین نفیس مشهورترین پزشك اواسط قرن نهم هجری بودکه درکرمان میزیست وچون شهرت وی به «الغ بیك بن شاهرخ بن تیمور گورکانی» پادشاه معروف و دانش‌پرور ایرانی (۸۱۲–۸۵۳) رسید ، او را ازکرمان بدربارخود بشهر سمرقندخواند و تا پایان‌عمر الغ بیك در دربار او بود ودرسلك دانشمندان بسیارکه آنجا گرد آمده بودند می‌زیست وپس‌ازمرگ الغ بیك درسال ۸۵۳ بکرمان بازگشت .

حکیم برهان‌الدین نفیس درطب تألیفاتی چند داردکه از آن جمله است :

– شرح‌الاسباب، که‌شرحی‌است برکتاب (الاسباب‌والعلامات) تألیف محمدبن علی‌بن عمر سمرقندی‌که از مهم ترین کتابهای پزشکی قدیم بوده است .

– شرح‌کتاب موجزالقانون تألیف ابی‌الحزم علاءالدین قرشی معروف به ابن‌النفیس‌که آن موجزی‌است ازمعروف‌ترین کتاب طب ابن‌سینا ، یعنی‌کتاب قانون .

– کلیات شرح نفیسی .

– بحارین .

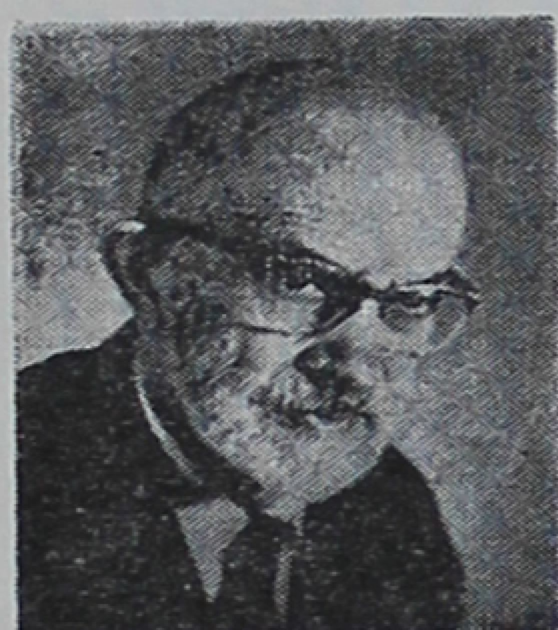
– رساله‌ای در «سمومات» .

اجداد نفیسی تا آغاز قرن چهاردهم متوالیاً درکرمان میزیسته‌اند وازمیان آنها مشاهیری برخاسته‌اند ، منجمله میرزا محمد تقی‌بن محمدکاظم (پسرجدچهارم سعیدنفیسی) عارف‌مشهور پایان قرن دوازدهم وآغاز قرن‌سیزدهم ایران بودکه مریدخاص و جانشین میرزا محمد تربتی معروف به (مشتاقعلی‌شاه) بود و درسال ۱۲۱۵ او را زهر دادند. میرزامحمدتقی تألیفات متعدد بنظم و نثر فارسی درعرفان و تصوف داردکه معروف‌ترین آنها دیوان غزلیاتی است‌که بسبك مولاناجلال‌الدین بلخی مولوی ، بنام‌مرشدخود مشتاقعلی سروده ودرهمهٔ آنها بنام او تخلص‌کرده وباسم (دیوان‌مشتاقیه) معروف است .

بعلاوه منظومه های (بحرالاسرار) و (مجمع‌البحار) و (جامع‌البحار) و (کبریت‌احمر) را نیز تنظیم‌کرده است.

دیگر از مشاهیر این خاندان مرحوم میرزا عبدالحسین‌بن میرزا عبدالرحیم‌بن عبدالحسین بردسیری معروف به‌میرزاآقاخان

پیش گفتار



سعید نفیسی

این کتاب ، آخرین اثری بود که در دوران زندگی سعید نفیسی بچاپ رسید ...

کلیهٔ صفحات متن کتاب (تا صفحهٔ ۱۸۸) زیر نظر خود وی از چاپ در آمد. قرار بود نمونهٔ تتمهٔ آنرا نیز روز دوشنبه بیست و سوم آبانماه ۱۳۴۵ در بیمارستان باو بدهند تا تصحیح کند ، ولی استاد سعید نفیسی روز یکشنبه بیست و دوم آبان ماه ۱۳۴۵ با آخرین حملهٔ قلبی ، از پای در آمد .

کتاب حاضر یکسال قبل نیز از طرف شورای مرکزی جشنهای بنیادگزاری شاهنشاهی ایران با قطعی کوچکتر منتشر شده بود ولی چون تعداد آن محدود بود در دسترس کلیهٔ علاقمندان قرار نگرفت. این بود که مرحوم سعید نفیسی دوست داشت نسبت به تجدید چاپ آن اقدام شود .

افسوس که این آرزو زمانی بر آورده شد که استاد در جوار رحمت خداوند آرمیده است .

بنابراین ، باید گفت این کتاب آخرین کتابی است که مانند اغلب آثار سعید نفیسی از لحاظ چاپ و تصحیح متن، بمباشرت خود وی آماده شد ولی عمر او کفاف نداد که آخرین صفحه و بخصوص فهرست آنرا تنظیم کند .

***

سعید نفیسی که بود ؟

نسب سعید تا هشت پشت باین شرح است :

سعید بن علی اکبر بن محمد حسن بن علی اکبر بن محمد علی بن محمد کاظم بن ابوالقاسم بن محمد کاظم بن سعید شریف کرمانی پزشک نامی قرن یازدهم که مدتی هم رئیس پزشکان دربار (حکیم باشی)

کرمانی است که مادرش دختر میرزا کاظم بن میرزا محمد تقی مظفر علیشاه بود و در کرمان در ۱۲۷۰ متولد شد ودر تبریز در سال ۱۳۱۴ کشته‌شد . وی ازمعروف‌ترین نویسندگان‌سیاسی و از آزادیخواهان مشهور بود . تألیفات گوناگون در نظم‌ونثر فارسی از او بجای مانده و ازآنجمله است :

- منظومهٔ نامهٔ باستان بنام سالارنامه .
- آئینه سکندری درتاریخ قدیم ایران .
- کتاب رضوان بتقلید گلستان سعدی .
- رسالهٔ ماشاءالله .
- قهوه‌خانهٔ سورت .
- سه مکتوب .
- چهارمقاله .... و چند رسالهٔ دیگر .

***

جد سعید نفیسی ، حاج میرزا محمد حسن طبیب کرمانی‌هم مانند نیاکان‌خود درکرمان به‌طبابت مشغول بود ودرسال ۱۳۰۰ هجری قمری درگذشت و او را در پزشکی مؤلفات چند است .

***

پدرسعید نفیسی، دکترمیرزاعلی‌اکبرخان نفیسی« ناظم‌الاطباء» در ماه ربیع‌اول ۱۲۶۳ هجری قمری در کرمان ولادت یافت و ازمیان هفت پسر و دو دختر که برادران وخواهران او بودند ، فرزند دوم بود .

مادرش دختر ملامحمدکوه بنانی‌معروف به «هدایت علی» عارف مشهور نیمه اول قرن سیزدهم ایران است که از مریدان مولانا عبدالصمد همدانی بود ودرکرمان مریدان بسیار داشت و چون حاج ابراهیم‌خان ظهیرالدوله ، حکمران کرمان‌باو معتقد نبود ، وی را وادار کرد از آن شهر بیرون رود لذا بعزم مشهد ازکرمان‌هجرت‌کرد ودرمیان‌راه ، دربیابات لوت، درمنزلی‌که به‌چهل پایه ، یا چهل زینه معروف است قافلهٔ او گرفتار قتل و غارت‌راهزنان‌شد و وی‌نیزدرآن‌جمع بقتل‌رسید(۱۲۳۹هجری) . جنازهٔ او را بکرمان بردند ودرکوه بنان‌که زادگاه‌او بود بخاک سپردند ودرمیان صوفیه بشهید رابع یا شهید چهارم معروف شد. مقبرهٔ وی از زیارتگاههای معروف‌کرمان است . بالجمله میرزا علی‌اکبرخان‌نفیسی تحصیلات مقدماتی‌رادرکرمان‌بپایان‌رسانید، خوداو بسائقهٔ‌طبیعی و ذوق‌فطری که‌داشت بیشترمایل بفراگرفتن

حکمت الهی و فلسفه بود . ولی محمد اسمعیل خان وکیل‌الملك نوری نایب‌الحکومه و وزیروقت کرمان که بعدهم مستقلاحکمران کرمان بود ، چون استعدادشخصی و موروثی اورا برای فراگرفتن علم‌طب مساعدترمیدید اورا بتحصیل این علم ترغیب کرد. دراین میان درسال ۱۲۶۸ مدرسهٔ دارالفنون براثرمساعی‌میرزاتقی‌خان امیرکبیر در تهران دایر شده بود وپس‌از چندی‌بهمهٔ‌حکام ایالات و ولایات دستور صادر شدکه از هرشهری‌چندتن‌ازنجیب‌زادگان و فرزندان دانشمندان راکه مستعد فراگرفتن علوم‌جدید باشند برای تحصیل درآن‌مدرسه بطهران‌روانه‌کنند . ازکرمان‌مرحوم وکیل‌الملك او را در آخر سال ۱۲۸۲ قمری برای فراگرفتن علم طب در مدرسهٔ دارالفنون بتهران فرستاد و باینطریق میرزا علی‌اکبر نفیسی ساکن تهران شد . درسال ۱۲۸۹ دورهٔ تحصیل طب را بپایان رسانید و درسال ۱۲۹۰ که ناصرالدین‌شاه پس‌از بازگشت از سفر اول اروپا در صدد برآمد بیمارستانی مانند بیمارستانهای اروپا درتهران دایرکند وی‌رابریاست ومأموریت تأسیس آن بیمارستان که بعدها به بیمارستان دولتی مشهور شد برقرارکرد و سالها ریاست آن بیمارستان را داشت.

بعدازچندی‌که حاج میرزا حسین‌خان مشیرالدولهٔسپهسالار بحکمرانی خراسان و تولیت آستان‌قدس رضوی منصوب‌شدمیرزا علی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء همراه او بخراسان رفت و بیمارستان رضوی را بااصول بیمارستانهای جدید اروپائی در مشهد احداث کرد و درسال۱۲۹۹ دوباره بتهران‌بازگشت . چندی‌دراصفهان وقمشه وبختیاری اقامت‌گزید ودرمراجعت بتهران‌سرگرم‌طبابت شد و سپس‌جزء اطبای حضورپادشاه وقت درآمد و بعدازچندی طبیب‌مخصوص اندرون شد و تا سال۱۳۲۸قمری دراین‌مقام‌بود.

ناظم‌الاطباء مدت پنجاه وهفت سال تمام‌مشغول طبابت‌بود و درضمن کتب‌گوناگون در طب و ادبیات تألیف و ترجمه‌کرد از جمله :

ــ کتاب در تشریح ، که ترجمهٔ آنرا هنگام‌اقامت درقمشه شروع‌کرده و در اصفهان بپایان رسانده است .

ــ کتابی در پاتولوژی وکلینیك جراحی.

ــ رساله‌ای در فیزیك .

ــ رساله‌ای در جراحی .

ــ رساله‌ای در تراپوتیك .

ـ رساله دیگر در تشریح .

ـ دو رساله در سوء هضم .

ـ کتابی بنام مذاکرات بنا بر دوش کتاب (Aide-Mémoire) دکتر کورلیو طبیب فرانسوی .

ـ رساله‌ای در شرایط حفظ صحت واحتراز از سرایت امراض مسریه و مداوای وبا (این رساله تحت نظر او بوسیله یکی از شاگردانش بنام میرزا اسدالله جلیل‌الاطباء نگارش یافته) .

ـ پزشکی‌نامه در علم تراپوتیك و ماتیرمدیکال .

ـ و ازهمه مهمتر کتاب معروف «فرهنگ نفیسی» است در پنج جلد ضخیم که مدت سی سال تمام برای تدوین آن صرف وقت کرده وکتاب جامع فرهنگی است .

مرحوم ناظم‌الاطباء مدرسهٔ معروف شرف را در تهران تأسیس کرد و مدتی مدیریت آنرا برعهده داشت و تحصیل در آن مجانی بود . وی اولین کسی بود که کتابی برای نوآموزان زبان فارسی بنام (تعلیمات ابتدائی) نوشت وکتب دیگر نیز در صرف و نحو زبان فارسی تألیف کرد .

میرزا علی‌اکبر خان نفیسی ناظم‌الاطباء در بیست و ششم ذیقعدهٔ سال ۱۳۴۲ - مطابق نهم خرداد ماه ۱۳۰۳ درتهران بسن ۷۹ سالگی به بیماری (ذوسنطاریا) در گذشت .

***

سعید نفیسی درسال ۱۲۷۴ هجری شمسی در تهران متولد شد. «ناظم‌الاطباء» پدر سعید ، در کتاب مخصوصی که بصورت «جُنگ» تنظیم کرده تولد سعید را چنین نوشته است:

« پنج ساعت و نیم ازشب جمعه سیزدهم شهر ذی‌حجةالحرام سال ۱۳۱۲ هجری علی هاجرها آلاف التحیة و الثناء مطابق با نوزدهم خرداد ماه جلالی ۸۱۷ ملکشاهی وهفتم ژوئن ماه میلادی ۱۸۹۵ فرزند دلبند میرزا سعیدخان متولد شد . امیدکه درزیر سایهٔ امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه وسهل مخرجه بکمال پیری برسد و دارای عقاید صحیحه بوده خوشبخت باشد. وچون سعید جد هفتم این عبداحقر علی‌اکبر هست اسامی چندکه منجمله محمد سعید بود نوشته درمیان قرآن مجید گذاشته شد بطورقرعه محمد سعید بیرون آمد ...» .

سعید ازمدرسهٔ شرف که پدرش بنیان گزار آن بود در تهران درس را آغاز کرد و در مدرسه علمیه ادامه داد . درمحضر پدر

مدتی طب آموخت و سپس عازم اروپا شد . در سویس تحصیلات دبیرستانی ، و درفرانسه تحصیلات عالی راگذراند ودردانشگاه پاریس رشتهٔ ادبیات جهان را بپایان برد .

در بازگشت بایران مدتی در وزارت فلاحت و تجارت و فوائدعامه ریاست ادارات مختلف را بعهده‌داشت . ازسال ۱۳۰۰ درمدرسهٔ علوم سیاسی، دورهٔ دوم دارالفنون ودانشکده حقوق‌را تدریس‌کرد وپس از آنکه دانشگاه تهران‌گشایش یافت با سمت استاد ادبیات فارسی در دانشکدهٔ حقوق بتدریس‌ادامه داد .

وی از بنیانگزاران فرهنگستان ایران بود .

چندی استاد دانشگاه علیگره در هندوستان و سپس استاد دانشگاه لاهور در پاکستان و بالاخره استاد دانشگاه سن ژوزف در بیروت و همچنین استاد دانشگاه قاهره بود و مکرر عضویت کنگره‌ها ومحافل ادبی وفرهنگی مهم‌را بعهده داشت . مدتی‌نیز در دانشگاه‌کابل و دانشگاههای الله‌آباد ـ بمبئی ـ بنارس‌ـپوتنه ـ تریواندروم‌ـ حیدرآباد دکن‌ـ دهلی‌ـ کلکته‌ـلکناهوتدریس‌میکرد و بزبانهای فرانسه ـ انگلیسی ـ روسی ـ اردو ـ عربی و ارمنی آشنائی داشت .

آخرین سمت سعید نفیسی‌تدریس دردورهٔ دکترای‌ادبیات فارسی و درعین حال‌درمؤسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه‌تهران وعضویت شورای فرهنگی سلطنتی بود.

در محافل دانشگاهی جهان ازمشاهیر بشمار میرفت و با دانشمندان اغلب کشورها خاصه شوروی ـ فرانسه ـ هند رابطهٔ نزدیك داشت .

سعیدنفیسی از همان اوائل کودکی‌بکتاب وقلم علاقمندشد ومیکوشید بخواندویاد بگیرد. بقول‌خودش‌تازه درکتاب‌خواندن ورزیده وآزموده‌شده بودکه نوزده سال داشت، شبهای زمستانی پای‌کرسی، شبهای تابستانی روی بام خانه، تا چشم هنوزسنگین نشده بودکتاب میخواند.همیشه‌قلمی باخود داشت وضمن‌خواندن بهرجمله‌ای‌که برمیخورددرحاشیه خطی میکشید وفردا آن‌جمله را در دفتری مخصوص،رونویس‌میکرد و نام نویسنده را درذیل آن مینوشت .

اولین بار ، در روزنامه «ارشاد» در تهران بنویسندگی پرداخت ومقالات او تحت عنوان (خواطر وآراء) خوانندگان زیاد پیداکرد. و اولین کتابی که‌ازاومنتشرشد درشانزده سالگی

ترجمه رساله‌ای بنام «معالجه تازه برای حفظ دندانهای طبیعی ودهان» بود.

در هفده‌سالگی گرفتارعشقی طوفانی شد ونتیجهٔاین‌عشق، پیدایش کتاب معروف «فرنگیس» بود... سعید درآن کتاب‌چنین نوشته است :

«... نامش‌فرنگیس بود، ولی‌بسبب پاره‌ای مسائل مادی به ازدواج مرد ثروتمندی درآمد، وچون توافق اخلاقی‌نداشتند فرنگیس پس‌ازچندسال‌دیوانه‌شد وروانهٔ تیمارستان گردید...».

سعید نفیسی‌را باید ازپرکارترین نویسندگان ودانشمندان عصرحاضردانست. مقالات بسیار درجراید ومجلات ایران‌وسایر کشورها نوشت ومتجاوز از ۲۲۰ جلد اثرمختلف انتشار داد. ترجمهٔ فارسی ایلیاد ـ واودیسهٔ هومر از برجسته ترین آثار اوست.

وی ازمنقدان زبردست‌ادبیات فارسی بود وجمعی‌ازمتون نظم ونثرفارسی را با انتقاد بچاپ رساند.

ازآثارمتنوع وی‌میتوان کتابهای بابك‌خرم‌دین ـ قابوسنامه ـ سرچشمهٔ تصوف درایران ـ گلستان سعدی ـ دیوان عمعق بخاری ـ احوال وآثار و قصائد و غزلیات نظامی گنجوی ـ تاریخ نظم و نثر درایران ودر زبان فارسی پیش از اسلام تا قرن دهم‌هجری را ذکر کرد.

آثارگرانبهای دیگری‌که از اوبجای مانده وبا تحشیه و تصحیح ونگارش مقدمه‌هائی نشر داده عبارتست از :

قابوسنامه ـ رباعیات‌باباافضل ـ اشعار واحوال خواجو ـ تاریخ بیهقی ـ سیرالعبادالی‌المعاد ـ احوال و اشعار رودکی ـ دیوان قصائدوغزلیات عطار ـ مقطعات ابن‌یمین ـ احوال واشعار شیخ بهائی ـ درپیرامون احوال‌واشعارحافظ ـ تاریخ گیتی‌گشا ـ رساله مجدیه ـ رباعیات عمر خیام ـ شاهنامه ـ ماه نخشب ـ آخرین‌یادگارنادرشاه ـ یزدگرد سوم ـ آثار گمشدهٔ ابوالفضل بیهقی ـ شیخ زاهد گیلانی ـ تاریخچهٔ ادبیات‌ایران ـ پوشکین ـ پیشرفتهای فرهنگی در اتحاد جماهیرشوروی ـ نظامی گنجوی ـ فرهنگنامهٔ پارس ـ نثرمعاصرفارسی ـ ایران درصدوهفتاد سال اخیر ـ پندنامهٔ انوشیروان ـ فرهنگ فرانسه بفارسی ـ تاریخ عمومی قرون معاصر... فرهنگ معروف ناظم الاطباء.

وبالاخره، کتاب حاضرکه در دست اتمام بود ولی اجل

کارش را ناتمام گذاشت.

اخیراً از مسافرت فرانسه بایران برگشته بود . بیماری «آسم» توأم با «قولنج» ونارسائی قلب اورا آزار میداد . سعید را به بیمارستان بردند ودر بیمارستان‌هم دست ازمطالعه ونگارش نکشید واین کتاب را مشغول تصحیح بودکه ازپای درآمد . از سعید چهار فرزند، دو دختر و دوپسر بازمانده‌اند.

سعید نفیسی روزیکشنبه بیست ویکم آبانماه سال ۱۳۴۵ در تهران در بیمارستان درگذشت و دربقعه معروف به (سرقبرآقا) بخاك سپرده شد. رحمة‌الله علیه .

***

از مزایای این کتاب نسبت به چاپ قبلی اینستکه پس از درگذشت مرحوم سعید نفیسی کلیشه ها و عکسهای متعددی بآن اضافه شدکه خوانندگان ملاحظه خواهندکرد. چاپ پیشین جز چند عکس معدود وجود نداشت ولی درچاپ فعلی علاوه بر آنکه از عکسهای چاپ اول استفاده شد چندین عکس وکلیشهٔ اضافی بآن افزوده گردید که بعض آنها در ردیف اسناد مهم تاریخی محسوب میشود.

علی زرین قلم

در پیشگاه تاریخ

درچهل وپنج سال پیش ازین درپایان سال ۱۲۹۹ فصلی از تاریخ ایران درهم نوردیده شد وفصلی ازنو آغاز گردید .
بازماندگان آن دوره چون درآن روزها زیسته اند هنوز پی بشکوه وجلال این فصل نوین نبرده اند. دریغا که گواهان حوادث جهان تا زنده اند نمی توانند خوب و بد روزگاری را که بریشان گذشته است بسنجند وهمیشه تاریخ نویسان باید رنج ببرند وحقیقت را از زیر پرده های خاموشی وفراموشی بیرون بکشند .
درباره دوره ای که از ۴ اسفند ماه ۱۲۹۹ تا ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ بیست سال وچهل ویک روز برایران گذشت می بایست یادگاری که حقیقت جویان تاریخ بپسندند وآنرا وارسته از هرگونه خوش آیندگویی وغرض ورزی بدانند برای فرزندان ایران که قطعاً روز بروز بر مجد وعظمت آن بیشتر پی خواهند برد باقی بماند .
این وظیفه دشوار را من درین اوراق برعهده گرفتم وکوشیدم درهر زمینه دوران پیش از آن را با این دوره بسنجم وایزد داد آفرین گواهست که دست وپایم نلغزید وحق وحقیقت درهر ورق وهر سطر وهر کلمه گواهان من بودند .

تهران- پایان شهریور ماه ۱۳۴۵

سعید نفیسی

تیره روزیهای ایران در دورهٔ فرمانروایی قاجارها

دورهٔ صدوسی‌وچهارسالهٔ فرمانروایی طایفهٔ قاجار بر ایران از ۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ قمری بدترین دورهٔ تنزل و انحطاط کشورما در سراسر تاریخست. آقا محمدخان در دورهٔ تاخت‌وتاز کوتاه خود قسمتی از نواحی ازدست رفتهٔ ایران را در مشرق ومغرب پس گرفت، اما این یگانه پیشرفتیست که قاجارها در دوران فرمانروایی خود کردند و پس ازآن همیشه وهمه‌جا ایران را ناتوان‌تر ساختند.

دورهٔ فرمانروایی سی‌وهشت سالهٔ فتحعلی‌شاه از ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ قمری سراسر دورهٔ سرشکستگی بوده است. نخست نیروی‌ایران دربرابر افغانها چنان سست شد که ناحیهٔ هرات نیز ازدست ایران رفت و بافغانستان پیوست. جنگ اول باروسیه از ۱۲۱۹ تا۱۲۲۸ نه سال تمام کشید ونتیجهٔ‌آن عهدنامهٔ گلستان وازدست رفتن متصرفات ایران درقفقاز بود. جنگ دوم که از ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ سه سال کشید منتهی بعهدنامهٔ معروف ترکمان چای شد که دولت مغلوبی می‌بایست ناچار دربرابر دولت غالبی‌امضا کند وبرتریهایی در خاك خود برای آن بشناسد وازآن پس دول اروپایی هریك آن برتریهارا بدست آوردند واتباع ایشان درایران حکم مخدوم ایرانیان‌را پیدا کردند. درمغرب نیز در ۱۲۲۱ واز ۱۲۲۷ تا ۱۲۲۸ واز۱۲۳۶ تا ۱۲۳۹ سه‌بار درمیان‌ایران و عثمانی‌جنگ در گرفت ونتیجهٔ‌آن نیزازدست رفتن برخی ازنواحی غربی‌ایران شد.

دورهٔ فرمانروایی چهارده سالهٔ محمدشاه از ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ قمری شامل‌جنگ هرات در ۱۲۵۳ وقیام آقاخان محلاتی درهمان سال وبار دیگر در۱۲۵۶ دوره‌ای بود که آنرا مقدمهٔ آشفتگی‌های فراوان دوره‌های بعد باید دانست.

دردورهٔ فرمانروایی چهل و نه سالهٔ ناصرالدین‌شاه از ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ قمری رقابت روس وانگلیس در ایران باوج خود رسید ودولت ناتوان ایران جزآنکه گاهی



شاهنشاه ایران قبل از زمامداری در کسوت فرماندهی دیویزیون قزاق

باین و گاهی بآن تسلیم شود و برای رهایی از درخواست‌های بی‌پایان ایشان منافعی بدولتهای دیگر اروپا و آمریکا که امیدوار بودند زیاده‌رویهای روس وانگلیس راجبران کنند بدهد چارهٔ دیگر نداشتند . این دوره را دورهٔ امتیازهای بی‌حد وحصر باید دانست و در ضمن چادرنشین‌های مسلح شمال وجنوب ایران که بیشتر دست نشاندهٔ بیگانگان بودند روز بروز درراهزنی وپریشان کردن اوضاع گستاخ‌تر ودلیرتر می‌شدند. دولت ایران که خود را در برابر تمدن جدید ناتوان می‌دید یگانه راه توانایی خود را دشمنی وستیزه بارواج تمدن اروپایی و اندیشهای آزادی خواهی می‌دانست وازین رهگذرها روز بروز زندگی برمردم ایران دشوارتر ودامنهٔ بیداد کارگزاران دیوان گشاده‌تر می‌شد . درین دوره نواحی هرات در ۱۲۷۳ ومرو و خیوه در ۱۲۹۹ قمری یکسره از دست ایران رفت .

دردورهٔ فرمانروایی یازده سالهٔ مظفرالدین‌شاه از ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ قمری‌ایران همچنان راه زوال وناتوانی را می‌پیمود تاآنکه منتهی شد بتصویب قانون اساسی در ۱۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۴ قمری .

دورهٔ فرمانروایی دوسال و پنج ماههٔ محمدعلیشاه از ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ قمری دورهٔ بسیار آشفته وپریشان کشمکش وزدوخورد درمیان هواخواهان حکومت‌مشروطه ودرباریان بوده است .

دورهٔ فرمانروایی هفده سال وده‌ماههٔ سلطان احمدشاه از ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۴ قمری را باید بدودوره تقسیم کرد . دردورهٔ اول تا ۲۷ شعبان ۱۳۳۲ شش سال و دوماه سلطان احمدشاه صغیر بود ودوتن نایب‌السلطنه‌کارهای کشور را بدست گرفتند . در دورهٔ دوم که وی مسئولیت‌کارهای ایران‌را برعهده داشت درسراسر جنگ جهانی اول‌از۱۳۳۳ تا ۱۳۳۶ قمری چهارسال خاك ایران میدان‌تاخت وتاز لشکریان وهواخواهان‌متفقین (روس وانگلیس وفرانسه ودیگران) ومتحدین (آلمان واتریش و عثمانی) وپس ازآن گرفتار عواقب وخیم جنگ جهانی بود .

مهمترین مراحل زندگی پهلوان ما

۲۴ اسفندماه ۱۲۵۷ شمسی ولادت شاهنشاه رضاشاه پهلوی فرزند عباسقلی‌خان سرهنگ فوج سواد کوه ازخاندان اصیل ایرانی درروستای الاشت ازتوابع سواد کوه درخاك مازندران .

۵ آذرماه ۱۲۵۸ در گذشت پدر شاهنشاه .

۱۲۷۸ ورود بخدمت بریگاد قزاق درتهران .

۱۲۹۴ رسیدن بدرجهٔ سرهنگی .

۱۲۹۷ رسیدن بدرجهٔ سرتیپی .

۴ اسفندماه ۱۲۹۹ کودتا ورسیدن بدرجهٔ فرماندهی کل قوا .

۷ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۰ رسیدن بپایهٔ وزارت جنگ .

۲۵ تیرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای سران فارس .

اول شهریور ماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای کردان آذربایجان .

مهرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای سران مازندران .

۱۱ مهرماه ۱۳۰۰ پایان فتنه‌ای که درمشهد روی داده بود .

آذرماه ۱۳۰۰ پایان‌سرکشیهای جنگلیان ومیرزا کوچك‌خان درجنگل گیلان.

۱۵ آذرماه ۱۳۰۰ تشکیل ارتش متحدالشکل وانحلال‌قزاق خانه‌وژاندارمری وغیره واخراج بیگانگان ازارتش .

۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۰۰ پایان فتنه‌ای که درتبریز روی داده بود .



هنگام ریاست وزرائی

۱۳۰۱ تأسیس نیروی‌هوایی .

۱۳۰۱ تأسیس ادارهٔ کل طرق وشوارع دروزارت فلاحت وتجارت وفوایدعامه وآغازکار راه سازی .

۱۳۰۲ تأسیس جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران .

۶ آبانماه ۱۳۰۲ رسیدن بپایهٔ نخست‌وزیری .

فروردین ۱۳۰۳ تشکیل کابینهٔ دوم .

۱۶ فروردین ۱۳۰۳ الغای القاب وامتیازات .

۱۶ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۳ ایجاد خدمت نظام عمومی .

۱۰ آذرماه ۱۳۰۳ پایان فتنهٔ خوزستان .

اردی بهشت ماه ۱۳۰۴ تأسیس بانک پهلوی قشون (بانک سپه) .

۱۳۰۴ تأسیس ادارات ثبت‌احوال درشهرستانها .

۱۷ خردادماه ۱۳۰۴ آغاز اقدام بساختمان راه آهن سرتاسری .

۹ آبانماه ۱۳۰۴ پایان زمامداری قاجارها وانتخاب شاهنشاه بریاست حکومت موقتی .

۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ انتخاب مجلس مؤسسان بشاهنشاهی ایران .

۲۶ آذرماه ۱۳۰۴ بتخت‌نشستن شاهنشاه .

۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۰۴ آغاز ساختمان راه‌آهن سرتاسری .

۵ اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۰۵ تاج گذاری .

۷ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۵ ایجاد تلگراف بی‌سیم .

۲۰ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۶ لغوکاپیتولاسیون وانحلال‌دادگستری وتجدیدسازمان آن .

۲۸ امرداد ماه ۱۳۰۷ تأسیس بانک ملی .

۱۳۰۸ تشکیل نیروی دریایی .

۶ خرداد ماه ۱۳۰۹ لغو امتیاز چاپ اسکناس بانک شاهنشاهی ایران .

۱۳۱۰ لغو امتیاز دارسی .

۱۳۱۱ امتیاز جدید نفت شرکت نفت ایران وانگلیس .

۱۳۱۳ مراسم هزارهٔ فردوسی .

۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ تأسیس دانشگاه تهران .

۲۵ تیرماه ۱۳۱۴ تأسیس بانک کشاورزی .

۱۳۱۴ گشایش هنرستان و پرورشگاه یتیمان شاهپور برای ۱۳۰ دختر و ۷۰ پسر .

۱۷ دیماه ۱۳۱۴ نهضت بانوان ورفع حجاب .

۱۳۱۴ وضع نخستین مقررات کارگری .

۱۳۱۶ تقسیم کشور بده استان .

۵ مهرماه ۱۳۱۶ گشایش کارخانهٔ دخانیات .

۲۷ امردادماه ۱۳۱۷ بهم پیوستن راه آهن شمال و جنوب و پایان کار راه آهن سرتاسری .

۱۳۱۸ تأسیس بانک رهنی .

۴ اردی بهشت ماه ۱۳۱۹ افتتاح نخستین فرستندهٔ رادیو .

۲ شهریورماه ۱۳۲۰ رسیدن راه آهن مشهد بنیشابور .

۳ شهریورماه ۱۳۲۰ ورود لشکریان متفقین ازشمال وجنوب بایران .

۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ استعفا از سلطنت و هجرت از ایران .

چهارشنبهٔ ۴ امرداد ماه ۱۳۲۲ درگذشت ناگهانی در شهر یوهانسبورگ در افریقای جنوبی .

۱۷ اردی بهشت ماه ۱۳۲۹ انتقال پیکر شاهنشاه از قاهره بآرامگاه زاویهٔ شاه عبدالعظیم در تهران .

استقلال ایران

ویکتوربرار دانشمند فرانسوی در آغاز کتابیکه درباره انقلاب ایران نوشته است می گوید : « ایران نه ملتست ونه دولت » . این بهترین معرفی از وضع ایران در پایان دورهٔ قاجارهاست و گویندهٔ این سخن نه غرض ورزی و دشمنی کرده و نه مبالغه کرده است . زیرا که ملت یعنی آن جمعی از مردم که درزبان واخلاق وعادات ورسوم ومعتقدات ودین ولباس وزندگی اجتماعی وامید وآرزو وحتی درخشم و غضب و کینه ونفرت یکسان بیندیشند وباهم همداستان وشریك باشند .

راستی هم که درآن زمان ایرانیان درهیچ یك ازین مظاهر انسانی اتفاق کلمه نداشتند و در فصل دیگری که دربارهٔ اوضاع اجتماعی خواهد بود درین زمینه بیشتر سخن خواهم راند .

درآن زمان ایران دولت هم نبود ، زیرا دولت یعنی آن نیروی حاکمه‌ای که از میان مردم برخاسته باشد و مسئول سرنوشت وخوب وبد مردمی باشد که آنرا برانگیخته‌اند . آنست که شب‌وروز برای‌آن مردم دلسوزی کند ، آسایش ونیك‌روزی مردم را ازهرحیث فراهم آورد ، درهرروزی مردم را بسوی پایهٔ دیگری از پیشرفت وترقی و کمال ببرد ، زندگی شبانروزی امروز وفردای آن مردم را ازهرحیث تأمین کند ، حتی نقشه‌های عاقلانه برای آیندهٔ آن‌مردم بکشد ، عرض وناموس وجان‌ومال همهٔ مردم را در کمال خوبی حفظ کند وهمهٔ خطرهای جانی و مالی را دفع کند ، از هیچ وسیلهٔ ارشاد وهدایت خودداری نکند ، یعنی مهربان‌ترین پرستار و سرپرست و

دوست وخدمتگزار ودستیار آن مردم باشد . این صفاتیست که در آن دوره بهیچ وجه درآنچه دولت ایران می گفتند نبود . بیش ازصد سال بود که دولت ایران یکی از ناتوان‌ترین دولتهای جهان بشمار می‌رفت . درروی نقشهٔ جغرافیا مستقل بود یعنی ظاهراً استقلال داشت وجزومستعمرات بشمار نمی‌رفت امـا اگر کسی اوضاع آن روز جهان را درست بسنجد می‌بیند که حال آن ازهرمستعمره‌ای زارتر بود زیرا که دول استعماری لااقل درآبادانی مستعمرات خود می کوشیدند .

کسانیکه آن دوره را درك نکرده‌اند شاید نتوانند بـاور کنند که روزی در کشور مـاهرگاه می‌خواستند هیئت دولتی تشکیل دهند می‌بایست پیش از وقت از بیگانگان اجازه بگیرند وناچار درین صورت فلان کنسول هم حق داشت فلان‌حاکم را در قلمرو خود نپذیرد وحتی تاجرباشی آن کنسول نیز حق رأی داشت .

شاید این نکته راهم نتوانند باور کنند که ایران تنها ازدوهمسایهٔ آن‌روزخود می‌توانست‌وام بگیرد . ازکالاهای‌این‌همسایگان کمتر ازکالاهای کشورهای‌دیگر گمرك می گرفتند تادرایران ارزان‌تر بفروش برسد . اگر این همسایگان مبلغی بایران‌وام می‌دادند دولت ایران نمی‌توانست آنرا بی‌اجازهٔ ایشان خرج کند ومی‌بایست بمصرفی که ایشان تعیین می کردند برساند .

درعهدنامه‌هایی که‌دول اروپا با زیردستان‌خود امضا می کردند حق‌کاپیتولاسیون برای خود می گرفتند وآن‌حق عبارت ازین بود که اتباع ایشان پیروقوانین‌ونظامات کشورخود بودندونه‌قوانین و نظامات کشوری که بآنجا رفته بودند . درایران‌نیزاتباع بیگانه‌این برتری را نسبت بایرانیان داشتند. اگر بیگانه‌ای بیك‌ایرانی‌مبلغی‌مقروض بود تنها کنسول آن‌کشور بیگانه می‌توانست مطابق رسوم کشور خود وی را وادار کند که وام خود را بپردازد وبسا می‌شد که کنسول این‌کاررا نمی کرد و حق ایرانی پایمال می‌شد . هم‌چنین اگر بیگانه‌ای یك‌ایرانی‌را می کشت‌آن قاتل‌را مطابق قوانین

کشورش محاکمه می کردند. محکمهٔ مخصوصی برای این کار از نمایندهٔ کنسول و نمایندهٔ وزارت امور خارجه تشکیل می‌شد و گرنه اعتبار نداشت. بهمین جهت یکی از ادارات مهم وزارت امور خارجهٔ آن روزگار ادارهٔ محاکمات بود و وزارت امور خارجه درهرشهر ایران که اتباع بیگانه درآن بودند مأموری داشت که باو «کارگزار» می گفتند و وی را برای این می‌فرستادند که این گونه حقوق و امتیازات و منافع بیگانگان را حفظ کند.

یك عده از ایرانیان برای تأمین منافع پست خود تبعیت بیگانه را گرفته‌بودند وعده‌ای نیز «تحت‌الحمایه» یعنی دست پروردهٔ بیگانه بودند وایشان نیزهمان‌امتیازها را داشتند. چنانکه اگر یك ایرانی مسلمان تبعه یا تحت الحمایهٔ بیگانگان‌می‌بود کنسول‌آن دولت ارث‌اورا مطابق قوانین‌وحتی عادات ورسوم کشور خود تأمین‌می کرد. بیشتر از کنسولگریها عضو زبردستی داشتند بعنوان«تاجر باشی» که مرد توانایی‌بشمار می‌رفت وسرنوشت اقتصاد قلمرو وی بدست او بود.

یکی ازجنبه‌های بسیار شگفت حق‌کاپیتولاسیون این بود که درتهران قصابانی بودند که تبعه وتحت‌الحمایهٔدولت انگلستان بشمار می‌رفتندونرخ گوشت رابی‌رضایت وموافقت سفارت انگلستان نمی‌توانستند تعیین بکنند. هر جنایتکاری می‌توانست باصطلاح‌آن‌روز درسفارت‌خانه‌ای‌یا کنسول‌خانه‌ای «بست بنشیند» یعنی‌برای‌اینکه از کیفر ومجازات رهایی بیابد بآنجا پناه ببرد وبسا شد که کسانی درسفارت‌خانه‌ای یا کنسول‌خانه‌ای بست‌نشستند وبمقصود خود رسیدند.

بطریق اولی هربدکاری که از ایران بیرون می‌رفت از هر کیفری در امان بود زیرا که قرار داد استرداد مجرمین تنها درمیان کشورهایی بسته می‌شد که خود را با یك دیگر برابر می‌دانستند و کشورهایی مانندایران یا کشورهای استعماری راپست‌تر از خود می‌شمردند.

در ایران دامنهٔ این امتیازات بجایی رسیده بود که چون جایگاه تابستانی سفارت انگلستان در قلهک بود سراسر آن آبادی جزو خاک انگلستان شمرده می‌شد و نه‌تنها شهربانی ایران حق دخالت درکارهای آنجا را نداشت حتی کدخدای قلهک‌را سفارت انگلستان عزل ونصب می کرد. جایگاه تابستانی‌سفارت روسیهٔ تساری هم در زرگنده بود وآن سفارت نیز همان امتیازات رادرآن‌ناحیه داشت.

عواقب اقتصادی این امتیازات بمراتب بیش از زیانهای سیاسی واجتماعی آن بود زیرا که اساساً این گونه عهدنامها برای تأمین سود دولتهای بزرگ بزیان‌دولتهای کوچک بود. چند بار که درایران‌کارخانه‌ای برای تولیدکالای ضروری ساختند چون کالای این‌کارخانه ارزان‌تراز کالایی که ازآن کشور وارد می کردند تمام می‌شد ازیك طرف بهای کالای خودرا موقتاً وبحالت‌مصنوعی پایین بردند وازطرف دیگر فشارآوردند تاآن‌کارخانه‌را ببندند وکارخانهٔ قند کهریزك وکارخانهٔ نخ بافی تهران همین سرنوشت را پیدا کرد. برخی از امتیازات در گوشه‌و کنار ایران‌باعث خونریزی هم شده‌است.

بدین گونه جای تردید نیست که بیش ازصدسال استقلال ایران درمنتهی درجهٔ سستی ولرزندگی بود وباندك بادی ممکن بود ازپای درآید. چندین بار کشور ماتا پای پرتگاه زوال وانقراض رسید وتنها حوادث روزگار واوضاع‌جهان استقلال ایران را نجات داد.

کسانیکه مرزهای ایران را در دویست سال پیش درنظر بگیرند و بامرزهای ایران درپایان دورهٔ قاجارها بسنجند می‌بینند که درین دوره یك ثلث از خاك ایران ازدست رفته است.

در دورهٔ صفویه دولت ایران یکی ازنیرومندترین ومشهورترین دولتهای جهان بود وحتی بارها دولتهای بزرگ اروپا پیروی ازسیاست‌ایران درجهان کردند. ایرانیان نیروهای دولت پرتغال راکه یکی ازنیرومندترین دولتهای آن روزگار بود ازخلیج

فارس راندند و دستهای ایشان را از جزایر خلیج کوتاه کردند ، اما تدریجاً ناتوانی ایران بجایی رسید که درمجلس صلح ورسای درپایان جنگ جهانی اول نمایندگان بسیاری از کشورهای کوچك راپذیرفتند وبنمایندهٔ ایران‌راه ندادند وحتی ازشنیدن سخنان ایرانیان خودداری کردند .

سالیان دراز ایران با همسایگان خود اختلافهای سرحدی داشت که بپایان نمی‌رسید زیرا که البته دعاوی دولت ناتوانی را کسی‌نمی‌پذیرد . دربن‌مدت چندین بار سپاهیان بیگانه برای اینکه دولت ایران را بتسلیم در برابر خود وادار کنند وارد ایران شدند و حتی یك بار تا چند فرسنگی شمال تهران رسیدند . حتی در یکی ازقراردادها قید کرده بودند ایرانیان در ارتش ایران نباید از پایهٔ سرهنگی ببالا بروند . بسیاری از اعیان واشراف وملاکان وسرمایه‌داران ایران بودند که یا رسماً تبعه و یا تحت الحمایهٔ بیگانگان بودند و مستشار مالیه امریکایی ایران که خواست مالیات یکی ازین تحت الحمایگان را وصول کند در نتیجهٔ نزدیك شدن سپاهیان بیگانه بتهران ناچاراز ایران رفت.حتی اتفاق افتاد که دولت ایران‌خواست وزیر مختار خود را دریکی ازپایتختهای اروپا عزل کند واز عهده برنیامد .

ورود سپاهیان بیگانه ازراه بوشهر بتنگستان ودشتی و دشتستان و ازراه جلفا بتبریز و کشتارهای‌ایشان مخصوصاً در تبریز ورشت وبمباران گنبد امام هشتم درمشهد ازحوادث بسیار ناگوار دورهٔ زمامداری قاجارهاست که هریك از آنها درخور کتابی جداگانه است .

دربرخی از موارد عدهٔ افراد ارتش ایران را معین کرده بودند و دولت ایران حق‌تجاوز ازآن عده را نداشت . دزدان وراهزنان ومردم‌چادرنشین مسلح رابسرکشی تشویق وتقویت میکردند و در بیشتر حوادث داخلی و غارتگریهایی که روی می‌داد دست بیگانه درکار بود . تقریباً درهر گوشه از ایران گردن‌کشی بود که از خارج

اورا نیرو می‌دادند.

اسنادی که ازپایان دورهٔ حکمرانی قاجارها درایران مانده است نشان میدهد که استقلال ایران چگونه سست ولرزان بود و چگونه مردم کشور ازآینده مأیوس بودند وتصور نمیکردند روزی برسد که ایران کاملا مستقل باشد.

در۱۹۰۷ میلادی عهدنامه‌ای درمیان روسیه وانگلستان بامضا رسید و ایران‌را بسه منطقه تقسیم کردند.

درشمال منطقهٔ نفوذ روسیه بود ودرآن منطقه دولت ایران حق نداشت امتیازی بانگلیسها بدهد.

درجنوب منطقهٔ نفوذ انگلیس بود واتباع روسیه نمیتوانستند درآنجا امتیازی بدست آورند. درمیان این منطقه یك منطقهٔ بیطرف بود که درآن اتباع هردو دولت حق امتیاز داشتند. یك نقشهٔ ایران بخط وزبان فارسی چاپ کرده بودند وحدوداین سه منطقه را درآن معلوم کرده بودند.

در سال دوم جنگ جهانی اول در۱۹۱۵ عهدنامهٔ محرمانه‌ای بسته شد ودرآن عهدنامه منطقهٔ بی طرف را از میان برده وایران را بدو منطقهٔ نفوذ روسیه‌وانگلستان تقسیم کرده بودند. این برتریهایی را که بیگانگان برای خود قایل بودند کاملاحق مشروع خود می‌دانستند زیراکه پس از شکست ایران‌در۱۲۴۳ قمری یعنی۱۴۳سال پیش‌ازین که درمیان روسیه وایران عهدنامهٔ ترکمان چای بسته شده‌بود درآن عهد- نامه برای‌دولت غالب حقوق ومزایایی منظور کرده بودند. پس ازآن دولتهای دیگر که عهدنامه‌ای با ایران امضا کردند همان حقوق وامتیازات را برای خود گرفتند و آنرا حقوق «دول کاملةالوداد» نام گذاشته بودند.

یکی از مظاهر حقوق کاملةالوداد همان حق کاپیتولاسیون بود. این برتری که بیگانگان‌نسبت بایرانیان‌داشتندسبب شده بود که درحقیقت‌مردم ایران‌بیگانگان

را موجودخارق‌العاده و برتراز خود می‌پنداشتند وچنان در برابر ایشان مرعوب بودند که نه تنها پیروی از یشان بلکه‌تشبه بآنان را وسیلهٔ مباهات‌وبرتری خودمی‌دانستند.

یك نکتهٔ جالب اینست که درتهران چندمدرسه بود که بیگانگان اداره‌می‌کردند و کودکان ایرانی را زبان ورسوم و عادات خود می‌آموختند . پدرانیکه پسران متعدد داشتند هریك را بیکی ازین مدرسه‌ها می گذاشتند تا سیاست هر کدام غلبه می کرد از آن بهره‌مند گردند ولی نتیجه معکوس بود زیرا هر برادری بسته باحساساتی که درو تولید کرده‌بودند با برادران دیگرخود اختلاف عقیده‌ای داشت که ناشی از اختلاف سیاست مدیران مدرسه‌ای بود که در آنجا تربیت شده بود . بدین گونه ایرانیان در برابر استیلای بیگانگان چنان مرعوب شده بودند و خود را نسبت ببیگانه خفیف وسرشکسته می‌دیدند که هر اتفاقی درزندگی داخلی‌خانواده‌ای‌روی می‌داد آنرا نتیجهٔ تحریك بیگانگان می‌دانستند . درهرجای ایران کسانی بودند که آشکارا از انتساب ببیگانه فخر می کردند و آنرا باعث رونق و پیشرفت کار خود می‌دانستند .

یکی از مظاهر این سرشکستگی این بود که هر وقت می‌خواستند قدمی در اصلاح بردارند از یکی از کشورهای بیگانه مستشار می‌آوردند . اما حق نداشتند ازهر کشوری که می‌خواستند مستشاربگیرند واز کشوری میآوردند که همسایگان با موافقت یك دیگر معین میکردند .

این اصول باعث شده بود که همهٔ مظاهراستقلال کشور از ارتش گرفته‌تااقتصاد ودادگستری وامنیت داخلی وشهربانی وپست وتلگراف‌وگمرك دردست بیگانگانی بود که گاهی هم عنوان وزیر بایشان می‌دادند . پیداست که این مستشاران مصلحت‌ایران رارعایت نمیکردند زیرا در کار خود اندك آزادی نداشتند واگر در کاری پیشاپیش اجازه نگرفته بودند بهر گونه مانع برمیخوردند . چنانکه مرگان شوستر مستشار

معروف مالیهٔ ایران که گستاخی کرده وخواسته بود مالیات پس‌افتادهٔ یکی از تحت‌ـ
الحمایگان بیگانه‌را وصول کند ناچار شد در برابر تهدید کارگزاران روس ورسیدن
سپاهیان روسیه بینگی امام بیرون دروازهٔ تهران از ایران برود .

ناگوارترین مرحلهٔ این مداخلات اینست که مدتهای مدید ببهانهٔ امنیت و
پاسبانی ازاتباع خود وحفظ منافع ایشان لشکریان بیگانه درولایات وشهرهای ایران
بوده‌اند و چنانکه پیش ازین اشاره رفت در شهرهای مختلف حوادث ناگواری پیش
آورده‌اند و کسانی را که معلوم نیست چه گناهی داشته‌اند بی‌آنکه محاکمه بکنند
تنها بفرمان وفتوای افسری یا کنسولی ویا مأموردیگری روز روشن بدار زده‌اند واین‌ـ
گونه‌کارها راحتی در مستعمرات خود نمی کردند ودرآنجا اگر می‌خواستند کسی را
نابود کنند برای حفظ ظاهر محاکمه گونه‌ای می کردانند .

یکی ازمظاهر مداخلات بیگانگان در جزییات امور اقتصادی این بود که در
برخی از مراکز اقتصاد کشور مردی راکه هیچ برتری نژادی و موروثی و اکتسابی
وعملی نداشت عنوان تاجرباشی می‌دادند تاواسطهٔ دادوستدهای ایشان‌باشد ووی‌بمنتهی
درجه مغرور بود چنانکه درخیابانها که درشکه می‌تاخت درشکه‌چی او خودرا بالاتر
از آن می‌دانست که رعایت مردم رهگذر را بکند و خبردار بگوید زیرا اگر کسی
آسیبی می‌دید بازخواستی درمیان نبود .

یکی ازمظاهر بسیار زنندهٔ این مداخلات و ناتوانی دولتهای ایران در برابر
بیگانگان اینست که درجنگ جهانی اول که متفقین یعنی روسیه وانگلستان وفرانسه
بامتحدین یعنی آلمان واتریش وعثمانی در زدوخورد بودند وهردو ایران رانیزمیدان
جنگ کرده بودند باآنکه ایران اعلان بی‌طرفی کرده بود افسران سوئدی که برای
تعلیم ژاندارمری آمده بودند هواخواه آلمانها ومتحدین بودندوباافراد ایرانی‌واسلحهٔ
ایرانی وبودجه‌ای که ازخزانهٔ ایران می گرفتند حتی در نزدیکی تهران باسپاهیان

متفقین جنگ کردند وعده‌ای از سیاست مداران برای پیوستن بکارگزاران آلمان از تهران رفتند وبایشان «مهاجرین» گفتند . درجنوب ایران نیزکارگزاران مستعمرات انگلستان عده‌ای ازایرانیان رابنام «پلیس جنوب» مسلح ومزدور کردند .

نکته‌ای که هیچ مورخ منصفی ردنخواهد کرد اینست که ایران درسراسرتاریخ خود زیانی راکه از دورهٔ قاجارها برده از دورهٔ دیگر نبرده‌است زیرا که حتی مدت استیلای بیگانگان باندازهٔ دورهٔ صد وسی‌وچهارسالهٔ فرمانروایی قاجارها نبوده است .

دراین‌دوره بزرگترین‌زیانی که ایران درتاریخ‌خودبرد این بود که پیش‌ازآن‌همیشه از هیچ کشوری درتمدن وعلم ومعرفت عقب نبود ودررردیف متمدن‌ترین ملل جهان‌بشمار می‌رفت وبسیاری ازملل دیگر ازتمدن‌ایران برخوردار می‌شدند . اگر بتاریخ‌تمدن جدید بنگرید می‌بینید که همهٔ این بساط عظیم واین دستگاه مهم تمدن جدیددرصد سال ازآغاز قرن نوزدهم تاآغاز قرن بیستم میلادی فراهم شده است واین درست‌همان موقعیست که ایران درنتیجهٔ حکمرانی قاجارها درمنتهای ناتوانی وپریشانی بوده است ونه تنها نتوانسته است درتمدن جدید انبازباشد بلکه ازقافلهٔ تمدن یکسره عقب‌افتاد و هنگامی که ازین خواب صدساله برخاست فرصت ازدست رفته بود ومی‌بایست برای پذیرفتن تمدن جدید دوبرابر دیگران رنج ببرد .

شکی نیست که جهان امروز جهان دانش وهنر و تمدنست وهر کسی ازکاروان دانش وهنر وتمدن بازبماند زندگی اوهمیشه قرین دریغ وحسرت خواهد بود والبته روزی راکه پایان این درماندگی باشد روزجشن وشادی خواهد گرفت ومرد بزرگی که آن روز کاررا سپری کرده است همیشه درتاریخ احترامی خاص خواهد داشت .

مردان بزرگ درتاریخ فراوانند ودرهر دوره‌ای کسانی بوده‌اند که دررشته‌های مختلف‌کارهای مهمی کرده‌اند که درتمدن اساسی بشمار رفته وآدمی زادگان از آن بهره‌مند شده‌اند . درمیان این مردان بزرگ کسانیکه پایه گذار تمدنـی بوده‌اند و روزگار نابهرگی‌را بپایان رسانیده‌اند وبنیادی گذاشته‌اند که‌پس ازیشان‌نیزمانده‌است

و بنام ایشان در تاریخ خوانده شده است چندان فراوان نیستند . رضا شاه پهلوی از کسانی بوده‌است که سرنوشت ایران‌را دگرگون کرده ومسیر تاریخ‌را تغییرداده‌است. دوره‌ای که وی شهریار ایران بودهمیشه درتاریخ عنوان خاصی خواهد داشت . در مباحث آیندهٔ این کتاب خوانندگان درخواهند یافت که پس از تأمین استقلال ایران چه‌کارهای بزرگی در امنیت کشور وتشکیل ارتش نوین واصلاحات اداری و قضایی و اجتماعی واقتصادی وپیشرفت کشاورزی وهنرودانش‌وفرهنگ ووسایل ارتباطوبهداری عمومی یعنی در نهادن پایه‌های اساس تمدن جدید در دورهٔ شهریاری این شاهنشاه بپایان رسیده است .

گامهای بلند که درین دوره در راه تأمین استقلال ایران برداشته شده شامل این نکات بسیار مهمست :

نخست اخراج عناصر بیگانه ازارتش ایران ، یکی‌ازیادگارهای شوم دوران ناتوانی آن بود که دولت ایران خود ازعهدهٔ اداره کردن و امنیت کشور برنمی‌آمد و چنانکه پس ازین نیز بحث خواهم کرد همهٔ نیروی دولت برای امنیت و اداره کردن کشور باین بزرگی که ۱۶۴۴۰۰۰ کیلومترمربع‌مساحت‌دارد منحصر بیك‌دیویزیون قزاق باافسران روسی ویك‌عده ژندارم باافسران سوئدی ویك بریگاد مرکزی بود که آنرا هم باافسران سوئدی سپرده بودند . پیداست که فرماندهی بیگانگان در ارتش کشوری چگونه بنیاد ملیت واستقلال آن کشور را سست می کند . بهمین‌جهت تشکیل یك ارتش ملی ورهایی نیروی نظامی ایران از عناصری که هریك تابع یك سیاست دیگر بودند چگونه درتأمین استقلال ایران موثر بوده است . درضمن این اقدام مهم دراوضاع داخلی کشور ازجهت دیگر مؤثر بوده است وروح دوگانگی و اختلافی که درمیان‌افراد قزاق وافراد ژاندارم بواسطهٔ احساسات فرماندهشان بوده است‌بدین‌وسیله ازمیان رفته ومتحدالشکل شدن ارتش قهراً اتحاد فراهم کرده است .

نکتهٔ‌دوم اینست که‌درنواحی مختلف ایران‌مخصوصاً درمجاورت مرزهاعناصری

بودند که فرمان‌بردار حکومت مرکزی نبودند و پیروی از نیات دولت نمی کردند و سرانشان دست نشاندهٔ بیگانگان بودند. ناچار برای تأمین استقلال کشور می‌بایست دستشان ازکار کوتاه شود. درین زمینه شاهنشاه ایران کارهای بسیار مهمی برای دفع سرکشی‌ها و فتنه‌ها در خراسان وآذربایجان وخوزستان و گیلان و فارس و لرستان و کردستان و استراباد ومازندران وسیستان وبلوچستان کرد.

می‌توان گفت درمدت سه‌سالی که پس‌از تشکیل ارتش متحدالشکل باین کارمهم مشغول‌بودند درحقیقت برخی از نواحی ایران راکه ازحکومت مرکزی جداشده ودم از نافرمانی می‌زدند دوباره بایران پیوستند ومانند آن‌بود که آنهارافتح کرده باشند. دربرخی ازین نواحی بنیادی گذاشته شده‌بود که ممکن بود نتایج وخیم داشته باشد. ازآن جمله رابطهٔ خراسان مدتی بود که باحکومت مرکزی گسسته شده بود. در آذربایجان نیز سرکشی قیام کرده ورابطه‌ای باپایتخت نداشت. خوزستان نیزسالیان درازبود که مستقل وازایران‌جدا شده‌بود وشیخ خزعل پیشوای‌اعراب محمره(خرم‌شهر) خودرا پادشاه مستقلی می‌دانست ومالیات رابنام‌خود می گرفت وبابیگانگان‌قرارهایی بمیل خود می گذاشت. درنواحی دیگر چادرنشینان مسلح وراهزنان هریك‌استقلالی داشتند وپیوسته همسایگان خود ومسافران را غارت می کردند. بهمین جهت برای تأمین امنیت واستقلال لازم بود که بتاخت و تازهای جنگلیان در گیلان و سرکشان ماکو وساوچبلاغ (مهاباد) وبجنورد وقوچان وچادرنشینان‌قشقایی وبختیاری وشاهسون ومریوان واورامان وسنجابی وکلهر وایلات خمسهٔ فارس‌واعراب بنی‌طرف درخوزستان ودشتی ودشتستان وممسنی وبلوچ وطوایف مختلف لرستان خاتمه بدهند وهریك‌ازین وقایع ازمباحث مهم تاریخ این دوره است.

قدم مهم دیگری که درراه استقلال ایران برداشته شد لغو قرارداد سال ۱۹۱۹ میلادی باانگلستان بودوتفصیل آن باختصار اینست که پس ازجنگ جهانی اول وازپا

درآمدن متحدین و نیرو گرفتن موتلفین درسیاست جهان و پیش آمدن انقلاب روسیه و استقرار رژیم کمونیست درآن کشور و برخی پیشامدها درمرزهای شمالی ایران دولت انگلستان که منافع خودرا درایران درخطر می‌دید وازآن جنگ بسیار بهره‌مندشده و درنتیجهٔ تجزیهٔ دولت عثمانی سرزمین عراق را نیز تحت‌الحمایهٔ خود کرده‌بود ومنتهای ناتوانی مادی ومعنوی ایران را می‌دید قراردادی بادولت ایران امضا کرد که بموجب آن دولت‌ایران اینك که تعادل درمیان سیاست روس وانگلیس‌بهم خورده ودیگرمانعی دربرابرانگلستان‌نبود امورمالی‌ونظامی‌خودرا بمستشاران وفرماندهان انگلیسی‌بسپارد. پیداست که این قرارداد درحقیقت استقلال ایران را از میان می‌برد وایران را دست نشاندهٔ انگلستان می کرد تاجایی که قرار گذاشته بودند ایرانیان ازدرجهٔ سرهنگی ببالاتر نروند . برای این‌کار نیروی‌نظامی راکه درجنگ ببهانهٔ امنیت فارس‌وکرمان وخوزستان ازافراد ایرانی و افسران بیگانه تشکیل داده بودند ظاهراً منحل کردند و درصدد برآمدند مالیه و اقتصاد ایران را نیز بکارگزاران انگلیسی بسپارند و چند تن ازیشان مدتی درایران ماندند .

این‌کارهای اساسی که پی‌درپی‌ویکی پس ازدیگری بپایان می‌رسید سبب‌شد که مردم‌ایران اندك‌اندك ازخواب صدساله برخاستند واین‌کارهای مهم رایك‌یك‌می‌دیدند واوضاع را باگذشته می‌سنجیدند .

بهمین جهت در مهرماه ۱۳۰۳ جنب وجوش در گرفت و از گوشه و کنار مردم نفرت دیرین‌خودرا نسبت بزمامداران‌قاجار آشکار کردند ودیگر کسانی راکه‌نتوانسته بودند ایران را از آن حال سستی بیرون بیاورند شایستهٔ فرمانروایی ندانستند .

سرانجام در ۹ آبانماه ۱۳۰۴ مجلس‌شورای ملی ایران بخلع خاندان قاجار از سلطنت ایران رأی داد ومجلس مؤسسان برای تعیین سرنوشت ایران تشکیل شد ودر ۲۱ آذرماه نمایندگان‌ملت‌ایران‌تاج وتخت‌چندهزارسالهٔ خودرابشاهنشاه رضاشاه‌پهلوی

سپرد وبدین گونه حق خدمات چند ساله را شناخت وسپس در روز یکشنبهٔ ۴ اردی-
بهشت ماه ۱۳۰۵ شاهنشاه تاج برسر نهاد .

پیش ازین اشاره رفت کـه چگونه عهد نامهای سابق سدی در برابر استقلال ایران بود . پس از الغای حق کاپیتولاسیون قهراً می بایست عهدنامهای تازه‌ای در میان ایران و کشورهای دیگر بسته شود وعهدنامهای سابق رالغو کنند . دولت شوروی در آغاز تشکیل خود عهدنامهایی راکه ایران باروسیهٔ تساری امضا کرده بـود لغو کرد وناچار عهدنامهٔ ترکمان چای که اساس‌ومبنای عهد نامهای ایران با کشورهای دیگر بود ازمیان رفت واینك موقع آن رسیده بود بادولتهایی که سابقاً عهدنامهایی باایران داشته‌اند عهدنامه‌یی منعقد شود که درآنها هیچ برتری‌دربارهٔ اتباع بیگانه‌نسبت‌باتباع ایران قابل نشوند .

بدین گونه پس‌ازالغای حق کاپیتولاسیون عهدنامهای جدیدی بادولتهای‌شوروی وترکیه و افغانستان وعراق وآلمان واتریش وبلژیك وچین و دانمارك ومصر واستونی ودول متحدهٔ آمریکای شمالی وفنلاند وفرانسه وانگلستان ویونان و حجاز و نجـد و مجارستان وایتالیا وژاپون ولتونی ولیتوانی ونروژ وهلاند ولهستان وسوئد و سویس و چکوسلاواکی پی‌درپی بامضارسید ودرهمهٔ این عهدنامها شئون وحیثیات دولت‌ایران کاملا رعایت‌شده وبرابری‌کامل برقرار گشته است . چنانکه پس‌ازین ددبارهٔ اصلاحات قضایی بحث خواهم کرد اندیشهٔ الغای حق کاپیتولاسیون درآغاز سال ۱۳۰۶ پیش‌آمد ودریك سال این نتایج بسیار مهم فراهم شد .

درضمن الغای عهدنامهای سابق دولت‌ایران امتیازهای زیان‌بخش راکه سابقاً بیگانگان‌داده‌بودند ویادگاردوره‌ای بود که مردم ایران بحقوق‌مشروع خودپی نبرده بودند وزیانهای اقتصادی و اجتماعی وسیاسی فراوان دربرداشت لغو کرد از آن جمله امتیازهای راهداری و کشتی رانی وتلگراف وامتیاز حفریات علمی بدولت فرانسه‌بود

که لغو شد وشیلات دریای خزر که امتیاز آن با بیگانگان بود بصورت شرکت ایرانی درآمد وامتیاز انتشار اسکناس بتوسط بانك شاهنشاهی ایران نیز درین دوره لغو شد.

یکی از مظاهر آشکار استحکام استقلال ایران توجهی بود که در خارج از کشور ما درمحافل مختلف نسبت با ایران پیدا شد و ایران درسیاست بین‌الملل اعتباری یافت که پیش از آن مطلقاً نداشت وبهمین جهت رؤسای دولتها ومردان سیاست جهان که در زمانهای گذشته با ایران نیامده بودند نسبت با ایران متوجه شدند و سفرهایی با ایران کردند که مهم‌ترین آنها بدین قرارست : امیرامان‌الله‌خان پادشاه سابق افغانستان در ۱۳۰۷ . جعفر پاشا عسکری وزیر جنگ عراق در ۱۳۰۹ . رشدی آراس وزیر امور خارجهٔ ترکیه در ۱۳۱۰ . ملك فیصل پادشاه عراق و نوری سعید رئیس الوزرای آن کشور در ۱۳۱۱ . امیر فیصل ولیعهد حجاز ونجد در ۱۳۱۱ . کلراخان قایم مقام کمیسر امور خارجهٔ شوروی در ۱۳۱۲ . گوستاوآدلف ولیعهد سوئد در ۱۳۱۳ . نوری سعید وزیر امور خارجه عراق باردوم در ۱۳۱۴ . شاه محمودخان وزیر جنگ افغانستان در ۱۳۱۵ . دکتر شاخت‌وزیر اقتصاد آلمان در۱۳۱۵ . دکتررشدی‌آراس وزیرامور خارجهٔ ترکیه وفیض‌محمدخان وزیر امور خارجهٔ افغانستان وناجی‌الاصیل وزیر امور خارجهٔ عراق در۱۳۱۶ .

در جامعهٔ ملل و در مجامع بین‌الملل که درین دوره تشکیل یافت همه جا نمایندگان ایران با نمایندگان کشورهای مستقل جهان همدوش بوده‌اند چنانکه‌در کنفرانس خلع سلاح ودیوان داوری بین‌الملل مقام خاصی داشته‌اند ودرشورای جامعهٔ ملل انتخاب شده‌اند ویك بار نمایندهٔ ایران بریاست شورای جامعهٔ ملل انتخاب‌شدو اینها همه مظاهر استقلال تام ایران و بدست آوردن اعتبار واهمیت خاص در سیاست جهانست .

آخرین قدمی کـه درین دوره پیش از جنگ جهانی دوم برداشته شده امضای

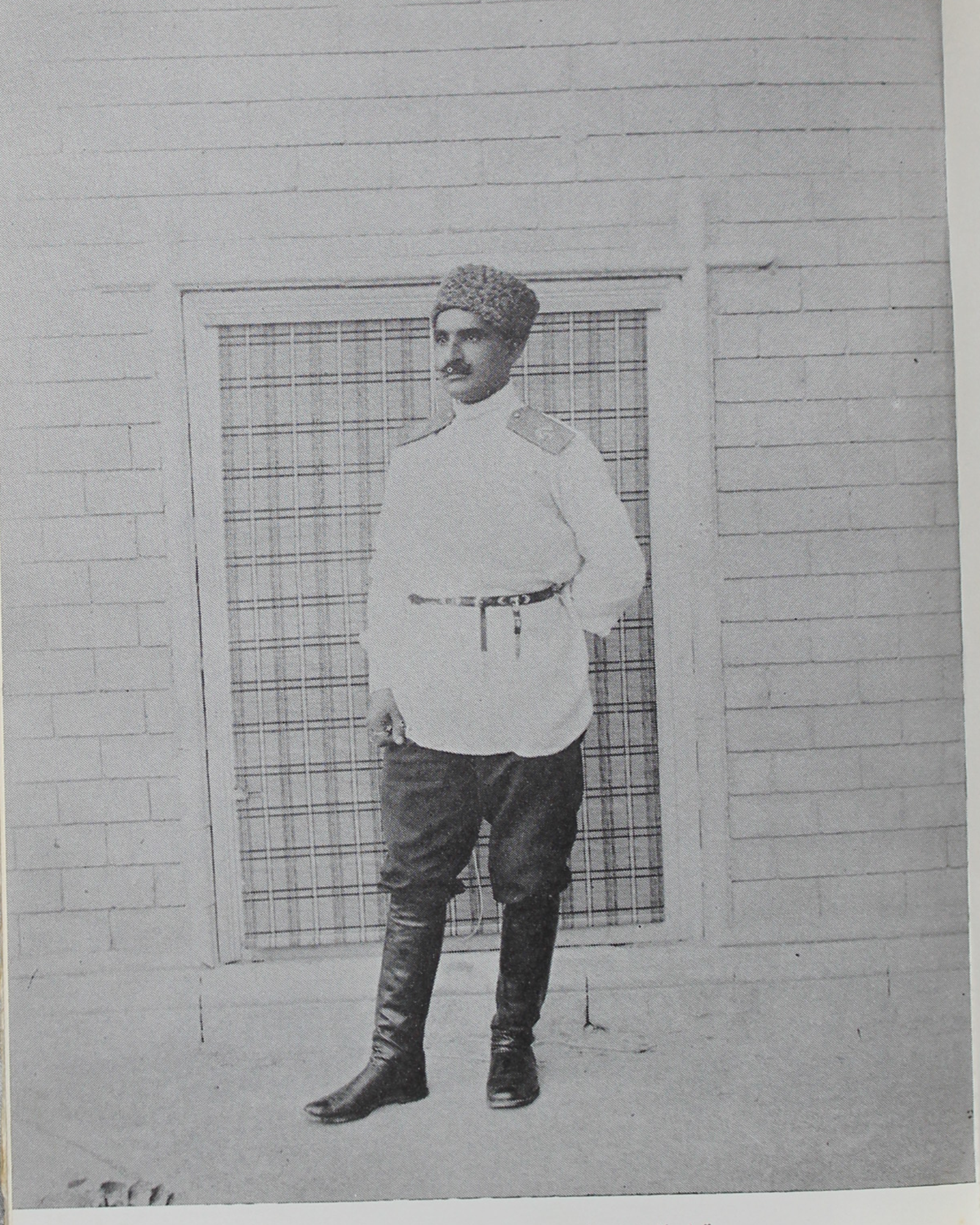
پاکت سعدآباد درمیان ایران وعراق وترکیه وافغانستانست که وزرای امور خارجهٔ چهار کشوردر ۱۳۱۶ درکاخ سعدآباد آنرا امضا کردند واتحادی برای حفظ منافع یك دیگر فراهم ساختند . انعقاد این پاکت بهترین دلیل رشد سیاسی ایران شد زیرا که ابتکار آن بادولت ایران‌بود ونخستین بار بود که درآسیا عهدنامه‌ای درمیان چنددولت بسته میشد .

دیگر ازمظاهر استقلال سیاسی‌ایران درجهان‌آن‌روز اینست که درهر کشوری رعایت حقوق ایران را نکرده‌اند ایران نیروی آنراداشته است اعتراض کندچنانکه یك بار بواسطهٔ بی‌احترامی که بایران کرده بودند روابط سیاسی خود را با دولت فرانسه وباردیگر بادول متحدهٔ آمریکای شمالی قطع کرد وآن دولتها دررفع کدورت ایران برخاستند .

امنیت کشور

درسراسر دورهٔ قاجارها ناامنی همهٔ ایران را فرا گرفته بود . پادشاهان صفوی پس ازجان فشانی‌های بسیار ایران را که درنتیجهٔ ضعف تیموریان ازهم گسیخته بود دوباره استقلال بخشیدند وباهم تألیف وترکیب کردند و ناچار دست عناصر فتنه‌جوی وماجری‌جوی کوتاه شده بود . مخصوصاً درسلطنت شاه عباس اول امنیت کامل درایران فراهم‌شده‌بود وتجارت وصنعت رونق‌کامل داشت . پس‌ازوی‌اندك اندك صفویان‌ناتوان شدند واز گوشه و کنارسر کشان برخاستند و منتهی بفتنهٔ افغان شد ویکی‌ازسیاه‌ترین روزهای تاریخ در ایران پیش‌آمد . نادرشاه دوباره امنیتی فراهم ساخت و سر کشان را بجای خود نشاند اما دورهٔ فرمانروایی وی چندان نکشید و پس ازو دورهٔ پریشانی روی داد و کریم‌خان زند نتوانست همهٔ ایران را فرمان بردار خود کند . افغانستان از ایران جدا شد و بازماندگان نادرشاه خراسان را از دست ندادند و در نواحی دیگر گاه گاه سرکشانی برمی‌خاستند ازآن جمله قاجارها بودند . روی هم رفته دورهٔ کریم خان هم دورهٔ آسایش و امنیت کامل نبود . پس از کریم خان اوضاع وخیم‌تر شد ودر دورهٔ صد وسی وچهار سالهٔ استیلای قاجارها هرگز ایران از امنیت برخوردار نشد .

درین دوره گذشته ازچادرنشینان مسلح وراهزنانی که جان‌ومال مردم راهگذر ازتاخت وتازهای ایشان درامان نبوده است چند بار که پادشاهی ازمیان رفته‌مدعیانی برمی‌خاسته‌اند وجنگهای داخلی درمی گرفته است . چنانکه پس ازمرگ فتحعلی‌شاه و محمد شاه مدتی درمیان مدعیان کشمکش برپابوده است .



قبل از زمامداری ــ در لباس فرماندهی کل قوا

ذکر ناامنیها وجنگهای داخلی که سراسر تاریخ قاجارها رافرا گرفته است در خور کتاب بزرگیست ومن تنها بحوادث پایان این‌دوره تا ۱۲۹۹ قناعت می کنم.

درین دوره قوهٔ حاکمه ودولت مرکزی تنها برقلمرو محدودی دراطراف‌تهران فرمانروایی داشت‌ودرهرناحیه‌ای سرکشانی‌بودند که ذکرایشان پس‌ازین‌خواهدآمد.

چنانکه سابقاً باختصار اشاره کردم خوزستان که در زمانهای قدیم یکی از آبادترین‌نواحی ایران وسرزمین زرخیزی‌بوددرنتیجهٔ ناتوانی‌دولت یکی‌ازویران‌ترین ولایات ایران شده‌بود و منابع ثروت و کشاورزی آن ازکار افتاده بود. چادرنشینان عرب مانندبنی‌طرف وبنی کعب ازسالیان‌درازدرآنجا رخنه کرده‌بودند وتقریباًدرمدت سی‌سال این سرزمین تاریخی ازایران جدابود وازحکومت مرکزی پیروی نمی کردو حتی شیخ‌خزعل که دم ازاستقلال می‌زد مالیات را بنفع خود می گرفت وبابیگانگان روابط شخصی داشت.

لرستان نیز همواره میدان تاخت و تاز چادرنشینان غارتگر لربود و از زمان کریم‌خان‌زند ببعد رابطهٔ لرستان باحکومت مرکزی گسسته شده‌بود وازیك سوی تا خوزستان‌وازسوی دیگرتاسرزمین‌اراك وسلطان‌آبادهرمسافروکاروان‌وبازرگانی که از آنجا می گذشت دوچار کشتار وتاراج می‌شد.

ناحیهٔ کرمانشاهان نیز ازقدیم میدان سرکشی چادرنشینان کلهر و سنجابی و گوران وجز آن بود و حوادثی پیش می‌آوردند که تامدتی دولت مرکزی‌را گرفتار می کرد.

کردستان هم پس از کریم‌خان‌زند یکسره ازحکومت مرکزی جدا شده بود وطوایف کرد مانند اورامانی ومریوانی و گلباغی ومکری وکلیایی نه‌تنها پیوسته‌بایك دیگر در زدوخورد بودند واز حکومت مرکزی پیروی نمی کردند وکارگزاران آنرا بخود راه نمی‌دادند بلکه برهمسایگان خود نیز می‌تاختند ودولت ایران ناگزیربود

هر چند یك بار نیرویی برای دفع آنها بفرستد ولی با این همه کوششها نمی‌توانست ایشان را فرمان بردار خود کند.

آذربایجان نیز که درسیاست واقتصاد مهم‌ترین ایالت ایران بود همواره میدان تاخت و تازه چادرنشینان دیگر بشمار میرفت و کم می‌شد امنیت کامل در آن ایالت بزرگ برقرار باشد. درجنوب ومغرب آن سرزمین کردها وطوایف چادرنشین آسوری یا کلدانی نصرانی که بایشان «جلو» می گفتند ودرشمال چادرنشینان شاهسون با یك دیگر درزدوخورد بودند و گاهی مردم شهرها گرفتار کشتار و تاراج این دسته یا آن دسته می‌شدند و گاهی هم زدوخورد درشهرها درمی گرفت.

در گیلان هم طوایف مختلف دربرخی ازنواحی سر کشی می کردند ومخصوصاً طالشی‌ها دعوی خودسری داشتند واتباع وپیروان میرزا کوچك‌خان که بنـام جنگلی معروف شده بودند چند سال رابطهٔ آن سرزمین را باحکومت مرکزی گسسته بودند و سفرایی از مرکز بآنجا واز آنجا بمرکز می‌آمدند.

درمازندران نیز برخی ازنواحی بود که کمتر روی آسایش وامنیت بخودمی‌دید و مخصوصاً ناحیهٔ سوادکوه مسکن طوایفی بود که چندین بار سرکشی و فتنه‌جویی کرده بودند.

استراباد یکی از ناامن‌ترین نواحی ایران بـود زیرا که ترکمانان مخصوصاً طوایف یموت و کوکلان وتکه مدتهای مدید بهیچوجه فرمان بردارحکومت مرکزی نبودند وپیوسته درحال طغیان ودزدی وراهزنی بسر میبردند و همیشه در راه خراسان درکمین کالا وراهگذر بودند ونه تنها از کشتار وتاراج باك نداشتند بلکه زن و کودك را اسیر می کردند وباخود می بردند وازیشان بهره‌مند می‌شدند.

درخراسان نیز که ظاهراً امن‌ترین وآرام‌ترین ناحیهٔ ایران بودهمواره چادرنشینان سرکش غارتگردرنواحی مختلف درتاخت وتاز بودندودربرخی ازنواحی مخصوصاً کردان بجنوردوقوچان فرمان بردار حکومت مرکزی نبودند وچادرنشینان دیگر ازنژادهزاره

وکلالی ودیگران نیز سرکشی می کردند .

بلوچستان ظاهراً ازنواحی ایران بود اما درسراسر دورهٔ قاجارها ناحیهٔ مستقلی بشمار می‌رفت وهیچ مأموری از مرکز بآنجا راه نیافته بود وچادرنشینان بلوچ نیـز خودسر ومستقل بودند وازتاخت وتاز وراهزنی باك نداشتند .

سرزمین فارس هم که مرکز تمدن قدیم ایران وزادگاه هخامنشیان وساسانیان بود نیز بیشتر گرفتار پریشانی وناامنی بود زیرا که طوایف مختلف ازچندنژاد پیوسته درآنجا بایك‌دیگر درزدوخورد بودند واز کشتاروتاراج مردم‌فارس خودداری‌نمی کردند چنانکه طوایف‌قشقایی‌ازیك‌سو وقبایل ممسنی‌و کوه گیلویه‌ودشتی ودشتستان‌وتنگستان وایلات خمسه ازسوی دیگر نه تنها بایك دیگر زد وخورد می کردنـد بلکه مزاحم زندگی مردم آبادیها نیز می‌شدند .

کرمان هم‌هرچند ظاهراً یکی ازآرام‌ترین نواحی ایران‌بشمار می‌رفت طوایف مختلف‌بلوچ وترك‌نیز درآنجا چادرنشین بودندو‌بیشتر وسایل‌ناامنی رافراهم‌می‌ساختند وبکشاورزان وپیشه‌وران زیانهای بسیار می‌رساندند .

حتی درنواحی مرکزی ایران‌درگوشه‌وکنار چادرنشینان مسلح دیگر بودند که آسایش و امنیت را ازمیان می‌بردند وایشان نیز براهزنی روزگار می گذراندند چنانکه طوایف بختیاری‌ازاطراف اصفهان گرفته تاخوزستان ولرستان همه‌جاراهزنی وغارتگری می کردند. ازطرف دیگرطوایف خلج درناحیهٔ ساوه وزرند وقم نیزتاخت‌و تاز می کردند و گروه‌هایی ازطوایف عرب و شاهسون و کرد وغیره تا اطراف تهران و نواحی شهریار وورامین‌وخوار وساوجبلاغ می‌آمدندودرضمن‌آنکه بسردسیرو گرمسیر می‌رفتند درسرراه ازراهزنی خودداری نداشتند .

بدین گونه می‌توان گفت درآن‌روزگار ایران کشوری بود که درهر گوشهٔ‌آن چادرنشینان مسلح‌وراهزن امنیت وآسایش رادستخوش تاخت وتازهای خودمی کردند وپیوسته ازین سو بآن‌سو می‌رفتندچنانکه مردم‌آبادیها و کشاورزان هرگز ازدستبرد-

های ایشان درامان نبودند وبسیاری ازروستاهای کشور دوچار این غارتگریهامی‌شدند بطوری که بیشتر از آنها قلعه وحصار داشتند تاازدستبرد راهزنان درامان بمانند . در هر راهی که مردم آمد و رفت داشتند در سر گردنه‌ها و پیچ و خمها در تاریکی شب راهزنان در کمین بودند ونه تنها تاراج و کشتار می کردند بلکه زن وبچه‌را باسیری می‌بردند و تامدتی بساط برده فروشی در نواحی مختلف گسترده بود . بیشتر مأموران وکارگزاران دولت وادارات و بنگاههای بازرگانی و صنعتی واقتصادی داخلی و حتی خارجی چاره جزآن نداشتند که بایشان باج بدهند تابهمان قناعت کنند و دست از تاراج بکشند. اگرآماری‌از کسانی که بدست این‌راهزنان کشته شده‌اند برداشته‌بودند معلوم می‌شد که کشتار ایشان کم‌تراز کشتار بیماریهای واگیر نبوده وچنان‌می‌نماید که درین مدت سراسر کشور گرفتار این بلای جانکاه بوده که کمتر ازوبا و طاعون و هر بیماری دیگر نبوده است .

چنانکه سابقاً هم‌اشاره کردم‌بیشتر‌ازین‌چادرنشینان راهزن وتاراجگرراعناصر بیگانه نیرو می‌دادند وحتی آشکار اسلحه و مهمات بایشان می‌دادند و گاهی مأموران رسمی خودرا بمیان ایشان می‌فرستادند وسران آنهارا رسماً تحت الحمایهٔ خود قرار می‌دادند و گاهی نیزقراردادهایی باایشان امضامی کردند مانند قراردادی که بادولتی مستقل امضا کرده باشند واین بستگی‌ها را ازمفاخر خود می‌دانستند .

پس‌ازین‌خوانندگان خواهند دید که گذشته ازین‌شرارتهای چادرنشینان مسلح کسان‌دیگر درین‌دوره ازراههای دیگر دعوی‌خودسری داشته‌ومدتهای مدیدناحیه‌ای رامیدان تاخت وتاز خود قرار داده‌اند .

این‌جا قهراً اندیشه‌ای پیش می‌آید وآن اینست که ایران یکی از قدیم‌ترین کشورهای متمدن جهانست ودرسه‌هزار سال پیش‌درزمانی که همهٔ‌ملتهای متمدن‌امروز پابدایرهٔ تمدن نگذاشته بودند اساس‌تمدن استوار خود را گذاشته ودربسیاری ازادوار

تاریخ جهان در تمدن مادی ومعنوی بر کشورهای دیگر برتری داشته است . دریغا که این کشور درین دورهٔ صد وسی وچهار ساله بدین گونه سیر قهقرایی کرده‌است. زیرا تردیدی نیست هر کشوری که افراد آن بایك دیگر سازگار نباشند ویك دیگر را بکشند واموال یك دیگر را بیغما ببرند وزنان وفرزندان یك دیگر را برده کنند و بفروشند وهیچ وسیله‌ای برای منع این نابکاریها وایجاد آسایش وامنیت وجود نداشته باشد نمی‌توان آن کشور را متمدن دانست واگر پیش ازآن چنین اوضاعی بر قرار نبوده است باید گفت درتمدن سیر قهقرایی کرده است .

بدین نکته نیز باید توجه کرد که درآن زمان هر کس در ایران سفر کرده متوجه‌شده‌است که درهر گوشهٔ این کشور بزرگ که زمانی درنتیجهٔ پیوستگی ویگانگی افراد خود جهانیان را خیره کرده بود زبانی وعادات واخلاقی وآداب و رسوم خاصی بوده که درآن گوشهٔ دیگر تغییر می کرده و درحقیقت درهرقدم از قلمروایلی بقلمرو ایل دیگر می‌رفتند ودرمیان این دوایل سرحدی بود که برای عبور از آن گذرنامه لازم بود زیرا که اگر رئیس وسر کردهٔ ایل اجازه نمی‌داد وایل بیکی و ایل خانی دستور نداده بودنمی‌توانستند وارد آن‌ناحیه بشوند وبسا می‌شد که تا کسی باج‌نمی‌داد باوراه نمی‌دادند . هنگامی که جنگلیان بر گیلان‌استیلا یافته‌بودند مردی‌بنام‌نمایندهٔ جنگل در تهران بود و کسی که می‌خواست ازتهران بگیلان برود می‌بایست ازوجواز ودرحقیقت گذرنامه بگیرد ودرمنجیل که حکم‌سرحد درمیان گیلان وتهران راداشت بگماشتگان میرزا کوچك خان وجنگلیان نشان بدهد تابتواند ازآنجا بگذرد ووارد گیلان بشود .

شاید خوانندگان گمان کنند که لااقل دراندرون شهرها امنیت بوده و مردم درامان می‌زیسته‌اند ومثلا مردم تهران درشهر گرفتاری نداشته‌اند . گذشته ازآنکه درهرشهری یك‌عده مردم نابکار بنام «الواط» و «لوطی» بودند که بهوی وهوس‌درمستی

و عربده جویی ممکن بود راهگذری را بکشند عوامل دیگر برای ناامنی در شهر و اطراف آن بود وبهمین جهت بسیاری از شهرهای ایران خندق وبرج و بارو وحصار داشت و دروازهایی بود که هرشب می‌بستند و حتی در میان محلات مختلف یك شهر مثلا درشهر تبریز دروازه بود و در تهران نیز محلهٔارگ که مرکز سلطنت و دستگاه دولت بود ازچهار طرف دروازه داشت و میدان سپه نیز دروازه داشت تا مردم این محله مزاحم محلهٔ دیگر نشوند وهمین که پاسی‌ازشب می گذشت رفت وآمد در کوی وبرزن شهررا مانع می‌شدند ومعمول بود بپاسبانان «اسم شب» می‌دادند یعنی کلمه‌ای محرمانه را بکسانی که می توانستند رفت وآمد کنند می گفتند و وی آنرا در گوش پاسبانان می گفت تا اجازهٔ رفتن باو بدهند . سپس که افسران سوئدی برای شهربانی تهران استخدام کردند ایشان ورقه‌ای چاپی با مهر و امضا وعکس صاحب ورقه‌بکسانی که طرف اعتماد بودندمی‌دادند تاهنگام ضرورت شب بتوانندازخانهٔ خودبیرون‌بروند.

درین زمینه نکتهٔ بسیار مهم اینست که این کار های مهم که برای استقرار امنیت در ایران شده است و قدمهای بلندی که رضا شاه پهلوی درین راه برداشت در مدت بسیار کوتاهی باسرعتی بی‌نظیر که درهیچ‌یك از ادوار تاریخ ایران نظیر نداشته است صورت گرفت زیرا ازآغاز سال ۱۳۰۰ تاتیرماه ۱۳۰۹ که اسمعیل سمیتقورئیس ایل‌شکاك درآذربایجان گرفتار ارتش ایران شد و این آخرین واقعه ناامنی وبی‌نظمی بود تنها هشت سال و چهار ماه کشید یعنی نا امنی وبی نظمی راکه بیش از صد وسی سال وسایل‌آن درایران فراهم‌شده بود درین اندك مدت از میان بردند اما در سراسر این‌مدت ارتش ایران مشغول زد و خورد نبوده ودر هرسالی بیش ازچند ماه گرفتاری نداشته است و ناچار نا امنی وبی نظمی صد وچند ساله در مدتی کمتر از آن بپایان رسیده است .

پیداست که برای رسیدن باین‌نتیجه نخست می‌بایست سپاه نیرومندی درایران

فراهم شود و دست بیگانگان را از آن کوتاه کنند و افسران بیگانه را از نظام ایران برانند ودسته‌های مختلف را متحد الشکل کنند تا بتوانند بدان وسیله دست راهزنان و سرکشان را کوتاه کنند. بهمین جهت بمحض اینکه این نیروی تازه فراهم شد و وسایل کار آماده گشت بی‌درنگ بکار آغاز کردند ویك یك نواحی مختلف ایران که از حکومت مرکزی جداشده بودند وهریك دم از استقلال می‌زدندفرمان بردارشدند. مراحل مختلف این کار بسیار مهم بدین گونه است:

نخستین ناحیه خراسان بود که پس از سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ محمد تقی خان پسیان فرمانده لشکریان آن سرزمین در برابر حکومت مرکزی ایستادگی می کرد ورابطهٔ خود را باتهران قطع کرده بود و در سال ۱۳۰۰ پس از چند ماه کوشش این غائله رفع شد.

پس ازآن می بایست همت بامنیت آذربایجان بگمارند زیرا که در آنجا هم ابوالقاسم خان لاهوتی فرمانده نیروی‌آن ایالت درتبریز برای مخالفت بامتحدالشکل شدن ارتش قیام کرده بود واز پذیرفتن دستور های حکومت مرکزی سرپیچی‌می کرد و پس از فرستادن عده ای بآذربایجان وزد وخوردی درتبریز آن ایالت نیز بحکومت مرکزی پیوست.

پس از آن می بایست باوضاع خوزستان و امن کردن آن سرزمین توجه کنند زیرا چنانکه پیش ازین اشاره کردم نزدیك سی سال بود که شیخ خزعل رئیس یکی از قبایل عرب خوزستان درمحمره (خرم شهر) دستگاه مستقلی برای خودفراهم کرده بود و درباری تشکیل داده بود و چنان دعوی استقلال داشت که مالیات را از مردم خوزستان بنام خود می گرفت و مانند پادشاهان عرب سواحل و جزایر خلیج فارس عنوان «شیخ محمره» یعنی عنوان سلطنت برای خود قائل بود. این ناحیه نیز پس از لشکرکشی که شاهنشاه خود درآن شرکت داشت دوباره بایران ملحق گشت وپس از

سی‌سال سرزمین خوزستان تابع حکومت مرکزی شد .

پس از آن واقعه متوجه سرزمین گیلان ورفع غائلهٔ جنگلیان شدند زیرا که از اواسط جنگ جهانی اول ومقارن انقلاب روسیه میرزا کوچك خان در گیلان گروهی را مسلح کرده وتدریجاً سراسر آن ناحیه‌را فرمان بردار خود کرده ورابطهٔ آن سرزمین با تهران مدتها گسیخته بود و جنگلیان حکومت مستقلی تشکیل داده و کم کم شهر رشت رانیز گرفته بودند وسپس درآنجا حکومت انقلابی وشوروی باوزارت خانه های مستقل تشکیل داده بودند ونزدیك بهفت سال این ناحیه از ایران پیوسته درحال پریشانی وآشفتگی بود وچنانکه پیش ازین اشاره رفت حتی سرحد خود را درمنجیل در آغاز خاك گیلان معین کرده بودند و رفت و آمد مردم بسته باجازهٔ ایشان بود . پریشانی این ناحیه بجایی رسید که چون حکومت انقلابی در رشت بکار آغاز کرد جمعی کثیر از مردم گیلان بقزوین‌وتهران مهاجرت کردند و با کمال پریشانی و سر-گردانی از زادگاه خود دور شدند و حتی عـده‌ای پیاده این راه دراز را تا تهـران پیمودند وحکومت انقلابی دارایی ایشان را ضبط کرد . شاهنشاه فرماندهی‌سپاهیانی را که مأمور آرامش گیلان شده بودند خود بعهده گرفت و درانداك مدتی این فتنه نیز فرونشست .

سپس بامنیت آذربایجان همت گماشتند زیرا که درآن ایـالت از دیرباز پیشامدهای ناگوار روی می‌داد وپس از اعلان‌مشروطیت دیگر آذربایجان روزخوش ندید . چندی شاهسونها وصمدخان شجاع‌الدوله در تبریز فرمانروایی کرده بودند و سپاهیان روسیهٔ تساری ببهانهٔ حفظ منافع اتباع خود در نواحی مختلف آن سر زمین جای گرفتند واز کشتار کسانیکه ایشان‌را مخالف خودمی‌دانستند نیز دریغ نداشتند . سپس درجنگ جهانی اول طوایف مختلف ترك و کرد و آسوری ولشکریان روسیه و عثمانی در نواحی مختلف آذربایجان در زدوخورد بودند وازآن جمله هریك بنوبت

شهر ارومیه (رضائیه) را قتل وغارت کردند. سپس قیام شیخ محمد خیابانی ودعوی استقلال آذربایجان روی داد چنانکه آن ایالت را از ایران جدا دانستند ودولت مستقلی بنام «آزادیستان» در تبریز تشکیل دادند وهیچ رابطه با حکومت مرکزی نداشتند. چنانکه پیش ازین نیز اشاره رفت پس از آن ابوالقاسم لاهوتی در تبریز قیام کرد و پس ازدفع وی باز امنیت درسراسر آذربایجان برقرار نشد. چنانکه سرکشانی چندمانند اسمعیل سمیتقو واقبال السلطنهٔ ماکویی ودیگران باقی مانده بودند وتا تیر ماه ۱۳۰۹ که سمیتقو دستگیر شد نا امنی درآذربایجان فرمانروا بود وسرانجام آن ناحیه نیز امنیت یافت.

پس ازآن بامنیت لرستان پرداختند. این ناحیهٔ نیز از سالیان دراز پناهگاه چادرنشینان مسلح ودزدان و راهزنان بود و در سراسر دورهٔ استیلای قاجارها کمتر می‌شد که فرمان بردار حکومت مرکزی باشد وبهمین جهت کسی را جرأت آن نبود که ازآنجا بگذرد. طوایف بیابان گردلرهای پشت کوه که بچندین طایفهٔ مختلف تقسیم می شدند وگذشته از تاراج نواحی مجاور بایك دیگر نیز بیشتر درزد و خورد بودند کاملا خلع سلاح شدند وایشان را از کمین گاه‌هایی که قرنها درآنجا بوده‌اند بآبادانی‌ها بردند و شهرنشین کردند و این کار مدتی مدید فرصت لازم داشت و سرانجام در آغاز سال ۱۳۰۷ بپایان رسید. بدین گونه لرستان نیز بحکومت مرکزی ایران پیوست.

ناحیهٔ دیگر نیز که مردم چادرنشین آن بیشتر در سرکشی و نافرمانی بودند کردستان بود و می توان گفت پس از دوران صفویه دیگر امنیت بخود ندیده بود و پیوسته درپریشانی و آشفتگی بود و طوایف مختلف کرد چون قبایل اورامان ومریوان وگلباغی ومکری و کلیایی و غیره همواره بایك دیگر در زد وخورد بودند و بنواحی اطراف دستبرد می زدند وبا حکومت مرکزی بیشتر رابطه نداشتند. از طرف دیگر کردان ناحیهٔ کرمانشاهان مانند کلهر وسنجابی و گوران و غیره سراسرآن نواحی را

میدان تاخت وتاز خود کرده بودند . درین نواحی تا ۱۳۰۶ قدمهای بلند برای استقرار امنیت برداشته شده است .

از سوی دیگر پس ازختم فتنهٔ مشهد و کشته شدن محمدتقی خان پسیان هنوز برخی از نواحی خراسان مانند بجنورد و قوچان کاملا امن نشده بود و برخی از چادر-نشینان مسلح تیموری درمرز ایران وافغانستان درشرارت خود باقی بودند و سرانجام این ناحیه نیز آرام شد .

در مازندران هم هنوز عناصر سر کشی بودند که می بایست ایشان نیز فرمان بردار حکومت مرکزی شوند ودرآنجا نیز نیروهای دولتی سر کشان ازآن جمله سردار مؤید سوادکوهی را مطیع حکومت مرکزی کردند .

پیش ازین اشارهٔ مختصری بوضع ناحیهٔ استراباد کردم که ترکمانان در آنجا از دیر باز فتنه می کردند و دستبردها و راهزنیهای ایشان در سر راه خراسان سالیان دراز پریشانی فراهم آورده بود . ناچار می بایست ترکمانان را نیز از کشتار و تاراج باز دارند و ایشان را شهرنشین کنند واین کار در ۱۳۰۵ بپایان رسید .

در تیرماه ۱۳۰۵ آخرین گروه از فتنه جویان و سرکشان که در سلماس باقی مانده بود بدست نیروی دولتی خلع سلاح شد . در ۱۳۰۷ غلامرضا خان والی پشت کوه سر کردهٔ غارتگران لرستان پس از پیشرفت سپاهیـان ایران در آن ناحیه از ایران گریخت وازآن پس لرستان نیز آرام شد .

در بهمن ماه ۱۳۰۷ دوست محمد خان بلوچ که سر کردهٔ راهزنان و سرکشان بلوچستان بود مغلوب نیروهای دولتی گردید وازآن پس این ناحیه نیز که سالیان دراز فرمان بردار حکومت مرکزی نبود آرام شد .

در خرداد ماه ۱۳۰۸ آخرین عناصر ماجری جو وفتنه طلب که درفارس مانده بودند یعنی طوایف چادر نشین بهارلو و قبایل لرستان و ایل قشقایی که هنوز دم از خودسری می‌زدند فرمان بردار شدند .

در تیرماه ۱۳۰۹ اسمعیل سمیتقو سر کردهٔ ایل شکاك آذربایجان که خود و پدرانش سالیان دراز با نیروهای دولتی زد و خورد کرده بودند و وی نیز چندین بار با ارتش روبرو شده بود در آخرین جنگی که باقوای دولتی کرد کشته شد و نه تنها سراسر آذربایجان فرمان بردار حکومت مرکزی شد بلکه همهٔ خاك ایران از سر کشان پاك شد و بهمین جهت این تاریخ را می توان تاریخ پایان پذیرفتن دورهٔ سر کشیها و نافرمانیها دانست و از آن پس ایران از امنیت کامل برخوردار گشت و چنانکه پیش از ین اشاره رفت از زمان شاه عباس اول دیگر چنین دورهٔ آسایش در ایران پیش نیامده بود .

درین میان نکتهٔ بسیار مهم اینست که دوران سر کشی و آشوب و فتنه و کشتار و تاراج که پس از شاه عباس اول روز بروز دامنهٔ آن در ایران گسترده شده و بالا کشیده است بدین آسانی در مدتی کمتر از هشت سال بپایان رسید و در سراسر مملکت مردمی که سالیان دراز بود روی آسایش ندیده بودند بدین گونه از امنیت برخوردار شدند.

پیداست نتایجی که بدین گونه فراهم شده از آن جهت بوده است که مرد بزرگی رشتهٔ درهم گسیختهٔ کارهای کشور را بدست گرفته و وسایل مادی و معنوی چنین کار بزرگی را فراهم آورده است . ناچار برای این کار بیش از هرچیز ارادهٔ بسیار قوی و عزم راسخ و ایستادگی و پشت کاری که تنها گاه گاهی در مردان بزرگ فراهم می شود مؤثر بوده است .

هر کس که اندك بررسی در تاریخ ارتش ایران بکند می بیند کشوریکه در روزگار هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان و پس از آن در همهٔ ادوار تاریخ کهن خود تا زمان صفویه و نادرشاه و کریم خان ارتشی داشت که نه تنها حدود کشور را پاسبانی می کرده بلکه سر کشان و فتنه جویان داخلی را نیز فرمان بردار خود میکرده است در بسیاری از موارد یادگارهای درخشان گذاشته است و آخرین واقعهٔ مهم آن محاصرهٔ بصره در زمان کریم خان زند بوده است .

از آغاز قرن نوزدهم میلادی که اصول جدید در جنگ پیدا شد ایران در نتیجهٔ

گرفتاری درچنگال کارگزاران ناشایسته ودوگانگی ونفاق وجنگهای داخلی‌خانگی ونادانی وبی‌خبری ازسیر تمدن جهان نه‌تنها از کشورهای دیگرعقب افتاد بلکه‌ازآرام کردن داخلهٔ خود نیز ناتوان ماند واز عهدهٔ گردن کشانی مانند نایب‌حسین کاشانی وماشاءالله خان‌پسرش ورضاجوزانی وعلی‌خان سیاه کوهی وامثال ایشان که هریك‌عدهٔ معدود تاراجگر را باخود همدست کرده بودند برنمی‌آمد. یگانه دلیل این ناتوانی آن‌بود که در کشورهای دیگر سلاحهای تازه واصول جدید درفنون جنگ‌آوری بکار می‌بردند که کارگزاران ایران ازآنها محروم بودند ودر بیشتر موارد ارتش ایران تفنگ وتوپ سرپر قدیمی راهم بقدر کفایت نداشت وبارها شد که سلاح چادرنشینان مسلح که ازبیگانگان‌یاری می‌دیدند ازسلاح سپاهیان‌نیروی دولتی بهتر وتازه‌تر بود. روحیهٔ سربازان نیز که دولت مرکزی نمی‌توانست زندگی ایشان را تأمین کند و خوراك وپوشاك لازم‌را بایشان برساند باندازه‌ای‌ضعیف بود که ازعهدهٔ حفظ جان‌خود برنمی‌آمدند ودرآن دوره‌بارهاپیش آمده‌است که دولت‌عده‌ای سربازرا برای‌سرکوبی راهزنی فرستاده ووی آنهارا برهنه کرده وباصطلاح کت آنهارا بسته وگاهی وارون سوار خر کرده وباز گردانده است.

داستانی ازآن زمان درمیان مردم هست که شاید هنوز برخی از خوانندگان بیاد داشته باشند وآن اینست که درین دورهٔ خواری و ناتوانی زمانی مهمان محترمی می‌بایست واردبوشهر شود وبعادت معمول‌آن زمان بفرمانده سپاهیان دستور داده‌بودند هنگام ورود او وپیاده شدن از کشتی چند تیر توپ بیندازد وچون وی این کار را نکرد وازو بازخواست کردند که بچه دلیل این کار رانکرده است گفت: بهزار ویك دلیل، دلیل اول آنست که گلوله وباروت نداشتم.

پیش ازین هم اشاره کردم در آن دوره عدهٔ سپاهیان ایران را می‌بایست بیگانگان معلوم کنند ودولت حق نداشت ازآن عده تجاوز کند. تازه همان عده هم روی‌کاغذ بود وهرگز حاضر خدمت نبودند واگر حقوقی بنامشان پرداخته می‌شد افسران بافرادنمی‌دادند وبارهاسربازان درمیدان‌سپه تهران که آن‌روز میدان‌توپخانه

می گفتند برای مطالبهٔ حقوق خود ازدحام می کردند وباصطلاح «یاعلی می کشیدند».
بهمین جهت بود که بسیاری ازسربازان باهمان لباس نظامی گذران خودرا ازراه دیگر بدست می‌آوردند ، مثلا هیزم‌شکن یا تخم مرغ فروش بودند و یا بدرخانهٔ این و آن نوکر می‌شدند . مناصب مهم نظام حتی سرهنگی وسرتیپی ارثی بود که گاهی ببچهٔ نوزاد نیز می‌دادند وچنانکه پس ازین دربارهٔ اصلاحات نظامی بحث خواهم کرددرین دوره سرهنگان وسرتیپان نابالغ بسیار دیده شده است واین مناصب را بکسانی هم می‌دادند که هرگز درنظام خدمت نکرده بودند ونمی کردند .

یکی از مهم‌ترین کارهایی که در راه استقلال امنیت ایران شد قانون خدمت نظام بود که در آبانماه ۱۳۰۵ باجرای آن آغاز کردند وکسانی که ازجامعه‌شناسی آگاهند می‌دانند که چنین کاری چه اهمیتی در روحیات ملتی دارد . خدمت نظام برای جوانان سودهای فراوان دارد . نه تنها در تقویت روح ملی وحسن میهن پرستی و نیروی مردی و مردانگی و جان فشانی در راه کشور بسیار مؤثرست بلکه در پرورش جسم و جان جوانان نیز آثار بسیار دارد و در تن درستی و کار کشتگی ایشان نیز اثر می گذارد .

بهترین وسیلهٔ استقرار امنیت که درضمن اوضاع ایران را پس از استقرارآن نشان می‌دهد سفرهاییست که هرچند یك‌بار و گاهی چندبار در سال شاهنشاه ایران بنواحی مختلف کشورمی کرد ودرین سفرها شخصاً بجزئیات‌کارها می‌رسید واز نزدیك در پیشرفت‌کار مراقبت می کرد وفهرست آن سفرها بدین گونه است :

درخرداد ماه ۱۳۰۵ سفر ملایر . درامرداد ماه‌آن سال سفر گرگان وخراسان تاقوچان وبجنورد . درمهرماه همان سال سفر مازندران و کرانهای دریای خزر .

درشهریورماه ۱۳۰۶سفرآذربایجان.درمهرماه‌آن سال سفرمازندران و گرگان.

درفروردین ماه ۱۳۰۷ سفر قزوین وسفر بروجرد ولرستان . در امردادماه‌همان سال سفر گیلان . درمهرماه آن‌سال سفرمازندران و گرگان . درآبانماه آن سال‌سفر

خرم‌آباد ودزفول وخرمشهر وازآنجا ببوشهر وشیراز واصفهان .

درمهرماه ۱۳۰۸ سفر آذربایجان و گیلان ومازندران و گرگان . دردیماه آن سال سفر خوزستان .

درآبانماه ۱۳۰۹ سفر مازندران و گرگان و خراسان وسیستان و بلوچستان و کرمان ویزد ونایین ونطنز وکاشان وقم .

دراردی بهشت ماه ۱۳۱۰ سفر گیلان . درشهریور ماه آن سال سفر گیلان و آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان . درآبانماه آن‌سال سفر مازندران و گرگان. در بهمن‌ماه آن سال سفر دیگر بمازندران برای افتتاح کارخانهٔ نخ‌ریسی شاهی .

دراردی‌بهشت‌ماه ۱۳۱۱ سفر مازندران. درشهریورماه همان سال سفرمازندران و گیلان . در مهرماه همان سال سفر بجنوب ایران وخوزستان ولرستان برای حضور درموقع ورود کشتی‌های ناوگان ایران . درآذرماه آن‌سال‌سفر مازندران و گرگان.

درفروردین ماه ۱۳۱۲ سفر مازندران . درامرداد ماه همان سال سفر دیگر بمازندران برای افتتاح‌راه چالوس . درمهرماه همان سال سفر آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان . درآبانماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

در اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۱۳ سفر مازندران . درخردادماه آن سال سفرآذربایجان وازآنجا بترکیه . درمهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

درآبانماه ۱۳۱۴ سفر مازندران و گرگان و گیلان .

دراردی‌بهشت‌ماه ۱۳۱۵ سفرمازندران و گیلان . درمهرماه‌همان سال‌سفردیگر بمازندران و گرگان .

درفروردین ماه ۱۳۱۶ سفر بمغرب وجنوب ایران . درمهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان و گیلان .

دراردی‌بهشت ماه ۱۳۱۷ سفر مازندران و گیلان .

در شهریور ماه ۱۳۱۸ سفر بخوزستان و جنوب ایران برای افتتاح راه آهن سرتاسری . درمهرماه آن سال سفر مازندران .



بعداز تاجگذاری

اصلاحات نظامی

در دورهٔ قاجارها ارتش ایران که درزمان نادرشاه بفتح هندوستان کامیاب شده وتا دهلی رفته بود چندان ناتوان شده بود که از عهدهٔ راهزنان اطراف تهران هم برنمی‌آمد. پیش ازین اشاره رفت که افراد این ارتش چه حالی داشتند وچگونه در خواری وتنگ‌دستی زندگی می کردند. افسران آن بیشتر ازفن خود عاری بودند و تربیت نظامی نداشتند. مناصب نظامی راحتی بکودکان نوزاد ونابالغ می‌دادند. میرزا محمد علی‌خان سروش اصفهانی شمس‌الشعرا شاعر بزرگ قرن گذشتهٔ ایران دربارهٔ یکی ازین سرهنگهای نابالغ زمان خود سروده است :

نه حاجت مشق وزحمت جنگ ترا — نه در صف کارزار آهنگ ترا
درکار تو آن نشان سرهنگی نیست — مام تونخست‌زاده سرهنگ ترا

درهمین زمینه نیز گفته است :

مشق چپ وراست چون دهی لشکررا — طفلی تو ودست چپ ندانی ازراست

همین نکته را بزبان دیگر چنین سروده است :

بی‌زحمت مشق ، بی‌صدمهٔ جنگ — مادر مرورا زادست سرهنگ

وباز بزبان لطیف‌تری گفته است :

مادر بقسم دست‌نهادی بشکم — گفتی : بسرعزیز سرهنگ‌قسم

کسانی که ازاوضاع ارتش ایران درآن زمان آگاهند می‌دانند که شاعر درین

زمینه هیچ مبالغه نکرده است . روزنامهٔ ملانصرالدین که بزبان ترکی درآن روزگار در تفلیس چاپ می‌شد کاریکاتوری ساخته بود که پسر بچهٔ چهار پنج ساله‌ای رابالباس سرتیپی نشان می‌داد ومادرش باو می گفت: سرتیپ جان، بیا برویم حمام. او گریه می کرد ومی گفت: نمی آیم . بالاتر ازدرجهٔ سرهنگ و سرتیپ درجهٔ میرپنج و امیرتومان و امیر نویان بود واین درجات را نیـز بکسانی که ازفن نظام آگاه نبودند می‌دادند . کلمات سالار و سردار و سپهدار و سپهبد و سپهسالار جزو القاب شده بود و بارهـا شد که این القاب رابکسانی دادند که ازفنون جنگ بی‌خبر بودند وحتی این گونه القاب‌را بکودکان هم‌داده‌اند . درنقاشیها وعکسهای آن‌زمان دیده می‌شود که‌لباسهای رسمی مناصب مهم رابتن کودکان کرده ونشانها وحمایلهای نظامی‌را بایشان بسته‌اند .

همهٔ ارتش کشورپهناور ایران که می بایست ازیك میلیون وششصد وچهل‌وچهار هزار کیلومتر مساحت پاسبانی کند وامنیت این ناحیه بدین وسعت‌را فراهم آورد از چند صدتن تجاوز نمی کرد که هنگام قدرت باصول بنیچه‌از روستاها می گرفتند بدین گونه که هرعدهٔ معین از مردم آن روستا می‌بـایست چندتن سرباز بدهد و هزینهٔ نگاهداری وحتی بهای اسب و اسلحه ولباس آنهارا در میـان مردم روستا سـرشکن می کردند ودرسراسر مدتی که آن سرباز درخدمت نظام بود هزینهٔ‌او بعهدهٔ آن‌مردم بود. گذشته‌ازین یك‌عده سربازان وسواران چریك‌هم بودند بدین گونه که مردم‌هر محل یك عده‌را برای پاسبانی‌آن محل‌معین می کردند ویك‌تن ازروسای محل‌فرمانده‌آن‌عده می‌شد وپیداست آن عده که ازمحل خود آشنایی‌کامل داشتند چگونه برمردم اجحاف وتعدی می کردند . در اواخر این دوره که دولت حتی نیروی آن که سرباز بنیچه و چریك بگیرد نداشت همهٔ افراد مزدور بودند و داوطلبانی بودند که چون کار دیگر نمی‌یافتند سرباز می‌شدند وچنانکه پیش‌ازین اشاره رفت‌افسران حقوق این‌عده را از خزانهٔ دولت می گرفتند و بایشان نمی‌دادند و ایشان هم چاره‌ای جز نوکری و

فروشندگی دوره گرد نداشتند .

ازهمهٔ ترقیهایی که درمدت صدسال دراسلحه‌سازی شده بود ارتش ایران بی نصیب بود . دربسیاری از شهرهای ایران هنوز توپهای سرپر که درزمان شاه‌عباس ازپرتغالی های جزیرهٔ هرمز گرفته بودند درمیدانهای عمومی وسیلهٔ خیره کردن وترساندن مردم بود . دربرخی از شهرها هم توپهای سرپری بود که درزمان فتحعلی شاه افسرانی که ناپلئون بایران فرستاده بود ریخته بودند . ازآن توپها درمیدان ارگ ومیدان سپه تهران هم بود که اکنون درباشگاه افسران ودرحاشیهٔ دیوارهای ساختمان کارپردازی ارتش گذاشته‌اند . زنبورکهایی راکه اززمان نادرشاه مانده بود هنوز بکار می‌بردند وتفنگهای سرپر مندرس درانبارها بود که سرانجام بیرون آوردند ودرساختن طارمی ونرده بجای چوبهای خراطی شده بکار بردند ازآن جمله نرده‌ای بود در چهار سوی باغچه‌ای در میان میدان سپه تهران . میدان سپه امروز درآن زمان میدان توپخانه نام داشت ودرسه طرف آن انبارهایی در کف زمین ساخته بودند که روزی درهریك ازآنها توپی جاداده بودند اما دراین اواخر همهٔ آنها تهی بود وتنها یك توپ درضلع غربی میدان روبروی ساختمانی که اکنون ادارهٔ راهنمایی شهربانی در آنجاست بود که ظهرها برای آنکه مردم تهران از ساعت آگاه شوند ودرماه رمضان درموقع افطار وسحری آنرا خالی می کردند .

دردورهٔ دوم قانون گذاری برای سرکوبی سرکشان وراهزنان که بعنوان حمایت ازحکومت استبداد درگوشه و کنار برمی‌خاستند وسرکشی می کردند مقداری اسلحهٔ جدید ازکارخانهٔ شنیدر کروزو درفرانسه نسیه خریده بودند ومبلغ مختصری بهای آنرا نتوانسته بودند درمدت بیست سال بپردازند وآن کارخانه همچنان مطالبه‌می کرد ودولت هم آنرا آشکارا جزودیون خود بحساب می‌آورد و سرانجام پس ازسپری شدن دورهٔ قاجارها این وام پرداخته‌شد .

وضع ارتش ایران درین دوره بدین گونه بود وهمهٔ ارتش کشوری که در دوره های مختلف از نیرومندترین ارتشهای جهان ودارای بهترین اسلحه هرزمان بود در پایان این دوره منحصر بود بیك دیویزیون قزاق بفرماندهی افسران روسی که‌می‌توان گفت دیویزیون کامل هم‌نبود ویك عده ژاندارم بفرماندهی افسران سوئدی که عده‌ای ازآنها درزد وخورد باسپاهیان روسیه بنفع آلمانها درجنگ اول کشته وپراگنده‌شده بودند وافسرانشان نیز بیشتر مهاجرت کرده بودند .

بجز قزاق وژاندارم یك عده سرباز بنام بریگاد مرکزی هم‌بود که در روزهای آخر این دوره استخدام کرده بودند .

پیداست که این عده قلیل چگونه می‌توانسته است ازعهدهٔ پاسبانی یك میلیون وششصد وچهل وچهار هزار کیلومتر مساحت وپانزده میلیون جمعیت آن روز ایران برآید . این عده بزحمت بده هزار نفر می‌رسید وهرصدوشست وچند کیلو متر مربع یك پاسبان وهرهزار وپانصد ایرانی یك مستحفظ داشت .

نکتهٔ جالب اینست که درین دوره در حدود نصف جمعیت ایران چادرنشینان مسلح بیابانگردوراهزن‌بودند یعنی‌لااقل‌هفت میلیون در کمین مردم‌شهرنشین‌می‌زیستند وبرای دفع این عدهٔ چادرنشین مسلح دولت ایران تنها ده‌هزار سرباز داشت یعنی در حقیقت دربرابر هفتصد تن سرکش بیش ازیك تن‌سرباز نبود وآنهم فرد بیچاره‌ای که چند ماه بچند ماه حقوق وعلیق او را پس ازآنکه افسران سهم خودرا برداشته بودند می‌دادند و بااسلحهٔ کهنهٔ مندرس می‌بایست در برابر هفتصد تن از جان گذشته که بیگانگان بهترین اسلحه را باو رسانده بودند پایداری کند . ناچار آن نیروی‌پایان این دورهٔ استیلای قاجارها بهیچ وجه نمی‌توانست درایران امنیت فراهم کند وپاسبان مرزهای کشور باشد . این نکته راهم باید درنظر گرفت که ازمرزهای شمال غربی وشمال شرقی ومشرق وجنوب شرقی چادرنشینان مسلح‌بیگانه بارها بخاك ایران‌تجاوز

کرده‌اند ودولت ایران دربرابر ایشان ناتوان بوده است .

بهمین جهت اصلاحات نظامی و تأسیس ارتش نیرومند مهم‌ترین کاریست که رضاشاه پهلوی دردورهٔ شهریاری خود کرده‌است. انصاف بایدداد که کلمهٔ اصلاح وتکمیل را برای ادای این مقصود نمی‌توان بکار برد ، زیرا اصلاح وتکمیل وقتیست که‌چیزی بوده‌باشد که نقص آنرا برطرف کنند وآنرا بهتر کنند . ارتش‌دورهٔ قاجارها درحقیقت هیچ بود ومی‌بایست ارتشی ازنو بوجود آورد وایجاد کرد .

شاهنشاه پهلوی برای رسیدن باین مقصود نخستین‌کاری که کرد این بود : همان عدهٔ موجودرا درآغازکار فوراً متحدالشکل کرد وعنوان قزاق وژاندارم را که‌یادگار دوره‌های دوگانگی ونفاق بود ازمیان برد وافسران بیگانه‌را از هرملتی که بودند از ارتش‌راند . مناصب ودرجات دروغی وافتخاری راکه جزسرشکستگی ورسوایی‌چیزی دربرنداشت لغوکرد و اصول تازه‌ای برای مناصب نظامی و ترتیب ارتقاء از درجه‌ای بدرجهٔ دیگر تنظیم کرد و آنرا تابع خدمات افسران قرارداد یعنی باصطلاح نظامی کادری برای ارتش ایران ترتیب داد که تاآن زمان نبود .

سپس ارتشی بااصول جدید تشکیل دادند وازسازمانهای ارتشهای جدید جهان پیروی کردند وصنوف مختلف راهم‌چنان که درارتشهای کشورهای متمدن امروزهست ترتیب دادند .

البته یکی از مزایایی که می‌بایست وارد ارتش ایران بشود روح میهن پرستی درمیان افراد ارتش واتفاق واتحادکامل باسایر افراد ملت ایران بود زیرا که نه تنها درین مدت افسران بیگانه روح وطن پرستی را درزیردستان خود ندمیده بودند بلکه بواسطهٔ ورود درسیاست ومداخله بسوددسته‌ای وبزیان دستهٔ دیگر هرطبقه‌ای ازمردم ایران سپاهیان طبقهٔ دیگر را ازخود بیگانه ودشمن میدانست چنانکه مثلا در میان قزاق وژاندارم نفاقی که کم ازدشمنی نبود وجود داشت بهمین جهت اخراج افسران

بیگانه ازقسمت‌های مختلف ارتش اهمیت خاص داشت وتنها باین وسیله بود که یگانگی واتحاد مطلق درمیان افراد ارتش برقرار می‌شد .

قدم مهم دیگری که برداشتند افزایش عدهٔ افراد ارتش ایران وتطبیق آن با وضع جغرافیایی ومرزهای کشور واحتیاجات داخلی بود وسرانجام نه‌لشکردرنه استان تشکیل یافت و گذشته ازآن پنج تیپ مستقل درنواحی دیگر فراهم آمد واز هرحیث احتیاجات ایران ازحیث امنیت وپاسبانی داخلهٔ مملکت وتأمین رفاه وآسایش مردم و اجرای احکام دولت وخلع سلاح چادرنشینان مسلح و حفظ و حراست حدود و ثغور کشور تأمین شد چنانکه درایران امنیتی فراهم‌آمد که سیصد سال بود کسی ازآن یاد نداشت .

پیش ازین هم اشاره رفت که یکی از کارهای بسیار مهم درین دوره برقراری خدمت نظام‌وظیفه درایران‌درسال ۱۳۰۵ بود . پیداست که اینکار درتقویت روح‌میهن پرستی دراصلاحات اجتماعی تاچه اندازه اهمیت دارد زیرا تردیدی نیست تاهمهٔ‌مردم کشور مستقیماً درپاسبانی ازدیار خودشرکت نکنند وخود مستحفظ خاك خودنباشند هرگز استقلال آن کشور تأمین نخواهدشد . ازروزیکه این قانون اجری‌شدوجوانان را برای پاسبانی ازایران دعوت کردند احساسات وطن پرستی در ایران روز بروز بیشتر نیرو گرفت . این‌کار نتایج گوناگون داشت و گذشته ازآنکه جوانان‌مسئولیت خودرا درپاسبانی ازمیهن‌خویش حس کردند عملیات وتمرین‌های نظامی درتن‌درستی ایشان نیز موثر افتاد وروستازادگان که یکسره ازفراگرفتن معلوماتی بی‌بهره مانده بودند درسربازخانها باسواد شدند وسطح فکری ایشان بسیار بالارفت وسبب پیشرفت ایشان درزندگی اجتماعی‌شد .

در قسمت‌های‌فنی ارتش نیز پیشرفتهایی که درین دوره‌فراهم شده باندازه‌ایست که در خور کتاب مخصوصیست . از آن جمله است تشکیل صنوف جدید و تهیه

تازه‌ترین اسلحه برای ارتش ایران . از حیث صنوف جدید یکی از مهم ترین کارها ایجاد نیروی هوایی را در ۱۳۰۳ باید دانست و در پایان این دوره نیروی هوایی ایران کاملا احتیاجات کشور را تأمین میکرد و حتی بسیاری از لوازم هواپیمایی را در ایران در کارخانهٔ بزرگ ومهمی که برای این کار دایرشد کارگران و کارشناسان ایرانی می‌ساختند . اهمیت هواپیمایی درنظام جدید آشکارست و پیداست اینکار چه ضرورتی داشته است .

پس‌ازین ایجاد نیروی دریایی ایرانست که در سال ۱۳۱۱ بمرحلهٔ عمل‌پیوست ونخستین‌ناوهای جنگی‌ایران بخلیج فارس‌رسید . این نکته نیزدرزندگی ایران کمال اهمیت را دارد ، زیرا که ایران ازجنوب بدریای آزادپیوسته است که باوقیانوس هند منتهی می‌شود و درکرانهٔ خلیج فارس سرحدات عریض دارد که گذشته از تجارت و اقتصاد درامنیت ایران نیز پاسبانی ازآنها اهمیت‌فراوان دارد . درسراسر تاریخ‌ایران هرگز بحریهٔ نیرومند وتوانایی درردریاهای ایران‌وجود نداشته است زیرا که‌درزمان هخامنشیان برای لشکرکشی‌بیونان باستعانت ازبحریهٔ‌فنیقیان نیازمند شدندودرزمان ساسانیان که یکی دو جنگ دریایی پیش آمد از دیگران یاری جستند . در زمان شاه‌عباس‌اول درجنگ باپرتغالیان بحریهٔ انگلستان باایران یاری کرد . نادرشاه‌هم که درصدد تهیهٔ‌بحریه افتادکاری ازپیش‌نبرد ومجال‌نیافت که این‌کار مهم راباپایان‌برساند. بدین گونه اولین نیروی دریایی ایران درین‌دوره فراهم شد .

دیگر از صنوف جدیدی که درین دوره در ارتش ایران فراهم آمد نیروی موتوردار وادارهای جنگی ووسایل ضدهوایی وغیره‌است که از جدیدترین وسایل فراهم کردند .

نکتهٔ‌دیگری که دراصلاحات‌نظامی‌اهمیت فراوان دارد ایجادکارخانهای‌اسلحه سازی وتأمین وسایل تجهیزات نظامیست . درین دوره همهٔ‌افراد ارتش ایران‌راباجدید-ترین اسلحه وتجهیزات نظامی مجهز کردند وکارخانهای اسلحه‌سازی در خاک ایران

اسلحه وتجهیزات لازم رابدست کارگران ایرانی می‌ساختند وهمهٔ نیازمندیهای ارتش ایران را تأمین کردند ودیگر احتیاجی بوارد کردن اسلحه و خرید آن از کشورهای دیگر نبود و هر گونه سلاح را از کالیبر بزرگ تا کالیبر کوچك در ایـران ساختند وچند هزار کارگر ایرانی درین کارخانها بکار آغاز کردند . این کارخانها باندازه‌ای اهمیت داشت که درجنگ دوم جهانی برای کمك رساندن بارتش شوروی ازآنها بهره‌مند شدند .

جنبهٔ مهم‌دیگر اصلاحات نظامی‌درین‌دوره تعلیمات‌نظامی وتأسیس‌آموزشگاهها ومدارس نظامیست که سابقاً درایران ده‌یك‌آن‌هم وجود نداشت . درین دوره‌جوانان ایرانی تازه‌ترین‌رموز فنون نظامی رادر کشور خود فرا می گیرند . سابقاً گاهی‌دولت ایران دوسه جوان را برای تحصیل بمدارس نظامی اروپا ومخصوصاً فرانسه فرستاده بود . درآغاز این دوره نیز عده‌ای باروپا رفتند وفنون مختلف نظامی را فرا گرفتند. درضمن‌دبستانها ودبیرستانهای‌نظام وآموزشگاههای متعدد برای‌هریك ازصنوف‌وتربیت افراد وافسران جزءدایرشد وافسران جوانیکه تحصیل کرده بودند مامور تربیت‌ایشان شدند . ازدانشکدهٔ افسری ودانشگاه جنگ درتهران هرسال عده‌ای افسر کارکرده و کارآزمودهٔ درس خوانده بیرون آمدند .

پیداست که تعلیمات نظامی برای تشکیل ارتش نیرومندی که پاسبان استقلال کشور باشد تاچه اندازه اهمیت دارد وافراد ارتش که معلومات لازم را درفن خود نداشته باشند هرگزکامیاب نخواهند شد .

برای پیشرفت این مقصود بسیار مهم درهرسال عدهٔ بسیار نظامنامه وآیین نامه و کتاب ورسالهٔ فنی برای راهنمایی وتعلیم افراد ارتش ایران انتشار یافته است .

برای اینکه اهمیت اصلاحات نظامی درین دوره‌کاملا محسوس باشد همین قدر کافیست درنظر بگیریم که درآغاز این دوره در ۱۳۰۰ بودجهٔ ارتش ایران درسال‌نود میلیون ریال بوده ودرسال ۱۳۲۰ این مبلغ بپانصد ونودوسه میلیون وصد وبیست ویك هزار وپانصد وبیست وچهار ریال رسیده است .

اصلاحات اداری

دردورهای گذشته همواره ادارات ایران وچرخهایی که می بایست کارهای کشور رابگردانند بهیچوجه ازعهدهٔ اداره کردن کشوری باین وسعت برنمی‌آمدند. صفویه درایران تشکیلاتی داده بودند که درآن زمان بهترین سازمانهای اداری جهان بود وهمهٔ نیازمندیهای کشوررا تأمین میکرد. مخصوصاً درزمان شاه‌عباس اول قلمروسیع صفویه که تقریباً دوبرابر ایران امروز بود در کمال امن وآسایش و راستی و درستی وعدل وداد اداره‌می‌شد.

پس ازصفویه درنتیجهٔ انقلابهای داخلی وضعف وسستی دولت ادارات ایران در بدترین مراحل آشفتگی وپریشانی افتاده بود. مخصوصاً در دورهٔ قاجارها ستم‌وبیداد مأموران دولت بجایی رسیده بود که مأمور دولت یا «مأمور دیوان» را درآن زمان نمایندهٔ ستمگری وزور گویی می‌دانستند واصطلاح «حکم‌دیوان» مرادف با بیداد و ستم‌بود. درآن دوره سالیان‌دراز مشاغل دولتی‌را بمزایده می گذاشتند وهر کس بیشتر رشوه می‌داد باورجوع می کردند. چون حساب و کتابی درکار نبود ودولت بازپرسی وبازخواست نمیکرد آنکس که برای رفتن بمأموریتی مبلغ گزافی پرداخته بودالبته تابمحل می‌رسید چون می‌دانست بزودی احضارش خواهند کرد وچندان مجال برای جبران ضرر ندارد ازهمان روزاول شتابان بتعدی آغاز میکرد وآنچه‌زورش‌می‌رسید یا ازدستش برمی‌آمد بزور واکراه وحتی بحبس وشکنجه از مردم بی‌پناه میگرفت.

البته چون می‌بایست عده‌ای از متنفذان پایتخت‌را هم خشنود کند و بایشان نیز سهم بدهد تاهرچه بیشتر برسرکار بماند چندین برابر حرص وطمع خود ازمردم می گرفت. پیداست که زیردستانش نیز مانند وی بودند وهمه سهمی داشتند وحقی می‌خواستند . اینست که ازفراش گرفته تاحاکم جز غارت کردن مردم کاری نداشتند . درین دوره مالیات هرناحیه را بحاکم آنجا مقاطعه می‌دادند وپیداست که اوهم چند برابر آنچه مقرر بود ازمردم می گرفت و کسی ازو بازخواست نمیکرد .

دردورهٔ مشروطیت ظاهراً اداراتی باصول جدید تأسیس کرده بودند وظاهراین بود که ادارات منظمی ووزارت‌خانه‌هایی هست وقوانینی وضع شده که بآنها عمل‌میکنند ولی درحقیقت باطن کار تغییر نکرده بود زیرا که همچنان متنفذان محلی و اشرار و سرکشان باقی بودند ومامورانیکه نمایندهٔ دولت ناتوان و بی‌اراده‌ای ووزارت خانهٔ سستی بودند درهرمحل پیرو طمع وغرض همان متنفذان وسران محل بودند که همه کارها دردست‌ایشان بودوهمه درپایتخت دستیارانی داشتند وبزور یاتطمیع مقاصدخود را پیش می‌بردند . این سران محلی وکیل‌آن ناحیه را ازدست نشاندگان وهمدستان خودبمجلس شورایملی می‌فرستادند وایشان درآنجاوزیران وکارگزاران عمده‌را بتأمین مقاصد نامشروع موکل حقیقی خود وادار میکردند .

بهمین جهت درتمام دورهٔ فرمانروایی قاجارها ادارات ایران دربدترین احوال بود وتعدی وظلم وحق شکنی و رشوه خواری رواج کامل داشت و گذشته ازین وسایل پنهانی وحیف ومیلهاوبهره یابی‌های نامشروع که‌درآن زمان‌بآنها «مداخل» می گفتند کرارا دیده شده است که مأمور دولت پولهای ابواب جمعی خود و موجودی صندوق محل خدمت خودرا آشکار برداشته وکسی ازونگرفته است .

ادارات رسمی ایران درسراسر این مدت بهیچوجه آن دلسوزی و وظیفه‌شناسی وحق‌پرستی راکه‌لازمهٔ بنگاه‌های دولتی وکارگزاران دولتست نداشته‌اند وبهمین‌جهت

دولت در نظر مردم ایران مرکز بیدادگری و بی‌عدالتی و مأمور دولت مظهر زور و اجحاف وستم بوده است وهربلا ومصیبتی را از دولت می‌دانسته‌اند . حق هم داشته‌اند زیرا درعمر خود جز تعدی و اجحاف چیزی از مامور دیوان ندیده بودند و بهیچ‌وجه دستگاه دولتی در صدد تهیهٔ وسایل آسایش و رفاه مردم کشور بر نیامده است . در دورهٔ پیش ازمشروطیت که اصلا قانونی در میان نبود و یگانه رسم معمول دلخواه و حتی هوی و هوس کار گزاران دولت بود و در دورهٔ مشروطیت هم که گاهی مجلس شورای ملی تشکیل می‌شد و یکی چند قانون ناقص بتقلید از قوانین اروپا وضع کرده بودند و بیشتر آنها با اوضاع ایران ساز گار نبود تازه همان قوانین را در بارهٔ مردم ناتوان و بی کس اجری میکردند و متنفذان بهیچ وجه تابع قانون نبودند و قانون تنها وسیلهٔ تازه‌ای بود که برای غرض رانی بدست مأموران دولت افتاده بود .

در دوره‌های گذشته دامنهٔ‌تعدی مأموران دولت چنان بالا گرفته بود که درزبان مردم ایران مثل شده بود که « حکم حاکمست و مرگ مفاجاة » یعنی حکم حاکم را بامرگ ناگهان برابر می‌دانستند واجل معلق یاوبا ویاطاعون می‌پنداشتند . بارها پست‌ترین مامور دولت یعنی فراش حکومت یاتحصیلدار مالیه یامامور سربازگیری و یا قراسوران (ژاندارم) وارد دهی شده وهمهٔ مردم ده از دست او فرار کرده‌اند و هر سال گروه بسیاری ازمردم ایران برای رهایی ازشرماموران دولت بکشورهای‌مجاور ایران‌مانند خاک‌عثمانی وروسیه وهندوستان هجرت میکردند وهر کس وسیله‌می‌داشت یاتبعه ویاتحت‌الحمایهٔ دولت بیگانه‌ای می‌شد تابدین‌وسیله خود و کسان ودارایی‌خود را حفظ کنند .

بهمین‌جهت اصلاحات اداری‌را که‌درزمان شاهنشاه پهلوی شدباید اهمیت بسیار داد . یکی از مراحل این اصلاحات استحکام مبانی مشروطیت وحکومت ملی بود .

مشروطیت در ایران در ۱۳۲۴ قمری برقرار شد و تا پایان دورهٔ سلطنت قاجارها بیست سال از آن می گذشت.

مشروطیت ایران در نخستین گام با مخالفت سخت در بار روبرو شد و هنوز دو سال از آن تاریخ نگذشته بود که مجلس را بتوپ بستند و مشروطیت را تعطیل کردند و پس از آن یك سال مجلس در کار نبود. با آنکه از آن ببعد دیگر ظاهراً مخالفی برای تشکیل مجلس نبود همواره ادوار قانون گذاری در مواقعیکه لازم می بود تشکیل نمی یافت و کراراً وقفه‌ها و دوره‌های فترت پیش آمد چنانکه در مدت بیست سال از پایان دورهٔ قاجارها تنها سه دورهٔ مجلس شورای ملی تا ۱۳۰۰ منعقد شد و ده دورهٔ دیگر آن در دورهٔ زمامداری شاهنشاه پهلوی تشکیل یافته است.

از آغاز تا پایان اسفندماه ۱۳۱۵ در مجلس ۱۲۸۶ قانون بتصویب رسیده و تنها ۸۲ قانون پیش از ۱۳۰۰ وضع شده و ۱۲۰۴ قانون در دورهٔ شهریاری شاهنشاه پهلوی از مجلس گذشته است.

درسراسر این دوره از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ده دورهٔ مجلس مرتباً پی‌درپی تشکیل شده و هیچ دورهٔ فترت ووقفه‌ای پیش نیامده است.

گذشته از مجلس شورای ملی یکی ازمظاهر مشروطیت انجمن‌های شهرداریست. هرچند که قانونی بنام قانون بلدیه از مجلس اول گذشت ودرهمان موقع انجمن‌های بلدی تشکیل یافت اما پس از تعطیل مجلس اول دیگر انجمن بلدی درهیچ شهری تشکیل نشد تا آنکه درین دوره در ۱۳۰۹ قانون دیگری گذشت واز آن تاریخ همواره انجمن‌های شهرداری درهمهٔ شهرها تشکیل یافته است.

در دوران پهلوی که مجلس شورای ملی ایران مرتباً تشکیل یافته قوانین مهم بسیار ازمجلس گذشته وآنهارا اجری کرده‌اند وحال آنکه دردورهٔ پیشین اگر قانونی می گذشت تنها درروی کاغذ بود ودرموقع اجری رعایت همهٔ مقررات آنرا نمیکردند.

زیرا که همهٔ مردم در برابر آن مساوی نبودند . این قوانین بیشتر بهانه‌ای در دست کارگزاران وادارات دولتی بود که از آن بهره جویی کنندواغراض خود راپیش ببرند.

دربارهٔ استحکام مبانی مشروطیت این نکته را هم باید در نظر گرفت که در مجلس اول انتخابات را صنفی کرده بودند باین معنی که در پایتخت هر صنفی نماینده‌ای ازخود انتخاب میکرد والبته نتیجه این می‌شد که هر کس در آن صنف بیشتر نفوذداشت ویا ریاست آن صنف را داشت بمجلس می‌رفت . اعیان و اشراف را هم جزو صنف بشمار آورده بودند وایشان هم درمجلس نماینده داشتند . درولایات حتی این ترتیب هم رعایت نمی‌شد وبهر شهری یا ناحیه‌ای یك یا چند نماینده داده بودند . سپس در مجلس دوم انتخابات را عمومی ومستقیم کردند ولی نتیجه این بود که ملاکان وسرمایه‌داران و متنفذان هرمحل ورؤسای ایلات وسیلهٔ انتخاب خود ویا کسان خود رابدست کشاورزان و زیردستان عامی خود انتخاب میکردند و یا کسی را که کاملا مطیع و همدست وحتی وظیفه خوارشان بود بمجلس می‌فرستادند وبیرخی از ایلات حق فرستادن نماینده بمجلس داده بودند . بدینگونه همان حکومت ملوك‌الطوایف وهمان حکومت ایلیاتی بصورت انتخابی درآمده بود و در حقیقت مجلس شورای ملی عبارت بود از همان رؤسای ایلات و متنفذان و ملاکان یا کسان ودست نشاندگان ووظیفه خواران ایشان .

درضمن چون دولت در ولایات قدرتی نداشت و بیشتر از نواحی کشور مدتها بود که فرمان بردارمرکز نبودند حتی ازعهدهٔ دریافت مالیات هم برنمی‌آمدچه برسد باینکه قوانین را با بی‌طرفی ومساوات کامل اجری کند وانگهی تازه اگر می‌خواست قانون را اجری کند مأموری که فرستاده بود در اجرای آن کوتاهی می‌ورزید یا خیانت می کرد .

درین دوره نه‌قانونی برای محاکمهٔ وزیران ونه‌قانونی برای محاکمهٔ کارگزاران

دولت وجود داشت واین دوطایفه ازهر بازخواست وباز پرسی یکسره معاف ومصون بودند. بهمین جهت قانون محاکمهٔ وزرا که درتیر ماه ۱۳۰۷ گذشت وقانون جزای عمال دولت که در دیماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید هریك درحد خود اهمیت خاص داشته و از مهم‌ترین اصلاحات اداری بشمار رفته‌اند.

نکتهٔ دیگر اینست که‌کارگزاران دولت درکار خود دوام وبقا نداشتند و هیچ قانونی حقوقشان را حفظ نمی‌کرد وعزل ونصب ایشان تابع مقررات مخصوص نبود و بسته بمیل این وآن بود. ناچار ازیشان انتظار نمی‌رفت که بکار خود دل گرم وبآیندهٔ خود مطمئن باشند وتفاوتی درمیان خادم وخائن نبود. بهمین جهت قانون استخدام کشوری که درآذرماه ۱۳۰۱ بتصویب رسید و قانون استخدام قضاة که در اسفند ماه ۱۳۰۶ وضع شد دررأس اصلاحات اداری بود واوضاع ناگوار سابق‌را درهم‌نوردید. از طرف‌دیگر قانون مجازات اختلاس که درآذرماه ۱۳۰۶ گذشت وقانون مجازات‌ارتشا که درتیر ماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید نیز قدمهای مهمی بود که درراه اصلاحات‌اداری برداشته شد و در تغییر اوضاع سابق و تصفیهٔ اخلاق مأموران دولت ومنع نادرستی بسیار مؤثر شد.

گام دیگری که درین دوره در راه استحکام مبانی حکومت ملی برداشته شد این بود که در دوره‌های سابق نمایندگان ملت همواره ازمقام خود وحق رایی که در انتخاب وزرا داشتند بهره‌جویی میکردند وبوسیلهٔ مقام‌وکالت میکوشیدند بوزارت یا بکارهای مهم برگزیده شوند یا در خدمات دولتی ترقی کنند. در آن زمان معروف بود می گفتند «وکالت نردبان‌وزارتست» و بهمین جهت همواره درکارهای دولت اشکال تراشی میکردند ودولت را دروظایف خود آزاد نمی گذاشتند. مأموران دولت‌هم‌در نتیجهٔ ملاحظه‌ای که ازیشان داشتند ازخواهشها و توقعهای بی‌حد وبی‌جای ایشان نمی‌توانستند شانه تهی کنند.

بهمین جهت در تیرماه ۱۳۰۶ قانونی گذشت که مأموران دولت را از انتخاب شدن محروم کرد ودرضمن و کلا را ازقبول کارهای دولتی منع کرد. بدین گونه آن اوضاع دیرین درهم نوردیده شد وباین وسیله ادارات دولتی استقلال یافتند.

درنتیجهٔ وضع این قوانین کارگزاران نادرست ورشوه خواران خود را در معرض محاکمه دیدند وتأسیس دیوان جزای عمال دولت وبرقراری هیئت‌های بازرسی واجرای قوانین وتعمیم آن برهمهٔ مردم کشور اصلاح مهمی در کارادارات دولتی پیش آورد. بدین گونه ازیك سو مأموران دولت بوسیلهٔ قوانین و مقرراتیکه ایشان را درکار خود استوار میکرد نسبت بآیندهٔ خود مطمئن شدند و بوسیلهٔ برقراری حقوق انتظار خدمت و بازنشستگی در کار خود پابرجا و ثابت گشتند. از سوی دیگر قوانینی که کارگزاران نادرست و راشی و مرتشی را کیفر می‌داد و محاکمی که مخصوصاً برای این کار تشکیل شد خاین را از خیانت ترساند وخادم را بخدمت تشویق کرد. ناچار در ایران اندیشه‌ای پیدا شد که سالیان دراز بودازایران رخت بربسته بودوآن این بود که خدمت کردن ودرستکار بودن پاداش وخیانت کردن ونادرست بودن کیفر دارد. درصورتیکه پیش ازآن همه دراندیشهٔآن بودند که هرچه‌زودتر وهرچه‌بیشتر بار خود را ببندند وباین‌وآن متوسل بشوند تا زودتر بسرانجامی برسند و سرمایه‌ای فراهم کنند که بدرد روز مبادا وروزگار بی کاری بخورد، یعنی آن روزی که زیر دست‌تر ومتنفذتری بمیان بیاید و کارشان را ازدستشان بگیردواوهم بنوبت خود بهمین اصول رفتار کند تا دیگری گوی را از میدان برباید.

قدم مهم دیگری که درین دوره در اصلاحات اداری برداشته شد تقسیم ایران بده استان بود که هراستانی بچندشهرستان وهر شهرستانی بچند بخش وهر بخش‌بچند دهستان تقسیم شد وهریك ازین چهارقسمت بیك مأمور مسؤل سپرده‌شد. بدین گونه ایران‌را بنابر اوضاع جغرافیایی ومقتضیات طبیعی وسیاسی وغیره‌بنواحی معینی تقسیم

کردند. پیش از آن تقسیمات اداری ایران ترتیب معینی نداشت و بعضی نواحی بود که درحقیقت خود کشور پهناوری بشمار می‌رفت وسراسر آن سپرده بیك والی یافرمانفرما بود که مطلقاً ازعهدهٔ اداره کردن آن برنمی‌آمد واگر سالها درآنجامی‌ماند بهیچ وجه از احوال واوضاع آن ناحیهٔ پهناور آگاه نمی‌شد. تردیدی نیست که این وضع یادگار دوره‌های قدیم وحتی روزگار حکومت ملوك‌الطوایف وحکومت ایلیاتی بود که مثلا سرزمین کردها کردستان و سرزمین لرها لرستان باشد. برعکس گاهی ناحیهٔ بسیار کوچکی راهم بدلیلی که معلوم نبود مستقل کرده بودند. پیداست که با اصول سابق کسی نمی‌توانست وسایل رفاه وآسایش مردم نواحی مختلف را فراهم کند ودرآبادانی قسمت‌های کشور بکوشد و شکی نیست که هرچه تقسیمات کشوری کوچکتر باشد اداره کردن وآباد کردن وپاسبانی ازآن آسان ترست واین اصلاح را می‌توان از اصلاحات اداری مهم دانست.

نکتهٔ بسیار مهمی که در اصلاحات اداری باید درنظر گرفت کوتاه شدن دست بیگانگان وبی نیازی از مستشاران خارجیست. سابقاً اشاره رفت که در دورهٔ گذشته بیگانگان تاچه اندازه درکارهادخالت داشتند واگرخود نمی‌خواستند یانمی‌توانستند دست داشته باشند بدست مستشاران بیگانه منافع خود را تأمین می کردند. تردیدی نیست که هرملتی که برشد رسیده باشد همهٔ کارهای خود راخود بدست می گیرد واز بیگانه خودرا بی‌نیاز می کند واین نکته را در دوران گذشته در مدت صد سال که نیازمندی بتمدن جدید رااحساس کردند دولت ایران نتوانست تأمین کند زیراگذشته از ناتوانی دولت بی اطلاعی کارگزاران و مسئولان امور مانع ازآن بود که اوضاع اداری ایران با مقتضیات روزگار تطبیق کند. بهمین جهت «فرنگی» در ایران نفوذ واحترامی پیدا کرده بود که چون درسرکاربود نه‌تنها زیردستانش بلکه همهٔ افراد ازو پیروی وفرمان برداری می کردند. مثلا اگررئیس مالیهٔ ولایتی اروپایی‌یا امریکایی می‌بود مردم آن ناحیه مالیات را زودتر می‌پرداختند. قهراً رعب وهراسی از فرنگی

ومستشار فرنگی درمیان مردم پیدا شده بود که یا ازو می‌ترسیدند و یاشرم می کردند وپیداست که همین وضع چگونه‌بیگانگان را بر اضاع‌ایران مسلط کرده بود ودولتها نیز وجود مستشار را برای تأمین نفوذ خود لازم میدانستند. تردیدی نیست که با این اصول هرگز دولت ایران نمی‌توانست پاسبان همهٔ منافع مادی و معنوی کشور باشد و کارگزارانش رموز جدید ادارهٔ مملکت را فرابگیرند و روزی از وجود بیگانه بی‌نیاز شوند. نظری بتاریخ دورهٔ پیشین نشان می‌دهد چگونه درمدت صد سال پی‌در-پی مستشار بایران آورده بودند و هرگز ازیشان بی‌نیاز نشده بودند زیرا که هرگز هیچ یك ازین مستشاران آن دلسوزی را که کارگزاران دولتی می‌بایست داشته باشند نداشتند والبته چنین توقعی‌ازبیگانه نمی‌توان داشت. ازطرف دیگرهیچ یك ازیشان یك تن از زیردستان خود راتربیت نکرده بود تا روزی بتواند جانشین او بشود زیرا که البته صلاح و صرفهٔ هرمستشاری درآن بود که همیشه بوجود او محتاج باشند. بهمین جهت بود که درین چند سال تقریباً ازهمهٔ کشورهای اروپا و امریکاازفرانسه و انگلستان وآلمان و روسیه و بلژیك وایتالیا و اتریش وسوئد و دانمارك و سویس و هلند و دول متحدهٔ امریکا و غیره مستشار بایران آوردند و حتی فرماندهی قسمت‌های مختلف ارتش ایران را بافسران بیگانه سپردند.

بهمین جهت یکی از مهم‌ترین مراحل اصلاحات اداری را درین دوره‌بی‌نیازی از وجودکارگزاران ومستشاران بیگانه باید دانست وارتش و مالیه و گمرك وپست و تلگراف وصنایع وراه‌آهن وژاندارمری وشهربانی بکلی از وجود بیگانگان بی‌نیازشد و نه تنها هیچ خللی بکار وارد نیامد بلکه‌کارهای کشور بمراتب بهتر از دوره‌ای که مستشاران درسرکاربودند پیش رفت.

اصلاحات قضایی

در دورهٔ استیلای قاجارها بر ایران عدالت درایران چنان نایاب بود و مردم کشور چنان درآرزوی عدالت بودند که چون اندکی بیدار شدند وبحقوق خود پی بردند درروزهای نخستین انقلاب خواستار «عدالت خانه» بودند وپیش از آنکه بفواید حکومت مشروطه پی ببرند درخواستی جز عدالت نداشتند.

درزمان هخامنشیان که دولت ایران متمدن‌ترین دولت آنروزگار بود همواره پادشاهان بزرگ ایران بدادپروری معروف بودند وبا رعایای شاهنشاهی پهناور خود که قسمت عمده ازدنیای‌آن روز را فرا می گرفت با کمال‌عدل‌وداد رفتار می کردند. دردورهٔ ساسانیان نیز توجه خاصی نسبت بدادگستری وداوری داشته‌اند ومؤبدان که طبقهٔ تحصیل کردهٔ کشوررا تشکیل می‌دادند مأمور رسیدگی بشکایتهای مردم وانتشار عدالت بودند. از اسنادی که از دورهٔ ساسانیان باقی مانده کارنامهٔ اردشیر بابکان وکارنامهٔ خسرونوشین روانست ودرآنهاهمه‌جا بدادخواهی توصیه کرده‌اند. حتی در دورهٔاسلامی خلفای‌عباسی‌اصول عدالت وقضاوت را ازایرانیان تقلید کردند. دردوره‌های اسلامی نیز پادشاهان ایران بعدالت‌پروری و انصاف معروف بوده‌اند و برخی ازیشان خود درروزهای معینی درجاهای عمومی مجلس مظالم‌تشکیل می‌دادند ومردم‌مستقیماً بایشان رجوع می کردند و دادخواهی می کردند. داستانهای بسیار درین زمینه در کتابها هست ازآن جمله نوشته‌اند که امیراسمعیل‌سامانی درزمستان وبرف وسرما در

میدان عمومی می‌ایستاد وداد‌خواهان باورجوع میکردند . حتی از کسانی که بیشتر اوقات خـود را در جنگها می گذراندند مانند محمود غزنوی توجه بعدالت را نقل کرده‌اند . وزیران بزرگ ایران مانند ابوالفضل بلعمی وعمیدالملک کندری ونظام‌الملک طوسی درین زمینه توجه‌خاصی داشته‌اند . سخن‌سرایان بزرگ ایران همه درآثارخود پادشاهان و کارگشایان را بداد گستری تشویق کرده‌اند وحتی پادشاهان مغول را کـه بیگانه بوده‌اند بدین‌کار برانگیخته‌اند .

درزمان صفویه سازمان وسیعی درایران بوده وروحانیان را بدرجات و مناصب چندتقسیم کرده بودند ودرهر ناحیه یك عده قاضی ومفتی‌مأمور رسیدگی بنیازمندیهای مردم ورفع ظلم وبیداد بودند . پس ازضعف صفویه دردورهٔ آشفتگی که نزدیك‌دویست سال کشید کم کم این اصول قدیمی متروك شد وروحانیان‌ازاختیارات خود بهره جویی کردند وهمهٔ کوشش خودرا بجلب نفع خود متوجه ساختند واحکام ناسخ ومنسوخ و تجاوز بحقوق مردم دامنهٔ وسیع یافت وکار بجایی رسید که پیش‌ازدورهٔ مشروطیت اگر هم از دستبردکارگزاران دیوان چیزی برای مردم می‌ماند تازه دستخوش آز و طمع روحانیان بود که قوهٔ‌قضایی‌را دردست داشتند، چنانکه سبب‌عمدهٔ انقلاب ۱۳۲۴ قمری وجنبش مشروطیت این بود کـه مردم از گوشه و کنار عدالت می‌خواستند ودر گام نخست بهیچ وجه نامی از مشروطیت نبود و چنانکه پیش ازین اشارت رفت مـردم «عدالت‌خانه» میخواستند وهمه درین درخواست هم‌آهنگ بودند .

در دورهٔ مشروطیت دادگستری بسیارناقص‌تشکیل داده بودند ودر ظاهرمحاکم ودادگاههایی بود اما در حقیقت عدالتی درمیان نبود چه اولا عدلیه رانتوانسته‌بودند از نفوذ روحانیان نجات دهند و عده‌ای ازهمان ها را بعنوان قاضی بر کرسی نشانده بودند وحتی در مجلس اول قانونی گذرانده بودند که پنج تن از «علمای طراز اول»

در مجلس باشند و هرقانونی تا ایشان آن را نپذیرفته‌اند اعتبار نداشته باشد . ثانیاً نفوذ رؤسای محلی ومتنفذان و اعیان و اشراف کاملا در عدلیه پا برجا بود و ایشان چه مستقیماً و چه بوسیلهٔ وکلایی که در مجلس شورای ملی گماشتگانشان بودند ریاست دادگستری را برای کسیکه فرمانبردارشان باشد می گرفتند . تازه اگرقاضی حکمی میداد ومحکمه رأی خود را اظهار میکرد آن حکم اجری نمی‌شد چنانکه در موقع انحلال عدلیه در سال ۱۳۰۵ معلوم شد بیست ویك هزار ازدعاوی مردم درعدلیه مانده و کسی بآنها رسیدگی نکرده و اگرهم رسیده بود اجری نشده بود . همین اوضاع بیگانگان حق می‌داد که حق کاپیتولاسیون برای خودقایل شوند وبهیچ وجه‌بدادگستری ایران تن در ندهند واتباع خود را از رجوع بدادگاه‌های ایران بازدارند ومحاکم مخصوصی‌دروزارت‌امورخارجه تشکیل می‌شد که باحضورنمایندهٔ رسمی‌آن‌دولت‌بیگانه رسیدگی میکرد . مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله وزیرمالیه را در وسط روز درمرکز شهرتهران کشتند وچون قاتل او تبعهٔ دولت تساری بود قصاص ندید .

پیش ازین باختصار اشاره رفت که ظاهراً از سه دورهٔ قانون گذاری قوانینی گذشته بود که تنها درروی‌کاغذبود و کسی بآن رفتارنمیکرد واگرهم رفتار میکردند بیشتربرای آن بود که بسود خود اقدام کنند . ناچار قوانین دادگستری نیزهمین حال را داشت واز هرحیث ناقص بود و قوانین‌اساسی مهم که تکلیف مردم را معلوم کند و رعایت حقوق مردم رادرآن کرده باشند وضع نشده بود، چنانکه قانون مدنی وقانون جزای عرفی که اساس زندگی مردمست نوشته نشده بود وهرگزمجلس جرأت نکرده بود ازترس‌نفوذ روحانیان نامی‌ازقوانین مدنی وعرفی ببرد واگرمحکمه‌ای درزمینه‌ای رأیی می‌داد ممکن بودحاکم شرعی رایی دیگری بدهد و آن حکم محکمه را باطل کند وبرخلاف آن رأی بدهد ، چنانکه نظایرآن درآن دوره بسیار دیده شده است.

درنتیجهٔاین اوضاع حقوق مردم که اساس تمدن روی آن گذاشته شده دستخوش هوی و هوس این و آن بود و روحانیانی که دستبرد می‌رساندند کسی بازخواست ازیشان نمی کرد. سابقاهم اشاره رفت که ماموران دولت ووزیران مسئول نیز مورد بازخواست نبودند وهیچ محکمه‌ای نمی‌توانست ایشان را محاکمه کند. پیداست که باچنین وضعی عدالت درمیان نبود وتنها بهانه‌ای بود که مردم ناتوان وبی کس را محکوم کنند چنانکه در آن موقع این گونه مردم همیشه می گفتند «عدلیه برای ما بیچارگانست».

وضع محاکم باندازه‌ای ننگین بود که مکرر مرافعات بیست ساله وبیست و پنج ساله پیش آمده است، یعنی درمدت بیست سال وبیست وپنج سال قضاة نتوانسته‌اند ویا نخواسته‌اند وجرات نکرده‌اند تکلیف را معلوم کنند ورای خود را بدهند. در آن زمان درروزنامها مردم مکرر ازداد گستری می نالیدند واعلان منتشر می کردند ومرافعات و ادعای خود را در روزنامه درج می کردند. از آن جمله در آن دوره برخی مرافعات بود که حکم تاریخ را پیدا کرده بودواز بس درروزنامها ومحافل از آن بحث کرده بودند و برسر بازارها طرح کرده بودند جزو مسایل دولتی و سیاست کشور شده بود مانند موضوع شرکت عمومی یا موضوع ممسنی و جزیرهٔ هرمز ومعادن خاك سرخ ومالکیت برخی ازاملاك که حتی سبب عزل ونصب وزرا ویا برسر کار آمدن وازکارافتادن دولتها می شد وکتابها ورساله‌های متعدد دربارهٔ آنها چاپ کرده‌اند. کار عدلیه باندازه‌ای تباه شده بود که همه ماجری جویان و هوچیان معروف آن زمان و گوش بران و کلاه برداران یا مدعی بودند ویاوکیل مرافعه و یا کارچاق کن داد گستری و راستی کار بجایی رسیده بود که هر کس نمی‌توانست سر گردنه‌را بگیرد ودل وجرات این کاررا نداشت درعدلیه دست وپایی برای خودمی کردومردم برای این گونه وکیلان داد گستری اصطلاحی وضع کرده

بودند وایشان را «شرخر» می‌نامیدند.

وضع محاکمات جنایی ازمحاکمات حقوقی هم ننگین‌تر بود. می‌توان گفت درین دوره محاکمات جنایی اصلا وجود نداشت و نه‌تنها دزدان وراهزنان واشرار معروف درکار خود کاملا آزاد بودند و در سراسر این دوره یك دزد و راهزن را محاکمه نکردند بلکه هرمغرض و ماجری‌جویی نیز درکارخودآزاد بود. درین دوره بارها کمیته‌های ترورو آدم کشی درشهرهای مختلف در روز روشن تنها بهوی و هوس این‌وآن مردم را کشته‌اند وتاریخ این دوره پرازین گونه وقایع ناگوارست وهرگزدرصدد کشف آن برنیامده‌اندوگاهی ماموران شهربانی نیزباآنهاهمدست بوده‌اند. اگر هم اتفاقا کشف شده تازه کسی را بمجازات نرسانیده‌اند وبلکه برعکس بی‌اعتنایی و بی‌قیدی دولت این جنایت‌کاران را گستاخ‌تر کرده است. چنانکه درتمام این مدت تنها درسال اول مشروطیت یك دفعه یك محاکمه جنایی تشکیل شد وقاتلان فریدون زردشتی از بازرگانان تهران را محاکمه کردند و گفتند که چون مقتول زردشتی وقاتل مسلمان بوده قصاص منحصربآنست که‌قاتل را چوب ببندند وچند تازیانه بزنند. پس‌ازآن دیگر درایران پیش‌نیامد که جانی وقاتلی رامجازات کنند وچند تن راکه بدارزدند برای پیشرفت مقاصدسیاسی بود یاکسانی بودندکه درراهزنی‌های‌خودباجی‌راکه می‌بایست نداده بودند.

بدینگونه اصلاح‌عدلیه‌ایران وتأسیس دادگستری بااصول جدیدواصلاحات قضایی در رأس‌کارهای مهمی بود که درین دوره بپایان رسید ودراواخرسال۱۳۰۵ عدلیهٔ قدیم منحل شد و پس ازچندی دوباره بااصول جدید دادگاه‌هایی باعضویت قضاتی که شرایط پیشین دریشان نبود در۱۶اردی‌بهشت ماه۱۳۰٦ تشکیل یافت و سازمان جدیدآن درهمهٔ شهرها گسترده شد وچنانکه پیش ازین اشاره‌رفت قوانین مهمی دربارهٔ محاکمهٔ وزیران‌وکارگزاران دولت بتصویب رسید وباجری گذاشته

شد . بدین گونه ازهرحیث امنیت قضایی برای مردم ایران ازهرطبقه فراهم آمد وبریشان ثابت شد که آن اصول دیرین درهم نوردیده شده ومفهوم حقیقی و واقعی دادگستری فراهم آمده است .

نکتهٔ مهم‌دیگری که‌درضمن اصلاحات قضایی وسازمان دادگستری‌نوین‌باید متوجه‌آن بودتأسیس‌ادارهٔ‌ثبت‌اسنادواملاك در کشورست زیرا که یگانه راه‌تشخیص حق‌هر کس‌واحترام‌بحقوق‌مردم همینست‌وپیش از آن چنانکه اشاره رفت‌وسیله‌ای برای حفظ حق‌مردم درمیان نبود وهر کس هرچه داشت دستخوش حرص‌وآزاین وآن بود وهردم ممکن‌بود متنفذ زورمندی بانواع وسایل آنرا ازدست وی بیرون بیاورد . ثبت درمحاضرشرع‌هم بهیچ‌وجه‌وسیله ووثیقهٔ مطمئن بشمارنمی‌رفت،زیرا که احکام ناسخ ومنسوخ‌هیچ حد وقاعده نداشت ومکرردیده شده است که‌چندتن سند مالکیت همان ملك‌را دردست داشته‌اند که نه‌تنها چند حاکم شرع‌صادر کرده بودندبلکه گاهی‌همان‌اسناد متضاد را یك تن نوشته‌بودومعلوم نمی‌شدمالك‌حقیقی کیست . بهمین جهت چنانکه در کشورهای متمدن معمول شده بود می‌بایست در ایران‌هم یك‌اداره رسمی‌تابع وزارت دادگستری برای تشخیص حق‌مردم باشد که املاك ومستغلات رادردفترهای‌آن ثبت کنند ومالك حقیقی بدین‌وسیله شناخته‌شود وحقوق‌وی ازتصرف‌دیگران مصون‌باشد وهیچ کس حق‌دیگری‌رانرباید. بدینگونه تشکیل ثبت اسنادرا درایران از مهم‌ترین مراحل اصلاحات قضایی باید دانست و رشد مدنی وسیاسی ایران‌را درین دوره می‌رساند .

البته پس ازتاسیس این اداره می‌بایست ترتیبی هم درثبت معاملات و داد و ستدهای مردم بدهند تاهرمعامله‌ای‌دردفتری رسمی ومعتبرثبت شود وبااصول معین قانونی صورت بگیرد، تاهم اعتبارمعامله درآن محرز باشد وهم‌دولت دراجرای‌آن ورعایت شرایط‌آن نظرداشنه باشد وآنرا ضمانت کند وهم‌هنگام مرافعه کسی که

حق دارد سند قطعی در دست داشته باشد و بدین گونه دادرسی آسان ومطمئن باشد.
البته این ترتیب با محضرهای شرعی که اساس پا برجایی نداشت و ازکارهای یك دیگر خبر نداشتند ودولت نیز ازکارشان بی‌خبر بود وقهرا مردم دیگر بآنها اعتماد نداشتند سر نمی گرفت. زیرا این ترتیب دیگر پایدار نبود و نمی توانستند آن احکام را اجری کنند و دادگاه‌ها همیشه درزحمت و مردد بودند. پس ناچار می بایست دفترهای رسمی برای ثبت معاملات وزناشویی وطلاق وخرید وفروش وبخشش واجاره و این گونه کارها چنانکه در کشورهای متمدن جهان تأسیس کرده‌اند در ایران نیز تشکیل شود و بهمین جهت دفترهای رسمی تاسیس شد.

درین زمینه گام بسیار بزرگی که برداشته شده‌است وسایلیست که برای تنظیم امور شخصی وخانوادگیست که مخصوصا در تصفیهٔ اخلاق وحفظ حیثیت خانواده و تربیت خانوادگی وترتیب ارث اهمیت بسیار داشته‌است. در ایران سالیان درازازین نکته غفلت کرده بودند وترتیب درستی درین کار نبود. از آن جمله موضوع ازدواج وطلاق که دقت لازم رادر آن نمی کردند نابسامانی‌های بسیار درخانواده‌ها فراهم می کرد وبهره‌جویی از آن می کردند. این مفاسد یادگار دوران آشفتگی وپریشانی اوضاع بود و قهرا می‌بایست روزی در رفع آن بکوشند. بهمین جهت درین دوره یك رشته قوانین درین زمینه وضع شد و ترتیبی درین کار دادند. دربارهٔ طلاق نیز می‌بایست شرایطی فراهم کنند که دشواریهای سابق را ازمیان ببرد. نیز حداقل ازدواج رادرقانون معین کردند تاازحد نصاب ورشد طبیعی کمتر نباشد ومعاینهٔ صحی پیش از ازدواج نیزمقررشد که فواید آن حاجت ببحث ندارد. بدین گونه دفترهای مخصوصی برای ازدواج وطلاق درسراسر کشور تشکیل یافت ومشکلاتی که قرنها درمیان بود بدین وسیله ازمیان رفت واصولی که با تمدن امروزی جهان مطابق باشد برقرارشد. پیداست که بهمین وسیله چه اصلاح اجتماعی واخلاقی ومدنی در

جامعهٔ ایران راه یافت .

درمیان قوانین بسیارمهمی که درین دوره بتصویب رسیده است قانون مدنی اهمیت خاصی دارد . پیداست داشتن قانونی که تکلیف همهٔ افراد جامعه رادر زندگی اجتماعی وروابط با یك دیگر معلوم کند چگونه جزو ضروریات هر ملت متمدنیست. قانون مدنی حقوق و وظایف افرادرا معلوم می کند ومسایل مهم ازدواج وطلاق وارث و معاملات ومشاغل و جز آن را روشن می کند ونمایندهٔ رشد هر جامعه‌است . شکی نیست که‌تنها امتیازملت متمدن ازملت وحشی داشتن این گونه قانونهای اجتماعی ومدنی وعرفیست . درتمام مدتی که پیش ازین دوره‌حکومت مشروطه‌برقرار بوده‌ودستگاه قانون گذاری وجودداشته است نفوذهای گوناگون ومنافع برخی ازطبقات جامعه و مداخلهٔ عناصر مختلف و اوضاعی که شرح آن بسیار مفصل خواهد شد مانع بوده است که قانون گذاران بوضع چنین قوانینی جرات کنندودولت‌هم جرات آن‌راداشته‌باشد که پیشنهاد کند وحتی‌جرات‌نداشته‌اند نامی ازآن ببرند . چنانکه در۱۲۹۵ قانون بسیارمعتدلی بنام قانون جزای عرفی هیئت وزیران تصویب کرد که هرگزاجری‌نشد، بمحض آنکه این‌خبرانتشار یافت همهمهٔ شگفتی ازگوشه و کنار برخاست وسرانجام آن قانون را نادیده وناشنیده گرفتند. فهرست مهم‌ترین قوانینی که‌درین دوران ازده دورهٔقانون گذاری گذشته است بدین گونه است:

قانون هیئت منصفه که در۱۰ آذرماه ۱۳۰۱ تصویب شد ودر ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ آنرا اصلاح کردندیکی‌ازقدمهای بزرگیست که دراصلاحات قضایی برداشته شده است.

قانون علامات صنعتی وتجارتی که در۹فروردین ۱۳۰۴ وضع شده ودرحفظ حقوق ومالکیت مردم اهمیت‌بسیاردارد .

قانون سجل احوال که در ۱٤ خرداد ۱۳۰٤ بتصویب رسید و در ۲۰ امرداد ۱۳۰۷ اصلاح شد ودر ۱۱ آذر ۱۳۱۰ باردیگر آنرا اصلاح کردند .

قانون استخدام قضاة وصاحب‌منصبان پارکه ومباشران ثبت اسناد که در۲۸ اسفندماه ۱۳۰۸ وضع شده است .

قانون حکمیت که‌در۲۹ اسفند ۱۳۰٦ بتصویب مجلس رسید ودر۲۱فروردین ماه ۱۳۰۸ اصلاح شد

قانون تعیین‌مرجع‌دعاوی‌بین افراد ودولت که در۱۹ اردی‌بهشت۱۳۰۸وضع شد ودر۱۳آبان ۱۳۰۹ اصلاح شد .

قانون اصول تشکیلات عدلیه که در۲۷ تیرماه۱۳۰۷ تصویب‌شد و در۷آبان ۱۳۱۵ اصلاح کردند .

قانون محاکمات نظامی که در ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید .

قانون مجازات اشخاصی که‌برای بردن مال غیرتبانی می کنند در۳ امرداد ۱۳۰۷ تصویب شد.

قانون دفترهای اسناد رسمی در۱۳ بهمن ماه۱۳۰۷ .

قانون مجازات راجع بانتقال مال غیر در٥ فروردین‌ماه ۱۳۰۸ .

قانون محاکم‌شرع که در۱٤خرداد ۱۳۰۸ بتصویب رسید ودر۹ آذرماه ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون مرور زمان در ۲ تیرماه ۱۳۰۸ .

قانون شهادت وامارات در۲۳ تیرماه ۱۳۰۸ .

قانون تابعیت که در۱٦شهریورماه۱۳۰۸ وضع شد و در ۲۹مهرماه۱۳۰۹متمم آن بتصویب رسید .

قانون ثبت اسناد واملاك که در۱۱مهرماه۱۳۰۸ وضع‌شد ویك‌بار در۲۱بهمن

۱۳۰۸ و بار دیگر در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون تأمین مدعی به در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ .

قانون طرز جلوگیری از تصرفات عدوانی در ٤ اردی بهشت ماه ۱۳۰۹ .

قانون تسریع محاکمات در ۳ تیرماه ۱۳۰۹ .

قانون تعاون قضایی در ۲٤ تیرماه ۱۳۰۹ .

قانون مأمورین صلح در ۲٤ تیرماه ۱۳۰۹ .

قانون محاکمات جنایی در اول امرداد ماه ۱۳۰۹ .

قانون تصدیق انحصار وراثت که در ۱٤ مهرماه ۱۳۰۹ وضع شد و در ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۳ اصلاح شد .

قانون مجازات قطاع الطریق که در ۹ خردادماه ۱۳۰۰ بتصویب رسید و در ٦ آذر ماه ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت در ۲۲ خردادماه ۱۳۱۰.

قانون مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه در ۲۳ امرداد ماه ۱۳۱۰ .

قانون انکار زوجیت در ۲۰ ارری بهشت ماه ۱۳۱۱ .

قانون ثبت شرکتها در ۲ خرداد ماه ۱۳۱۰ .

قانون ثبت علایم و اختراعات در اول تیرماه ۱۳۱۰ .

قانون ازدواج در ۲۳ امردادماه ۱۳۱۰ .

قانون اعسار و افلاس در ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ .

قانون تجارت در ۱۳ اردی بهشت ماه ۱۳۱۱.

قانون اوزان و مقیاسها در ۱۸ دیماه ۱۳۱۱ .

قانون اموال بی‌صاحب در ۱٦ اردی بهشت ماه ۱۳۱۳.

قانون مدنی که از ٦ بهمن ماه ۱۳۱۳ تا ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱٤ تدریجاً تصویب

شده و سپس در اول مهرماه ۱۳۱۴ و ۸ آبانماه ۱۳۱۴ بقیهٔ آن بتصویب رسیده‌است.

قانون وکالت که در ۲۰ شهریورماه ۱۳۱۴ بتصویب رسیده و در ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۱۵ اصلاح شده است .

قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری در ۲۸ دیماه ۱۳۱۴ .

قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق ومقررات قانونی در ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵.

ازین فهرست مختصر پیداست که درچهارده سال و نیم ازین دوره چهل قانون مهم که هریك دراصلاح اوضاع ایران درزمینه‌های مختلف منتهای اهمیت و لزوم را داشته وقانون گذاران سابق مطلقاً از آنها غافل بوده‌اند و اوضاع پریشان آن روزگار مانع از وضع آنها شده است بتصویب رسیده وبموقع اجری گذاشته‌اند. مهم‌ترین قوانینی که برای اصلاح اوضاع ایران لازم بود تا ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵ وضع شد واز آن پس دستگاه قانون گذاری مشغول وضع قوانین فرعی یا تکمیل وتوضیح قوانین سابق بود .

این فهرست بهترین دلیلست که درین دورهٔ فرخنده چه گامهای بلنددرراه ترقی ایران برداشته‌اند و ازهرحیث وسایل رشد اخلاقی و سیاسی ایرانیان فراهم آمده وملت ایران دارای همان قوانین وهمان اصول قضایی وحقوقی که همهٔ ملل متمدن جهان‌دارند شده است .

اصلاحات اجتماعی

یکی ازجنبه‌های مهم اصلاحاتی که شاهنشاه پهلوی در دورهٔ شهریاری خود کرده است اصلاحات اجتماعیست که فصل مهمی درتاریخ ایران گشوده وهمیشه‌در زندگی‌ایران موثرخواهد بود.البته تاریخ بشرازحیث مردان بزرگی که‌کارهایی ازپیش برده‌اند و بنیادهایی در تمدنها گذاشته‌اند چندان تهی دست نیست و تاریخ ایران قطعاً برتاریخ کشورهای‌دیگرجهان ازین‌حیث‌برتری دارد . شکی نیست که درهرعصرو زمانی مردان بزرگی درایران زیسته‌اند که‌آثار مادی ومعنوی یشان قرنها پایدار مانده است . بزرگان ایران درهرزمینه‌ای از تمدن مادی و معنوی جهان آثاری جاودانی گذاشته‌اند . در هررشته و در هر علم وفن که بنگریم بنام یك عده از ایرانیان برمی خوریم که قسمت عمده پیشرفتهای آن فن ازیشانست. بهمین‌جهت‌می‌توان گفت ایرانی‌عادت دارد از وجود بزرگان دیار خود برخوردار شود وازین سرچشمهٔ فیض سرمدی متنعم گردد . پس خاصیتی درنژادایرانی‌هست که ازآغاز تاریخ بدان خو گرفته است وآن اینست که قدر وپایهٔ بزرگان کشور خود را می‌داند.

این نکته راهم باید درنظرداشت که در میان بزرگان جهان بیشتر کسانی بوده‌اند که در فنی مخصوص و رشته‌ای خاص‌کار مهمی ازپیش‌برده‌اند،یعنی‌تنهادر فن‌خود تسلط فوق‌العاده داشته‌اند وآدمی‌زادگان‌را رهین انکشاف یا اختراع و یا سرمشق بزرگی کرده‌اند وبهمین‌جهت‌مقام‌بلندی‌را درجهان بدست‌آورده‌اند وپرتو

خاصی بر تاریخ روزگار خود افگنده‌اند. در برابر ایشان عده‌ای معدوداز بزرگان هستندکه نوابغ جهانگیر بوده‌اند. یعنی کسانی که اختصاص بدورهٔ معین وناحیهٔ محدودی و فن مشخصی نداشته‌اند وچنان کار مهمی از پیش برده‌اند که همهٔ آدمی زادگان در هرعصر و زمانی از آن بهره‌مند شده‌اند و آثار آن همواره در جهان مانده است

شمارهٔ این نوابغ جهانگیر کمست و برای رسیدن بدین مقام روح بسیار بزرگی می‌خواهد که مسلط برهمهٔ شئون زندگانی باشد ودر رشته‌ها وزمینه‌های متعددقوهٔ ابتکار واختراع درو باشد و بهمین جهتست که‌شمارهٔ ایشان بسیار کمست.

عدهٔ دیگراز مردان بزرگ مؤسسان تمدنها و تجددها درزندگی هستند و بنیاد نوینی در زندگی اجتماعی گذاشته‌اند. درایران تاکنون پنج‌تن ازین بنیاد گذاران داشته‌ایم: یکی کورش بزرگ، دوم اردشیر بابکان، سوم امیر اسمعیل سامانی، چهارم عضدالدولهٔ دیلمی وپنجم شاه‌اسمعیل‌صفوی که هریك اساس تمدنی درایران گذاشته‌اندودر بسیاری‌ازمظاهرزندگی‌آثاری ازیشان مانده است وتاقرنها خواهد ماند. این مردان بزرگ روش زندگی را تغییرداده و جریان تاریخ را دگرگون کرده‌اند. بهمین جهت در میان اصلاحاتی که در هر کشوری می‌شود اصلاحات اجتماعی‌در رأس همه کارهاست ومرد بزرگ آن کسیست که طرز فکر جامعه وجزئیات زندگی مردم را تغییر دهد ودرهمهٔ شئون بهبودی فراهم سازد و بنیادی در زندگی بگذارد که همه چیزآن باآنچه بوده است فرق داشته باشد و نه تنها درکلیات بلکه درجزییات زندگی نیزاصلاحات کند. این اساس بایدزوال و انقراض‌دورهٔ گذشته‌راجبران کند ودورهٔ مجد وعظمتی فراهم آورد. بدین‌جهتست که باید اصلاحات اجتماعی شاهنشاه پهلوی را ازمهم‌ترین مراحل دورهٔ شهریاری وی دانست.



هنگام ورود به مجلس شورای ملی برای گشایش یکی از ادوار قانونگزاری

برای اینکه خوانندگان درست باهمیت این اصلاحات اجتماعی پی ببرند لازمست که اوضاع اجتماعی ایران را در دورهٔ استیلای قاجارها بدانند . شواهد بسیارهست که جامعهٔ ایران‌دردورهٔ گذشته دوچارمنتهی درجه ذلت‌وخواری وفساد وزبونی شده بود که لازمهٔ هرانقراضست و همیشه در مواقع دشوار و باریك تاریخ پیش‌اززوال دیده‌می‌شود. بسیاری ازین‌مفاسد اخلاقی‌نتیجهٔسالها پریشانی‌وآشفتگی ونا امنی‌وناتوانی بود . نیروی مادی و معنوی ازدست رفته بود ودلیری ودلاوری درهیچ‌کاری‌دیده‌نمی‌شد .مردم برای هیچ‌چیز نشاط وسروری را که‌لازمهٔزندگیست نداشتند و درهمه‌کار بی‌قیدبودند. دویست‌سال جنگهای خانگی ونفاق‌ودوگانگی وناامنی شبانروزی و گرفتارمتنفذان وراهزنان وستمگران وکارگزاران غارتگر دولت بودن درهای فرج را از هرسو بسته و هرآرزویی را ازمیان برده بود . مداخلات بیگانگان عزت نفس را که یکی از شریف‌ترین خصال آدمیست نابود کرده بود و در نتیجهٔ این پریشانیها ودرضمن تعلیمات زیان بخش‌دورویی وتزویر درهمه‌جارخنه افگنده‌بودو آن‌دلاوری‌و دلیری که لازمهٔملت زنده است‌وبزرگترین حوادث‌تاریخ را فراهم کرده‌وایرانیان بارها آنرا ببهترین‌وجهی نمودار کرده‌بودند ازایران یکسره رخت بربسته بود . بهمین‌جهت یك سلسله اصلاحات اجتماعی در ایران کمال ضرورت‌را داشت‌ومقدم‌برهراصلاح دیگری بود . شك‌نیست که‌ویرانی هردیاری بسته بروحیات مردم‌آن‌دیارست ومادیات همیشه تابع‌فکروانديشه‌است . هرجا که اندیشه ناتوان گردد مادیات‌هم‌رو بتباهی می گذارد و بهمین‌جهت درچنین مواردی اصلاحات معنوی وفکری واجتماعی برهراصلاح دیگر باید مقدم باشد، زیرا هرچه درآبادی وعمران‌بکنندتا مردمی‌بدان درجه از رشدوشایستگی‌نرسیده باشند که قدرآنرا بدانندوآنرا نگاه بدارندآن اساس مادی استوارنخواهدماندو هرچه بسازند در اندك زمانی بباد ویرانی می‌رود . بدین‌جهات مصلحان بزرگ‌و

پدیدآورندگان تمدنها وشرایع اصلاحات اجتماعی‌را برهرکاری‌مقدم دانسته‌اندو نخست‌افکار واخلاق را اصلاح کرده‌اندوپس ازآن بسراغ مادیات رفته‌اند. درین دوره نیزاصلاحات معنوی واجتماعی گوناگون درایران شده است که هریك‌درحد خود اهمیت خاصی دارد وجای‌آن دارد که‌آنها را در رأس پیشرفت‌های ایران در دوران پهلوی بدانیم.

پیش ازین اشاره رفت که اصلاح وضع خانواده وازدواج وطلاق را بایداز هرچیزمهم‌تردانست زیرا که جامعه همواره از خانواده‌ها تشکیل‌می‌شود وجامعهٔ برومندآنست که‌خانواده درآن‌مقدس‌ومحترم وخلل ناپذیرباشد ویگانگی‌واتحاد مطلق درمیان افرادآن برقرار گردد.

علمای جامعه شناس گفته اند که خانوانده وطن کوچکیست یعنی افراد در خانواده درس وطن پرستی می گیرند ووطن ازخانواده هاتشکیل می‌شود وهر کس درخانواده وطن خود رانشناسد پی بعظمت‌آن نخواهد برد، زیرا تردیدی نیست که هر کس خانواده خود رادوست نداشته باشد وطن خود راهم دوست نخواهد داشت. درایران‌درنتیجهٔ تعددزوجات‌وزنهای متعه (صیغه) وعقدی وطلاقهای‌بی‌مورد وجابرانه اتحاد و اتفاق از میان افراد خانواده رفته بود ویگانگی‌وپیوستگی که لازمهٔ هرجامعه قوی و ملت برومندیست بمرور زمان رخت بربسته بود. افراد خانواده نسبت بیك دیگر بیگانه وبی قیدوحتی دشمن یك دیگر بودند وپدرنیزاز همسران‌متعدد وفرزندانی که ازچندمادربودندبیگانه‌بود وقهرا تربیت خانوادگی که پایهٔ تربیت ملیست وجودنداشت. درضمن اصلاحات اجتماعی‌می‌بایست‌باصلاح خانواده وتشکیل خانواده های متحدومتفق‌بپردازند ویگانه راه‌ایجاد خانوادهای برومنداین بود که حق طلاق را کـه تنها با شوهر بودوشرط وقیدی در آن نبود محدود کنند و هردوطـرف یعنی زن ومرد را درآن مساوی سازند و برای تعدد

زوجات نیز قیود وشرایط دشواری برقرار کنند که مانع ازهوسرانی و تولید بدبختی ونفاق درمیان خانواده ها باشد و این اصلاح اجتماعی مهم درین دوره بعمل آمد واین نکته در تاریخ اصلاحات این دوران اهمیت بسیار دارد.

دیگر از اصلاحات اجتماعی این دوره که آن نیز اهمیت فراوان دارد استحکام مبانی ملیت ایرانست. یکی از خصایص برجستهٔ ملت ایران همیشه این بوده است که از زمانهای بسیار قدیم و درروزگاری که هیچ ملت دیگری این احساسات را نداشته پایهٔ ملیت خود را براساس بسیار استواری گذاشته است و در تاریخ خود همیشه جنبش ها وقیامهای مردانه برای اخراج بیگانگان کرده است. امادر دورهٔ گذشته این حس مردی و مردانگی بسیارسست شده بود و درصد سال پیش ازین دوران یکسره ازمیان رفته ونابود گشته بود ، چنانکه تاریخ درین صد وسی سال استیلای قاجار ها نشان می‌دهد . از آن گذشته در زمانهای اخیر ملیت در جهان مصداق دیگری پیدا کرده بود که ایرانیان بدان پی نبرده بودند. پیش از آن وثیقهٔ ملیت اشتراك دین وزبان بود، بهمین جهت جنگهای داخلی که ناشی از اختلاف دین بود درمیان مردمی که ازیك نژاد بودند ویك زبان داشتند روی می‌داد و کرارا کشور را گرفتار اختلاف وپریشانی می کرد. درجهان امروز ملیت عبارتست از اشتراك نژاد وافکار وآرزوهای بشری وفرهنگ ، یعنی همهٔ مردمی که ازیك نژاد وازیك اصل وریشه اند ومانند یك دیگر فکر می کنند وآرزوها وامیدهای مشترك واحساسات وعواطف یکسان دارند از یك ملت بشمار می‌روند وحق دارند سرزمینی مخصوص بخود داشته باشند وحکومت مستقلی بدلخواه خود تشکیل بدهند و دراختیار مقدرات خود آزاد ومجاز باشند . آرزوهای ملی خود را پیش ببرند و همهٔ افرادی که این شرایط را داشته باشند واین افکار وآرزوها دریشان گرد آمده باشد درهر جا که باشند حق دارند بیك دیگر ملحق شوند وهیچ مانع اصلی وفرعی نباید دربرابر این

مقصود مقدس باشد.

در ایران هم لازم بود فکر ملیت باین مصداق جدید که سابقه نداشت پرورش یابد و بنیاد ملیت ایران را بهمین اصول استوار کنند. برای پیشرفت این مقصود یک رشته اصلاحات اجتماعی در ایران شده است: مهم ترین آنها ایجاد حس وحدت در میان ایرانیانست. شکی نیست که پیش ازین ایرانیان بواسطهٔ نفاقی که درمیانشان بود ملت واحدی را تشکیل نمی‌دادند. البته در ایران مردمی بودند که باصطلاح سیاسی برای امتیاز از ملل دیگر ایشان را ایرانی می نامیدند و ظاهراً تابع دولت واحدی بودند وچنانکه سابقا اشاره رفت استقلال گونه ای داشتند اما هیچ وحدت واتحادی در میان نبود و تنها مردم یك شهر باهم روابطی داشتند واهالی شهر دیگر را بیگانه می‌دانستند. بدین گونه درهر ناحیه مردمی منفرد ومنزوی زندگی میکردند که با مردم نواحی دیگر مطلقاً رابطه ورفت و آمد نداشتند و تنها رابطهٔ ایشان بایك دیگر پای تخت بود که اگر اتفاقا چندتن ازیشان برای کار بپای تخت می‌رفتند دوسه روزی، با مردم ناحیهٔ دیگر رو برو می‌شدند. در نتیجهٔ حکومت های ایلیاتی وملوك الطوایف چند هزارساله وتسلط بیگانگان درهر گوشه ای ازایران مردمی زندگی میکردند که از حیث معتقدات ولباس وزبان وحتی عادات و رسوم واخلاق با مردم همسایه اندك شباهتی نداشتند، بلکه بکلی بیگانه بودند وهیچ فکر ونفع مشترکی ایشان را بهم نمی‌پیوست، بلکه برعکس نفع هریك درضرر دیگری بود و این گروه باآن گروه میجنگید وآنرا غارت میکرد واین دسته آن دسته را میکشت وپیوسته درحال جنگ وتعرض نسبت بیك دیگر یادفاع خود بودند. همهٔ نیروهای روزمرهٔ ایشان صرف حفظ حقوق حیوانی خورد وخواب بود وهیچ فکر عالی بشری درمیان نبود، یعنی مجال آنرا نمی کردند که باین افکار بپردازند. ناچار در آن زمان چنین ملتی را نمی‌شد ملت واحد بگویند وروح وحدت ویگانگی مطلق درمیان ایرانیان نبود وهر دسته و گروهی

دلسوزی وتوجه نسبت بدستهٔ و گروه دیگر نداشت‌وهر گز اندیشهٔ حفظ منافع‌ودفع ضرزآنرا نمیکرد. بهمین جهت‌لازم بود وحدت ویگانگی درمیان افراد مختلف و طوایف وقبایل گوناگون مردم ایران که همه از یك نژاد بودند و تنها اختلافات ظاهری وجزیی بسیاردرمیانشان‌بود فراهم شود. درین راه برای رسیدن باین‌نتیجه قدمهای بلند درایران‌برداشتند که هریك ازآنها درحدخود بسیارمهم و بسیارمؤثر بوده است.

یکی ازآن اقدامات متحـد الشکل کردن مردم و از میان بردن لباسهای گوناگون و رنگارنگ سابق بود که خود وسیلهٔ اختلاف ظـاهری بشمار می‌رفت وهمین سبب می‌شد که مردم‌خودراازیك دیگر بیگانه میدانستند ومیدیدند که باهم اتحاد واتفاق‌ندارند.

وسیلهٔ دیگر که بسیاراهمیت داشت شهرنشین کردن مردم چادرنشین بیابان گرد بود. گذشته ازاهمیتی که این‌کار در امنیت کشورودراقتصاد وآبادانی داشت در ایجـاد روح و حـدت و استوار کردن بنیاد ملیت ایران نیز اهمیت بسزایی داشته است.

اصلاح اجتماعی مهم دیگری که در ایران‌شد ایجاد روح میهن پرستیست. البته وطن پرستی دردوره های قدیم تادویست سال پیش بمصداق و مفهوم دیگری یعنی‌بمصداق قدیمی سابق معمول درایران وجود داشته است و ایرانیان بکشور و آب وخاك خود دلبستگی داشته اند اما آن‌مصداق و مفهوم درجهان تغییر کرده‌و میهن پرستی‌امروزبجز وطن پرستی دویست سال پیشست وتازه این مصداق‌ومفهوم هم درین دویست سال‌پیش ازمیان رفته‌بود، زیرا که‌آدمی زاده قهراً پای بست‌نفع مادیست ودرزادگاه ناامن وپریشان روزگار که مردم‌آن تااندازه ای تهی دست و خواروسرشکسته باشند بکسی خوش نمی‌گذرد ونفع کسی تأمین نمیشود بهمین

جهت اگر مردم در وطن خود ناراحت و در معرض خطر باشند میکوشند جان خود را بدر برند. در آن زمان این معنی در ذهن مردم بدین گونه نقش می بست که:

وطن آنجاست کازاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد

یا آنکه می گفتند:

سعد یا، حب وطن گرچه حدیثیست قدیم نتوان مرد بسختی که من این جازادم

بدین گونه در دویست سال گذشته این مصداق ومفهوم کهن نیزاز میان رفته بود، چنانکه هرسال جمعی کثیراز مردم ایران هجرت میکردند وشمارهٔ مهاجران ایرانی در کشورهای بیگانه ومخصوصاً در روسیه وترکیه و عراق و هندوستان و جزیره‌ها و کرانه های خلیج فارس بسیار بود. پس ناچارمی بایست درمیان اصلاحات اجتماعی ومعنوی که درین دوره می‌شد حس وطن پرستی‌را بمصداق جدیدوامروزی خود یعنی بدان مصداقی که ملل دیگر بدان قایلندبرقرار کنند.

مصداق امروزی وطن پرستی اینست که هر کس آب وخاك وجایگاه نیاگان وزادگاه خودرا بی هیچ قید وشرطی دوست بدارد وهرچه بدان متعلقست چه‌خوب وچه بدبسر حدستایش وباکمال ایمان وحضورقلب بپرستد وآنرا برهرچه‌دیگران دارند ترجیح بدهد. اگرهم آزاری در کشورخود دید دست ازآن برندارد وآنرا ترك نکند ودرهرموقع آماده باشد که جان خودرا بدهد وهمهٔ کوششهای‌شبانروزی او باید برای خدمت‌بزادگاه وجان فشانی درراه آن باشد بکوشد که‌هرروزی‌بیش از روز پیش خود را برای خدمت آماده کند ووجود او سودمندتر باشد. در برابر این کار بهیچ پاداش مادی چشم نداشته باشد و جز اجر معنوی و مزد اخلاقی چیزی‌نخواهد وحتی برای تشویق وتحسین همکاری را انجام ندهد. بهمین خشنود باشد که وظیفهٔ مقدس خود و شریف ترین تکلیف انسانی خود را انجام داده است و درضمن درهرکاری که هست بکوشد که هر روز خدمت وی از روز دیگر

سودمندتر باشد .

مصداق وطن پرستی ومیهن دوستی که‌امروزدرهمهٔ کشورهای متمدن‌جهان پسندیده است همینست و این مصداق و مفهوم نیزمیبایست درایران‌پیداشودواین درراس اصلاحات مهم اجتماعی بود که‌بی هیچ شکی در دورانهای گذشته حتی در گرماگرم خونریزی وجـان فشانی دورهٔ انقلابات و جود نداشته است و در عصر پهلوی بی هیچ شك و تردیدی اساس آن گـذاشته شد . بدین و سیله اساس ملیت ایران نیزبنیاد استواری پذیرفت واستقلال سیاسی کشورهم تأمین شد. ازآن روز ایرانیان توانستند کاملا باستقـلال خود امیدوار و مطمئن باشند و بدین گونه در آینده‌همواره ایران‌ازهرتعرضی مصون خواهد ماند ، زیرا که‌اساس ملیت‌برمبانی محکم گذاشته شده وروح میهن پرستی کاملادمیده شده وغرورملی که شریف ترین غریزهٔ طبیعی و فطری آدمی‌زادگانست در ایران ریشه گـرفته و قهراً روز بروز برومندترمیشود .

باید متوجه بود که بهترین و سیله برای ایجاد این احساسات تأسیس نظام وظیفه وخدمت سربازی بوده است که پیش ازین فواید آن گفته شد.

دیگرازوسایل‌مهمی که دراصلاحات‌اجتماعی‌بدان توجه کردند تعظیم شعایر ایران و احترام ببزرگان تاریخ ایران بود ، زیرا تردیدی نیست مردمی رشید و نیرومند می‌شوند که‌بزرگان‌خود رابزرگ بدانند، بزرگداشت وپرستش بزرگان و پیروی از کار های ایشان قهراً نیرویی حتی در وجود ناتوان ترین کس فراهم میکند و ایمان و رسوخی در دلها جای میدهد که نیروی فکری وحتی بدنی را می‌افزاید وهمواه‌آدمی را بکوشش و جهاد در راه خدمت و وظیفه برمی انگیزد و اورا آرزومند می کند که بدان مرد بزرگ‌تاسی کندوهمان کارهایی را که او کرده است انجام بدهد .

دیگر ازقدمهایی که برای تامین این مقصود برداشته شد قانون لباس وطنی وتشویق مردم باستعمال کالاهای میهن بود که گذشته از اثر اخلاقی واجتماعی اثر اقتصادی نیز داشته است. در۲۹ بهمن ماه۱۳۰۱ قانون استعمال لباس وطنی ازمجلس گذشت وپس از آن دردوره های بعد یك سلسله نمایشگاه های کالاهای و طنی در تهران وشهرهای عمدهٔ کشور ترتیب دادند وبیشتر آن نمایشگاه‌ها را شاهنشاه ایران خود افتتاح میکرد و دستور برای بهبود وترقی مصنوعات می‌داد. شکی نیست که یکی ازعوامل ترقی ورشد هرملتی اینست که نیازمندیهای خود رادر کشور خودفراهم کند تا ازحیث لوازم زندگی بدیگران محتاج نباشد ودرآمد ملی خودرا برای وارد کردن آنها ازدست ندهد. در ضمن ترجیح کالای داخلی بر کالای خارجی نیز یکی ازمظاهر ملیت و میهن پرستی هر ملتیست و بهمین جهت بود که درین دوره باین کار اهمیت خاصی داده شد. دیگراز اصلاحات اجتماعی که درین دوره شد لغو امتیازات وعناوین والقاب قدیم بود که ازهرحیث مورد مضحکه و استهزاشده بود ومخصوصاً درخارج ازایران انعکاس بسیار بدی داشت وآن عناوین ولقبهارا که بزبانهای اروپایی ترجمه میکردند بسیارمضحك میشدوباعث سرشکستگی ایرانیان درخارج بود. دردورهٔ گذشته مخصوصاً دوران استیلای قاجارها القاب و عناوینی که برای شرف وافتخار خادمان کشوروجامعه وضع شده بود مانند درجات نظامی یکسره ازمصداق ومفهوم حقیقی خوددورافتاده ومانند همه چیز تنها تابع جانبداری وهوی وهوس شده بود. عناوین والقاب مهم را نه تنهاارثی کرده بودندوبکودکان نابالغ هم میدادند بلکه دامنهٔ لقب بجایی کشیده شده بود که هر کس راهی بیکی ازکارگزاران دولت داشت لقب میگرفت و اگر لقب نداشت آن را سرشکستگی خود میدانست وحتی اشخاصی هم بخود لقب میدادند و پدرومادرها بنوزاد خود لقب میدادند ونشانها وافتخارات بهرهٔ کسانی میشد که اندك شایستگی دریشان

نبود . بهمین جهت در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۰۴ قانونی گذشت که القاب و مناصب نظامی کشوری و عناوین را که بمنتهی درجهٔ مبالغه رسیده بود لغو کردند و این نیز یکی از اصلاحات مهم اجتماعی بود . پس از آن نشانهای سابق را که بمنتهی درجهٔ مبالغه رسیده بود و بمردم نالایق داده بودند و شان آنها از میان رفته بود نیز لغو کردند و بدین وسیله احترام و افتخاری برای امتیازات رسمی ایران فراهم شد.

دیگر از گامهایی که در اصلاحات اجتماعی برداشته شد و پیش ازین نیز بدان اشاره رفت بزرگداشت از مفاخر ایران و تعظیم بزرگان بود . در دورهٔ گذشته در نتیجهٔ ناتوانی وسستی وخواری که مدت بیش از صدسال مردم ایران دوچار آن بودند یکسره مفاخر ملی خود را که هیچ ملتی درجهان نمی‌تواند با آن رقابت کند فراموش کرده واز مقام مهمی که ایران در تاریخ بشر داشته است غافل مانده بودند و غروری که لازمهٔ این افتخارات تاریخیست در نتیجهٔ نومیدیها و ناکامیها ازمیان رفته بود . کسانی هم که ازین بی‌اعتنایی دردمی کشیدند جز نوحه سرایی و مرثیه‌خوانی راه دیگری نداشتند . گاهی هم کسانی برمی‌خاستند که ببزرگان تاریخ ایران بی‌احترامی می کردند و این را دلیل بر تجدد خود می‌دانستند . ناچار یکی از کارهایی که در استحکام مبانی ملیت ایران واصلاح اوضاع اجتماعی می بایست بکنند بزرگ‌داشت بزرگان تاریخ این کشور ومتوجه کردن مردم کشور بعظمت مقام ایشان بود. بدین گونه درین دوره قدمهای بلند درین راه برداشته شد . درهرمورد که وسیله‌یی بدست آمد از یادآوری مفاخر ایران خود داری نکردند و نه تنها اقدامات مهم در تعمیر بناهای تاریخی وحفریات علمی شد بلکه در تعظیم و تکریم بزرگان ایران نیز کارهایی کردند که درایران و خارج از ایران انعکاس فراوان داشته است و نه تنها ایرانیان بلکه بیگانگان نیز بمقام و پایهٔ بزرگان ایران در تمدن جهان متوجه شدند ودر مراکز مهم عالم این نکتهٔ بسیار مهم منعکس شد .

از آن جمله جشنهای هزارسالهٔ فردوسیست که در پاییز ۱۳۱۳ گرفته شد و یکی ازحوادث بین‌الملل بشماررفت ، زیرا که نه‌تنها درایران جشن بـا شکوهی گرفته شد و کنگره‌ای تشکیل یافت که نمایندگان بسیاری از کشورهای جهان‌و ایران‌شناسان در آن‌شرکت کردندو هنگام گشایش آرامگاه‌فردوسی بدست‌شاهنشاه ایران حاضر بودند بلکه‌در پای‌تخت‌ها و شهرهای مهم کشورهای بیگانه و از آن جمله چهارشهراتحادجماهیرشوروی‌سوسیالیستی مجالس متعدد برپا شد ودربرخی از پای تخت‌ها نام فردوسی را برخیابانها ومیدانهای بزرگ گذاشتند وبدین‌وسیله رشد ملی ایران و مقام ایرانیان در میان ملل زندهٔ امروزجهان ثابت شد .

دیگرجشن هفتصدسالهٔ تألیف گلستان وبوستان بود که درسال ۱۳۱۶ گرفته شد وبدین وسیله عظمت مقام سعدی نیزدربرجهانیان ثابت گشت . تردیدی نیست که این گونه‌کارهادراصلاح‌اوضاع‌اجتماعی ایران واستحکام‌بنیاد ملیت‌وایجادغرور ملی وپرورش حس میهن‌پرستی تاچه‌اندازه اهمیت داشته است ویکی ازمؤثرترین وسایل برای‌تأمین این مقصود عالی بوده است. شکی‌نیست که بدین وسیله‌ایرانیان از آن نومیدی وناکامی که درنتیجهٔ اوضاع اسف‌انگیزدورهٔ گذشته فراهم شده بود بیرون‌آمدند و روح مردی ومردانگی زنده شد .

دیگرازاصلاحات اجتماعی مهم دربن‌دوره وضع‌قوانین‌مدنی بوده است که سابقاًهم‌بدان اشاره کردم‌و گفتم‌داشتن این گونه قانونهای مدنی‌وعرفی‌نشانهٔ‌متمدن بودن ورشید بودن هرملتیست ویگانه‌نتیجهٔ همه انقلابها و جنبشهای مهم و ظهور شرایع وافکار بزرگیست که درتاریخ بشرپدیدآمده است وکسانی که وسایل‌وضع چنین قوانینی‌را فراهم آورده‌اند همیشه اصلاحات اجتماعی مهم کرده‌اند . البته پیشرفت‌های سیاسی ونظامی واصلاحات اداری واقتصادی وصنعتی وآبادانی کشور و نظایرآن که از خصایص راهنمایان و پیشوایان بـزرگ مللست کارهای بسیار

مهمیست که در تاریخ همیشه می‌ماند اما گذاشتن پایهٔ تمدن معنوی وفکری وتغییر روحیات وافکار ملل بمراتب بزرگ‌تر ووالاترست وکاریست که از همه کس ساخته نیست ونتیجهٔ آن درتاریخ بمراتب بالاتر از اصلاحات مادیست ، زیرا که مادیات دستخوش زوال و انقراض و ویرانی و انهدامست و بـرعکس افکار و احساسات همیشه می‌ماند وپشت بپشت ونسل بنسل در میان ملل پایدارست . بهمین جهتست که اصلاحات معنوی یعنی اصلاحات اجتماعی و فکری این دوره را باید اهمیت خاص داد وتغییراتی‌را که درزندگی معنوی وفکری ایران‌درین اندك مدت‌فراهم‌شد درمنتهی درجهٔ اهمیت دانست . قطعاً تاریخ نویسان همیشه درین مورد از شگفتی و ستایش خودداری نخواهند کرد و این فصل در تاریخ ایران فصل بسیار مهمی خواهد بود .

درزمینهٔ اصلاحات‌اجتماعی باید آنچه را که در ضمن بحث ازاصلاحات‌قضایی گفته شد درنظر آورد واصلاح‌امورخانواده ومسئلهٔ ازدواج وطلاق وتعددزوجات‌و عقد منقطع ومعاینهٔ صحی پیش از ازدواج واثرمهمی‌را که‌این‌اصلاحات اجتماعی‌در تاریخ ایران گذشته است ازنظردور نکرد . کسانی که درجامعه‌شناسی دست دارند می‌دانندقوانین مدنی وعرفی که‌درین دوره‌وضع شده‌ونتایجی که‌ازاجرای آنهابدست آمده است تاچه اندازه درتغییراوضاع ایران وساختن ایران نوین مؤثر بوده‌است ونمایندهٔ چه رأی رزین واندیشهٔ دوربین واحساسات بزرگیست

جای هیچ‌شك نیست که هرزوال‌وانقراض وذلت‌وخواری که ملتی‌وجامعه‌ای گرفتارآن شود نتیجهٔ تباهی اندیشه‌های افرادآن ملتست وهمهٔ‌کارهای شبانروزی وحرکات وسکنات هرقومی بسته بافکار ومعتقدات آن قومست وتا افکار ومعتقدات آن قوم دگرگون نشود نمی‌توان امیدروزبهی داشت . بهمین‌جهت درین دوره‌توجه خاصی که باصلاحات معنوی واجتماعی وفکری درایران شد وقوانین‌مدنی که‌درین

مدت وضع واجری کردند فکر بسیار بلند وصائبی بود که همیشه تاریخ بیاد خواهد داشت .

اهمیت فوق العادهٔ این اصلاحات بیشتر ازین جهتست که تمدن آدمی در هر نقطه‌ای از سطح زمین بنیادی بگذارد نیروی بسیار بزرگ وزورمندی دارد که باسرعتی شگرف درسراسر جهان انتشار می‌یابد وهیچ نیرویی راتاب برابری وایستادگی با آن نیست. خواهی نخواهی اقوام وملل دوریانزدیك بیك دیگر با شتابی هرچه بیشتر پیروی از آن میکنند وهمهٔ نیروی بشری در همین نیروی تمدنست . یگانه سبب خواری وسرشکستگی ایران دردوره‌های پیشین وامانده بودن ازکاروان تمدن بشری بود و قطعا می‌بایست هرروز که ایران تکانی می‌خورد وبخود می‌آمد آن دستگاه کهن ازکارافتاده رادرهم نوردد وهمهٔ مظاهر تمدن جدید رابی‌چون وچرا بپذیرد وکاملا خود را برای زندگی نوین آمـاده ومجهز کند یعنی بصورت متمدن‌ترین ملل جهان درآید وتمدن مادی ومعنوی امروزراحتی درجزئیات بپذیرد ورنه محکوم بنیستی می‌بود .

مخصوصا ازملت ایران بیش ازهرملت دیگری این انتظار می‌رفت زیرا که ایرانیان درزندگی هفت هزارسالهٔ خود همواره پیشوای تمدن هر عصر ویکی از مهم‌ترین کارگزاران تمدنهای بشری بوده‌اند. بهمین جهت امتیاز خاصی که عصر پهلوی درتاریخ ایران دارد اینست که دراندك مدتی باکمال سرعت هریك ازوسایل و هر يك ازمظاهر مادی ومعنوی وظاهری وباطنی تمدن جدید را پذیرفت واگر تنها باخذ مادیات بسنده می کرد وعوالم معنوی تمدن را نمی‌پذیرفت اساس بسیارسستی نهاده بود که هیچ انتظار بقا ازآن نمی‌رفت . البته شرط عقل ورای صائب این بود که هم جنبهٔ مادی وهم جنبهٔ معنوی رادرین کار رعایت کنند تا درپی مادیات معنویاتی هـم باشد که همواره نگاهبان وپاسبان آن مادیات باشد .

یکی از کارهایی که در اصلاح امور اجتماعی ایران شده تغییر لباس و قبول ظاهر ملل متمدن امروز جهانست که اساس آن بوسیلهٔ قانون متحدالشکل کردن البسهٔ اتباع ایران در داخلهٔ مملکت گذاشته شد و در دیماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید و از اول فروردین ۱۳۰۸ اجری شد. کمترین فایدهٔ این قانون و کارهایی که پس از آن کردند این بود که ایرانیان را یکسان و یکرنگ کرد و آن همه اختلاف صوری را که قهرا باعث اختلافات باطنی و نفاق می‌شد از میان برداشت و در وحدت روح ملی ایران اثر بسیار بزرگی بخشید. زیرا هیچ تردید نیست چنانکه از قدیم گفته‌اند «ظاهر عنوان باطنست» و هر ملتی که افرادش در ظاهر باهم اختلافی داشته باشند قهراً خواهی نخواهی در باطن هم با یک دیگر یک دل و یک جهت نخواهند بود و همین اختلاف لباس یکی از دلایل مسلم نفاق و دوگانگی مردم ایران با یک دیگر بود. قطعاً کسانی که گروهی را با لباس دیگری بجز لباس خود می‌دیدند از خود نمی‌دانستند و بیگانه می‌شمردند.

نتیجهٔ دیگر این اقدام این بود که تا ایرانیان اروپاییان را با لباس دیگری بجز لباس خود می‌دیدند همیشه برتری خاصی برای ایشان قایل بودند و خود را زیردست و دست‌نشانده و احیانا پیرو دستور ایشان می‌پنداشتند و غرور ملی که ضامن استقلال هر کشوریست در نهاد ایرانیان راه نمی‌یافت. اما همین که از این حیث هم امتیازی برای ایشان باقی نماند حس ملیت در ایران چنانکه می‌بایست نیرومند شد. بهمین جهتست که این اصلاحی که شاید بنظر برخی از کوته بینان چندان مهم نباشد اهمیت خاص داشته است و در وحدت روح ملی ایران و استوار کردن مبانی ملیت ما بسیار مؤثر و شاید یکی از مؤثرترین عوامل بوده باشد.

دیگر از اصلاحات اجتماعی بسیار مهم که درین دوره شده و هر ایرانی که شاهد آن بوده است باید فخر کند که آن روز را دیده است موضوع آزادی زنان و رفع

حجاب در ۱۷ دیماه ۱۳۱٤ بوده است . با کمال جرات می توان گفت که در تاریخ هیچ دیاری کاری بدین دشواری بدین آسانی بپایان نرسیده است . درضمن هیچ تردیدی نیست که این واقعه مهم ترین واقعهٔ تاریخ این دوره است و همهٔ جهانیان را غرق حیرت واستعجاب کرده است. هیچ شك نیست که تاریخ نویسان همیشه مرد بزرگی را که برانگیزندهٔ این واقعه بوده است اگرهم کارهای مهم دیگری از پیش نبرده بود در شمارمردان درجهٔ اول تاریخ ایران می شمردند.

آشکارترین علامت وظاهرترین دلیل فساد وزبونی و تباهی اوضاع ایران و درماندگی و ویرانی کشورما درزمانهای گذشته همین بود که زنان ما و نیمی ازجامعهٔ مادرحجاب بودند واندك شرکتی درزندگی اجتماعی نداشتند. قطعاً آن روزی که حجاب ازمیان رفت ملت ایران ازبزرگترین موانع ترقی رهایی یافت. زیرا شکی نیست که حجاب زنان یادگارتاریك ترین دورانهای انحطاط آدمی زادگانست. هیچ مرد منصفی درهیچ گوشه ازجهان نمی تواند منکرشود که حجاب زنان ودرپرده بودن ایشان با هیچ یك ازاحساسات وعواطف عالی بشری وباهیچ عقل ومنطق وبرهان و دلیل درست نمی آید وعلامت مسلم دورهٔ نادانی وبربریت ملوك الطوایفست. چنانکه قطعا حجاب ازعادات قدیم نژاد سامیست ویادگارمردمیست که دختر داشتن را ننگ می دانستند ودختران خودرا زنده بگور می کردند وبهیچ وجه بملل نژادآریایی مربوط نیست که ازنخستین روز تمدن زن را صاحب اختیار زندگی کرده بودند . این عادت زشت را ایرانیان قدیم نخست از آسوریان تقلید کرده بودند ومدتهای مدید درایران یك قسم تجمل بود که اعیان و اشراف خودخواه درحق خود قایل بودند و زنـان خود را بیرون نمی آوردند و نمی گذاشتند کسی زنانشان را ببیند چنانکه در ایران هم تا زمانهای آخر تنها در شهرها بود و در میان چادرنشینان رواج نداشت .

درهر حال رفع حجاب و آزادی زنان ایران راازین قید جان‌فرسای بهر عنوان که بگیریم بحق باید در راس اصلاحات اجتماعی این دورهٔ خجسته قراردهیم و ازوقایع بسیارمهم تاریخ ایران بشماریم. قطعاً آن روزی که زنان ایران‌ازآن‌ذلت وخواری وبردگی رهایی یافتند ووارد زندگی اجتماعی شدند و درکارهای کشور خود شرکت کردند دراوضاع ایران‌انقلاب‌عظیمی‌روی‌داد که‌آثار آن ازآن‌پس‌در سراسر تاریخ درخشید وازهر حیث که بنگریم سرنوشت ملت ایران ازآن روزببعد دگرگون شد.

دیگرازاصلاحات‌اجتماعی که‌درین دوره شده تسهیل امورزندگی عمومیست واین‌نکته‌باندازه‌ای‌محسوسست که‌محتاج‌بهیچ گونه دلیل‌نیست زیرازندگی‌پیش‌از دوران پهلوی ودورهٔ‌استیلای‌قاجارها معلومست ودر کتابهای متعدد ضبط کرده‌اند وهنوز کسانی‌درایران‌هستند که‌آن‌دوره‌را بیاددارندومی‌دانند که زندگی‌دگرگون شد. هرروزقدمی بسوی رفاه وآسایش انفرادی برداشتند. همهٔ‌وسایل‌مادی‌ومعنوی زندگی ملل‌متمدن درایران فراهم‌آمد که یك‌قسمت ازآن مربوط‌بصنایع‌وقسمت دیگر مربوط بزندگی شهرنشینی و اصلاحات شهریست وپس ازین درآنها بحث خواهم کرد.

دیگر ازاصلاحاتی که‌درین دوره شده اصلاح امورموقوفاتست. پیش ازین دوره موقوفات درایران حال‌زاری داشت ویکی ازمنابع مهم بهره‌جویی روحانیان بود. درتمام این مدت وحتی‌دردوران‌انقلاب‌نتوانسته بودند وجرات نکرده بودند کارموقوفات را سروسامانی بدهندوکاری بکنند که عوایدآنها صرف‌آسایش‌مردم‌و نفع‌عموم بشود. ناچارمی‌بایست درین‌دوره‌ترتیبی‌بدهند که درآمدموقوفات‌زیر نظر وبامراقبت دولت‌بمصرفی که‌واقف معین کرده‌است برسدو بهمین‌جهة اصلاحاتی‌را که درین دوره درکارموقوفات ایران شده است بایدازاصلاحات اجتماعی‌دانست که در

آبادی واقتصاد کشوراثرمهمی داشته است.

دیگراز اصلاحات اجتماعی ومعنوی که دردورهٔ پهلوی در ایران شده و پیش ازین هم بدان اشاره رفت وحدت روح ملی ایران وایجاد یگانگی درمیان افرادایرانی بوده است . دردوره‌های گذشته در نتیجهٔ حکومت ملوك الطوایف و ایلیاتی واصول چادرنشینی و بیابان گردی وبواسطهٔ انقلابات داخلی وناامنی‌های بی‌حدوحساب که چندین قرن دامنهٔ آن کشیده شده بود و بواسطه اختلاف عادات ولباس وعقاید وآراء وزبان وغیره بهیچ‌وجه وحدت ملی ونژادی درایران وجود نداشت وچنانکه سابقا اشاره کردم یك مورخ فرانسوی نوشته بوددرایران ملت نیست ودرحقیقت مجموعه‌ای بود بی‌تناسب و نامربوط ازعقاید گوناگون که بهیچ وجه با یك دیگرپیوستگی و ارتباط وحتی گاهی وجه‌اشتراك نداشتند . پیوسته بایك دیگر درستیز وپرخاش و تعصب‌ورزی بودند وهیچ روح واحدی درمیان این آرای مختلف متضاد نبود . البته می بایست‌روزی روح وحدت رادرایران بدمندوعناصرمتضاد این کشوررا باهم تالیف وترکیب کنندیعنی‌درحقیقت ملتی‌از نو بسازندواین نیزیکی ازاصلاحات اجتماعیست که‌درایران نتیجه‌بخشیده است .

اصلاحات شهری

درین دوره برای رفاه و آسایش مردم در شهر ها و مر کز اجتماع اصلاحات بسیار مفیدی شده است که بحث در آنها نیز ضرورت دارد. تردیدی نیست که غرض اصلی و منظور حقیقی از تشکیل دولت‌ها درهمه جا در روز نخست این بوده است که جامعهٔ متمدن و مردم شهرنشین نیازمندیهای مشترك دارند کـه هیچ کس بتنهایی نمیتواند آنهارا بر آورد. هنگامی که جامعه تشکیل شده است افراد آن ازمیان خود کسانی‌را که برجسته بوده‌اند و می‌توانسته‌اند راهنما و پیشوا و مسئول زندگی باشند و نیازمندیهای مشترك و عمومیشان رادر کمال خوبی بر آورند بر گزیده‌اند و اختیاراتی بدیشان داده‌اند وازیشان برای پیشرفت مقصود تمکین کرده‌اند. آن بر گزیدگان هم حوایج و ضروریات مشترك آن گروه را بعهده گرفته‌اند و ببهترین وجهی آنرا ادا کرده‌اند بهمین جهت نخستین تکلیف و مهم‌ترین وظیفهٔ طبقهٔ حاکمه و هر حکومتی آنست که همهٔ وسایل رفاه و آسایش مادی و معنوی و ذوقی و حتی وسایل تفریح و تفنن افراد آن قوم را درهر جنس و هر سن که باشند بامنتهای دلسوزی و ببهترین شکلی که ممکن باشد فراهم کند. متاسفانه تا پیش از عصر پهلوی دولت ایران این وظیفه را انجام نمی‌داد و بکلی از آن قاصر و مقصر بود و هیچ یك از وسایل تأمین این مقصود در افراهم نکرد. چنانکه شهرهای بزرگ و کوچك ایران که در زمانهای دور بسیار آباد و ضرب المثل جهانیان بوده‌اند و در دوره‌های پریشانی و آشفتگی ویران شده بودند در دورهٔ قاجارها سالیان دراز ویران افتاده بودند و کسی اندك توجهی در بارهٔ شهرنشینان نمی کرد.

کسانی که دورهٔ استیلای قاجارها را درك کرده اند بیاد دارند که وضع شهرها و آبادیها در آن دوره چه بود و گذشته از نادانی که درهمه جا محسوس بود منظرهٔ خرابی مادی و بی اعتنایی کارگزاران دولت بآن نیز درسراسر کشور دیده می شد و بهیچ وجه شایستهٔ ملتی که هفت هزار سال تمدن پیاپی داشته است وحتی در دورهٔ صفویه شهرهای آن درسراسر جهان بزیبایی وعظمت شهرت داشت نبود. وضع هر شهر ایران را که باوضع آن در دورهٔ قاجارها بسنجیم می بینیم که قیاس کردنی نیست.

در دورهٔ پهلوی درمیان آن توده های خاك وخاکستر وخاشاك که تا آغاز آن دوره مسکن نژاد ایرانی بود و شهرهای ایران را تشکیل می داد ساختمان های رفیع باشکوه زیبا وخیابانهای عریض باصفا روز بروز بیشتر شد. گل زمستان و گرد و خاك تابستان جای خود را بسیمان و آسفالت وسنگ فرش وغیره داد. آن کوچه های تنگ وتاریك که درشب کمین گاه دزدان و بدکاران بود روشن وپاکیزه درزیر پرتو چراغها درخشیدن گرفت وراستی اگر کسی این وضع را باوضع پیشین می سنجید نمی توانست باور کند که در اندك مدتی این تغییر حاصل شده است و باور کردنی نیست که وقتی این مناظر را چگونه گل و لای و غبار و ظلمت و خوف و هراس فرا گرفته بود.

پیش از این دوره در بسیاری از شهرهای ایران برخی ازمحلات برج و بارو و دروازه داشت که شبها می بستند تامردم از بدکاران در امان باشند. در بیشتر شهرها کوچه ها را عمداً باپیچ وخمهای متعدد می ساختند تامردم بتوانند درهرخم کوچه ازخانهٔ خود دفاع کنند. در برخی ازشهرهای دیگر عمداً خانها را در گودی می ساختند وچندین پله بود تا بکف حیاط برسند تا کسی سواره نتواند بدانجا وارد شود.

بهمین جهتست که یکی ازکارهای مهم این دوره رااصلاحات شهری بایددانست. کسانی که پیش از دورهٔ پهلوی ازتهران بیرون رفته اند ودرآن دوره نیز بشهری که

دیده بودند سفر کرده اندمی‌دانند که دراندك مدتی چه پیشرفتهایی درین زمینه بدست آمده‌است. هیچ شهری در ایران نیست که بناهای چند بسیار محکم وزیبا در آن نساخته باشند. هیچ شهری نیست که مبالغ گزاف برای رفاه و آسودگی مردم آن از حیث ساختمان بناها وتسطیح و گشاد کردن و اصلاح کوچه‌ها وخیابانها ومیدانها و پاکیزگی وروشنایی شهر و بهداری وفراهم آوردن وسایل آسایش مردم در آن خرج نکرده باشند. جاهایی که سابقا بیغوله ومغاك بود درین دوره با نهایت پاکیزگی وصفا تبدیل بگردشگاه مردم شهر شد.

در بسیای ازشهرها بناهـای باشکوه ازقدیـم بود که در نتیجـهٔ بی کسی و بی قیدی چند قرن بی‌پرستار و بی‌پاسبان درزیر باد و باران و آفتاب مانده بود واگر این دوره چندسال دیرتر آغازمی‌شد قهرا ازپادرافتاده وتل خاك وخاکسترشده بود. همهٔ آنهارا با کمال دلسوزی تعمیر کردند و برخی‌از آنها همان جلوهٔ روزنخستین‌را پیدا کرد. برای‌اینکه‌خوانندگان نمونه‌ای‌از کارهایی که درین‌زمینه شده‌است‌داشته باشند همین‌کافیست صورت مبالغی را که تنها برای تعمیر بناهـای دورهٔ صفویـه در اصفهان درین دوره کرده اند ومدت زمان وعدهٔ کارگرانی را که برای این کارلازم بوده است فراهم کنند. قطعاارقامی بدست خواهدآمد که موردتعجب خواهد شد.

گـذشته ازآن درهرشهری از ایران درین دوره برای مؤسسات صنعتی و کارخانها وغیره ساختمانهای فراوان کرده‌اند. نیز برای شهرداریها وشهربـانی هاو ادارات مالیه و گمرك ودبستانها ودبیرستانها و بیمارستانها وسربازخانها و مؤسسات ارتش وبحریه وهواپیمایی و بانك وغیره وایستگاههای‌راه‌آهن ساختمانهای دیگر بوجودآورده اندوحتی‌هرجا که‌لازم‌بوده‌است پلهای باشکوه‌ساخته‌اند. میتوان گفت که اگر کسی‌تنهاشمارهٔ‌سنگ‌هاوآجرهایی‌را که درین‌دوره‌در‌ایران برای‌ساختمانها وخیابان سازی وغیره روی هم یاپهلوی هم گذاشته اند بدست آوردو کوچـك ترین

کاری را که درین مدت درین زمینه شده است حساب کند و آنرا در میان عدهٔ روزهای این مدت تقسیم کند می بیند درین اندك مدتی که حتی در عمر اشخاص هم هیچ حساب نمی‌شود روزی چقدر سنگ و آجر بمصرف رسیده است.

اگر بتاریخ ساختمانهای ایران رجوع کنید می بینید که پس از زمان شاه عباس تا آغاز دورهٔ پهلوی در سراسر ایران هیچ بنای عمومی عام المنفعهٔ مهمی نکرده اند و یك پل بزرگ ساخته نشده و هر بنایی که کرده اند یا مردم نیکوکار از کیسهٔ فتوت خود کرده اند یا بناهایی برای تفریح و تفرج و خوشگذرانی پادشاهان آنهم با کمال بی‌سلیقگی فراهم آورده اند. پلها و مساجد و مدارسی هم که اشخاص از روی عقیدهٔ شخصی بپول خود ساخته اند هروقت اختیار و تولیت آن بدست دولت افتاده است مانند آن بوده است که در ویرانی آن عمدا کوشیده اند و عمد کرده اند که زودتر از میان برود.

یکی از نمونه های بی قیدی دورهٔ استیلای قاجارها اینست که در اصفهان ساختمان های باشکوه و مجلل زمان صفویه را که معروف جهان بوده است عمدا خراب کرده اند. شاید خوانندگان باور نکنند که برخی از آنها باندازه ای محکم بوده است که نمیتوانسته اند با بیل و کلنگ از میان بردارند و شبانه آنهارا توپ بسته اند! آثاری که از دوره های گذشته اکنون در اصفهان باقیست ده یك آن ساختمانهاییست که پیش از دورهٔ قاجارها در آنجا بوده است. بسیاری از شهرهای دیگر ایران همین حال را دارند.

بهمین جهتست که از حیث اصلاحات شهری و عمران و آبادی و رفاه و آسایش عمومی دورهٔ پهلوی را باید یکی از برجسته ترین دوره های تاریخ ایران دانست. ساختمان کارخانها و مؤسسات صنعتی و راه‌ها و پلها و بندرها و راه‌آهن و دبستانها و دبیرستانها و بناهای دیگر برای آموزش و پرورش و بیمارستان ها و غیره نیز از مباحث مهم این

دوره است ودرفصول آینده درهر مورد ذکری از آنها خواهد آمد.

گذشته ازین ساختمانها وخیابان سازیها روشنایی شهرها نیز از کارهایی بوده که درین دوره اهتمام خاص در آن کرده اند وشهروآبادی بزرگی درایران نیست که نیروی برق رادر آنجا برای روشنایی فراهم نکرده باشند. بایددر نظرداشت که‌در دوران قاجارهایکی ازمظاهرشهرهای بزرگ و کوچك‌ایران تاریکی معابردرشبها بود وبهمین جهت‌بود که‌ایرانیان عادت کرده بودند بمحض اینکه هواتاریك‌می‌شد بخانهٔ‌خودپناه می‌بردند واصلا نه تنهاشب ازخانه بیرون آمدن شجاعت و جان خود را بخطرانداختن‌بود بلکه کم کم بمرورزمان شب بیرون آمدن راکارننگین‌دانسته بودند وکاراشخاص پست‌وبی‌سروپا بشمارمی‌رفت وتازه اگر کسی برای کارلازمی‌شب ازخانه بیرون می‌رفت اگر گرفتاردزدوقاتل نمیشد وجـان بدرمی‌برد می بایست چراغ کش‌وفانوس کش باخود برداردتادرچاه وچاله‌نیفتد. مردمی که وسیله‌داشتند چراغ روشن کردن دربالای درخانهٔ خود راثواب می‌دانستند. درسراسر ایران‌تنها تهران دستگاه چراغ برق داشت وآنهم تنها دراوایل شب روشن بود.

دیگرازاقدامـات برجسته‌ای که درین‌دوره برای رفاه وآسایش وتن درستی مردم درشهرهاوآبادیها شده بنگاه های بهداری‌ازدرمانگاه و بیمارستان‌وآسایشگاه است و در مبحثی که مخصوص اصلاحـات بهداشتی خـواهد بود درین باب بحث خواهم کرد.

درراس اصلاحـات شهری تشکیل ادارات شهرداری قانونی وانجمن هـای شهرداری رابايد دانست. پیداست که انجمن‌های شهرداری مانند مجلس‌شورای‌ملی ازمبانی مشروطیتست ودرمجلس اول قانونی بعنوان قانون‌بلدیه گذشته ودر برخی ازشهرهای ایران انجمن بلدی بنا بر آن قانون تأسیس کرده بودند. پس ازمجلس اول دیگرانجمن های بلدی درایران تشکیل نیافت وآن قانون‌عاطل‌وباطل ماندتا

اینکه دردورهٔ پهلوی قانون دیگری گذشت وانجمن های شهرداری درسراسر کشور تشکیل شد. بدین گونه درهر شهری مردم انجمن شهرداری خود را انتخاب کردند وکارهای شهررا مردم شهر بعهده گرفتند ووسایل رفاه وآسایش بدین وسیله ازهرحیث فراهم شد وبهمین جهت روزی نبود که در هرشهری گامی برای آسودگی مردم وآبادانی آن شهر برداشته نشد.

دیگرازاصلاحات شهری که درین دوره شده واثر بسیارمهمی درآبادی کشور ورونق شهرهای ایران داشته شهرنشین کردن ایلات چادرنشین وبیابان گرد ایرانست که چندین هزارسال بهمان حال سرگردانی وخانه بدوشی ازین سو بآن سو می رفتند وهمواره مخل آسایش وامنیت کشور بودند وپیش ازین بزیانهایی که می رساندند اشاره کردم. پیداست که این کارمهم یعنی شهرنشین کردن ایشان نه تنها در امنیت و آسایش مردم کشوراثر بسیارمهمی داشته است وخلع سلاح هزاران تن مردم بیابان گرد که تابع هیچ اصل وقانونی نبوده اندچه کاراساسی بوده است بلکه درآبادانی کشور نیز بسیارمؤثرشدواین جماعات کثیرمردمی که درزیر چادر دربیابانها می زیستند وبهیچ وجه درزندگی اجتماعی شرکت نداشتند و هیچ یك ازوظایف اجتماعی را بعهده نمی گرفتندهنگامی که درشهرهاوقصبه ها و روستاهای کشورجا گرفتند جزوطبقهٔ مفیدوکارآمد جامعه شدند ودرکار بامردم دیگرشریك گشتند و قهرا درتولید ثروت وترقی صنعت وتجارت ایران وجودشان مفید شد بدین گونه ازحالت بدوی بیرون آمدند وپا بمرحلهٔ تمدن گذاشتند وراستی نتیجهٔ این کاراین شد که چندین هزار بلکه چند میلیون برافراد مؤثر کشورافزوده شد ودرضمن ناامنی ودزدی و راهزنی هم که کارشبانروزی ایشان بودیکسره ریشه کن شد. بهمین جهتست که این کاررا ازمهم ترین کارها ویکی ازمفیدترین اصلاحات اجتماعی باید دانست.

دیگرازاصلاحات اجتماعی که درین دوره بجا آمده اصلاح تقویم ایرانست.

ایرانیان دردورهٔ هخامنشیان تقویم خاصی داشته‌اند وردورهٔ ساسانیان تقویم اوستایی را که همان تقویم کنونی باشد اختیار کرده‌اند . درسراسر این مدت تقویم ایران تقویم شمسی یعنی تابع گردش خورشید بوده است وروزاول بهاریعنی روزاعتدال ربیعی را آغازسال قرارداده‌وسال راشامل ۳۶۵ روزدانسته‌اند . درتقویم اوستایی که دردورهٔ ساسانی معمول‌شده سال شامل دوازده‌ماهست‌وهرماه شامل سی روز. برای سی‌روزماه‌سی نام‌ازنامهای ایزدان‌وامشسپندان واصطلاحات دینی‌دیگرآیین‌زردشت اختیارکرده بودند ودوازده نام ازآن‌سی‌نام رابماهها نیزداده بودندبهمین‌جهت‌در هرماهی یك روزپیش می‌آمد که نام روزونام ماه یکی بود وآن روزرا روز جشن می‌گرفتند. چون‌هرسال شامل‌دوازده ماه‌سی‌روزه یعنی‌تنهاشامل ۳۶۰ روزمی‌شدپنج روزآخر سال را جداگانه حساب می‌کردند و ایام تعطیل پایان سال بود و آنرا وهیزك یا بهیزك یا اندرگاه می‌گفتند. در ضمن ساعتهای اضافی هر سال راچون بحساب نیاورده بودند نوروز وروز اول‌سال تغییر می‌کرد ودرفصول مختلف قرار می‌گرفت .

درآغاز دورهٔ اسلامی تقویم قمری را که تازیان درصدر اسلام وضع کرده بودند واعمال دینی‌تابع‌آن‌شده بوددرایران نیزاختیار کردند وچون درین‌تقویم‌در میان‌آنکه ماه۲۹روزیا۳۰ روزست بیشترتردید پیش می‌آمددرآغازدورهٔ‌مشروطیت برای‌کارهای اداری‌یك تقویم‌شمسی‌نجومی که تابع منطقة‌البروج وصورفلکی بودو ۳۶۵ روزمی‌شددرادارات دولتی پذیرفتند. این تقویم شامل دوازده‌ماه‌تابع‌حرکت آفتاب دربرجها بودبدین گونه: حمل۳۱روز، ثور۳۱روز، جوزا ۳۲ روز ، سرطان ۳۱روز، اسد۳۱ روز، سنبله۳۱روز، میزان۳۰ روز، عقرب۳۰ روز، قوس۲۹ روز ، جدی۲۹ روز، دلو۳۰ روز ، حوت ۳۰ روز. پیداست که این تقویم سابقهٔ تاریخی متمد درایران نداشت وعدهٔ روزهای ماههای‌آن مختلف یعنی از۳۲ روزتا ۲۹ روز

بود ومردم نمی‌توانستند آنرا بیاد داشته باشند وهمیشه اشکال پیش می آمد. درضمن اززمان مغول درایران معمول شده بود که هردوازده سال‌را یك دوره می گرفتند وبرای هرسال یك نام مغولی داشتند که پس از دوازده سال تکرار می‌شدوهر سالی را بنام یکی ازجانوران می‌خواندند که نام آنها بفارسی اینست: موش، گاو، پلنگ، خرگوش، نهنگ، مار، اسب، گوسفند، بوزینه، خرس، سك، خوك.

با این همه تقویم شمسی اوستایی دورهٔ ساسانیان در ایران مانده وفراموش نشده بودوجشنهای آن مانند نوروزومهرگان وسده بیش‌وکم معمول بود وحتی‌در کارهای کشاورزی برای‌تعیین‌موقع‌هرکاری درمیان کشاورزان ودهقانان باقی‌مانده بود. منتهی چون در زمان یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی اصلاحی در آن کرده بودندآنرا تقویم یزدگردی نامیدند ودرنتیجهٔ بحساب نیاوردن چندساعت اضافی هرسال نوروز که می‌بایست‌دراول‌بهار باشد بتابستان افتاده‌بود. جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی چندتن ازاخترشناسان ایران ازآن جمله امام عمرخیام رامامور کرد که اصلاحی دربن تقویم بکنند و ایشان درسال ٤٦٧ این اصلاح را کردند ودوباره نوروز وآغاز سال را در اول بهار قرار دادند وآن تقویم را بمناسبت لقب ملکشاه تقویم جلالی نامیدند. بهمین‌جهت ازآن روزمنجمان دونوروز درتقویمها قایل شدند یکی نوروز یزدگردی یعنی نوروزی که درزمان یزدگرد سوم افتاده بود و دیگر نوروز سلطانی یا نوروز جلالی یعنی نوروز واقعی و اول بهار و اول سال جلالی.

دردورهٔ پهلوی متوجه این عیب شدند که این تقویمهای مختلف کاررا دشوار کرده است‌وایرانیانی که ازقدیم‌تقویم مخصوص و بهترین تقویم جهان را داشته‌اند دلیل نداشت‌رعایت تقویم‌باستانی وملی‌خودرا نکنند. این بود که قانونی ازمجلس گذشت وبموجب آن تقویم باستانی وملی ایران را رسمیت دادند واصلاح‌مهمی که

در آن کردند این بود که پیش از آن ماهها یك درمیان سی‌ویك‌وسی‌روز بود و درین تقویم اصول منظم‌تری قایل‌شدند که شش ماه اول سال سی‌ویك روزوپنج‌ماه سی‌روز وماه اسفند۲۹ روز باشد ودرسالهای کبیسه یعنی هرچهارسال یك باراسفندماه راهم سی روزحساب کنند. این اصلاح درامورزندگی روزانه و کارهای اجتماعی وعلمی یکی ازمهمترین اصلاحاتیست که درین دوره کرده‌اند.

دیگر ازاصلاحات شهری مهم که در رفاه وآسایش مردم بسیار مؤثر افتاده است ایجادوسایل‌تفریح وتفرج وتفنن برای افراد مردم کشورست زیراهیچ تردید نیست که افراد جامعه‌مخصوصا کسانی که وسایل تفریح وتفرج راخود نمی‌توانند با پول خود تهیه کنند گذشته ازانجام‌وظایف‌ملی واجتماعی وتامین‌ضروریات مادی ومعنوی احتیاجات ذوقی‌هم دارند که تأمین آنها ازوظایف حتمی هردولت بیدارو جزوتکالیف اجتماعی ودرشماروسایل رفاه وآسودگی ودرحقیقت بهداشت‌روحانی وفکریست. دردوره‌های گذشته بهیچ‌وجه درین‌راه گامی برنداشته‌بودندواصلا آنرا جزووظایف دولت نمی‌شمردند. پیداست مردمی که هیچ‌وسیلهٔ تفریح‌وتفنن ورفع خستگی واشتغال ذوقی نداشته باشند جزآنکه مایوس ودرمانده واززندگی خسته ورنجور وبیزارباشند توقع دیگرازیشان نمی‌توان داشت. قطعیست که هرملتی‌در کشورخود باید وسایل دلخوشی را بنحوا کمل داشته باشد تابادل خوش‌کار کند وازهرحیث‌بکشورخود دلبسته وپای‌بست‌باشدوآنرا بهترین جا برای زندگی خود بداند وزندگی اونشاط وسروری داشته باشد که همیشه روح امید ودلاوری دروی بدمدو بزندگی‌آینده امیدوار کند و همیشه درکار خود با بشاشت وگشاده‌رویی و نشاط و دلسوزی وارد شود. این نکتهٔ بسیار مهم دردوره‌های گذشته بکلی عاطل مانده بود وتنها در دورهٔ صفویه تااندازه‌ای رعایت آنرا کرده بودند اماپس ازآن دوره‌دوباره ازرونق افتاده‌بود وهمیشه دولتهای‌ایران ازآن غفلت میکردندتاآنکه

درجزو اصلاحات اجتماعی مهم منظور شد ووسایل رفاه و آسایش و تفریح و تفرج مردم
از هر جهت فراهم آمد. گذشته از آنکه در هر شهری گردشگاه‌ها و باغهای ملی
ترتیب دادند وسایل دیگر را نیز آماده کردند وسازمان پرورش افکار که در ۱۳۱۸
تشکیل شد توجه مخصوص نسبت بموسیقی و تئاتر ورادیو و سینما کرد و وسایل
گوناگون برای تفریح و تربیت ذوقی مردم فراهم آمد که باید آنها را نیز از اصلاحات
اجتماعی ضروری دانست.

نکتهٔ دیگری که در اصلاحات اجتماعی بسیار موثر بوده آبادی کشورست که
اهمیت خاص دارد وجای تردید نیست که درین دوره کارهای بسیار مهم از پیش رفته
است. گذشته از ساختمانها و بناهای مجلل باشکوه وخیابان‌سازیها و اصلاحات شهری
قدمهای بلند در اصلاح کشاورزی برداشته شده که در مبحث جداگانه‌ای دربارهٔ
آنها سخن خواهد رفت و نیز اقداماتی در اصلاح کارهای اقتصادی وایجاد صنایع جدید
و ساختمان بندرها و راه‌آهن وراههای شوسه وایجاد وسایل ارتباط مانند تلفن و
تلگراف و تلگراف بی‌سیم وغیره و بنگاههای بهداری هریك در آبادانی ایران جای
مخصوص وممتازی دارد وهمهٔ این کارها از اصلاحات شهری مهم بشمار می‌رود. گذشته
ازین در بسیاری از نواحی کشور حتی روستاها خانه‌هایی برای روستاییان ساخته‌اند
و نیز برای سکونت و شهر نشین شدن چادر نشینان ساختمانهایی کرده‌اند و نیز کارهای
مهمی برای اصلاح آبیاری ومشروب کردن زمین‌های بایر و ترقی محصولات کشاورزی
وصنعتی انجام داده‌اند که در آبادانی کشور بسود شهر نشینان بسیار موثر بوده است.
بهمین جهت می‌توان گفت که ایران از حیث آبادی و عمران قابل قیاس با گذشته
نبوده و خرابی‌هایی که در دوره‌های پیشین روی‌آمده درین دوره یکسره جبران
شده است.

قدم دیگری که در اصلاح اوضاع اجتماعی واصلاحات شهری برداشته شده

قانون تعدیل مال‌الاجاره بوده است که درپایان سال ۱۳۱۷ وضع شد وفواید آن در آسایش عدهٔ کثیری ازمردم پوشیده نیست وحاجت بتوضیح وتفسیر ندارد . وضع این‌قانون می‌رساند که‌دولت ایران در آن‌زمان تاچه‌اندازه دراندیشهٔ رفاه‌و آسایش مردم کشور بوده است .

اصلاح اجتماعی مهم دیگری که درین دوره‌شد تأسیس سازمان‌پرورش‌افکار بود. پیداست که وظیفهٔ‌دولت بیدارو آگاه‌در تربیت وراهنمایی مردم تنها‌عبارت‌ازین نیست که مسایل‌علمی‌را وارد‌ذهن‌جوانان کنندزیرا‌بسیاری ازمسایل علمی هست که درخارج ازآموزشگاه‌هم می‌توان‌آموخت‌ویا ازیکی‌دو کتاب می‌توان فرا گرفت. مهم‌ترین وظیفهٔ راهنمایان ملل اینست که افراد ملت را همواره برای عالی‌ترین زندگی روز آماده کنند و این کلمهٔ‌مختصر شامل هزاران معنی دقیق و هزاران لطیفهٔ معنویست .

وظیفهٔ نخستین این راهنمایان وظیفهٔ اخلاقیست یعنی بایدپیشوای جامعه‌و راهنمای مردم ازحیث ملکات‌فاضله واخلاق کریمه وصفات ممتاز‌بشری یعنی‌مردی ومردانگی ومردمی باشند. تربیت درست آنست که تربیت ملی باشدیعنی‌هرعلمی‌و هردانشی رابرای‌ترقی ملت‌خود وبرای تقویت روح ملیت بخواهندو‌هردرسی‌باید برای‌آن باشد که یك فرد مفید‌برای جامعه تربیت کند ومرد وزن رااز کودکی و جوانی چنان آماده کنند که چون بزرگ شدند برای کشورخود وهم‌نوع خویش سودمند وخدمتگزار باشند. باید درهرقدم وهرسخن همیشه روح ملی‌راتقویت کنند وهردرسی که می‌دهند این نتیجه را داشته باشد که روزبروز جوانان کشورخود و هموطن خویش رابیشتردوست بدارند وهمیشه‌درآرزوی آن باشند که هرچه زودتر درزندگی اجتماعی وارد شوند وزودتر بخدمتگزاری بپردازند. وظیفهٔ‌مهم‌دیگراین راهنمایان اینست که افکارو آرزوهای افراد راچنان‌یکسان کنند که اتحاد معنوی و

اتفاق کلمهٔ واقعی درمیان ایشان فراهم‌شود تادرمیان افراد تحصیل کرده بهیچ‌وجه اندك اختلاف ودو گانگی ازحیث افکارو آمال و آرزوهای انسانی پیش‌نیاید .

وظیفهٔ دیگراین گروه اینست که افرادکار آمد نیرومند برای جامعه تربیت کنند. باید کودکان را چنان بار بیاورند که چون بسن رشد رسیدند همیشه‌باشورو شعف ونشاط وسرور زندگی کنند وزندگی را دوست داشته باشند وهمیشه بآیندهٔ خود امیدوار باشندونرس‌وناکامی وناامیدی‌رادردل خود راه ندهند یعنی درزندگی آیندهٔ خود دلیرواستواروپا برجا ونیك‌بین و بشاش‌باشند .

پس راهنمایان جامعه می‌بایست آن سرشکستگی وخواری‌وزبونی را که دو سه قرن انحطاط وتنزل درفکرمردم ایران جای داده بود ازمیان ببرند و بجای آن رشادت و مردانگی ونشاط تولید کنند . سازمان پرورش افکاردر ۱۳۱۸ برای ادای این‌مقصود بسیارمهم فراهم شد ووظیفه‌اش این بود که‌آیندهٔ ایران را ازحیث علم‌واخلاق‌تامین کندوبا کسانی که‌آیندهٔ‌مادی کشوررا بدست داشتندهمکاری کند. بدین‌جهات تشکیل‌سازمان پرورش‌افکاریکی‌ازمهم‌ترین اصلاحات اجتماعی ومعنوی این دوره بود.

اصلاحات اقتصادی ومالی

یکی ازمظاهر برجستهٔ دورهٔ پهلوی اصلاحات اقتصادی ومالیست که بهترین نمونهٔقدرت دولت‌واستقلال وامنیت کشور بود . زیرا نمی‌توان منکرشد که زندگی آدمی‌زادگان زندگی مادیست وهرجامعه‌ای برای زندگی بیش‌ازهمه چیزوپیش ازهمه‌چیز بقوه ونیرو احتیاج دارد . نیروی بشری نخست در ارتش وافراد مسلح وتجهیزات جنگیست و سپس‌در دارایی وتمول وتمکن مادی . آشکارترازین‌چیزی نیست که جامعهٔ بی زر و بی زور از هرحیث ناتوان و درمانده است و بهمین‌جهت اصلاحات اقتصادی ومالی این‌دوره را پس از اصلاحات‌نظامی باید ازکارهای بسیار مهم بدانیم .

یکی از اصلاحات اقتصادی مهم کوتاه کردن دست متنفذان و عناصرماجری جوی ازکارهای مالی کشوروخزانهٔمملکت‌بود. در دوره‌های گذشته درنتیجهٔناامنی وضعف دولت مرکزی‌وحکومت ایلیاتی‌وملوك‌الطوایف در هرناحیه‌ای گردن کش نافرمانی پیدا شده بود که گذشته ازفراهم‌آوردن وسایل‌ناامنی وراهزنی و بیداد و ستم نسبت بزیردستان و مردم بی‌دفاع بزور و جبرعواید و مالیات‌ها را ازمردم می‌گرفت وبکیسهٔ خود می‌ریخت وبهمین‌جهت تا دست این عناصر کوتاه نمیشد اصلاح‌کارهای مالی کشور ممکن نبود ، حتی‌کارگزاران مؤثردولت از نفوذی که در دستگاه دولتی داشتند بهره جویی‌می‌کردند ومالیات‌قانونی‌املاك‌ومستغلات‌خود را نمی‌پرداختند . چنانکه محمد ولی‌خان خلعت‌بری که نخست سپهدار اعظم لقب

داشت وسپس سپهسالار اعظم لقب گرفت ونخست وزیرشده بود ازروزی که در فتح تهران بدست مجاهدین وغلبهٔ برمحمد علی شاه شرکت کرده بود مالیات املاك وسیعی راکه در مازندران و حومهٔ تهران داشت نپرداخته بود وچون از و مطالبه کردند و سخت گرفتند باندازه‌ای برخلاف عادت بود وبروی گران آمد که‌خود را کشت .

اصلاح دیگرعبارت‌بود ازجمع آوری ومرکزیت‌دادن کامل‌درآمدهای کشور ونظارت دقیق درخرج وهزینه‌های کشوری وازین حیث پیشرفت عظیمی درایران نسبت بدوران گذشته حاصل‌شد . در ایران دوره‌هایی پیش‌آمد که اگرهم مختصر پولی بصندوق مالیهٔ‌محلی می‌رسیدپیشکارمالیه یا امین مالیهٔ‌محل آشکارا آنرا بکیسهٔ خود می‌ریخت وبهیچ‌وجه پروا ازین کارنداشت . گذشته ازروسای دارایی‌زیردستان ومخصوصاً تحصیلداران نیز مالیات را بزور از مردم می گرفتند و بخزانهٔ دولت نمی‌رساندند .

گذشته از آن بسا اتفاق می‌افتاد که‌در نتیجهٔ ناامنی ناحیه‌ای ویران‌شده‌بودو عایدات‌آن ناحیه کفاف مالیات‌آنرا نمی‌داد وچون در صندوق مرکزی هم پولی نبودآن ناحیه مدتهای دراز درهمان حال‌زار مانده بود واصول لامرکزیت چنان برهمه جا مسلط بود که‌برخی ازنواحی را مانندآن‌بود که جزوایران نمی‌دانستند وچون‌آن ناحیه ویران شده ومردم‌آن پریشان شده بودند می‌بایست بهمان‌فقر و تهی دستی‌خود بسازند و بهیچ وجه نه در دریافت عواید و نه در پرداخت مخارج کوشش و دقت و دلسوزی نمی کردند و در مقابل نادرستی‌ها هیچ بازخواست و کیفری درمیان نبود .

اصلاح دیگر توسعه وتحکیم‌سازمان وتشکیلات مالی در سراسر کشوربود. در دوره‌های گذشته تقریباً درهر ناحیه از ایران اصول خاصی برقرار بود وبسیاری

از عوارض و مالیاتهای محلی بود که اختصاص بناحیهٔ معینی داشت و نواحی دیگر از آن معاف بودند و حتی در یك ناحیه برخی از اصناف و طبقات بپرداخت آن محکوم بودند و برخی دیگر از آن معاف بودند. تنها درین دوره سازمان وتشکیلات مالی در سراسر کشور یکسان شد و همهٔ افراد دربرابر مالیات مساوی و برابر شدند.

دیگر از اصلاحات مالی واقتصادی درین دوره انتظام جمع و خرج کشور و توازن آن براساس بودجه‌های حقیقی بود واین نکته را کسانی که آگاهند نمی‌توانند منکر شوند. می‌توان گفت دردوره‌های سابق هرگز بودجه در کار نبود چنانکه در تمام مدتی که ازمشروطیت ایران می‌گذشت تنها دوبار بودجه نوشته بودندیك بار مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله که وزیر مالیه شد بودجه‌ای ترتیب داد و بار دیگر مرگان شوستر آمریکایی که خزانه‌دار ایران بود بودجهٔ دیگر نوشت. تازه اگر بودجه می‌نوشتند صورت مخارج را روی کاغذ می‌آوردند وچون چند ماهی از سال می‌گذشت درآمدهای دولت بپایان می‌رسید ودیگر پولی درخزانه نبود و بقرض و رسوایی سال را هرطور بود بپایان می‌رساندند وناچار مطالبات مردم وحتی حقوق کارگزاران دولت می‌ماندوازین سال بآن سال می‌رسید چنانکه کراراً در پایان ماه برای پرداخت مخارج جاری آن ماه از بانك شاهنشاهی ایران که یك شرکت انگلیسی بود وامتیاز انتشار اسکناس را داشت مبلغ مختصری قرض می‌کردند و چون نمی‌توانستند همهٔ احتیاجات را تأمین کنند بتناسب ازهرمبلغی مقدار قلیلی می‌پرداختند. کارگزاران دولت که راه دیگری برای گذران خود جزهمان حقوق دولتی نداشتند حوالهٔ حقوق خودرا بصرافی از قرار تومانی دو قران میفروختند یعنی بجای یك تومان دوریال ازومیگرفتند و وی آنقدر منتظرمیشد تا بتواندآن مبلغ را وصول کند. درمیان نواحی مختلف ایران مالیات برخی از نواحی زودتر

وصول میشدو کسانی که وسیله داشتند میکوشیدند که حقوقشان را از بابت‌عایدات آن ناحیه بمستوفی‌آن نقطه حواله بدهند.

گاهی اوضاع مالیهٔ کشور باندازه‌ای پریشان می‌شد که‌همان مختصروجه‌را برای پرداخت حقوق‌کار گزاران دیوان نداشتند و کراراً مستخدمان دولت پنج‌ماه وشش ماه حقوق طلب گار بودند. چندبار اتفاق افتاد که چون باز پول درخزانهٔ دولت نبود بجای حقوق گندم وجو که از بابت مالیات جنسی در انبار دولت بود حواله کردند که هر کس آنرا در بازار بفروشد وبحق خود برسد. یك‌بار آجر که ازبابت مالیات جنسی کوره‌پزخانهای تهران گرفته بودند حواله کردند. باردیگر تفنگ‌های سرپر وسلاحهای ازکار افتاده‌را که درانبارها مانده بود در مقابل‌حقوق وزارت جنگ دادند. باردیگرشاهنامه‌ای‌را که بخرج دولت در زمان مظفرالدین شاه بکوشش حسین‌پاشاخان امیر بهادرجنگ رییس کشیك خانهٔ دربار که شاهنامه را دوست می‌داشت بقطع بسیار بزرگ چاپ کرده بودند و بشاهنامهٔ امیر بهادری معروف‌بود در برابر حقوق‌کارمندان‌وزارت‌خانها از قرار جلدی‌چهارتومان‌دادند.

بهترین دلیل اصلاحات اقتصادی ومالی درین دوره تفاوت شگفت در میان جمع بودجهٔ کشور درسال ۱۳۰۰ وسال۱۳۲۰ است:

جمع کل هزینهٔ کشور درسال ۱۳۰۰ مبلغ ۱۹،۵۶۱،۳۵۵ریال و۱۲۵،۰۰۰ فرانك طلای سویس بوده است.

جمع کل بودجهٔ ۱۳۲۰ بدین گونه بوده است:

درآمد ۳،۶۱۳،۷۶۸،۷۱۸ ریال.

هزینه ۴،۳۲۳،۹۱۱،۶۷٦ ریال.

برای نمونه ترقی بودجهٔ وزارت فرهنگ را درین دوره درنظر بگیریم:

جمع کل بودجهٔ سال ۱۳۰٤ مبلغ ۷،۷۳۱،۳۸۰ ریال.

جمع کل بودجهٔ سال ۱۳۲۰ مبلغ ۱۵۴،۸۵۶،۰۰۰ ریال .

بودجهٔ ارتش :

جمع کل بودجهٔ ارتش در سال ۱۳۰۰ مبلغ ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال .

جمع کل بودجهٔ ارتش در سال ۱۳۲۰ مبلغ ۵۹۳،۱۲۱،۵۲۴ ریال .

بدین گونه بودجهٔ کشور در مدت بیست سال تقریباً بیست برابر ، بودجهٔ وزارت فرهنگ درمدت شانزده سال بیست ویك برابر و بودجهٔ ارتش درمدت بیست سال تقریباً شش برابر ونیم شده است .

بهترین معرف اصلاح اوضاع اقتصادی ومالی ایران اینست که باوجودمخارج بسیارسنگینی که در راه آبادی و ترقی ایران و خرید اسلحه و کارخانهای متعدد شده است دولت ایران درین مدت بهیچ وجه محتاج باستقراض در داخله یا در خارج از کشور نشده و حتی در هر سال مقداری از عایدات خود را صرفه جویی کرده وبعنوان ذخیرهٔ مملکتی نگاه‌داشته ومبالغ خطیری طلا خریده و بر ثروت کشور افزوده است :

دلیل دیگر بر اصلاحات اقتصادی این دوره‌چندرقم‌در بارهٔ بانك‌ملی‌ایرانست:

درسال ۱۳۰۷ که‌سال‌تأسیس بانك بوده جمع ترازنامهٔ بانك ۱۶۶،۰۰۹،۰۱۶ ریال بوده است .

درسال ۱۳۱۶ این مبلغ به ۲،۶۱۱،۶۱۹،۷۰۲ ریال رسیده یعنی در ده سال بیش ازپانزده برابرشده است .

موجودی فلزات گرانبهای بانك درسال ۱۳۰۷ معادل ۴۲،۶۵۱،۶۴۵ ریال بوده ودر پایان سال ۱۳۱۶ به ۷۱۵،۳۷۵،۲۲۶ ریال رسیده یعنی درده سال بیش‌از ۱۷ برابر شده است .

درسال ۱۳۰۷ که‌بانك ملی ایران بکار آغاز کرده اندوخته نداشته است ودر

سال ۱۳۲۰ اندوختهٔ آن مبلغ ۹۶،۹۱۵،۶۷۷ ریال بوده است .

نکتهٔ بسیارمهم اینست که درسال ۱۳۲۰ که پایان این دوره بوده است دولت ایران یکی از دوسه دولت جهان بود که بهیچ وجه وام داخلی وخارجی نداشتو بلکه ذخایرعمده درداخل و خارج کشور فراهم کرده بود وحال آنکه درپایان دورهٔ استیلای قاجارها دولت ایران یك فقره ۳۲،۵۰۰،۰۰۰ منات روسی مقروض بود که بنرخ آن روز ۱۹۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال وبنرخ امروز ۳۹۰ میلیون ریال می‌شدویك فقره قرض دیگر ۳،۳۱۵،۳۸۱ لیرهٔ انگلیسی بود که بنرخ آن روز ۱۳۲،۶۱۵،۲۴۰ ریال وبنرخ امروز ۲۶۵،۲۳۰،۴۸۰ ریال می‌شد وجمع قروض داخلی آن ۴۴،۳۲۰،۰۰۰ ریال بود یعنی روی همرفته ۶۹۹،۵۵۰،۴۸۰ ریال مقروض بود. اگراین نکته رادر نظر بگیریم که بالاترین رقم بودجهٔ ایران درآن سالها رقم بودجهٔ سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ قمری ۱۰۶،۵۵۲،۸۰۰ ریال بوده است معلوم می‌شود که بیش از بودجهٔ پنج سال خود مقروض بوده است.

برای اینکه زمینهٔ دیگری ازاوضاع مالی ایران دردست داشته باشیم بایددر نظر گرفت که درهمین بودجهٔ سال ۱۳۲۸ـ ۱۳۲۹ قمری مبلغ ۸۳،۷۵۳،۲۰۰ ریال ازمبلغ ۱۰۶ میلیون کسر بودجه بوده است یعنی ۸۳ میلیون و کسری مخارج بی‌محل داشته اند. پس اینکه درپایان این دوره درپرتو استحکام اوضاع مالی دولت ایران دیناری مقروض نبوده بلکه وامهای سابق نیز ازمیان رفته بوده است بهترین دلیلیست که درین دوره چه اصلاحات مالی مهمی پیش آمده است.

اصلاح دیگری که درین راه شده اصلاح روش مالی کشور و اصول مالیاتی ازحیث نرخ وطرزوصول بوسیلهٔ حذف مالیاتهای غیرعادی و مضر باقتصـاد کشور بوده است مانندمالیاتهای ارضی وسرانه ودروازه بانی وراهداری وغیره وتعدیل مالیاتهای دیگر ووضع مالیاتهای جدید برای کارهای عام المنفعه مانند راه سازی وراه آهن و

بهداری وماننددآن . اصول مالیاتی ایران یادگاردوره های تاریک وادوارملوک الطوایف وحکومت ایلیاتی بودوپایهٔ درستی نداشت وبهیچوجه بامقتضیات روز گاروفق نمی‌داد ودربسیاری از موارد عادلانه نبود ، چنانکه همهٔ بار بردوش طبقه کار گرو زارع وفروشندهٔ شهری گذاشته‌شده بودیعنی مردمی که ازدسترنج خودزندگی میکردند ودیگران که ازراههای دیگرچندین برابر ایشان درآمد داشتند بهیچ وجه مالیات نمی‌پرداختند وتنها اصناف وبرزگران واین گونه مردم زیردست مالیات می‌دادند. ناچار می‌بایست در مالیات تعدیل کامل برقرارشود واصولی پیش بگیرند که هر کس بتناسب درآمدخود مالیات بپردازد ودرمخارج عمومی کشورشرکت کند واین اصلاح بسیارمهم درکارمالیات تنهادرین دوره بعمل آمد.

نکتهٔ دیگری که در اصلاحات مالی و اقتصادی اهمیت بسزا دارد استقلال گمرکی ایران واصلاح تعرفهٔ گمرکی براساس حفظ صنایع نوزاد وکالای داخلی و محصولات کشورست . در دورهٔ قاجارها درنتیجهٔ عهدنامهٔ ترکمان چای که در سخت ترین مواقع ذلت و سرشکستگی ایران بسته شده بود و درنتیجهٔ اصول کاپیتولاسیونها که در آن عهدنامه منظور کرده بودند و برخی کشورهای دیگرنیز ازآن برخوردارشده بودند ایران درتعرفهٔ گمرکی خودبهیچوجه استقلال نداشت و حداقل وحداکثری درحقوق گمرکی برقرار کرده بودند و ازواردات برخی از کشورها که بیشتر نفوذداشتندحداقل وازدیگران حداکثررا می‌گرفتند، ودرصادرات نیزدو درجه حقوق گمرکی برای این دودسته بود . نرخهایی که درتعرفهٔ گمرکی منظورشده بود تغییرناپذیربود زیرا که می‌بایست برضایت دو طرف تغییر بدهند وطرف دیگر بتغییر آن رضایت نمی‌داد . درحقیقت تعرفهٔ گمرکی وسیله ای بود که کالای بیگانه بهرصورتی که بیگانگان می‌خواستندوارد ایران شودوبهایی که‌ایشان می‌پسندیدند بفروش برسد و درین‌مورد کمترین استقلال واختیار برای ایران قایل

نبودند .

دولت ایران برای اداره کردن گمرك های خود می بایست بمستشاران بلژیکی که طرف اعتماد دول بیگانه بودند متوسل‌شود. حتی نوزنام بلژیکی رئیس کل گمرك ایران بمقام و زارت رسید وعنوان « و زیر گمرکات » باودادند و در سال اول مشروطیت بزحمت بسیارمجلس شورای ملی توانست دست اورا ازکار کوتاه کند وپس از آن تاپایان دورهٔ قاجارها باز گمرك ایران دردست مستشاران بلژیکی بود که درکارخودصاحب‌اختیارمطلق بودندوحتی مر گان‌شوستر امریکایی مستشارمالیهٔ ایران نتوانست ایشان را ازکار بردارد . بدین گونه گمرك ایران یکی از مظاهر برجسته و آشکارمداخلات بیگانگان در کارهای داخلی ایران بوده است. بنابرین استقلال گمرکی ایران وتدوین تعرفهٔ گمرکی که کاملا مطابق مصالح مادی ومعنوی ایران باشدو کوتاه کردن دست مستشاران بیگانه از گمرك ایران مهم ترین جنبه‌های اصلاحات مالی واقتصادی بوده است .

نکتهٔ دیگردرین زمینه جلب اعتماد عامهٔ مردم بکارهای مالی دولت بوسیلهٔ نظم وترتیب درانجام خدمت وادای تعهدات درموعد خود وقوام مالی کشوررا باید دانست که گذشته ازنتایج مادی که مردم در نتیجهٔ اعتماد بدولت تعهدات خود را منظماً پرداخته اند نتایج معنوی واخلاقی نیز داشته است واعتبار کامل برای دولت درمسایل اقتصادی ومالی فراهم کرده، درصورتی که در دوره های گذشته یکسره برعکس این بوده ومردم ازدولت سلب اعتماد کرده بودند وبهیچ وجه بتعهدات مالی ماموران مالیه اعتماد نداشتند.

نکتهٔ دیگر تهیهٔ اندوخته های مخصوص ازدرآمدهای دولتی برای اجرای برنامه های مهم اقتصادی ورفع احتیاجات اجتماعی کشورست که انجام آنها بادرآمد های عادی دولت میسر نمی‌شد . درین زمینه نیز اقدامات مهمی کرده اند وبر

اندوختهٔ کشور هر سال مبالغ خطیری افزوده می‌شد و کارهای مهم مانند خرید اسلحه و کارخانهای فراوان را بدین وسیله تامین کردند.

دیگر تجدید نظر و بازبینی در امتیازات مختلفیست که در دورهٔ قاجارها باتباع داخله وخارجه داده بودند و بسیاری ازین امتیازات مخالف بامصالح کشور بود والغای آنها نه تنها در اوضاع اقتصادی اثر بسیار داشت بلکه در تامین استقلال کشور نیز مؤثر بود. در ضمن می‌بایست مقررات برخی امتیازات را بامنافع کشور تطبیق کنند مانند امتیازات نفت شرکت ایران وانگلیس و امتیاز شیلات دریای خزر. برای این که اهمیت این کار و لغو این گونه امتیازات مسلم شود همین قدر کافیست بیاد بیاوریم که شرکت نفت ایران وانگلیس بنا بر امتیازی که از بی‌راهه بدست آورده بود و منافع سرشار از آن می‌برد در سال ۱۸،۷۲۱ لیره وهجده شیلینگ وشش پنس سهم دولت ایران را می‌پرداخت ودر پایان دورهٔ قاجارها قسمت عمده از آن را برای استهلاك اصل وفرع قروضی که از انگلستان کرده بودند برمی‌داشتند.

در امتیازی که درین دوره در ۱۳۰۹ داده‌شد سهم دولت ایران ۱،۴۳۳،۴۷۸ لیره و سیزده شیلینگ وهشت پنس و ۱۶۹،۴۲۴ لیره و نه شیلینگ و نه پنس مالیات شرکت بود یعنی روی‌همرفته ۱،۶۰۲،۹۰۳ لیره وسه‌شیلینگ وپنج‌پنس بخزانهٔ ایران پرداخته می‌شد یعنی بیش ازهشت برابر ونیم سهم سابق.

دیگر از اقدامات اقتصادی مهم تاسیس بانك ملی ایران در ۱۳۰۷ ولغو امتیاز انتشار اسکناس بتوسط بانك شاهنشاهی ایران بموجب قانون ٦ خرداد ۱۳۰۹ بوده است. بانك شاهنشاهی ایران یك شرکت انگلیسی بود که درسلطنت ناصرالدینشاه امتیاز انحصاری حق انتشار اسکناس را در ایران گرفته بود وشعبه‌های مختلف درهمهٔ شهرهای درجهٔ اول ودرجهٔ دوم ایران برقرار کرده بود و در ضمن معاملات تجارتی واستقراضی هم میکرد.

وضع معاملات صرافی آن وضع خاصی بود باین معنی که اسکناس را بنواحی مختلف تقسیم کرده بود وروی هراسکناسی مهری زده بود که مثلا «فقط در تبریز ادا خواهد شد» و آن اسکناس را درهرجای دیگر ببانك می بردند مبلغی ازارزش آن کم میکرد ومی پرداخت وپیداست که این معامله تاچه اندازه نامشروع وبرخلاف مقررات بانکی کشورهای جهان بود. لغو این امتیازیکی ازکارهای بسیارمهم بود زیرا پیداست که انتشار اسکناس پایهٔ اقتصاد و اساس زندگی مادی هر کشوریست وملتی که حق انتشاراسکناس راخود نداشته باشد و ببیگانگان بدهد البته استقلال اقتصادی خود را ازدست داده وهمیشه دستخوش منافع دیگران خواهدبود. بهمین جهت تأسیس بانك ملی راکه ازآغاز مشروطیت آرزوی ایرانیان بود وبدان کامیاب نمی‌شدند ولغو امتیاز اسکناس را که بیك بانك خارجی سپرده شده بود ازمهمترین قدمهای اقتصادی ومهم‌ترین عوامل دراستقلال اقتصادی ایران بایددانست.

درنتیجهٔ لغوامتیاز اسکناس وتاسیس بانك ملی ایران وضع پول ایران کاملا ثابت‌شدوبرای پول کشورپشتوانهٔ بسیارمحکمی ازطلا وجواهرات سلطنتی اندوخته شدوپیداست که بدین گونه پول‌ایران درجهان‌اعتبارکامل یافت‌ویکی ازمعتبرترین پولهای آن عصر بشماررفت.

از جمله کارهایی که دراصلاح اوضاع اقتصادی ایران کردند تاسیس بانك پهلوی قشون دراردی‌بهشت ماه ۱۳۰٤ بود که بعدها بنام بانك سپه نامیده شد. پس‌از آن تاسیس بانك رهنی رابرای کار گشایی مردم ورهایی ایشان ازدست کسانی که‌از نیازمندیهای‌مردم تنگ‌دست بهره‌جویی‌های‌شگرف میکردند وتاسیس‌بانك فلاحتی وصنعتی ایران را برای کمك بکشاورزان و صنعتگران و یاری درآبادی وعمران کشوروتقویت نیروی تولید وتوسعهٔ صنعت وپیشه وتاسیس بانك‌کار گشایی را باید ازکارهای مهم اقتصادی دانست.

دیگر از اصلاحات اقتصادی وضع قانون نظارت درمعاملات ارزی برای تنظیم داد وستد پولی کشور با خارج وجلو گیری از خروج سرمایه وتلف کردن دارایی کشور بوده است . این اقدام را نیزمی توان از کارهای مهم دراقتصاد کشور دانست زیرا باین وسیله توانستند درصادرات و واردات کشور تعادل فراهم کنند و نگذارند سرمایهٔ کشور بیهوده بخارج برود وبحران تولید شود .

دیگر از اصلاحات اقتصادی وضع یك سیاست اساسی برای تامین استقلال اقتصادی کشور وتطبیق فعالیتهای اقتصادی بامقاصد عالیه ومنافع کشور بوده است. این کار مخصوصاً ازحیث ترویج مصنوعات ایران چه درداخل و چه درخارج اهمیت بسیار داشته‌والبته در آبادانی کشور نیز بسیارموثر بوده است.

اقدام‌مهم دیگری که بازدرین زمینه بعمل آمده جلو گیری از نفوذ بیگانگان دراقتصاد وامور بازرگانی ومعاملات‌نقدی وجنسی بوده است. چنانکه پیش ازین‌هم اشاره رفت کارهایی که درین زمینه کرده‌اند دراستحکام مبانی استقلال ایران‌بسیار موثر بوده ویکی ازوسایل سلب مداخلهٔ بیگانگان درکارهای کشورست . تردیدی نیست که پیش از آن همیشه بیگانگان کوشیده‌اند منافع اقتصادی خودرا بوسیلهٔ مداخلات درکارهای‌ایران‌تامین کنند وهمیشه درهمه جا استعمار برای تامین منافع اقتصادی بوده است والبته هرجا که درضمن اصلاحات قتصادی از نفوذ بیگانگان کاسته شود در سیاست نیز موثر خواهد بود . درین زمینه‌کارهـای اساسی تاسیس سازمانهای لازم برای اجرای این مقصود مانند تاسیس وزارت پیشه وهنر و وزارت بازرگانی واداره کل کشاورزی وشورای عالی‌اقتصاد واتاقهای تجارت شهرها بوده است . یکی ازکارهای مهمی که درین‌زمینه کرده‌اندوضع مقررات لازم برای‌تعادل صادرات وواردات بوده است مانند قانون انحصارتجارت خارجی ونظامات مربوط بآن ومنع ورود اشیاء تجملی وغیرلازم‌وتشویق وارداتی که برای استقلال‌اقتصادی

کشوورفع حوایج اولیهٔ جامعه ضرورت دارد مانند ماشین‌ها ودارو وجز آن ونیز تشویق صادرات ومعرفی کالاهای ایران دربازارهای مهم جهان وتهیهٔ بازارهای‌تازه برای متاع ایران. هریك ازین اقدامات نیزدرحد خود دراستقلال اقتصادی کشور مؤثربوده است . برای اجرای این مقاصد عالی یك سلسله‌کارهای اساسی کرده‌اند مانند راهنمایی بازرگانان باصول بازرگانی جدید وتأسیس مدارس تجارتی ازآن جمله مدرسهٔعالی تجارت درتهران‌وانتشارمطبوعات تجارتی وتاسیس نمایشگاه‌های کالاهای داخلی درشهرهای عمده و مخصوصاً در تهران و شرکت در نمایشگاه‌ها و بازارهای مکارهٔ بین‌الملل وحمایت از بازرگانان و تاسیس نمایندگی‌های تجارتی ایران در کشورهای بیگانه وعقدپیمانها وقراردادهای بازرگانی وتجارتی و تهاتر وپایاپای‌با دول بیگانه و کوشش در رفع موانع ومشکلات تجارت خارجی کشور. مخصوصاً چیزی که درین میان اهمیت خاص دارد اینست که درنتیجهٔ این ارشادهاو راهنمایی‌های مدبرانه وتشویق‌های دولت کالاهای‌ایران درین مدت درظاهر وباطن ترقیات بسیار کرده وقابل‌قیاس‌باکالاهای دوره‌های پیشین نبوده است. صنایعی که سالها بودازمیان رفته یاتنزل فاحش کرده بود بوجودآمده ویاپیشرفتهای‌محسوسی کرده است وکالاهای جدید در ایران بعمل‌آورده‌اند کـه نه‌تنها قسمت عمـده از نیازمندیهای مردم کشوررا تامین کرده وجانشین موادی که ازخارج می‌آورده‌اند شده است بلکه برخی ازآنها راهم ازایران صادر کرده‌اند .

دیگر از کارهایی که برای تامین سیاست اقتصادی، کشور کرده‌اند تاسیس شرکتهـای دولتی برای استقرار اصول تجارت کشور براساس اقتصاد جدید بوده است ونیزتشویق سرمـایه‌داران ایرانی بتاسیس شرکتهای خصوصی درین‌کارموثر افتاده است . نکتهٔ دیگراتخاذ تدبیرهای لازم برای‌آن بوده استکه نیازمندیهـای نخستین کشور درایران فراهم شود وباکمال آسانی وبابهـای ارزان‌تر بدست مردم

برسد واین نکته در تسهیل معاش و زندگی فرد فرد مردم اثر مهمی داشته است. در همین زمینه باید خرید محصولات عمدهٔ کشاورزی را با بهای بیشتر مانند پنبه و گندم و تریاك و توتون و چای و چغندر وغیره دانست ومنظور از آن نه تنها کمك اقتصادی بتولید کنندگان بلکه فراهم آوردن وسایل ارزانی زندگی و کمك باقتصاد شخصی افراد مردم بوده است.

اقدام دیگر یکه شده و آن نیز اهمیت خاص دارد مطالعه در اوضاع عمومی کشاورزی کشور برای تبدیل زراعتهای اندك فایده بزراعتهای مفید مانند چغندر قند وچای ونباتات دهنی والیافی وغیره بوده است. چنانکه سابقا یکی ازمحصولات عمدهٔ ایران در بسیاری از نواحی برنج بود که پیش از آن بازار داشت وسپس بازار آن بکلی بسته شد وبااین همه برزگران ایرانی بعادت قدیم آنرا بعمل می آوردند وخریدار نداشت. ناچار می بایست زراعت آنرا ترك كنند وبجای آن چیزی که بیشتر خریدار می‌داشت بکارند. نیز برخی مواد بود که اگر فواید اقتصادی داشت ضررهای اخلاقی و اجتماعی فراوان در آن بود مانند تریاك که مضار گوناگون در جامعهٔ ایرانی فراهم کرده بود وقطعاً می بایست زراعت آنرا بسیار محدود بکنند.

دیگر از کارهای مهم درین زمینه تهیهٔ وسایل تولید برای برزگران بوده است مانند دادن مساعده‌های نقدی وجنسی وتهیهٔ تخم وجز آن ونیز اقداماتی که در رفع نواقص ومشکلات کشاورزی کرده‌اند مانند تهیهٔ وسایل آبیاری ودفع آفات نباتی و حیوانی و اصلاح نژاد نباتات وحیوانات و تهیهٔ تخم‌های خوب وممتاز. درین زمینه یکی ازمهم‌ترین وسایلی که بکار رفته علاقمند کردن مردم بکارهای کشاورزی بوده است ودر راس کارهایی که برای پیشرفت این مقصود کرده‌اند شهرنشین کردن مردم چادرنشین وبیابان گرد بوده است که بفواید گوناگون این کار مهم پیش ازین اشاره کرده‌ام. گذشته از اثری که درامنیت کشور داشته می‌توان گفت این کار نیز فواید

فراوان در آبادانی و اصلاح امور اقتصادی کشور داشته است. کمترین فایدهٔ آن این بود که چند صد هزار تن بر طبقات کارگر و صنعتگر و برزگر ایرانی افزوده شد و راستی مانند آن بود که چند صد هزار تن بر جمعیت ایران افزوده شده باشد و عدهٔ بسیاری را که بجز غارت و راهزنی کار دیگر نداشته‌اند بشریف‌ترین مشاغل بشری که کار کردن و خدمت کردن بنوع و جامعه و میهن و سودمند بودن است وادار کرده باشند و عدهٔ کثیری را در راه آبادانی و ترقی کشور بکار گماشته باشند.

دیگر از کارهای مهمی که درین رهگذر شده واگذاری زمین‌ها و املاك خالصهٔ خوزستان و سیستان بکشاورزان محل و وضع مقررات لازم بنفع ایشان بوده است و پس از آن اقداماتیست که در فروش زمینهای خالصهٔ دولت ببرزگران و فروش همهٔ املاك خالصه بمردم بوده است. پیداست که این کار نیز در آبادی ایران اهمیت بسیار داشته‌است زیرا که دولت ایران املاك خالصهٔ بسیار داشت که بهیچ وجه نمی‌توانست بآباد کردن و نگاهداری آنها بپردازد زیرا که وسایل و عوامل بسیار می‌خواست و آن صرفه‌جویی و دلسوزی که مالك میکند در مامور دولت یا مستاجر نبود وقطعاً هنگامیکه این املاك بمردم تعلق گرفت بمراتب آبادتر شد و بر آبادی ایران افزود.

اقدام دیگر در ضمن اصلاحات اقتصادی وضع مقررات قانونی برای الزام مردم بعمران و آبادی نقاط حاصل‌خیز کشور با دستیاری دولت و نیز رفع احتیاجات مادی کشور بوسیلهٔ وسایل صنعتی بوده است مانند کارخانهای قندریزی و پارچه‌بافی و حریربافی و کبریت‌سازی و صابون‌سازی وجز آن چه بدست دولت و چه بدست اشخاص.

اقدام مهم دیگر عبارت بوده است از توجه و حمایت صنایع قدیم ایرانی که در دورهٔ گذشته اندك اندك رو بنیستی می‌رفت مانند قالی‌بافی وزری‌بافی و کاشی‌سازی و جز آن، کوششی که در توسعه و رواج این صنایع ملی ایران کرده‌اند گذشته از فواید اقتصادی بهترین وسیلهٔ جلب شهرت ایران در خارج و معرفی ذوق و هنر ایرانی

وجلب توجه جهانیان بشمار رفته است .

دیگر از اقدامات مهم اقتصادی که درین دوره نتیجهٔ مهمی بخشیده توجه بمنابع ثروت زیرزمینی کشورست که قرنها بیهوده و دست نخورده مانده بود و درین زمینه نه تنها دولت خود باستخراج آنها پرداخته بلکه عامهٔ مردم ایران راهم باین کارها تشویق کرده است.

قدم مهم دیگری که در اصلاح وضع اقتصادی ایران برداشته شده تامین خطوط و وسایل ارتباط کافی در کشور بوده است مانند راه آهن و راههای شوسه و پست و تلگراف و تلفن و تلگراف بی‌سیم و هواپیمایی وغیره که در مبحث جداگانه در بارهٔ آنها بحث خواهم کرد .

اصلاحات کشاورزی

شکی نیست که کشاورزی درایران قرنها مهم ترین منبع ثروت بوده‌است‌و عدهٔ بسیار مردم کشورهمیشه سرگرم این کاربوده اند . بهمن جهت همیشه در هردوره ترقی اقتصادی ایران بسته بپیشرفت کشاورزی و افزونی محصول زمین بوده است و همهٔ پیشوایان بزرگ ایران که درآبادی کشور قدم برداشته‌اند، هم خود را صرف آباد کردن زمین های زراعتی وآسودگی خاطرطبقهٔ کشاورزان و امنیت دادن بایشان و اصلاح اصول آبیاری کرده اند. مثلا در دورهٔ ساسانیان که ایران یکی ازآبادترین کشورهای جهان بوده است کوشش‌های بسیارومخارج سنگین در راه زراعت کرده اند و سد های متعدد بر روی رودخانها مخصوصاً در خوزستان و بین النهرین که درآن زمان ازایالات ایران بوده است برای آبیاری نواحی بسیار وسیع ساخته اند . بهترین دلیل اینست که پس ازهزار و چند صد سال پایه های آن سدها درگوشه و کنارباقیست و نیز در بین النهرین نهرهای متعدد ساخته بودند که هنوز قسمت عمده از آنها باقیست وزمین‌های زراعتی را از آنها مشروب می کنند عدهٔ این نهرها که از رود فرات ورود دجله منشعب‌می‌شده باندازه ای بوده است که از آب این دورود بزرگ دیگرآنقدرنمیمانده است که شط العرب تشکیل شود و فرات و دجله هردو جداگانه بخلیج فارس می‌ریختند.

ازطرف دیگر ازروزی که نیاگان ما آریاییان ایرانی از کوههای پامیر بدشت های آسیای مرکزی فرود آمده اند اصول مخصوصی در آبیاری بکار برده اند که از هفت هزارسال پیش تا کنون معمولست ومنحصر بنژاد ایرانی بوده و تنها درقلمرو این نژاد در نجد ایران دیده می‌شود و آن کندن قنات و کاریز و بردن آب در مجرا های زیرزمینی تا فواصل بسیار و گاهی تاچند فرسنگست .

از پادشاهان ایران که اهتمام بسیار در آسایش خاطر بَرزگران داشته‌اند طاهر بن حسین مؤسس سلسلهٔ طاهریست که مخصوصاً در زمان وی و بدستور او کاریزهای بسیار در خراسان کنده اند که برخی از آنها تا کنون باقیست و بآنها « قنات طاهری» می گویند. حتی افسانه ای ازقدیم درمیان مردم خراسان بوده که وی را « طاهر آب شناس » لقب داده بودند و در هرجا که مردم از یافتن آب ناامید بوده اند اوباوسایل مخصوص آب پیدا میکرده وکاریزی میکنده است .

نکتهٔ مهم ترازهمه اینست که داریوش بزرگ هنگامی که سرزمین مصر جزو متصرفات ایران بوده است همان کاری را که اروپاییان پس از ۲٤۸۰ سال بعد بنام تُرعهٔ سوئز کرده‌اند درنظر گرفته‌وشروع بحفر ترعه ای کرده است که آثار آن هنوز باقیست و کتیبه ای که برای ساختمان آن کنده اند درمصر پیداشده است.

درزمان صفویه نیز کوشش بسیاردر اصلاحات کِشاورزی در ایران کرده اند و بهمین جهت ایران در آن روزگار یکی ازآبادترین کشورهای جهان بوده است و نه تنها زراعت غلات و پرورش جانور های اهلی درایران بمنتهی درجه ترقی کرده بود بلکه در ضمن توجه خاص بپرورش کرم ابریشم کرده بودند وقسمت اعظم ابریشمی که درجهان بمصرف می‌رسید ازایران می‌رفت ویکی ازکالاهای مهم ایران پارچه ومخمل وقالی ابریشمی بود وحتی هنرمندان ایرانی را برای رواج وترقی پرورش کرم ابریشم باروپا می بردند .

پس ازدوران صفویه بواسطهٔ جنگهای داخلی و پریشانی وآشفتگی اوضاع ونا امنی کشور و دشواریهایی که درکار کشاورزی پیش آمد وبدبختی هـایی کـه برزگران ایرانی دوچار آن شدندزراعت ایران بمنتهی درجه تنزل کرده بودوقسمت عمده ازآبادیهای سابق ازمیان رفته وکشاورزان از زادگاه خود هجـرت کرده بودند. در ضمن درین دوره پیشرفت های بسیارمهم در اصول کشاورزی در جهان فراهم شده بود ودرایران بهیچ وجه راه نیافته بود و حتی اصول زراعت قدیم نیز تنزل کرده بود چنانکه پرورش دواب و مواشی بسیار کم شده بود و پرورش کرم ابریشم تقریباً ازمیان رفته بود وازچندین ناحیهٔ مهم مانند یزد وکاشان وبرخی از نواحی خراسان و فارس وآذربایجان که در زمـان صفویه درآنجـا کرم ابریشم پرورش می‌دادند تنها ناحیهٔ بسیارمحدودی در گیلان مانده بودودرآنجاهم آفت‌هاو بیماریهای گوناگون درمیان پیله و کرم ابریشم پیدا شده بود وچیزی نمانده بود که این منبع اقتصادی که تاسی سال‌پیش یکی از مهم ترین‌منابع‌ثروت‌هر کشوری بود یکسره نابود شود.

در نتیجهٔ این اوضاع در دورهٔ قاجارها زراعت ایران کاملا در اصول بدوی متوقف مانده بود و تنها محصول بسیار مختصری که بزحمت خوراك مردم کشور را تامین میکرد دربرخی از نواحی که آباد مانده بودبعمل میآمد ونواحی دیگر بیشتر در سالهای غیرعادی که محصول ناحیه ای از دوردست بآن نمیرسید دوچار قحطی و تنگی وگرسنگی میشدند وبارها بوارد کردن غله از کشور های بیگـانه ناچارشدند. بهمین جهت اصلاحات فلاحتی ایران درراس کارهایی بود که میبایست درآباد کردن ایران ورفاه مردم کشور وتامین زندگی ایشان بکنند ودرین دوره یك سلسله اصلاحات مهم در کشاورزی ایران شده است.

نکته ای که بیش از همه در اصلاحات کشاورزی اهمیت داشته امنیت کشور

بوده است زیرا تردیدی نیست که زراعت بیش از هر کار دیگری بامنیت احتیاج دارد و کشتزارها در زمین‌های دورافتاده قراردارند که هیچ مانعی در برابر تاخت و تاز بدکاران وهیچ پاسبان ومدافعی ندارند و تا کشوری کاملا امن نباشد و طبقهٔ زارع ازهر حیث آسودگی وامان نداشته باشد نمیتواند بکار خود بپردازد وازآب و زمین خود بهره‌مند شود ومحصول خود را بردارد وببازار ببرد و بزندگی خود و نتیجهٔ رنج و کوشش خود امیدوار باشد. بهمین جهت نخستین وسیلهٔ بهبود اوضاع کشاورزی درایران این بود که کشور کاملا در امان باشد ودست راهزنان و غارتگران مسلح را که دشمن زراعت وآبادانی هستند کوتاه کنندو کشاورز راکاملا درامان و آسایش نگاه بدارند.

دومین قدمیکه در اصلاح کشاورزی ایران برداشته شد تاسیس ادارهٔ ثبت اسناد واملاك بود زیرا بدیهیست تا کشاورز نتواند حق خودرا حفظ کند ودارایی خویش را در برابر تجاوز بیدادگران نگاه دارد دلبستگی کامل و امیدواری تمام بملك خود نخواهد داشت ومالك مسلم ملك وزمین خود نخواهد بود و بناچـار درصدد آباد کردن و بهره‌مندشدن از آن بر نخواهد آمد. اگر برزگر همواره در معرض طمع و بیدادگری این وآن باشد ملك خودرا همیشه در خطر خواهد دید و توجهی درآباد نگاه داشتن آن نخواهد کرد وناچار کشور مرتباً رو بویرانی میرود، هم چنانکه در دورهٔ گذشته شده بود وهر مرد متنفذی میتوانست منتهای تعدی را نسبت ببرزگر و کشاورز بکند و چون سند معتبری در دست مالك حقیقی نبود نمیتوانست بحق خود برسد. بهمین جهت ثبت املاك واسناد بهترین راه بود که هر کشاورزی مطمئن بـاشد زمین او از تعرض وطمع ایـن وآن مصونست و میتواند منتهای کوشش را در آباد کردن آن بکند و بدین وسیله در آبادانی کشور شریك باشد.

اقـدام دیگری که در اصلاحات کشـاورزی ایران نتیجهٔ بسیار مهم داشته

است و آنرا نیزدر رأس مهم‌ترین کارها باید قرار داد واگذاری و فروش املاك خالصهٔ دولت بکشاورزان بود زیرا که‌از قدیم املاك بسیاری بدست دولت‌مانده‌بود که چون مأموران دولت دلسوزی‌لازم را نداشتند و بهیچ‌وجه آمادهٔ بهره‌برداری‌از آنها نبودندهمیشه بکسانی که نفوذ داشتنداجاره میدادندوایشان هم جز آنکه‌نفعی ازین‌کار ببرند اقدام دیگری نمیکردند وهرگز یك‌دینار برای تعمیر و مرمت یا اصلاح‌آن ملك‌خرج نمیکردند . بهمین‌جهت این املاك پهناور که قسمت عمده از خاك ایران را فرا میگرفت سالیان دراز بایر و ویران وحتی متروك افتاده بود و بسیاری از کشاورزان در نتیجهٔ تعدی مستاجران یا مأموران دولت از آنها هجرت کرده بودند وکسانی‌هم که مانده بودندچون خودرا مالك نمیدانستندو کسی‌حقی برای ایشان قایل نبود درآبادی ملك اندك دلسوزی نداشتند وبهیچ وجه درصدد ترقی‌کار خود بر نمی‌آمدند . پیداست بمحض اینکه دولت این املاك خالصه را بکشاورزان یا مالکان خصوصی‌واگذار کرد فوراً توجهی درمیان طبقات برزگر و تولید کننده نسبت بآن زمین‌های پهناور پیدا شد ووسایل‌آبادانی آنها فراهم‌آمد وبهمین‌جهتست که این اقدام دولت نیزاهمیت خاصی‌داشته است وازقدمهای بلندی بوده است که برای اصلاح کشاورزی ایران برداشته‌اند .

دیگر ازاقداماتیکه در اصلاح کشاورزی اهمیت داشته شهرنشین کردن‌ایلات وطوایف چادر نشین ایران بوده است ، زیرا که ازقدیم‌وازنخستین روزهای تمدن نژاد آریایی ایرانی گروهی از مردم بهمین‌حال وارد تمدن شده‌اند و سپس چادر نشین‌های دیگر از خارج بایران آمده‌اند و گروه فراوانی از مردم ایران که بدلایل‌معتبر بیش ازثلث جمعیت ایران‌را فراهم میساختند تا پایان دورهٔ قاجارها بحال بیابان گردی وچادر نشینی درهمهٔ نواحی‌ایران زندگی میکردند وبرخی‌از نواحی سراسر محل‌سکنی وآمدو رفت ایشان بود وییلاق وقشلاق میکردند .

بدین گونه چون در جای معینی ساکن نبوده‌اند بهیچ وجه گرد زراعت نمیگشتند وتنها برخی ازطوایف ایشان بپرورش اغنام و گله‌داری یا پرورش اسب مشغول بودند ودرضمن بواسطهٔ‌راهزنی وغارتگری پیوسته مخل آسایش برزگران بودند واغلب محصول ایشان را تاراج میکردند. همین که این چند میلیون‌چادر نشین از آن‌حال بیابان گردی نجات یافتند ودرنواحی حاصل‌خیز کشورجا گرفتند پیداست که چگونه در آبادی کشور و کشاورزی وتولید ثروت وجود ایشان موثر شد ومانند این بود که یك‌باره چند میلیون مردم کار آمد برنفوس ایران و طبقهٔ کارگر ومولد ثروت افزوده شده باشد.

اقدام دیگری که دراصلاحات کشاورزی باید اهمیت‌خاصی بدان دادتأسیس آموزشگاههای کشاورزی ودانشکدهٔ کشاورزی و بنگاه‌های بسیار برای تعلیمات کشاورزی وراهنمایی بکشاورزان در سراسر کشور بوده است. نیز در دبستانهای مراکز کشاورزی‌بروستایی زادگان‌وکودکان کشاورزان تعلیمات فلاحتی‌داده‌اند. بدین‌وسیله اصول‌علمی کشاورزی وپیشرفتهای زراعت‌جدیدوانکشافها واختراعهایی راکه درین راه شده‌است بکودکان‌وجوانان کشور آموختند و وسایل علمی واساسی درپیشرفت زراعت ایران و فنون مربوط بفلاحت وپرورش دام و جزآنرا بایشان یاد دادند وازین‌راه پیشرفت‌مهمی در کشاورزی ایران‌پیش آمد وبهمین‌جهت‌جای آن دارد که باین‌کار نیزاهمیت بسیار بدهیم.

نکتهٔ دیگر اینست که در نتیجهٔ فراهم آمدن منابع جدید نیازمندیهایی نسبت ببرخی از محصولات کشاورزی پیدا شد. ناچار این‌زراعتها که توسعهٔ بسیار یافت سبب آبادی کشور ورفاه وآسایش برزگران شد ودرآمد ایشان افزوده گشت چنانکه در نتیجهٔ توسعهٔ صنایع ریسندگی وبافندگی و تأسیس کارخانه‌های متعدد برای این رشته‌ها درهمهٔ نواحی کشور بر محصول پنبهٔ ایران بسیار افزوده شد

ونوع پنبه ترقی روزافزون کرد . در نتیجهٔ تولیدوسایل صنعت پشم بافی پشم نیز بمقدار بیشتروبهترفراهم شد ودرپرورش اغنام و گله‌داری پیشرفت محسوسی پیش آمد . در نتیجهٔ ایجاد کارخانه‌های قندریزی متعدد کشت چغندر قند که سابقاً در ایران هیچ سابقه نداشت توسعهٔ فوق‌العاده گرفت. هم‌چنین در نتیجهٔ اقبال مردم بتهیهٔ خشکبار وبهبودی که درین صنعت فراهم شد وافزایش صادرات ایران ازین‌راه میوهٔ ایران بمراتب فراوانترو بهتراز پیش شد و نیزدر نتیجهٔ بکارافتادن کارخانهٔ بزرگ دخانیات محصول توتون نسبت بگذشته چندین برابر شد .

دیگر از کارهاییکه دراصلاحات کشاورزی کرده‌اند توجه بترقی وتوسعهٔ پرورش پیله و کرم ابریشم وصنعت تخم نوغان ایران بوده است که در دورهٔ قاجارها در نتیجهٔ غفلت دولت روبتباهی میرفت . پیش ازین اشاره رفت که این صنعت مهم که تا سی سال پیش یکی ازمهم‌ترین منابع ثروت کشاورزی بود درچندین ناحیهٔ ایران حتما معمول بوده است از آن جمله در کاشان ویزدوبرخی از نواحی خراسان وآذربایجان وفارس ودر اواخر دورهٔ قاجارها تنها آنهم بمقدار کم در گیلان باقی مانده بود ودر نتیجهٔ بی مبالاتی وسهل انگاری وبی قیدی دولت درحال فساد ونیستی بود و چندین بیماری مسری که مخصوص کرم ابریشمست از خارج وارد ایران شده بود وهرسال مقدار محصول نسبت بسال گذشته رو بنقصان میرفت و انحصار ورود تخم نوغان را که ازاروپا میخریدند ومحتاج بدان بودند بیك تن ازسیاستمداران تهران داده بودند . بهمین جهت این صنعت مهم که در زمان صفویه درایران درمنتهای رونق ویکی از مهم‌ترین منابع عایدی ایران وجلب ثروت بود کاملا راه زوال را می‌پیمود وچیزی نمانده بود که از میان برود . بهمین جهت در دورهٔ پهلوی توجه خاصی نسبت باین صنعت وپرورش پیله و کرم ابریشم وتخم نوغان کردند و درین زمینه پیشرفتهایی روی داد ودر نواحی دیگر بجز گیلان وسایل نوغان‌داری وپرورش

پیله فراهم شدونیز صنعت ابریشم‌بافی بااصول جدید نه‌تنها نیازمندی کشوررا ازین حیث کاملا تامین کرده ومردم ایران رااز پارچه‌های ابریشمی خارجی بی‌نیاز ساخته است بلکه صادراتی نیز فراهم آورده است.

نکتهٔ دیگری که درضمن اصلاحات کشاورزی باید بآن توجه کرد پیشرفت محسوس و بهبود محصول فلاحتی ایرانست که درین دوره تامین شدو محصول عمدهٔ ایران مانند پنبه وپشم وخشکبار وابریشم وچغندرقند و کنف و چای و توتون ترقی عمده کرد وهم از حیث کمیت و هم ازحیث کیفیت قابل قیاس با ادوار پیشین نبوده است . مخصوصا ایجاد نمایشگاه‌های کالای ایران در تهران و شهرهای عمده که محصول فلاحتی در آن بیشتر جلوه داشته است دررسیدن باین نتیجه بسیار موثر بوده است .

اصلاح دیگری که درین زمینه بعمل آمده ایجاد ادارات تثبیت غله است تا محصول غلهٔ ایران را ببهترین بهایی که ممکن باشد ازبرزگران وتولید کنندگان بخرند ودرشهرها همواره برای تامین زندگی و آزوغهٔ مردم شهر بحد وفور با کمال دلسوزی در جاهای مناسب نگاه دارند ومازاد خوراك مردم را ببهترین بهایی که بتوانند صادر کنند . ازین حیث ترقی عظیمی درزراعت غلهٔ ایران فراهم شد و گشایش فوق‌العاده‌ای درکارهای کشاورزی برزگران پیش آمد و این نیزیکی ازقدمهای بلندی بود که دراصلاح کشاورزی ایران برداشته شد.

دیگراز اصلاحات کشاورزی مهم که درایران شد توسعه واصلاح چای کاریست که پیش ازین دوره باندازه‌ای ناچیز بود که جزومحصول کشور بشمار نمی‌رفت و قابل اعتنا نبود . درپایان دورهٔ پهلوی قسمت مهم از مصرف چای کشور درایران بعمل می‌آمد و توسعه و ترقی فوق‌العاده درین زراعت فراهم شد و دیگر بچای کشورهای دیگر چندان نیازمند نبودند و منبع درآمد تازه‌ای برای کشاورزان

ایرانی پیدا شد.

دیگر از اصلاحات کشاورزی که درین دوره بعمل آمد اصلاح جنگلها بود، در پایان دورهٔ قاجارها بواسطهٔ بی‌اعتنایی جنگلهای چندین هزارسالهٔ ایران رو بنیستی می‌رفت وهیچ اصول درستی برای حراست و پاسبانی ونگاهداری جنگلها ومخصوصاً جنگلهای شمال و کرانهای دریای خزر که درسراسر جهان معروفست درمیان نبود. هرسال درنتیجهٔ بی‌قیدی ماموران دولت مقداری ازدرختان کهن و گران بهارا برای هیزم ساختن وچوب بریدن یاخانه ساختن وحتی زغال درست کردن می‌انداختندو بجای آنها چیزی نمی‌کاشتند. بدین گونه هرسال ازسطح جنگلهای ایران کاسته می‌شد و بهمین جهت دولت توجه‌خاصی بجنگلها کرد واصول منظمی برای‌حراست وپاسبانی آنها وضع شد وجنگلهای ایران را ازخطر نیستی نجات دادند.

دیگر از اقدامات مفیدی که در اصلاحات کشاورزی شده توجه مخصوص نسبت بآبیاری و ساختن سدهای جدید و بندهای مهم و کندن چاههای آرتزین و بکاربردن اصول جدید درآبیاری کشتزارها بوده‌است تا بدین وسیله آبهای ایران بهدر نرود وبمصرف زراعت برسد وجاهایی که مستعد آباد شدنست باندازهٔ کافی آب داشته باشد. درین‌زمینه اقدامات گوناگون کرده‌اند که‌در آبادی ایران نتایج مهم‌در برداشته است.

دیگر از اصلاحات کشاورزی این دوره بکاربردن اصول جدید درزراعت و متداول کردن ماشین و وسایل جراثقالی وتراکتور وغیره درزراعت بوده‌است که پیش ازآن مطلقا درایران سابقه نداشت وازجمله اصلاحات مهم درین‌زمینه بشمار می‌رود.

اصلاح دیگری که بازدرین‌زمینه کرده‌اند ودر کشاورزی ایران اهمیت بسیار دارد تاسیس بنگاههای دفع آفات حیوانی ونباتیست که برای جلوگیری ازبیماریهای

حیوانات اهلی‌واغنام واحشام وچهارپایان ودواب ودفع آفات زراعت تاسیس‌شده و
بااصول علمی جدیداین گونه آفتهارا که سابقا درایران‌چاره نداشت وبااصول‌بدوی
چاره‌جویی می کردند ونتیجهٔ آن بسیارضعیف بود درین دوره با وسایل‌علمی جدید
از میان بردند . برای این‌کار موسسات بسیار مهم و وسیع در کشور فراهم شد و
برزگران‌وپرورش‌دهندگان‌دام‌وچهارپایان‌ازآنها کاملا بهره‌مندشدند. نیز در بسیاری
ازنواحی کشورومخصوصاً درمراکززراعتی کشت‌زارها وباغهای نمونه‌برای‌ترویج
اصول زراعت علمی و انتشار بذرهای خوب تاسیس کردند و وسایلی آماده ساختند
که با ماشین‌های جدید مزارع را شخم بزنند وازین حیث دستیاری بسیارمهمی با
کشاورزان کردند. هم‌چنین بهترین نمونه‌های جانورهای اهلی ودواب‌واحشام و
اغنام را در کشور فراهم کردند و برخی ازآنها را از کشورهای دیگر آوردند و
بدین گونه‌کامل‌ترین وسایل اصلاح‌نژاد حیوانات فراهم شد وبرزگران وصاحبان
املاك ازین بذرها وحیوانات بهره‌بردند .

نکتهٔ دیگرتاسیس‌ادارات کشاورزی وبنگاههای‌متعدد باعضویت‌مردم‌تحصیل
کرده وآزموده درسراسر کشور بود که بهیچ‌وجه با دوره‌های گذشته قابل سنجش
نبود ونیزتاسیس آمار کشاورزی واحصائیهٔ محصول زراعتی ایران بااصول جدیدرا
باید ازکارهای‌جالب‌دانست. دردوره‌های گذشته‌نیز بهیچ وجه‌اثری‌ازین گونه‌کارها
در ایران نبود .در ضمن‌مقررات‌بسیاری برای‌بهبوداحوال کشاورزان‌وفراهم کردن
وسایل رفاه وآسایش‌وبهداشت‌درروستاها وقصبه‌ها ونشریات کشاورزی وضع کردند
وازین‌حیث نیزبرزگران بسیار بهره‌مندشدند وفواید مادی‌ومعنوی بسیار بردند.

دیگر ازاصلاحات کشاورزی درین دوره تاسیس بانك کشاورزی بود که در
آبادی کشوروآسایش برزگران اثربسیارمهمی بخشید وبدین وسیله‌ایشان وسایل
مادی برای‌آباد کردن زمین خود وترقی محصول خود باشرایط بسیارآسان‌یافتند.

درضمن آنکه بانک کشاورزی عهده‌دار بود باسان‌ترین شرایط وسایل مادی‌را برای آباد کردن املاک وپیشرفت زراعت آماده کند وقرضه‌هایی را که داده‌است باقساط کم مستهلک کند نیز موظف بود از راهنمایی وتهیهٔ وسایل معنوی وفکری ومساعدت علمی با برزگران خودداری نکند وبهمین جهتست که تاسیس این بانک رادر آبادانی کشوروترقی زراعت ایران ورفاه کشاورزان باید ازمهم‌ترین اقدامات دانست.

نکتهٔ دیگری که درضمن اصلاحات کشاورزی باید بدان اهمیت سیاردادو درآبادانی کشور و رفع نیازمندیها از کشورهای بیگانه بسیار موثر بوده است حمایت از محصولات داخلی بوده است که مخصوصا دولت در ضمن سیاست مالی و گمرکی‌خود کاملارعایت آنرا میکردوهر محصولی که درداخلهٔ کشورفراهم‌می‌آمد ورفع حاجت را از کالای کشورهای دیگرمیکرد ورود آنرا ممنوع می‌کردند و همواره‌صادرات کشاورزی‌راتشویق‌میکردند وبهروسیله‌ای که‌ممکن بودمیکوشیدند که‌هم کیفیت وهم کمیت آن ترقی بکند وبرمقدار آن افزوده بشود ونوع آن بهتر باشد تابیش ازپیش جلب توجه بازارهای بیگانه رابکند. درین‌دوره زمینهٔ ترقیات بسیارمحسوسی‌درانواع محصولات کشاورزی ایران‌فراهم‌شد وهرسال‌مقدارمحصول ونوع‌آن و صادرات آن بکشورهای بیگانه و فروش آن دربازارهای جهان ترقی محسوس میکرد وبهیچوجه با دوره‌های گذشته قابل قیاس‌نبود وبهمین‌جهت این کار راهم بایدازمهم‌ترین کارها دراصلاح کشاورزی‌دانست.

کاردیگری که دراصلاح کشاورزی وآبادی کشور بسیارموثر بوده ونمی‌توان منکرفواید سرشارآن شد توسعهٔ وسایل ارتباط و ساختمان راهها وپلها ومخصوصا راه‌آهن بوده‌است، زیرا هیچ تردیدنیست که بازرگانی‌و کشاورزی وصنعت‌بی‌وسایل ارتباط ممکن نیست و هرچه وسایل ارتباط سریع‌تر و بهتر باشد ترقی زراعت و آبادانی مملکت بهتر فراهم می‌شود زیرا بهترین وسیله است که محصول هرچه

زودتر وهرچه آسان‌تر وهرچه ارزان‌تر ببازار و بدست خریدار برسد ودر راه آسیب نبیند وتباه نشود وهمیشه درمواقع معین و بهرمقدار که لازم باشد در بازار فراهم گردد وتوجه خریداران را بخود جلب کند. بهمین جهت راهها و پلهای متعدد و وسایل ارتباط گوناگون که درین دوره در ایران فراهم شد اثر مهم دراصلاح کشاورزی ایران داشته است وهم‌چنانکه درهمهٔ مظاهر آبادی وپیشرفت موثر بوده درین زمینه نیز اثر بخشیده است.

اصلاحات و پیشرفتهای صنعتی

همواره در تمدن بشر مادیات مهم‌ترین رکن زندگی بوده و در تمدن کنونی اهمیت آن روز بروز آشکارتر می‌شود وروزی نیست که در صنایع جهان پیشرفتی که کار را همواره آسان‌تر میکند روی ندهد . از اواسط قرن نوزدهم میلادی صنعت پی‌درپی راه پیشرفت را می‌پیماید و بهمین جهت ممکن نیست هیچ ملتی بتواند از صنایع جدید بی‌نیاز باشد و هر کشوری که نتواند احتیاجات دایمی خود را بدین وسیله فراهم کند محکوم بزوال خواهد بود.

در ایران در دوره‌های گذشته که نزدیك دویست سال کشور گرفتار انقلابات داخلی و جنگهای خانگی ولشکر کشی‌های خارجی و بدبختی‌های گوناگون بود مردم ازکاروان تمدن یکسره بازمانده بودند واز هر پیشرفت وترقی محروم گشته بودند وحتی درصد سال آخر در نتیجهٔ ناامنی عجیبی که پیش ازین کرارا در بارهٔ آن بحث کرده‌ام وزوال وانقراض حقیقی نتیجه آن شده بود که صنایع داخلی ایران که مخصوصا درزمان صفویه ازدورهٔ شاه‌عباس اول ببعد درمنتهای رواج بود روبنیستی می‌رفت ومی‌توان گفت درپایان دورهٔ قاجارها بهیچ‌وجه صنعتی درایران نبود وهمهٔ نیازمندیهای مردم ازبیرون می آمد وحتی واجب‌ترین چیزها را وارد میکردند و درنتیجه هرسال نقصان فاحشی درتجارت ایران پیش می آمد. سال بسال ازصادرات

کاسته می‌شد و برواردات افزوده می گشت و اگر آن اوضاع سپری نمی‌شد قطعا چندی نمی گذشت که ایران کاملا ورشکسته می‌شد و بحران اقتصادی عجیبی کشوررا یك باره ازپادرمی آورد ودر نتیجه انقلاب عظیمی روی می‌داد که استقلال ایران را از میان می‌برد ودیگرشاید امید باز گشت نبود .

بهمین جهت دردورهٔ پهلوی درجزواصلاحات اقتصادی مهمی که بدان آغاز کردند قهرا می بایست توجه خاصی در بارهٔ صنایع بکنند وصنایع جدیدرادرایران برقرارسازند و ازین حیث کشوررا ازتوسل بخارج بی‌نیاز کنند و قسمت اعظم از نیازمندیهای ایران‌را درداخلهٔ کشوروازکالای ایران برآورند و آن فقر اقتصادی شگفت را که سر بنیستی می‌زد ازمیان ببرند .

درین راه‌یك سلسله اقدامات بسیارمهم کرده‌اند . درقدم نخست باید تاسیس کارخانه‌ها راقرارداد زیرا مهم‌ترین اساس اقتصادی درتمدن امروز کارخانه‌هاییست که در کشوری دایرمیکنند وهمیشه‌برای مملکت می‌ماند وسبب پدیدآمدن‌صنایع ملی وسلب احتیاج مردم ازمصنوعات بیگانه می‌شود. بدین وسیله یکی ازمهم‌ترین مسایل اجتماعی را که رفع بحران و پیدا کردن‌کار برای کار گران کشورست حل میکند ومواد اولیه‌ای را که در کشورفراهم می آید بجای آنکه ببهای ارزان‌بخارج بفروشند ودر برابر آن نیازمندیهای خود را ببهای گران‌تر بخرند درداخل کشور بدست مردم مملکت بمصنوعات‌داخلی تبدیل‌میکنند . روی همرفته فوایداقتصادی واجتماعی گوناگون درتاسیس‌کارخانه‌ها نهفته نیست‌وچندان آشکاراست که حاجت بتوضیح ندارد.

درین دوره درین زمینه‌ایران پیشرفتهای عظیم کرده ست . در دورهٔ گذشته اگر گاه گاه مردنیك‌اندیش دور بینی پیدا می‌شد ومی‌خواست با تاسیس کارخانه‌ای یکی ازحوایج مردم را تامین بکند ازیك سو بواسطهٔ مداخلهٔ بیگانگان در کارهای

داخلی کشور و رقابتهای نامشروع و سیاست استعماری و ازسوی دیگر بواسطهٔ آنکه دولت هیچ وسیله نداشت مصنوعات داخلی را حمایت کند وسیاست گمرکی واقتصادی نداشت محصول آن کارخانه رواج نمی‌یافت و بزودی کارخانه تعطیل می‌شد. راهی که بیگانگان برای پیش‌بردن این مقصود داشتند این بود که کالای خود را موقتا چنان ارزان میکردند که کالای آن کارخانه دیگر خریدار نداشت وناچار کارخانه بسته می‌شد . چنانکه در آن دوره کارخانه‌های چند مانند قندریزی و کبریت‌سازی وریسمان‌بافی وبلورسازی وجز آن درایران دایرشده وهریك درقدم اول ازمیان رفته ونابود شده است ومعروف‌ترین آنها کارخانهٔ کبریت‌سازی الهیه و قندریزی کهریزك بود که حاج میرزاعلی خان امین‌الدوله دایر کرد و کارخانهٔ ریسمان‌بافی که مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله درتهران تاسیس کرد .

اما دردورهٔ پهلوی برعکس استقلال مملکت کاملا پابرجا شده ودولت از هر حیث نیروی‌کامل یافته بود وسیاست اقتصادی و گمرکی روشنی داشت که باکمال بصیرت وآگاهی دنبال میکرد وپیشرفتهای مهمی درصنایع پیش آمد . درین دوره کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی و کبریت سازی و صابون‌پزی و قندریزی و گونی‌بافی و کش‌بافی و کارخانه‌های برق و چرم‌سازی و مقواسازی و خشکبار و پارچه‌بافی و پشم‌بافی و حریربافی و کنسروسازی و پشم ریسی و سیمان سازی وآجرپزی وبریکت‌سازی ونوشابه‌سازی‌وجز آن دراندك مدتی درایران بکار مشغول شدند . می‌توان گفت در نتیجهٔ کوششهای بسیار و توجه خاص دولت درین‌راه و وسایل گوناگونی که برای تشویق مردم درین زمینه بکار برده‌اند درین دوره همهٔ نیازمندیهای‌درجهٔ اول کشور درداخل مملکت فراهم شده است . هر سال قدمهای بیشتری درین راه برداشتند و بسیاری از مواد که سابقا بمقدار کثیر از خارج می‌آوردند وازاقلام مهم واردات کشور بود درمملکت بدست مردم ایران فراهم‌شد و

دیگر دیناری ازپول مردم از آن بابت بخارج نرفت . آن کالارا ببهترین وجهی در ایران ساختند و بارزان‌ترین بهای‌ممکن بحدوفور دربازارهای ایران‌عرضه‌داشتند. همهٔ آنها بسرمایه ایرانی بدست ایرانی باتازه ترین وسایل‌فنی‌وبهترین‌ماشین های ممکن فراهم گشت .

درپایان دورهٔ پهلوی کمترین شهری درایران بود که در آن یا درهمسایگی آن‌یکی‌چندکارخانهٔ‌مهم‌مشغول‌بکار نشده باشدومخصوصادردرجهٔ اول‌تهران‌واصفهان وتبریزومشهدودردرجهٔ دوم شهرهای دیگرمانند رشت‌وقزوین وقـم ویزد و اهواز وزنجان وهمدان وسمنان و شیراز و کرمان مراکزصنعت جدید ایران شدند . در هر یك از آنها مبالغ خطیری ازسرمایهٔ ایرانی چندین هزارکارگرایرانی از زن ومرد و کودك رابکارمشغول کرده است .

ازطرف دیگردولت باسرمایهٔ خود اقدام بیك سلسله‌کارهای صنعتی بسیارمهم کرده است چنانکه همهٔ کارخانه های قند ریزی کشور را که درین دوره احداث کردند دولت فراهم آورد وکارخانه هـای مهم دیگر مانند حریربافی و تراورس سازی و گودرون سازی وسیمان سازی وغیره را فراهم کرد و درپایان این دوره مشغول بیکی ازمهم ترین کار های صنعتی یعنی ایجاد کارخـانهٔ ذوب‌آهن شد که متاسفانه جنگ‌جهانی‌دوم مانع ازپیشرفت این مقصود عالی گشت.

ازسوی دیگرشهرداریهای دربسیاری ازشهرهای ایران‌کارخانه های برق و درشهرهای مهم ترسیلوها وانبارهای بسیاربزرگ و وسایل جدید برای نگاهداری غلات و آزوغهٔ شهرها ترتیب داده اند که هریك از آنها دستگـاه بزرگیست و از جمله جدید ترین وسایل فنی امروزبشمارمیرود .

دستگاه بسیار بزرگ دیگری که دولت فراهم کرده کارخانهٔ دخانیاتست تا عدهٔ کثیری ازمرد و زن و کودك در آنجاکار کنند و محصول این کارخانه که در

خاورمیانه نظیر ندارد در کشورهای دیگر نیز خریدار دارد.

نکتهٔ دیگری که درضمن اصلاحات صنعتی باید بدان توجه کرد توسعه و اصلاح صنایع قدیم ایرانست که در حقیقت درین دوره آنها را احیا کردند و از نو بوجود آوردند زیرا چنانکه گفته شد در دورهٔ پیش چنان تنزل کرده بود که تقریباً ازمیان رفته و نابود شده بود. سالها و بلکه بیش از یک قرن بود که دیگر در ایران زری نمیبافتند واین صنعتی که ایرانیان درجهان معمول کرده بودند در ایران فراموش شده بود ونیز نقاشی و تذهیب از میان رفته بود و رشته‌های دیگر صنایع ملی مانند کاشی پزی وقلمدان سازی وخاتم سازی ونقره‌سازی و کنده کاری و ملیله سازی و قالی بافی و زردوزی و قلاب دوزی و قلمکار سازی و جز آن تنزل بسیار فاحش کرده بود وهنرصنعتگران ایرانی دورهٔ صفویه که سراسرجهان را از زبردستی و ذوق و سلیقهٔ سرشار خود خیره کرده بودند بچیزهای بسیار پست بدل شده بود که باعث تعجب و گاهی نیزمایه‌تأسف بود که چه شده است بازماندگان آن‌هنرمندان چیره دست بدین گونه بی‌ذوق و بی‌سلیقه شده‌اند. پیداست که یگانه دلیل آن پریشانی اوضاع وبی‌اعتنایی دولتها بدین گونه‌کارهای اساسی وملی بوده‌است.

دردورهٔ پهلوی در هریک ازین صنایع ملی ایران ترقی آشکاری پیش آمد و بجرات میتوان گفت برخی از آنها بهمان درجهٔ زیبایی‌دورهٔ صفویه رسید وحتی برخی دیگراززمان صفویه هم‌پیش افتاد، چنانکه هیچ تردیدی نیست که‌قالی‌ها و زریها ونقره‌کاریها وبرنجهای کنده کاری این دوره بمراتب بهتر از شاهکارهای زمان صفویه شده بود. درین اندک مدت دوباره نهضت صنعتی عجیبی در ایران پدیدار شد ودوباره ذوق و هنرنمایی ایرانیان درین راه گل کرد و بیش از پیش بسوی تکامل رفت ودوباره صنایع ایران جلب توجه جهانیان را کرد ومسلم شد که این ملت هنرمند با ذوق هر گاه روی آسایش ببیند باز مقامی را که در دورهٔ

انحطاط ازدست داده بود درجهان بدست می آورد وبازراه ترقی را دراندك مدتی شتابان میپیماید ودرراه نمیماند .

درین زمینه مخصوصا باید باحیای صنعت قالی بافی توجه کرد زیرا که این صنعت ملی ایرانست که ازقدیم الایام خاص نژاد ایرانی بوده و همیشه اختصاص بسرزمین ماداشته است چنانکه درپازیریك درسیبری درمیان لوازم‌خانه‌ای ازدورهٔ هخامنشیان که سیل آنرا فرا گرفته وسپس درزیریخ مانده وتازمان‌حاضر باقی‌مانده است یك قالی دورهٔ هخامنشیان یافته‌اند که ازایران بسیبری برده بودند. دردورهٔ قاجارها این صنعت بمنتهای تنزل خود رسیده بود وحتی‌در آنهم دسایس سیاسی و مداخلات بیگانگان رخنه کرده بود ودرانتشاررنگهای جوهری‌آنیلین و نخهای بد میکوشیدند تاشهرت جهانی قالی ایران را ازمیان ببرند وقالی های کشورهای دیگر بیشترمشتری داشته باشد . بدین و سیله بازارهای دنیا را برروی‌کالای ملی ایران بسته بودند و بوسایل گوناگون صنعتگران نادان ساده لوح ما را غافل میکردند وفریب میدادند ومیکوشیدند این صنعت را محو کنند تارقیبان از آن بهره مند شوند . درین دوره این صنعت ایرانی باندازه ای ترقی کرد که راستی باعث تعجب شد و همهٔ جهانیان را دوباره خیره ساخت وچنانکه اشاره رفت قالی بافی ایران حتی ازدورهٔ صفویه هم پیش افتاد و ازحیث نقشه‌ورنگ آمیزی و انتخاب پشم ونخ وطرح ریزی وبافت و ذوق و سلیقه ای که در آن بکار بردند و حتی ازحیث ظریف‌کاری و نازك‌کاری بمنتهی درجهٔ ترقی خود رسید وقالی هایی درایران بافتند که درهیچ دوره‌ای بخوبی آنها نبافته بودند.

دیگراز صنایع ملی ایران که دردورهٔ پهلوی احیاشد و بمنتهای ترقی خود رسید صنایع ظریفه و مخصوصا نقاشی باسلوب قدیم یا باصطلاح نقاشی چینی (مینیاتور) و تذهیب و خاتم‌سازی و زری بافی و مخصوصا کنده‌کاری روی نقره و

برنج بود که هریك از آنها درجد خود ترقی عظیم کرد واین هم نتیجهٔ وسایلیست که دولت فراهم کردو تشویقهای گوناگون وحمایتهای مهمیست که ازصنایع وصنعت گران ایرانی کرده است .

در راس کارهایی که دولت برای احیای صنایع قدیم ایران کرده است تشکیل نمایشگاه هـای کالای ایران را درتهران و شهرستانها باید دانست و نیز تاسیس هنرستان‌های متعدددر نواحی مختلف کشوراز آن جمله درمراکزهنری مانندتهران و اصفهان و شیرازست . پیداست کـه تاسیس این گونه آموزشگاه ها چـه اقـدام اساسی برای ترقی وتوسعهٔ هرفن وهنریست و در جهان کنونی مدرسه و آموزشگاه موثرترین وسیلهٔ ایجاد تمدنها وپیشرفت هنرها وغیره است .

دیگرازوسایل بسیار مؤثر که سابقا هـم بدان اشاره رفت حمـایت بسیار دقیقیست که دولت در ضمن سیاست مالی و گمرکی خود از کالاهـا و محصولها ومصنوعهای ایران کرد وبمحض اینکـه کالایی در ایران فراهم می‌شد کـه کفاف نیازمندیهای مردم را میداد فورا بوسیلهٔ تعرفهٔ گمرکی و سهمیهٔ واردات هرسال و اصول تجارت واینکه بازرگانی خارجی انحصار بدولت داشت منتهای حمایت را ازآن جنس میکرد و گاهی برحقوق گمرکی آن میافزود تاکالای بیگانه نتواند باآن رقابت بکندو گاهی نیزورودکالای بیگانه رامنع میکرد وبهمین جهت این وسیله را مهم ترین وموثرترین وسیله برای ایجاد وپیشرفت صنایع ایران باید دانست و این وسیلهٔ ایست که دردوره های گذشته بواسطهٔ ضعف دولت ومداخلات بیگانگان و پیشرفت هـای سیاست اقتصادی ایشان مطلقاً نبود و با هزاران کـوشش هـم نمی‌توانستند بدست بیاورند.

دیگراز اصلاحاتی که درصنایع ایران‌درین دوره شده استخراج وبهره برداری ازکانهای ایران بوده است . شکی نیست که ایران کشوریست که ذخایر زیرزمینی

ومعادن بسیار داردودرین مدت بهیچ وجه درصدد کشف آن برنیامده بودندووسایل علمی و فنی این کار رانداشتند و معادن سطحی مانند معادن نمك وآهك وزاج و غیره را اجاره می‌دادند و مبلغ ناچیزی ازاجارهٔ آنها وارد خزانهٔ کشور می‌شد. وانگهی بواسطهٔ استخراجهایی که‌مطابق بااصول علمی نبود بسیاری‌ازمعادن‌ایران را خراب کرده وازفایده انداخته‌بودند. چنانکه برخی معادن درایران بوده که‌در قدیم شهرت جهانگیرداشته و درنتیجهٔ همین اصول نا درست که در استخراج آنها بکاربرده اندامروزدیگراثری ازآنهانیست، چنانکه معدن معروف‌لاجورد کاشان معلوم نیست درکجا بوده است.

گذشته ازآن معدنهای بسیاری درایران بود که ازقدیم بی‌مصرف افتاده‌بود وکسی توجه بآنهانداشت. بهمین جهت‌اقداماتی که دردورهٔ پهلوی برای‌استخراج وبهره برداری ازمعادن ایران کرده انداهمیت خاصی دارد. قانون خاصی برای این‌کاروضع شد واصول جدیدی که‌کاملا بااصول علمی جدید وفق می‌داد برقرار کردند و البته روزی که این‌کار بنتیجه می‌رسید در آیندهٔ ایران اثر بسیارمهمی می‌داشت و ثروت ایران قطعا چندبرابرمی‌شد و برای چندین هزار مردم کار فراهم می‌گشت وترقی‌عظیمی دراوضاع ایران پیش می‌آمد. درضمن دولت خود توجه خاصی در استخراج برخی ازمعادن کرده است ومعادن‌مهم ومعروف انارك‌را باهمین‌اصول بکار انداخت وترتیب‌اساسی برای‌معادن‌نفت‌جنوب ومغرب‌ایران داد و امتیاز سابق را تبدیل بقراردادی کرد که سهم ایران درآن چند برابرشد و نیز اگرکارخانهٔ ذوب‌آهن‌چنانکه درنظر بود دایرمی‌شد معادن ایران یکی ازمهم‌ترین منابع ثروت کشورمی‌شد.

دیگر از صنایعی که درین دوره ترقی بسیار کرد صنعت ساختمان بود. شکی نیست که ایرانیان از قدیم مردمانی بوده اند که توجه جهانیان را ببناهای

باشکوه وعظیمی که همواره می‌ساخته‌اند جلب می کرده‌اند ودرهردوره ای نمونهای بسیارمهم ازمعماری ایران درجهان بوده است که مردم روزگاررا خیره میکرده و جزوبناهای مهم عالم و شاهکار صبر و حوصله و همت و پشتکار و علم و دقت وذوق وسلیقه بوده است، چنانکه نام بناهایی مانند آرامگاه کورش وتخت جمشید وایوان مداین وشادروان شوشتر وسددزفول و گنبد قابوس و گنبد سلطانیه ومسجد جامع اصفهان ومسجد کبود تبریز ومسجد ورامین ومدرسهٔ گوهرشاد ومسجد شیخ لطف‌الله ومسجد شاه اصفهان ومسجد ومدرسهٔ مادر شاه اصفهان و مسجد وکیل در شیراز وپل خواجووسی وسه پل اصفهان وبندامیر فارس و ارگ شیراز درهمهٔ کتابها وبرسرهمهٔ زبانها هست و نیزشاهکارهای معماری ایرانی که امروز خارج از خاك ایرانست مانند قبرامیراسمعیل سامانی در بخارا وقبرسلطان سنجر درمرو وقبرامیر تیمور در سمرقندومدارس معروف بخارا وسمرقند وخیوه وشهرهای دیگر آسیای مرکزی استعداد ایرانیان را درین صنعت‌مهم مسلم کرده است . هنرمندان‌ایرانی اصول معماری ایران را ازیك سو بهند برده و بناهای معروفی مانند تاج محل و مسجد جامع دهلی‌ومسجد جامع‌لاهور و چندین قبر پادشاهان بابری هند فراهم ساخته‌اند . ازطرف دیگرهنرخود را بآسیای صغیر وخاك عثمانی برده‌اند وبناهای مهم بغداد وقونیه واستانبول وشهرهای دیگر ترکیه وسوریه را یادگار گذاشته‌اند. ازسوی دیگرمعماران‌کلیساهای ارمنستان و گرجستان نیز برخی ازمعماری‌دورهٔ ساسانی ایران وبرخی دیگر ازمعماری دورهٔ سلجوقی ایران متأثر شده‌اند وسپس این اصول‌ازارمنستان‌و گرجستان بروسیه‌رفته‌ونفوذآن درکلیساهایی که درروسیه ساخته‌اند آشکارست .

متأسفانه درین فن نیزایرانیان بهمان عللی که بارها درموارد دیگر اشاره کرده‌ام در دویست سال گذشته ومخصوصا در صد سال از دورهٔ قاجارها راه تنزل

را پیموده بودند. پیش‌از آن با آنکه‌معماری از زمان‌صفویه ببعد تنزل کرده بود باز بناهای جالبی ساخته میشد که از آن جمله است ساختمانهای کریم‌خان زند در شیراز. اما پس از آن درمدت صدسال روزبروز تنزل آشکارتر بود و سلیقه و ذوق وهنرنمایی درصنعت ساختمان ازهرحیث ازمیان رفته بود و باعث تعجب بود که بازماندگان آن هنرمندان بزرگ قدیم تا بدین اندازه تنزل کرده باشند. بهمین جهت درین دوره که دربیشترشهرهای ایران ساختمانهای مهم کرده‌اند و کیفیت و کمیت آنها ازهرحیث جالب توجهست‌درصنعت‌ساختمان ومعماری پیشرفت آشکاری روی داده است ودرساختن بناهاوپلها همهٔ اصول جدید معماری ومهندسی رارعایت کرده‌اندو بهترین مصالح‌واصول‌فنی‌وعلمی‌را بکار برده‌اندوشکی نیست که‌ساختمانهای این‌دوره تا سالیان دراز در ایران باقی خواهد ماند.

برای ترقی این صنعت وعظمت صنایع قدیم ایران درین دوره اقدامات گوناگون کرده‌اند. یکی ازمهمترین‌مراحل آنرا حفریات علمی باستان شناسی باید دانست که‌هم اثر بسیار مهمی‌درتاریخ دارد‌وهم فواید گوناگون درصنعت. زیرا آثار بسیاری‌ازصنایع‌هزاران سال‌تمدن ایرانی درزیر خاک‌در گوشه و کنار پنهانست وباید بوسایل علمی آنها را ازشکم خاک بیرون‌آورد ودرآنها مطالعهٔ دقیقی کردو بسیار نکات مهم تاریخ قدیم ایران هست که در هیچ سندی و کتابی نیست و راهی برای پی‌بردن بآنها جز باستان شناسی نخواهد بود و بسا میشود که حفریات‌تاریخ دورهٔ مجهولی‌راکاملا روشن‌میکند یا تاریخ‌دورهٔ‌معلومی‌را یکسره زیر و رومیکند وتغییرمیدهد. بهمین‌جهت‌امتیازی بی‌مدت که‌درسلطنت مظفرالدین‌شاه بفرانسویان داده بودند که حفریات در ایران انحصار بایشان‌داشته باشد ضررهای فراوان‌داشت واین امتیاز را دولت ایران درین دوره‌لغو کرد و وسایل علمی برای باستان‌شناسی در ایران فراهم شد واصول علمی‌کامل برای حفریات بتصویب‌رسید و موزهٔ بسیار

مجلل ووسیعی درتهران ساخته شد و نتایج گوناگون بسیار مهمی که از حفریات دسته‌های مختلف دانشمندان اروپایی‌و امریکایی در نواحی مختلف از آغاز تمدن ایران بدست‌آمد درین موزه گذاشته شد. پیداست که فایدهٔ مهم این حفریات در صنایع اینست که اصول ومراحل تکامل هرصنعتی راکاملا معلوم می کند و تاریخ آن صنعت روشن‌می‌شود وهمواره‌اندیشه‌های‌نوین واصول ونقشه‌هاورنگ‌آمیزیهای جدید برای صنایع روز بدست می‌آید. بهمین جهتست که حفریات علمی را که درین دوره درخاك ایران شده و موزهٔ ایران باستان و ادارهٔ باستان شناسی را که درین‌دوره تاسیس کرده‌اند ازجمله‌کارهای مهم درپیشرفتهای صنعتی باید دانست.

اقدام مهم دیگری که در پیشرفت صنایع شده تعمیر بنـاهای تاریخی‌ایران بوده است. شکی‌نیست که این ساختمانها یادگارهای بسیار زیبا وبسیار باشکوه‌از مفاخر تاریخی و ذوق صنعتی و هنرنمایی هنرمندان ایـرانیست و آنچه در دورهٔ قاجارها ویران نکرده بودند یا دستبرد روزگار و بی اعتنایی از میان نبرده بود بحال‌زار افتاده بود و روبویرانی میرفت، زیرا که در دورهٔ پیش اندك توجهی در نگاهداری ازآنها نکرده بودند وتعمیرآنها یکی از مهم‌ترین‌کارها درتشیید مبانی ملیت ایران و ترقی هنرایرانیان بود. بهمین جهت درین دوره کوشش‌های بسیار وتوجه مخصوص بتعمیر واحیای بناهای تاریخی کرده‌اند که باید جزوکارهای مهم بشمارآورد.

دیگراز اقدامات بسیار مهم که درین دوره شده و در پیشرفت صنایع ایران بسیارمؤثربوده است ایجاد وسایل ارتباط گوناگون مانند راهها وپلها و راه آهن وغیره است. پیداست که وسایل ارتباط چگونه ترقی صنایع و رفاه صنعتگران را تأمین‌میکند زیراممکن نیست‌تصور کرددر کشوری‌کارخانهایی باشدوبرای‌حمل مصنوعات آن راه‌آهن وراه‌کامیون‌رو ومانند آن وجود نداشته باشد. چنانکه در

بارهٔ اصلاحات کشاورزی هم اشاره کردم وسایل ارتباط در اقتصاد و در اصلاحات اجتماعی وامنیت وآبادانی و رفاه ایـران اثر بسیار مهمی بخشیده و از مهم ترین کارهای این دوره بشمار تواندآمد .

تردیدی نیست که این اصلاحات صنعتی مهم این دوره چگونه در رفاه و آسایش کارگران کشور وآبادانی مملکت مؤثر بوده است وشك نیست که در هر دوره‌ای که کار بیشتر بشود وبکارگران بیشتر توجه بکنند عامهٔ مردم کشور بیشتر در رفاه خواهند بود و کشور آبادتر می‌شود .

یکی ازوسایلی که در پیشرفتهای صنعتی ایران مؤثر بوده است گذشته از تـاسیس شرکتهای دولتی و خصوصی و تشکیل وزارت پیشه و هنر در آن دوره وتربیت گروهی ازمهندسان فنون مختلف ایجادبانك فلاحتی‌وصنعتی نیزاثر بسیار داشته است .

دیگرازاقدامات مهمی که دربارهٔ پیشرفت صنایع درین دوره شده و سابقاً هم بدان اشاره کردم ایجاد صنایع جنگی وتأسیس ادارهٔ تخشایی ارتش را بـاید دانست . بدین گونه‌وسایل ساختن‌همه قسم اسلحه ومهمات بزرگ‌و کوچك وحتی وسایل هواپیمایی درایران بدست ایرانیان فراهم‌آمده است و با بهترین وسایل و ماشین‌های جدید درکارخانهای بسیارمهمی که بنا کرده‌اند ساخته میشود و درپایان این‌دوره کشور ایران دیگراحتیاجی بخریداسلحه‌ومهمات ازخارج‌نداشت وچندین هزارکارگرایرانی درین مؤسسات‌کار می کردند واین نکته را نیز باید از نـکات برجستهٔ اصلاحات صنعتی درین دوره دانست .

برای اینکه زمینه‌ای در دست خوانندگان از کارخانهای مهمی که در دورهٔ پهلوی دولت ایران درنواحی مختلف ساخته است باشد فهرست کارخانهای مزبور بدین گونه است :

هشت کارخانهٔ قندریزی در کرج و کهریزک و شاه آباد غرب و شازند و مرودشت و آبکوه و میاندوآب و ورامین ، کارخانهٔ سیمان ری ، جوهر نمك و گودرن ، اشباع تراورس درشیرگاه ، حریربافی درچالوس ، نساجی درشاهی ، نساجی در بهشهر ، گونی بافی درشاهی ، کربنات دو سود در امین آباد ، شیمیایی پارچین ، گلیسرین ایران، مواد نسوزامین آباد، روغن کشی ورامین ، کنسرو ماهی بندر عباس، کنسرو شاهی ، شمارهٔ پنج درونك .

سدهای مهمی که برای آبیاری درین دوره ساخته شده بدین گونه است :
سدشاوور در اهواز در ۱۳۱۵ ، سد خیرآباد در اهواز در ۱۳۱۸ ، سد روانسر در کرمانشاهان در ۱۳۱۹ ، سد شبانکاره در برازجان در ۱۳۲۰ .

اصلاحات فرهنگی

شکی نیست که درمیان اصلاحات اجتماعی ومدنی که بمراتب پایدارتر از اصلاحات مادیست توجه بمدارس و مراکزآموزش و پرورش بیشتر از اصلاحات دیگراهمیت دارد زیرا دراصلاحات اجتماعی که متوجه سالمندانست کسانی مورد اصلاح قرار می گیرند که‌قسمتی‌از زندگی ایشان گذشته است وخوب‌یابد باصولی عادت کرده‌اند ومانوس شده‌اند والبته اصلاح ایشان ناممکن نیست اما بمراتب دشوارتر از اصلاح اخلاق ومعتقدات کودکانست که هنوز هیچ رنگی نپذیرفته و دوچارافکارناصواب‌نشده‌اند که برانداختن آنها بواسطهٔ عادت ممتدو گذشت‌روزگار دشوار شده باشد ونیازمند بپیکار و کشمکش جدی باشد. بهمین‌جهت در ساختن تمدنها وپیش‌بردن‌اصلاحات معنوی‌اجتماعی‌واخلاقی توجه بطبقهٔ نوزادوعناصری که باید بزودی جامعه را تشکیل بدهند و سالیان دراز درآن جمع‌زندگی کنند بمراتب واجب‌تر از هرکار دیگرست و بمنزلهٔ ساختن پی‌ها و بنیادهاییست که اساس اجتماع‌را روی آن‌باید قرار داد وساختمان تمدن را روی آن باید کرد.

بهمین جهت یك سلسله‌کارهای مهمی که درین دوره در ایران کرده‌اند توجه بامور معارفی و فرهنگی بوده و این اصلاحات را از خصایص برجسته و

نمایندهٔ واقعی عصر پهلوی باید شمرد زیرا اساسی بود که آیندهٔ ایران را تأمین کرد و نسلهای آینده از آن برخوردار شدند. در ایران در دوره‌های پیش از آن توجه قطعی و مؤثری درین کار نشده بود و مخصوصاً در دویست سال آخر که علم و معرفت در تمدن جدید بسرعت هرچه تمامتر پیش می‌رفت بهیچ وجه مساعی مهمی برای انتشار آن علوم ورواج اصول تربیت جدید در ایران بکار نبرده بودند.

تنها در اواخر دورهٔ قاجارها تقریباً از صد سال پیش در برخی از ادوار اندك توجهی بعلوم جدید داشته‌اند وبرخی کوشش‌هایی جسته جسته برای انتشار علم ومعرفت کرده‌اند اما آن اقدامات متوالی وپیوسته نبوده ودامنهٔ آن همیشه امتداد نداشته است. گاهی که اتفاقاً مرد بزرگی در ایران برسر کار آمده بمیل و شوق شخصی خود برخی کارها کرده است اما چندان نگذشته که وی ازمیان رفته و کسی که بجای او آمده دنبالهٔ کار اورا نگرفته وسالیان دراز آن اصلاحات بی‌نتیجه مانده است. چنانکه کارهای بسیار مهمی که میرزا تقی‌خان امیر کبیر و حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار درین زمینه بچندسال فاصله کرده بودند پس ازیشان ناتمام ماند ومدتها کسی دنبالهٔ آنرا نگرفت تا آنکه حاج میرزا علی‌خان امین‌الدوله دوباره نزدیك پنجاه سال بعد نیز قدمهای بلندی برداشت و آن هم پس ازو ناتمام وناقص ماند.

بیشتر قدمهای مهمی که برای انتشار علوم ومعارف جدید در ایران برداشته‌اند مرهون همت یك عده مردم دانش دوستیست که دولت بهیچوجه محرك ومشوق و حتی پشتیبان ایشان نبوده وتنها بذوق شخصی وشوروعشقی که خود داشته‌اند کارهای مهم کرده‌اند. ده‌سال پیش ازمشروطیت عده‌ای ازین دانش‌پروران انجمنی در تهران بنام «انجمن معارف» تأسیس کردند وهفت‌تن ازاعضای انجمن برعهده گرفتند که هریك مدرسه‌ای بوسایل شخصی وبااعانه‌ای که ازدانش‌پروران می گرفتند تأسیس

کنند و این هفت مدرسه در تهران نخستین مدارس ملی بوده است که در آنها علوم جدید را تدریس میکرده‌اند . این انجمن یك کتابخانهٔ عمومی نیز تأسیس کرد که کتابهای آن پس از چندی بغارت رفت و یك روزنامهٔ هفتگی بنام «معارف» نیز انتشار میداد. در آن موقع وزارت خانه‌ای بنام وزارت معارف در ایران بود که نخست وزارت علوم نام داشت و کار این وزارت خانه تنها اداره کردن مدرسهٔ دارالفنون بود که چند سال اول متوسطه را با مختصری از دورهٔ عالی در رشته‌های طب و مهندسی و نظام در آن تدریس می کردند و میرزا تقی خان امیر اساس آنرا گذاشته بود و پس از عزل او بکار آغاز کرد و همیشه بیشتر معلمان آن اروپایی از فرانسه و اتریش و ایتالیا بودند . وزارت معارف بهیچ وجه وسیلهٔ یاری بامدارسی که این دانش دوستان تأسیس کرده بودند و بیشتر آنها مجانی بود نداشت و اعضای انجمن معارف برای اداره کردن مدارسی که تأسیس کرده بودند در باغ بهارستان گاردن پارتی دادند و از عایدات آن چندی آن مدارس را گردانیدند .

هنگامی که حکومت مشروطه در ایران بر سر کار آمد با آنکه در هر انقلاب و در هر حکومت ملی و آزاد توجه خاصی بکارهای آموزش و پرورش داشته‌اند نهضت علمی درین دوره در ایران بسیار ضعیف بود و انقلاب ایران هیچ اثری در مدارس نکرد چنانکه سالیان دراز مدارس تهران تنها شامل دورهٔ ابتدایی و دبستان بود و پس از آنکه در یك مدرسه دورهٔ متوسط را دایر کردند تا چند سال تنها دورهٔ اول متوسطه یعنی دورهٔ سه ساله را درس میدادند .

سبب عمدهٔ این بی‌قیدی حکومت مشروطه نسبت بآموزش و پرورش نوآموزان این بود که روحانیان هم چنان در آن نفوذ سرشاری که پیش از مشروطیت داشتند باقی مانده بودند و بزرگترین مانع جنبش علمی جدید در ایران بشمار می‌رفتند و بهترین دلیل آنست که در دورهٔ مشروطیت حتی تنزل محسوسی در نهضت علمی نسبت

بسی وچهل سال پیش ازآن دیــده می‌شود . بهمین جهت درین دوره سالیان دراز کسانی که بتربیت فرزندان خود اهمیت‌می‌دادند ایشانرا بمدارسی که فرانسویان وانگلیسها وآلمانی‌ها و روسها وآمریکایی‌ها درشهرهای مختلف ایران دایر کرده بودند می گذاشتند وپیداست درین مدارس بهیچوجه نمی کوشیدند احساسات ملی درجوانان ایرانی فراهم کنند و برعکس هرمعلمی از هر کشوری که آمده بـود دوستداری وعشق بآن کشوررا درنهاد شاگردان خود میگذاشت .

درپایان دورهٔ قاجارها تنها دو مدرسهٔ ملی دخترانه در تهران تأسیس کرده بودند وپیداست که حتی دختران نابالغ هم باحجاب بآنجا میرفتند و دورهٔ اول متوسطه برای دختران تنها درمدرسهٔ فرانسوی بنام ژاندارك ودرمدرسهٔ امریکایی بود . ارمنیان ویهود ایران نیزمدارسی برای نوباوگان خود داشتنداماازپذیرفتن کودکان مسلمان ممنوع بودند .

روی‌همرفته در دورهٔ قاجارهـا اوضاع معارف ایران درنتیجهٔ ضعف دولت و ناامنی کشور ومخصوصاً فقراجتماعی جلوه‌ای نداشت وسالیان درازمدارسی که در ایران وجود داشت درشهرهای بزرگتربود وبسیاری ازشهرها‌مدرسه باصول‌جدید نداشتند و کودکان درمکتب‌خانه‌ها که دردکانهای بازارهادایر بود تنها خواندن و نوشتن‌را فرا میگرفتند و بالاترازآن‌تنها مدارس قدیم بود که حتی مبادی‌ریاضیات را درآنجا بزبان تازی درس میدادند . پیداست که‌آگاهی مردم اززبان وادبیات فارسی منحصر بآن بود که ازمادرشنیده بودند و یك دوسال در مکتب‌خانه آموخته بودند وازترس تنبیه بدنی وچوب وفلك بذهن سپرده بودند . کتابهای، درسی در مدارس قدیم ازکتابهایی بود که چندین قرن پیش تألیف کرده بودند و هیچ کس درآنها تجدید نظرنکرده بود . بدین گونه دردورهٔ پیش معارف نیزمانندتأسیسات دولتی دیگرراه ترقی ورشد طبیعی را نپیموده بود ومی‌بایست دردورهٔ پهلوی‌توجه

خاصی باصول آموزش و پرورش بشود و استوارترین پایهٔ تمدن جدید را در آموزشگاههای ایران و در ذهن کودکان و جوانان کشور بگذارند. درین زمینه کوششهای بسیار بکار رفت و ترقیات آشکاری فراهم شد.

دردرجهٔ اول توسعهٔ آموزشگاهها وافزایش شمارهٔ شاگردان را بایددانست که دورهٔ پیش ازین حیث با این دوره بهیچوجه قابل قیاس نیست. درین دوره سالی نبوده است که درشمارهٔ آموزشگاهها و دانشجویان ودانش آموزان و آموزگاران ودبیران ودانشیاران و استادان ومبالغی که از بودجهٔ کشور صرف این کارهای مهم می‌شد ترقی بسیار محسوس و مسلمی دیده نشود. سالی نبوده است که درسراسر کشور بناهای باشکوهی برای تاسیسات معارفی ساخته نشده باشد. گذشته از آمارهایی که هرسال وزارت فرهنگ آن زمان چاپ کرده هر کس بارقام بودجه‌های کشور رجوع بکند می بیند چه مبالغی برای تاسیس و ساختمان دبستانها و دبیرستانها و دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های دیگر وایجاد آزمایشگاه‌ها وموزه‌ها ومؤسسات فرهنگی دیگر که هرسال ایجاد شده خرج کرده‌اند. شاید ایراد همین نکته برای درك این مقصود عالی کافی باشد که در سراسر دورهٔ قاجارها یگانه ساختمانی که برای مؤسسات معارفی درایران برپا کردند همان ساختمان قدیم مدرسهٔ دارالفنون بود که در قدم اول در زمان صدارت میرزا تقی‌خان امیر کبیر بنای آن آغاز کردند ودر آغازعصرپهلوی ازبس آن بناسست وبی‌تناسب بوددرهم کوفتند وساختمان دیگری کردند. بجز آن دیگر درسراسراین دوره بنایی برای مدرسه ساخته نشده‌است و حال آنکه دردورهٔ پهلوی هیچ شهری در ایران نبود که لااقل دو سه بنای باشکوه برای کارهای آموزش وپرورش درآن ایجادنکرده باشند.

نکتهٔ دیگری که نمایندهٔ پیشرفتهای معارفی درین‌دوره‌است اعزام‌عدهٔ کثیری ازجوانان ایرانی برای فراگرفتن علوم وفنون‌جدید بکشورهای مختلف‌اروپاست.

برای این کار قانون مخصوصی ازمجلس گذشت وازسال ۱۳۰۸ بجز سالهایی که مصادف با جنگ جهانی دوم شد هـر سال صد تن از جوانان ایرانی که دورهٔ متوسطه یا قسمتی ازدورهٔعالی را پیموده بودند برای افزایش معلومات خود بخرج دولت باروپا رفتند ودر کشورهای مختلف مانند فرانسه وآلمان و انگلستان و سویس و بلژیك تحصیلات خودرا بپایان رسانیدندودر باز گشت چه دردانشگاه وچه در کارهای دیگر دررأس کار قرار گرفتند . نه‌تنها وزارت فرهنك درهرسال صدتن را باروپا فرستاده بلکه‌وزارت‌خانهای دیگرومؤسسات وادارات‌دولتی نیز برای کارهای فنی‌خود خرج تحصیل عدهٔ کثیری را تحمل کرده‌اند و مخصوصاً وزارت جنگ یك عـده کثیر از جوانان ایرانی را در مدارس نظامی معروف فرانسه وادار بتحصیل و فرا گرفتن تخصص کرده است . می‌توان گفت بیش ازده هزارتن ازجوانان ایرانی دریندوره برای مهم‌ترین کارهای فنی وعلمی‌جدید بخرج‌دولت ایران دراروپا تربیت‌شده‌اند.

در دورهٔ قاجارها نیز کوشیده‌اند عده‌ای از ایرانیان را برای فرا گرفتن فنـون و علوم جدید باروپا بفرستند و از زمان فتحعلی شاه باین کار آغاز کردند اما قطعا می‌توان گفت کـه درمدت نود سال بحداکثر بیش ازشست تن بدین وسیله تربیت نشدند.

نکتهٔ دیگر اینست که درآغازاین دوره تا زمانی که هنوز عدهٔ معلم ایرانی آگاه بعلوم جدید برای مدارس ایران کافی نبود واحتیاج بمعلمین اروپایی هنوز بپایان نرسیده بود وزارت فرهنگ یك عده معلم بیشترازفرانسه برای تدریس در دبیرستانها ودانشکده‌ها وآموزشگاههای دیگراستخدام کرد و بتدریس گماشت اما بمحض اینکه عدهٔ کافی معلم ایرانی تحصیلات خود را در اروپا بپایان رسانیدند و بایران باز گشتند دیگر استخدام معلم اروپایی ضرورنبود وبهمین جهت در قانون قید شد که هر کس را که ازاروپا بعنوان مستشار یا معلم‌می‌خواهند بایران‌بیاورند

باید مجلس شورای ملی تصویب کند .

گذشته از آموزشگاه‌هایی که وزارت فرهنگ سابق تأسیس کرده و گذشته ازبنگاههایی که برای تربیت افراد وافسران ارتش درصنوف مختلف و درقسمتهای گوناگون ایجاد کرده‌اند وپیش ازین درمبحث اصلاحات نظامی بدآنها اشاره رفت ادارات وبنگاه‌های دولتی دیگر نیز آموزشگاه‌های متعدد برای تربیت افراد کشورو کارمندان خود دایر کرده‌اند که شمارهٔ آنها و نتایجی که ازآنها گرفته شده نیز بسیار جالب توجه بوده است مانند کلاس قضایی و کلاس ثبت اسناد و کلاس آمار و آموزشگاه تخصصی وزارت کشور ووزارت دارایی ومدرسهٔ پست وتلگراف و غیره. البته آموزشگاهها وهنرستانهای صنعتی متعددودانشکدهٔ کشاورزی وتوابع آن وعدهٔ بسیار کودکستانها وپرورشگاه‌های یتیمان وفرزندان عشایر وهنرستان دختران را نیز باید درنظر گرفت. در۱۳۱۸ نیزسازمان پرورش افکار برای تعلیم اصول نمایش و تئاتر و روزنامه‌نویسی بنگاه‌هایی تأسیس کرد و هریك ازین دستگاه‌ها نمایندهٔ پیشرفتیست که درین دوره نصیب فرهنك ایران شده است .

دیگر از مراحل پیشرفتهای این دوره ترقیات جالبیست که درمطبوعات و صنعت چاپ فراهم شده و درین دوره جنبش مخصوصی درین زمینه فراهم آمده‌است، چنانکه مطبوعات ایران از روزنامه ومجله پیشرفتهای فراوان کردند و مخصوصا دولت محرك عمدهٔ این ترقیات بود و در اصلاح مطبوعات توجه خاصی داشت و کارمهمی که‌درین زمینه کرداجازهٔ نشرمطبوعاتی را که برای بدگویی وبهره‌جویی در دورهٔ پیش بسیار بود ندادوتنها ازمطبوعاتی که راهنمای مردم باشند تشویق کرد. نیز جنبش مهمی در چاپ کتابهای علوم و ادبیات ایران و ترجمهٔ کتابهای سودمند در رشته‌های مختلف از زبانهای بیگانه وتألیف کتابهای نو درفنون مختلف پیش آمد وازین حیث یادگارهای بسیار جالب ازین دوره ماند واین کارچه بتشویق و

راهنمایی دولت انجام گرفت وچه بواسطهٔ آنکه هرسال منظما برعدهٔ مردم تحصیل کرده و کتاب‌خوان افزوده می‌شد .

درین دوره ترقی محسوسی نیز در ادب فارسی پیش آمده است و این رشته که مدتهای مدید راکد مانده بود واز ادبیاب جدید بی‌بهره بود درین دوره وارد نهضت قطعی شد وعظمت واهمیت ادبیات ایران درنظرهمه کس هویدا گشت‌ومردم توجه خاصی نسبت بادبیات کردند . سبك‌ها و روشهای جدید درتحقیقات‌ادبی و طرزهای نویسندگی وانواع مختلف آثارادبی پیدا شد که‌آیندهٔ درخشانی‌را نوید داد . می‌توان گفت ایرانیان دوباره راه راباز کردند که بوسیلهٔ ادبیات خود مقام مهمی در عالم تمدن بدست‌آورند ودنبالهٔ ادبیات قدیم خود را که همواره درجهان منتهای شهرت را داشته است بگیرند. مهم‌ترین نکته اینست که پیش ازدورهٔ‌پهلوی یأس وبیزاری سراسرادبیات مخصوصاً شعر را فرا گرفته بود و شاهکارهای پسندیده نوحه‌سرایی‌ها و زاریهای دلخراش سرایندگان نومید شده بود . درین دوره پیشرفتهای ایران درهای امید ونشاط وسروررا برروی ادبیات باز کرد وآن روح مرثیه‌سرایی ازمیان رفت .

دیگرازمظاهرترقیات فرهنك‌درین دوره اصلاح مدارس قدیم را بایددانست که دردورهٔ‌پیش ازهرحیث راه انحطاط وتنزل روزافزون را می‌پیمود و دیگرهیچ یك ازنیازمندیهای علمی ایران راتامین نمیکرد. موقوفات بسیاری که‌ازقدیم‌برای این کاربسیارمهم نیکوکاران ایران گذاشته‌بودند بمصرف خود که‌واقف‌قید کرده‌بود نمی‌رسید. درین‌دوره‌توجه‌خاصی‌نسبت باین‌کارشد ودرهرجا که لازم‌بوددبیرستانهای معقول و منقول درهمان محلهای مدارس قدیم که بسیاری از آنها را تعمیر کردند از همان درآمد موقوفات تاسیس شد و اصلاح اساسی در برنامها و روش تدریس آنها بعمل‌آمد . بهمین جهت جمعی کثیرازجوانان ایران درین دبیرستانها بااصول

درست مشغول تحصیل شدند والبته تأسیس دانشکدهٔ معقول ومنقول راکه برای تکمیل تحصیلات این جوانان دردانشگاه تهران تاسیس شده وباهمان اصول دایرشده است ازجمله کارهای مهم بایددانست .

نکتهٔ بسیار مهم تعلیم اکابر و سالمندان وپیکار با بی‌سوادی بوده است . بسیاری ازمردم ایران سالیان درازدر نتیجهٔ نادانی وغفلت دولتها ازبهره‌های گوناگون مادی ومعنوی علم ودانش بی‌نصیب ومحروم مانده بودند وکسی هرگز در صدد دستگیری ازیشان ودانایی وبینایی ایشان بر نیامد. درین دوره وسایل گوناگون برای تعلیم این عدهٔ بسیار که اکثریت ملت ایران‌را تشکیل می‌داد فراهم شد و هرسال جمع کثیری از زن ومرد بآسان‌ترین راه و با بهترین اصول از جهل‌ونادانی بعلم‌و دانایی گراییدند وازخواری وسرشکستگی که لازمهٔ بی‌سوادیست بیرون آمدندودر اندك مدتی خواندن‌ونوشتن‌را فراگرفتند. بهمین‌جهت‌این کار راهم باید ازکارهای مهم عصر پهلوی دانست .

یکی ازمهم‌ترین کارهایی که درراه پیشرفت دانش درایران درین‌دوره بپایان رسید تأسیس دانشگاه تهران بود که درآغاز شامل‌شش‌دانشکده ویك عده مدارس عالیه شد . بدین‌وسیله همهٔ علوم عالی‌راکه در کشورهای دیگرپسر و دخترفـرا می‌گیرنددردانشکده‌های‌مختلف‌تهران بزبان‌فارسی‌تدریس کردندواین‌خودبهترین دلیل رشد علمی ومعارفی ایران درین دوره است . نداشتن دانشگاه برای ایران مخصوصاً سرشکستگی بودزیراکه‌ایرانیان‌نخستین‌ملتی‌درجهان‌بوده‌اند که‌دانشگاه تأسیس کرده‌اند ودانشگاه‌معروف گندی شاپور درخوزستان که‌درآغازدورهٔ‌ساسانی تقریباً در۱۷۲۰ سال‌پیش تأسیس شده نخستین‌دانشگاه جهان بوده است. پس‌ازآن دردورهٔ اسلامی نیز وزیرمعروف‌ایرانی‌نظام‌الملك طوسی چندین دانشگاه‌دربغداد وبلخ ومرو ونیشابور واصفهان‌واهوازتأسیس کرده است . پیش از تشکیل‌دانشگاه

تهران در ایران تنها یك دانشكدهٔ پزشكی و یك مدرسهٔ حقوق و علوم سیاسی و یك دانشسرای عالی و یك مدرسهٔ كشاورزی و یك مدرسهٔ تجارت بود كه بجوانان ایرانی معلوماتی بیشتر از دورهٔ متوسطه می‌دادند ولی دانشگاهی نظیر دانشگاه‌های اروپا كه شامل همهٔ دانشكده‌ها و همهٔ علوم عالیه باشد وجود نداشت و دانشگاه تهران یادگار این دوره است.

البته تردیدی نیست كه در تمدن امروز كشورهایی كه هنوز دانشگاه ندارند نه تنها در علوم جدید بحد رشد و كمال نرسیده‌اند بلكه در تمدن نیز پا برجا نشده‌اند. بهمین جهت پس از تكمیل دبستانها و دبیرستانها می‌بایست دانشگاهی شامل همهٔ دانشكده‌ها تأسیس شود تا جوانان ایرانی از پسر و دختر بتوانند پس از دورهٔ متوسطه معلومات خود را تكمیل كنند و برای فرا گرفتن علوم جدید محتاج بدانشگاههای اروپا و آمریكا و سفر بخارج از ایران نشوند و این علوم را در كشور خود فرا بگیرند و در ضمن دانشگاه یك بنگاه علمی باشد كه در پیشرفتها و ترقیات علمی دستیاری كند و وسیلهٔ كمال هر علمی را فراهم سازد.

دیگر از مظاهر پیشرفتهای علمی درین دوره قانون تربیت معلم و تأسیس دانش‌سرای عالی برای تربیت دبیران و دانش‌سراهای مقدماتی برای تربیت آموزگارانست كه برتری و فواید این كار بسیار آشكارست. پیداست كه تربیت معلم خوب چه اقدام اساسی در كار آموزش و پرورش بشمار می‌رود و تا عدهٔ كافی معلم تحصیل كردهٔ دانا و آزموده در كشور نباشد نمی‌توان بنتیجه‌ای كه از مدارس باید بدست آید مطمئن بود. بهمین جهت گذشته از اصلاحات اساسی كه در كتابهای درسی شد میبایست مخصوصاً توجه تامی در پرورش آموزگاران و دبیران بكنند. زیرا كتاب هر چه خوب و سودمند باشد تا آموزگار و دبیر آزموده و آموخته نباشد نمی‌توان از كتاب خوب نتیجهٔ قطعی و مؤثر گرفت. بهمین جهت تأسیس دانش سرای عالی و دانش‌سراهای مقدماتی پسرانه و دخترانه یكی از كارهای بسیار مهم در معارف ایران بود كه

در دوره‌های گذشته بکلی از آن غافل مانده بودند و اگر هم توجهی می کردند بسیار مختصر بود .

دیگر از کارهای مهم این دوره اصلاح کتابهای درسی بود که وزارت فرهنگ خود مستقیماً درین کار وارد شد و یك سلسله کتاب‌های بسیار خوب و پاکیزه و خوش چاپ برای دبستانها و دبیرستانها که آگاهان هرفن تألیف کرده بودند چاپ شد و ببهای ارزان درسراسر کشور انتشار یافت . کسانی که نمونه‌ای از کتابهای درسی پیش از دورهٔ پهلوی را بدست بیاورند و نظری بر آنها بیفگنند می بینند که این کار وزارت فرهنگ چگونه لازم بوده است و چگونه نوآموزان این کشور از کتابهای بدچاپ و پرغلط که تنها کسانی برای سودجویی خود چاپ می کردند و چندین برابر بهایی را که داشت ازمردم می گرفتند نجات یافتند .

دیگر از نکات مهمی که دراصلاحات فرهنگ ایران باید درنظرداشت تأسیس دبستانهای مختلط بود که پسرودختر تاسن چهارده‌سالگی و پایان دورهٔ ابتدایی باهم درس بخوانند. گذشته از آنکه درجامعهٔ متمدن باید مردوزن و پسرو دختردرهمهٔ حقوق ومزایا برابر باشند در برخی‌مراحل باید باهم محشور باشند تا اختلافاتی که باعث تفرقهٔ جامعه‌و نفاق‌درمیان‌افرادست برخیزد و مردوزن از روحیات‌واحساسات یك دیگرهرچه بیشتر آگاه باشندو بتعاون با یك دیگرعادت کنند وهمه‌خودرا اعضای یك پیکروعضو یك‌جامعه بدانند تا در زندگی خانوادگی یگانگی مطلق فراهم گردد . درعمل‌نیزثابت شده است که درسالهای نخستین دبستان کودکان نوآموزاز آموزگاری که زن باشد بیشتر و بهتر پیروی‌می کنند واورا مادر خود میدانندو نتیجهٔ بهتر بدست می آید . وانگهی استعداد زنان برای تدریس در دبستانها ودلسوزی و پشتکارشان درین زمینه بیشترست و بهمین‌جهت یکی‌ازمهم ترین وسایلی که‌می بایست دراصلاح دبستانها وروش آموزش‌وپرورش در آنها بکنند تأسیس دبستانهای مختلط بود

که پسرودختر درمراحل اولیهٔ تحصیل با هم شریك و معاشر باشند وکارکنان و
آموزگاران این دبستانها زن باشند. این اصلاح درین دوره صورت گرفت و باید
آنرا یکی ازاصلاحات مهم شمرد . البته درین‌ضمن‌باید در نظر داشت که پذیرفتن
دختران دردانشکده‌ها نیز بهمان درجه ازاهمیت بوده است زیرا تردیدی نیست که
درتمدن امروزجهان زن ومرد باید بتساوی شریك وسهیم ومخصوصادر کسب‌دانش
برابر باشند زیرا بسیاری‌ازفنون ورشته‌هاهست که زنان بیش‌ازمردان‌در آن‌استعداد
دارند وهیچ دلیلی نیست که آنها را ازفرا گرفتن این فنون محروم کنند وجامعه‌از
ترقیاتی که ممکنست درین‌راه پیش‌آید بی‌نصیب بماند. بهمین جهت درین دوره
پسر ودختر باهم دردبستانهای مختلط ودردانشگاه پذیرفته شدندوقرار بوداندکی
که گذشت وتجربه‌های لازم بدست‌آمد دردبیرستانهم باهم باشند. دریغا که پس‌از
انقضای این دوره دبستانهای مختلط را که از کارهای حکیمانهٔ عصر پهلوی بود
منحل کردند .

دیگرازاصلاحات مهمی که درین زمینه صورت گرفت تصفیهٔ زبان فارسی از
کلمات والفاظ وترکیبات ناملایم و ناگوارزبانهای بیگانه و تأسیس فرهنگستان
ایران برای این‌کار و اقداماتی بود که درین دوره درین‌راه بعمل‌آمد. تردیدی
نیست که زبان یکی ازآثار عمدهٔ ملیت هرقومیست و باید نمایندهٔ روح ملی آن
مردم ومهیج ومسبب این روح باشد . چنانکه درتاریخ هزارسالهٔ گذشتهٔ ایران
هرگاه که روح ملی در کشور بیدارشده ونیرو گرفته است بزرگان ایران یکی‌از
مهمترین چاره‌جوییها را برای نافرمانی ازبیگانگان‌ترویج زبان‌وادبیات وتصفیهٔ
زبان دانسته‌اند . دانشمندان بزرگ ماکه روح ایرانی نیرومند داشته‌اند تنها
بنوشتن کتابهای مخصوص برای این که ازین کار پشتیبانی کرده باشند قناعت
نکرده‌اند بلکه جدی در ساختن اصطلاحات و بی‌نیاز کردن زبان از کلمات و

ترکیبات زبانهای بیگانه داشته‌اند و این کاریکی از چاره‌جویی‌های بسیار مهم ومؤثری بوده که همواره درمدت‌هزارسال بزرگان ایران درهرفن وهررشته که بوده‌اند وجهۀ همت خود قرارداده‌اند . ازطرف دیگر درمدت دویست سال گذشته ومخصوصاً درسی‌سال پایان دورۀ قاجارها زبان فارسی بسیار تباه وفاسدشده بود وبهمین‌جهت روح ادبی آن‌تنزل کرده وضعیف‌ترازهرزمانی شده‌بود . ازطرف دیگر علوم جدیدی درتمدن امروزپیداشده بود که برای هیچیك ازآنها اصطلاحاتی در زبان فارسی نبودوممکن‌نبودبانداشتن آن اصطلاحات آن علوم‌را بزبان‌فارسی‌تدریس کنند ویا تألیف کنند . ناچاریك سلسله اصطلاحات مهم ضرورت‌کامل داشت. قهراً این وضع ایجاب می کرد که باصلاحات مهم و کارهای عمده در زبان فارسی آغاز کنند که خود زمینۀ یك سلسله اقدامات اساسی باشد واین آرزوی هزار سالۀ دانشمندان ایران برآورده شود. این مشکل بزرگ ملیت ایران بفرهنگستان که درین دوره برای این مقصود عالی تشکیل یافت سپرده شد و بزودی نتایج مهم‌آن درزبان‌فارسی پدیدآمد ومردم باذوق ایران نیزراهنمایی‌های‌حکیمانۀ فرهنگستان ایرانرا باکمال‌آسانی‌وخوشرویی پذیرفتند ونتایج این‌کاربزرگ درزبان فارسی محسوس شد.

دیگرازکارهای مهمی که درین دوره شده تصویب قانون طبابت و مقررات واصولیست که دربارۀ پزشکان وضع کردند تاکسانیکه باین شغل شریف‌میپردازند همۀ جهات علمی دریشان جمع باشد واگراز دانشگاههای معتبر اسنادی دردست ندارند امتحانهایی بدهند و لیاقت علمی خودرا ثابت کنند و اگر تحصیلات کامل نکرده‌اند بعنوان طبیب مجازتنها بمعالجۀ برخی ازبیماریها بپردازند واین عنوان ازین عده که گذشت درآینده بکسان دیگرداده نشود . چون این کار نیزآثارعمده درزندگی مردم کشور داشته است جا دارد که آنرا نیزاز اصلاحات اساسی این

عصر بشماریم .

دیگر از کارهای بسیار مهمی که درین دوره شده وجزو اصلاحات اساسی معارف ایران باید دانست موضوع ورزش وتربیت بدنیست که نخست قانونی برای اجباری بودن ورزش درمدارس گذشت وسپس یك سلسله کارهای مهم در تأسیس انجمن‌های تربیت بدنی وفراهم کردن زمین‌های ورزش وتأسیس پیش آهنگی درمیان دختران وپسران و برقرار کردن جایزه‌ها ومسابقه‌های ورزشی و آماده ساختن جوانان کشور ازپسرودختر برای شرکت دررژه‌ها ودفیله‌ها وجز آن انجام گرفت . درین دوره کوشش بسیار درین زمینه بنتایج مهم رسید وسبب شد که بزودی ورزشکاران ایران با ورزشکاران کشورهای دیگر برابر شوند و برخی ازیشان درمسابقه‌های بین‌الملل بردیگری برتری یافتند . تردیدی نیست که هرچه آدمی‌زاده نیرومندتر وزورمندتر وتن‌درست‌تر باشد پیشرفت کار او درجهان بیشتر خواهد بود و اندیشهٔ او سالم‌تر وصائب‌تر ودماغ او تروتازه‌تر واستعداد او برای اخذ علم وهنر بیشتر خواهد شد ، مخصوصاً در میان مللی که بواسطهٔ سالها خواری وسرشکستگی ودرماندگی ونومیدی زندگی بارگرانی شده بود ودرپرورش جسم خود نمیکوشیدند بیشتر باید باصلاح نژاد و پرورش افراد زورمند وتن‌درست پرداخت زیرا که زورمندی وتن‌درستی قهراً نشاط وشور وشعفی درزندگی فراهم میکند که بر نیروی کار وخدمت می‌افزاید.

البته چنانکه سابقاً هم اشاره رفت خدمت نظام یکی از مؤثرترین وسایل درین زمینه بوده است ولی می‌بایست کودکانرا ازآغاز زندگی وپیش ازآنکه بسن خدمت نظامی برسند نیرومند وتن‌درست بکنند و یگانه راه همان اصول ورزش در آموزشگاهها وتربیت بدنی ومخصوصاً پیش آهنگی بوده‌است که گذشته از تقویت جسم بتقویت روح هم می‌پردازد و کودکان ازآغاز زندگی باستقلال واتکای بنفس و معاونت بایك دیگر ودستگیری ازافراد وانس بزندگی اجتماعی خومی گیرند و

هزاران نکتهٔ دیگر درذهنشان جای گزین و فطری ایشان می‌شود. بدین جهاتست که توسعهٔ تربیت بدنی‌را که مطلقاً دردوره‌های گذشته در آموزشگاه‌های ایران نبود و تنها درین دوره برقرارشد باید یکی از مهمترین اصلاحات معارفی و فرهنگی دانست.

دیگراز اصلاحات معارفی مهم این دوره تعظیم وتکریم از بزرگان ایران و بزرگداشت مفاخر کشور واقدامات گوناگونی بوده‌است که‌درین‌دوره برای بزرگ کردن وجاودان کردن نام دانشمندان‌وهنرمندان ومردان بزرگ‌تاریخ کرده‌اند. درضمن بحث دربارهٔ اصلاحات اجتماعی این‌دوره باین نکتهٔ بسیارمهم‌اشاره کردم واینك جادارد دربارهٔ آنچه مخصوصاً درحق دانشمندان وهنرمندان ایران کرده‌اند توجه خوانندگانرا جلب کنم زیرا که این بزرگان نه‌تنهاوثیقه‌های پایداروبرقرار افتخارات جاودانی ایرانند و این‌کارتنها وسیله‌ایست که ایرانی در جهان دانش عظمت ملت خود را نشان دهد و سهمی را که پدرانش درعلم و هنروتمدن جهان داشته‌اند ثابت‌کند بلکه بهترین وسیله‌ایست که نام نیك نیاگان بزرگوارخودرا درجهان پراگنده سازد واحترام واقعی وحقیقی درهمهٔ جهان بدست‌آورد. درضمن این‌کاربهترین سرمشق ومحرك‌وراهنماونمونه برای افراد کشوروآیندگان خواهد بودتا از ین‌مردان بزرگ پیروی کنند و بدیشان بگروند و بکوشند همواره از کارهای‌بزرگی که ایشان کرده‌اندسرمشق بگیرند ومنتهای‌آرزوشان این باشد که بپایهٔ این مردان بزرگ برسند ویك قسم عبادت و پرستشی درمیان مردم نسبت باین‌بزرگان که‌همیشه‌راهنمای‌آدمی‌زادگان ورهبران‌تمدنها بوده‌اند فراهم‌شود.

برای اینکه اهمیت اصلاحات فرهنگی ومعارفی درعصرپهلوی کاملا برجسته باشد ارقامی دربارهٔ چندسال ازآغاز وپایان این دوره کاملا مطالبی‌را که‌درین‌بحث آورده‌ام روشن خواهد کرد:

سال۱۳۰۴ بودجهٔ وزارت‌فرهنگ ۷،۷۳۱،۳۸۰ریال.

سال۱۳۰۹ بودجهٔوزارت‌فرهنگ ۱۸،۹۸۳،۷۵۰ ریال :

سال۱۳۱۴ بودجهٔ وزارت فرهنگ۵۸،۰۰۴،۰۷۰ریال .

سال۱۳۲۰ بودجهٔ وزارت‌فرهنگ۱۵۴،۸۵۶،۰۰۰ریال .

سال۱۲۹۷ عدهٔ دبستانها ۴۵ عدهٔ دبیرستانها ۱۱ .

سال۱۳۰۳_۱۳۰۴ شمارهٔ دبستانها ۶۴۸ شمارهٔ دبیرستانها ۸۶ .

سال۱۳۰۸_۱۳۰۹ شمارهٔ دبستانها ۱۰۰۰ شمارهٔ دبیرستانها ۱۴۱ .

سال۱۳۱۳_۱۳۱۴ شمارهٔ دبستانها ۱۳۰۱ شمارهٔ دبیرستانها ۱۶۰ .

سال ۱۳۱۹_۱۳۲۰ شمارهٔ دبستانها ۲۳۳۱ شمارهٔ دبیرستانها۳۲۱ .

مدارس حرفه‌ای تنها در ۱۳۱۳ تأسیس شد وعدهٔ آنها بده رسید .

دانش سراهای مقدماتی نیز در ۱۳۱۳ دایرشد وعدهٔ آنها درآن سال۷ بود ودر ۱۳۱۹ به ۲۹ رسید .

سال ۱۲۹۷ شمارهٔ دانش‌آموزان دبستانها ۲۴،۰۳۳ .

سال ۱۳۰۳_۱۳۰۴ شمارهٔ دانش‌آموزان دبستانها ۵۵،۹۶۰ .

سال ۱۳۰۸_۱۳۰۹ شمارهٔ دانش‌آموزان‌دبستانها ۱۱۲،۴۸۵ .

سال۱۳۱۳_۱۳۱۴ شمارهٔ دانش‌آموزان دبستانها ۱۶۷،۶۸۲ .

سال۱۳۱۹_۱۳۲۰ شمارهٔ دانش‌آموزان دبستانها ۲۸۶،۵۹۸ .

سال ۱۲۹۷ شمارهٔ دانش‌آموزان دبیرستانها ۲،۳۹۲.

سال ۱۳۰۳_۱۳۰۴ شمارهٔ دانش‌آموزاز دبیرستانها ۷،۷۹۳ .

سال۱۳۰۸_۱۳۰۹ شمارهٔ دانش‌آموزان دبیرستانها ۱۰،۰۶۱ .

سال ۱۳۱۳_۱۳۱۴ شمارهٔ دانش‌آموزان دبیرستانها ۱۳،۵۸۰ .

سال ۱۳۱۹_۱۲۲۰ شمارهٔ دانش‌آموزان دبیرستانها ۲۶،۸۷۳ .

سال۱۳۱۳ـ۱۳۱۴ شمارهٔ شاگردان مدارس حرفه‌ای ۷۹۳ .

سال۱۳۱۹ـ۱۳۲۰ شمارهٔ شاگردان مدارس حرفه‌ای ٦۱۵ .

سال۱۳۱۳ـ۱۳۱٤ شمارهٔ شاگردان دانش‌سراهای مقدماتی ٥٤۲ .

سال۱۳۱۹ـ۱۳۲۰ شمارهٔ شاگردان دانش سراهای مقدماتی۱،۲٦۹.

کودکستانها تنها در ۱۳۱۳ دایرشده‌اند. درین‌سال‌عدهٔ کودکان ۲،٤٤۷ودر ۱۳۲۰ عدهٔ آنها۱،۸٦٤ بوده است .

وسایل ارتباط

کشورما سرزمین بسیار پهناوریست که یك میلیون و ششصد و چهل وچهار هزار کیلومترمساحت دارد واطراف آنرا کوهستان ونواحی کوهستانی فرا گرفته ودر میان این حاشیه از کوههای بلند دشت‌ها وجلگه‌هاییست که نواحی مرکزی ایران را فراهم ساخته است . بهمین جهت ایرانیان در تاریخ نخستین ملتی بوده‌اند که راههای بزرگ ساخته‌اند ودر راهسازی اهتمام کامل داشته‌اند . بنا بر آنچه تاریخ نشان می‌دهد در زمان داریوش بزرگ شاهراهی ساخته شده بود که آسیای شرقی را بآسیای غربی متصل میکرد وازسرحد چین ازروی رودجیحون سرزمین ماوراءالنهر راطی می کرد وازآنجا بخراسان می‌رسیدوازهمان راه امروزی خراسان بشهرری می آمد وازهمان راه امروزی تهران بسرحدعراق یا بین النهرین امروز وشهرمعروف بابل می‌رفت واز آنجا بآسیای صغیرمی‌رسید وازشهرسارد پای تخت کشورلیدی که خراج گزار ایران شده بودمی گذشت وازآنجا باقصای آسیای غربی بسواحل دریا می‌رفت . این راه‌را مورخان قدیم راه شاهنشاهی نام نهاده بودند ودرسراسر تاریخ قدیم اهمیت بسیار بآن داده‌اندزیرا که یگانه راه بازرگانی درمیان اروپا وآسیا بود وشهرهای بزرگ ایران قدیم مانند بخارا وسمرقند ومرو وبلخ وهرات وطوس ونیشابور وری وهمدان وتیسفون برسراین شاهراه قرار گرفته بودند . بنابرآنچه

مورخان قدیم گفته‌اند درطول این‌راه همه‌جا راهدار خانهای بسیارساخته بودند که وسایل‌رسانیدن چاپاردر آنجاها فراهم بود وحتی میلها و تپه‌ها و بلندیهایی در فواصل معین تعبیه کرده بودندوفاصلهٔ میان هردومیل‌یك‌منزل بود بهمین‌جهت میل بالاترین مقیاس طول شده بود . شب‌ها روی این بلندیها آتش می‌افروختندتاخط سیرراه معلوم باشد ومسافران‌وکاروانها بیراهه نروند و گمراه نشوند . چنان‌مینماید که گذشته‌ازین‌شاهراه معروف‌دردورهٔ‌هخامنشیان‌راههای دیگری برای‌لشکر کشی بیونان ومصرساخته‌اند که جسته جسته آثار آنرا باستانشناسان در ترکیه و سوریه کشف کرده‌اند .

در دوره‌های بعد مخصوصاً در دورهٔ ساسانیان که تجارت ابریشم چین پیش ازآنکه پرورش کرم ابریشم‌در ایران‌معمول‌شودبدست ایرانیان وازراه‌ایران‌تأمین میشد وبرای کشورهای غرب‌اهمیت بسیارداشت این‌شاهراه را راه ابریشم‌نامیدند واهمیت بسیار درتجارت و سیاست جهان داشت و حتی یکی از دلایل عمدهٔ رقابت های سخت درمیان امپراتوری رم ودربارهای اشکانیان و ساسانیان برسرهمین راه بود. سپس مدتهای مدید پس از انقراض ساسانیان در دوره‌های اسلامی این راه هم‌چنان دراهمیت قدیم خود باقی مانده بود وخلفا نیزبدان اهمیت بسیارمی‌دادند وهمان تشکیلات چاپارهای‌زمان‌ساسانیان‌را که بهمان‌اصطلاح قدیم زبانهای‌ایرانی «برید»می گفتند باقی نگاه‌داشته‌بودند ویکی‌ازمهم‌ترین مناصب‌درهردرباری‌منصب «صاحب برید» بود که تقریباً مقام وزارت داشت . ترتیب برید این‌بود که‌درهردو فرسنگ یا دوازده میل ایستگاه‌هایی‌بود که همواره درآنها چهارپاهایی‌زین کرده برای رساندن مراسلات‌رسمی آماده‌بودوحامل آن مراسلات که‌می‌رسیدمرکوبی‌را که‌سوار بودرهامی کردوبرآن‌مرکوب‌تازه‌نفس‌می‌نشست‌وراه‌خودرادنبال‌می‌کرد. این ترتیب ازدورهٔ هخامنشیان‌تاآن زمان‌باقی مانده‌بود وبدین‌جهت می‌توان گفت

که ایرانیان نخستین ملتی هستند که در تاریخ جهان اصول چاپاروپست را برقرار کرده‌اند و آتشهایی که روی بلندیها می‌افروختند علایمی برای رساندن خبر بود واین‌هم یك قسم تلگراف یاتلفن بوده است.

این راه تجارتی معروف نزدیك دوهزاروچهارصد سال یگانه رابطه‌درمیان آسیا واروپا بود، تاآنکه در ۱۸۶۹ میلادی حفر ترعهٔ سوئز بپایان رسید واین راه اهمیت خود را ازدست داد زیرا چون‌راه دریایی در میان اروپا وخاوردور دایر شد قهرا این راه دیگر آن اهمیت بین‌المللی را نداشت.

در دوره‌های بعدهم‌چنان درایران براه‌سازی اهمیت بسیارداده‌اند. مخصوصاً درزمان صفویه که شاه‌عباس‌اول براه‌سازی بسیارتوجه داشته است ونه‌تنها راههای قدیم را که ویران شده بود دوباره تسطیح کرد و در طول آن راهها کاروانسراهای متعددساخت که بسیاری ازآنها هنوز باقیست وبنام کاروانسرای شاه‌عباسی‌معروفست بلکه راههای جدیدی ساخت که معروفترین آنها راه‌مازندران و کرانهٔدریای خزر ازراه تهران باصفهان بوده است. بسیاری ازقسمتهای این راه‌را سنگ فرش کرده بودند چنانکه قسمتی ازآن سنگ فرشها درمیان علی‌آباد سابق (شاهی امروز) و ساری باقی مانده بود و درعصر پهلوی که راه شوسهٔ مازندران را می‌ساختند بآن سنگ‌فرشها پی‌بردند ونیزدرطول این راه پلهای متعدد ساخته بودند.

صنعت پل‌سازی نیزاززمانهای بسیار کهن درایران در کمال ترقی بوده است وپلهایی که در دوره‌های مختلف تاریخ در ایران ساخته‌اند همیشه درمنتهای شکوه واستحکام بوده است . ازپلهایی که پیش ازساسانیان درایران ساخته‌اند اندك آثاری باقیست و پیداست که در آن زمان پل‌سازی رواج کامل داشته است . اما ازدورهٔ ساسانیان پلهایی که برخی‌ازآنها نزدیك‌هزاروهفتصدسال عمر کرده‌اند درخوزستان وفارس باقیست‌و برخی ازپلهای‌ایران مانندپلهای‌خوزستان واصفهان که‌یادگاردورهٔ صفویه وپیش ازصفویه‌اند ازشاهکارهای پل‌سازی با سنك وآجر بشمارمی‌روند .

چنانکه سابقاً اشاره رفت ایرانیان، در ساختن سد نیز بسیار هنرمند بوده‌اند

وسدهای خوزستان وبند امیر درفارس که از یادگارهای عضدالدولهٔ دیلمی آل بویه است بهترین نمونهٔ سدسازی‌های قدیمست .

اما در دورهٔ قاجارها مخصوصاً در صد سال آخر آن دوره آن توجه باستانی که پیوسته ایرانیان براه‌سازی داشته‌اند در نتیجهٔ ناامنی وانقلابهای داخلی و آشفتگی اوضاع کشور وضعف وسستی دولتهای وقت ازمیان رفته بودو نه‌تنها راههای جدیدی نساخته بودندبلکه‌راههای قدیم یکسره بایرو ویران شده بود، چنانکه همان راه معروف مازندران که‌شاه‌عباس اول ساخته بود کورشده بود. اگرراههایی درایران فراهم شد برخی‌از آنهارا مردم نیکوکاربرای آسایش مردم راهگذرساخته بودند یا راههایی بود که امتیاز آنها رابیگانگان داده بودند ویا راههایی بود که در جنك جهانی اول برای حوایج‌نظامی ولشکر کشی‌های دول بیگانه تسطیح کرده‌بودند. چنانکه یگانه راه تجارتی شمال بپای تخت راه بندر انزلی (پهلوی) بتهران بود که امتیاز آنرا بیك شرکت روسی‌داده بودند وازمسافرو کالا راهداری‌می گرفتند ویگانه راه تجارتی پای تخت بجنوب‌هم راه تهران بقم وسلطان‌آباد (اراك)واهواز بود که امتیاز آنراهم بیك شرکت انگلیسی‌داده بودند وراهداری می گرفت. تنها راهی که در مغرب ایران وجود داشت راه تهران بقزوین و همدان و کرمانشاه و سنندج و خسروی بود که در جنك جهانی اول برای لشکر کشی ساخته بودند. دیگرراه اردبیل بآستارا بود که یکی ازبازرگانان تهران امتیاز آنرا گرفته بود و راهداری‌می گرفت . یگانه راهی که دولت درپایان دورهٔ قاجارها ساخت راه تهران بدماوند بود که یك مهندس بلژیکی ماموروساختمان آن شده بودودر آن نیز راهداری می گرفتند . پیداست که این راهها نیز ازدزدان وغارتگران چادرنشین مسلح در امان نبودند ودر گردنه‌ها وتنگه‌ها و پیچ وخمهای آنها همیشه مسافر و کاروان درخطرغارت ویغما و گاهی کشتاربودند .

بهمین جهت در دورهٔ پهلوی یکی از کارهای بسیار مهم که در راه امنیت و آبادانی کشور شده تسطیح راههای قدیم و ایجاد راههای جدید بوده است که یك رشته از مهم‌ترین و پرخرج‌ترین کارهای دولت را درین مدت دربردارد. درضمن همهٔ وسایل ارتباط جدید مانند وسایل نقلیهٔ سریع‌السیر و بندرها و پست و تلگراف و تلفن و پست هوایی و تلگراف بی‌سیم و کشتی‌رانی بازرگانی وغیره فراهم شده است.

در آغاز باید ساختمان راههای شوسه و اتومبیل‌رو را در نظر گرفت. چنانکه پیش ازین اشاره کردم در پایان دورهٔ قاجارها تنها راه پهلوی بتهران و اهواز بتهران وخسروی بتهران ودماوند بتهران واردبیل بآستارا بود که شرکت عمومی بنابرامتیازی ساخته بود وجمع مسافت آنها روی همرفته درحدود دو هزار کیلومتر بود وحال آنکه در دورهٔ پهلوی بیش از دوازده هزار کیلومتر راه شوسهٔ اتومبیل‌رو در کمال خوبی ساخته شده است که شش برابر راههای سابق می‌شود. این دوازده هزار کیلومتر شامل ۱۶ شاهراه بزرگ و۱۵ راه فرعی در میان چند شهر بوده است.

گذشته ازین همان راههای ساخته شدهٔ سابق را باردیگر تسطیح کرده و در بسیاری از جاهای آن پلهای بزرگ و کوچك ساخته‌اند. در بسیاری از نواحی راههای سابق را گشادتر کرده‌اند و در میان آنها راههایی هست که پیش ازآن وجود نداشت یعنی راههای تنگ پرنشیب و فراز بود که گاهی کاروان هم بدشواری از آنجا می گذشت. در میان شاهراه‌های مهم که درین دوره ساخته شده چندین راه بسیار مهم هست که از حیث تجارت و اقتصاد و رفاه مردم کشور و توسعهٔ قدرت دولت وبسط نفوذ آن و امنیت کشور اهمیت بسیار دارند مانند راه تهران بمازندران از راه دماوند وراه تهران بمشهد و مرزهای مشرق ایران و راه تهران

ببوشهر و کرانه‌های خلیج فارس و راه تهران بتبریز واز آنجا بشهرهـای عمدهٔ آذربایجان وراه تهران بخرم شهروسایر نواحی خوزستان وراه تهران بکرمان که هریك درحد خود اهمیت خاصی داشته‌اند وساختمان وتسطیح آنها نه‌تنهـا یکی‌از مهم‌ترین کارهای این دوره‌بود بلکه گاهی ازدشوارترین‌وپرخرج‌ترین کارها بشمار میرفت . بسیاری ازنواحی ایران بود که حتی مردم پایتخت سابقاً آنها را بچشم ندیده بودند وتنها نـامی ازآنها شنیده بودندودرین دوره مردم توانستندبا کمال آسودگی وآسانی پس‌ازچند ساعت بآنجا برسند . نکته‌ای که مخصوصاً بایدمتوجه آن بود برداشتن موانع بسیارست که درین راهها بود و گذشته ازساختمان پلهای بسیاربزرگ برروی رودها مانند پل اهواز برکارون وپل سفید رود برسرراه‌رشت بلاهیجان نیز کوهها و کتلهای بسیار در سرراه بوده است کـه تنها همت مرد بزرگی می‌بایست آنهارا ازمیان بردارد مانند گردنهٔ معروف قافلانکوه برسرراه آذربایجان و کوههای بسیار سخت متعدد در لرستان برسر راه خوزستان وموانع بسیار در سرراه شیراز ببوشهر. هرکس که سفری از تهران بچالوس کرده باشد و یانقشهٔ این قسمت ازایران را ببیند و عدهٔ پلها و تونلهایی را که برای ساختن این راه لازم بوده است بنگرد می‌داند که چه کوشش‌هایی درین زمینه کرده‌اند. البته موضوع راه آهن ایران بحث جداگانه دارد که پس‌ازین در مبحث خاص بمیان خواهدآمد .

دیگرازپیشرفت‌های مهم درین دوره پیشرفت وسایل نقلیه بوده است وشکی نیست که ایران درین دوره ترقیات عظیمی کرده است . تاپایان دورهٔ قاجارها وسایل‌نقلیه درایران منحصربهمان وسایل بدوی قرنهای گذشته بود وبجزیکی دو راه که در آنهاکالسکه و دلیجان با کمال دشواری راه میپیمود وباکمال کندی پیش می‌رفت در راههای دیگرجزشترواسب والاغ و قاطرچیزی برای راه‌پیمایی

نبود . درراه‌هایی هم که کالسکه و دلیجان کار میکرد باندازه‌ای راه بد بود که بکالسکه‌ای که چهارتن در آن مینشستند چهار اسب می‌بستند و آن اسبها در یك منزل راه باندازه‌ای خسته می‌شدند که می‌بایست آنها را رها کنند واسبهای تازه نفس بجای آنها ببندند و کالسکه‌چی ومسافر نیز چنان کوفته‌شده بودند که‌میبایست چند ساعت راحت کنند واگر شب فرارسیده بود شب‌رادر آن منزل ودر راهدارخانه بمانند. درآن زمان مسافت از تهران تا بندرپهلوی‌را مسافران اروپا چهارپنج‌روزه طی میکردند وبرای بردن پست جز گاری وسیلهٔ دیگری درمیان نبود. درپایان دورهٔ پهلوی بیش‌ازسی‌هزاراتومبیل بارکش وسواری در راههای ایران از شمال بجنوب وازشرق بغرب راه می‌پیمود و درازترین راه‌های کشور باین‌پهناوری بیش‌از سه‌روز وقت نمی گرفت . حتی در میان بسیاری از قصبه‌ها و ده‌های کشور درین مدت راههای فرعی ساخته‌اند چنانکه بده‌ها نیزمی‌توانستند بااتومبیل بروند و روی همرفته دربن‌زمینه ترقی فوق‌العاده‌ای پیش‌آمده ودرین دوره زندگی‌ایران ازین حیث دگرگون شده و این‌کارها تا این اندازه در آبادانی کشور موثر بوده است .

دیگراز کارهای‌مهمی که درزمینهٔ وسایل ارتباط کرده‌اند ساختمان‌بندرهای جدید واصلاح بندرهای سابقست که پیداست‌تاچه‌اندازه این‌کار دربازرگانی‌ایران اهمیت دارد . درین دوره کوشش فراوان درین زمینه کرده ومبالغ خطیری درین راه خرج کرده‌اند . درخلیج فارس بندرشاهپور بااصول علمی جدید ساخته شد و ازهرحیث برای پناه دادن کشتی‌های بزرگ اوقیانوس‌پیما آماده گشت . درشمال بندرهای چند در کرانهٔ دریای خزر ساخته شد که مهم‌ترین آنها بندرشاه و بندر نوشهرست ونیز دربندرهای دیگر ایران که محتاج باصلاحات اساسی بوده‌اند کارهای مهم کرده‌اند ازآنجمله دربندرپهلوی وبندرخرمشهر بوده است .

دیگر ازوسایل ارتباط که درین دوره توسعه یافته پست وتلگراف وتلفن در سراسر کشور بوده است . نه تنها کارهای پست اصلاح اساسی بخود دید ووسایل کاررا تکمیل کردند ونظم و ترتیب خاصی در آن دادند بلکه دفترهای پستی وتلگرافی متعدد درین دوره در جاهایی که سابقه نداشت دایر شد وچند خط تلگرافی تازه نیز بکار افتاد ، چنانکه در پایان دورهٔ قاجارها تنها ۲۱۸ دفتر پست وتلگراف درین کشور بدین وسعت دایر بود ودر پایان سال ۱۳۱۶ این شماره به ۴۷۵ رسید یعنی در مدت ۱۶ سال بیش از دو برابر شد . کارمهم دیگر این بوده است که وسایل رساندن پست را بتوسط وسایط نقلیهٔ سریع السیر کاملا تامین کردند .

نکته‌ای که درین مورد باید توجه خاصی بدان کرد اینست که امنیت کشور در پیشرفت کار بسیار موثر بوده است . زیرا که در دوره‌های گذشته بارها اتفاق افتاده است که محمولات پستی رادر راه راهزنان وغارتگران ربوده وتاراج کرده‌اند وناچار بمقصد نرسیده است ونیز سیمهای تلگراف را سر کشان و تاراجگران پاره میکردند ومدتهای مدید روابط پستی وتلگرافی ناحیه‌ای باناحیهٔ دیگر وحتی با پای تخت قطع می‌شد وبسیار اتفاق افتاد که ادارات تلگراف بعنوان آنکه سیم پاره شده وتلگراف دایر نیست ازپذیرفتن تلگرافها خودداری کردند. پیشرفت دیگری که درین زمینه فراهم شده اینست کـه در دورهٔ قاجارها برخی از خطوط عمدهٔ تلگراف ایران متعلق بشرکت انگلیسی تلگراف هندواروپا بودوبدست بیگانگان اداره می‌شد ورابطهٔ ایران با اروپا بدست همان شرکت بود . پیداست که این وضع منافی با حیثیت کشور بود و مضار گوناگون داشت و آن رشته سیمها درین دوره بدولت ایران تعلق گرفت وديگردست بیگانه در کارتلگراف ایران دخالت نکرد.
درهمان دوره بیگانگان درضمن انقلابات وتجاوزات بخاك ایران دربرخی نواحی جنوب ایران پستی ازخود دایر کرده ومحمولات پستی را می‌پذیرفتند واین وضع

نیز درین دوره بپایان رسید .

دیگر از اصلاحات اساسی درین دوره اصلاح تلفن را باید درنظر داشت . در دورهٔ قاجارها در بسیاری از شهرها و نواحی ایران تلفن نبود و درهر جا که بود بهیچ وجه ترقی نکرده بود و بهمان اصول قدیم باقی مانده بود واحتیاج مردم را برنمی آورد. تلفن همهٔ شهرها را باشخاص امتیازداده بودندوایشان تنهارعایت نفع خود را میکردند ورفاه و آسایش مردم درنظر نبود . درین دوره درنتیجهٔ اقدامهای گوناگون دولت اصلاح اساسی درتلفن‌های شهرهاونواحی مختلف بعمل آمدوازین حیث نیز پیشرفتی فراهم شد و رشته‌های جدید درمیان نواحی متعدد مملکت دایر گشت . تلفن تهران که بهمان اصول سابق باقی مانده‌بود خودکار شدو وسایلی فراهم آمد که تلفن برخی ازشهرهای دیگرراهم خودکار بکنند.

دیگرازکارهای مهم در زمینهٔ وسایل ارتباط ایجاد پست هوایی بوده استکه جدیدترین وسیلهٔ این کاربشمارمی آید وهنگامی که ایران بدین کار آغاز کرد هنوز بسیاری از کشورها پست هوایی نداشتند . نخست اجازه‌ای بشرکت هواپیمایی آلمانی یونکرس برای تاسیس پست‌هوایی‌درمیان‌شهرهای‌مهم ایران‌ومیان‌ایران و اروپا داده شد وچندی‌هم دایربود اما چون شرکت مزبورازین‌کارمنصرف شدپست هوایی داخلهٔ کشورتعطیل‌شد وسپس اجازهٔ دیگری بشرکت لوفت‌هانزا که شرکت هواپیمایی آلمانی دیگری بود برای دایر کردن پست هوایی در میان ایران و اروپا وایران وافغانستان داده شد که محمولات پستی ومسافرببرد وسپس دولت‌در صدد برآمد خطوط هواپیمایی غیرنظامی چند در ایران دایر کند و روابط هوایی را درمیان نواحی مختلف کشور برقرارسازد.

دیگر از وسایل ارتباط بسیارمهم که درآغاز این دوره برقرار شد تلگراف بی‌سیم بود که‌آن نیز اثر مهمی درآبادانی وعمران و امنیت کشور و ایجاد تمدن

جدید و بیدار کردن مردم وفراهم آوردن وسایل آسایش داشت . مرکز مهمی برای
تلگراف بی‌سیم با بهترین وسایل جدید در بیرون شهر تهران دایر شد و رابطهٔ
تلگراف بی‌سیم ایران باهمه کشورهای جهان فراهم آمد وهمهٔ مردم کشور توانستند
از آن بهره‌مند گردند و این وسیله مخصوصا در بازرگانی امروز که نیازمند
بسریع‌ترین وسایل مخابره است اهمیت بسیار دارد وازوسایل عمدهٔ دول جدید و
کشورهای متمدن بشمارمی‌رود ونمی‌توان منکرفواید گوناگون آن شد.

دیگرازوسایل ارتباط که دولت درصدد تهیهٔ آن برآمد کشتی‌رانی تجارتی
بود که درایران پیش ازآن بهیچ وجه دراندیشهٔ آن نبوده‌اند وتنها برخی ازاتباع
ایران کشتی‌های کوچکی که بیشتر آنها فرسوده ومندرس بود در رودهای جنوب
وبرخی ازنواحی خلیج فارس ازقدیم دایر کرده بودند که مدتهای مدید هیچ اصلاح
وترقی درآنها وارد نشده بود و بهیچ وجه کفاف نیازمندیهای کشور را نمی‌داد .
بهمین جهت تمام حمل ونقل دریایی ایران را کشتی‌های شرکت‌های بیگانه بعهده
داشتند وقطعا لازم بود روزی وسایل دریایی متعلق بایران پیدا شود و این حاجت
عمومی و مهم کشور را تامین کند . بهمین جهت دولت درصدد شد درین کار مقدم
باشد وسرمشق عملی بدیگران بدهد وپس ازآنکه نیروی دریایی جنوب آماده‌شد
بدین وسیله امنیت دریاهای جنوب فراهم آمد و وسایل مهم برای جلوگیری از
قاچاق دریایی در خلیج فارس و رودهای جنوب ایران مهیا گشت و ازین حیث
دیگر هیچ نگرانی نماند وموقع آن رسیده بود که کشتی‌رانی بازرگانی دردریاها
و رودهای جنوب ایران برقرار شود ودولت بخرید سه کشتی پنج هزار تنی اقدام
کرد و چیزی نمانده بود این کار مهم بپایان برسد که جنگ جهانی دوم مانع از
انجام آن شد .

دیگر از وسایل ارتباط که درین دوره فراهم شد وسایل انتشار اخبار و

مطالب بوسیلهٔ رادیو بود که مراد از آن رادیودیفوزیون باشد. جزو برنامهٔعملیات مهمی که برای سازمان پرورش افکار درنظر گرفته شده بود توجه خاصی بآن کار کردند. کمیسیون مخصوصی بنام کمیسیون رادیو با کمال جد وجهد مشغول بکارشد ونقشهٔ عملیات بسیار وسیعی برای این کار کشید که قسمت عمدهٔ آن از شهریور ماه ۱۳۱۸عملی شد. بدین وسیله یك مرکز نیرومند انتشار اخبار ومطالب در تهران دایرشد که سه‌دستگاه فرستندهٔ موجهای متوسط وبلند و کوتاه داشت وانتشارات آن در همهٔ کشور و سراسر کشورهای بیگانه شنیده‌شد و درنظر گرفتند دردوازده شهر ایران دوازده فرستندهٔموج متوسط باشد که همان مطالب را ازمرکزتهران بگیرند ودرآن ناحیه منتشر کنند. درضمن ترتیب کارچنان داده شد که گیرنده‌های بسیار ارزان همیشه در دسترس مردم باشد و با کمترین خرجی بتوانند مطالب و اخبار را بشنوند چنانکه تا ۲۵ کیلومتر در اطراف دستگاه‌های فرستندهٔ موج متوسط ممکن بود باگیرنده‌های کوچکی که قابل حمل و نقل بود مطالب و اخبار را گرفت و در ضمن دولت تسهیلات بسیاری فراهم کرد که مردم بتوانند باقساط دستگاه‌های گیرنده را بخرند و همواره لوازم یدکی آن موجود باشد و نیز تمام وسایل تعمیردستگاهها را درمراکز عمدهٔ کشور آماده کنند ونیزدرمجامع عمومی ومؤسسات وبنگاه‌های علمی که درمطالب عمده ومسایل علمی وغیره بحث میکنند وسایلی آماده شد که‌همهٔ مردم کشوردرهرجا باشند وحتی درخارج ازایران بتوانند آن گفتگوها ومباحث و مطالب را بشنوند وحتی درسهای عمده وخطابه‌های جالب راکه ایراد میکنند درهمه جا بگیرند.

درضمن وسایلی فراهم شد که هرروزتمام اخبار و مطالبی که برای عموم مردم سودمندست‌رادیو بمردم بدهدو گذشته ازآن درهرروزدرمدتی که مردم‌را خسته نکنند مثلا در ظرف یك ربع ساعت اطلاعات و مطالبی که برای مردم لازم باشد

مانند اطلاعاتی در کشاورزی و بهداشت و تاریخ و جغرافیا و ورزش وجز آن باین وسایل داده شود ، حتی از دادن دستورهایی و راهنمایی‌هایی که برای زندگانی روزانهٔ طبقات مختلف مردم کشوراززن‌ومردوخرد و بزرگ ضرورت‌دارد خودداری نکنند . بدین وسیله حوایج روزانهٔ همهٔ طبقات مردم ازحیث اطلاعات ومعلومات وراهنمایی‌ها و اخبار و غیره تامین شد والبته این کار نتیجهٔ بسیار مهمی بخشید و مخصوصاً درجنگ جهانی دوم ومراحل مختلف آن وحوادث بسیار ناگوارشهریور ماه ۱۳۲۰ بهترین وسیلهٔارشاد مردم وآرام کردن احساسات اهالی کشوروجلوگیری از آشفتگی‌ها بود ، زیرا هر روز مطالب و اخباری که برای تسلیت مردم وباطل کردن اخبار نادرست لازم بود درآن واحد بوسیلهٔ هرسه‌دستگاه فرستنده کـه در تهران کارمیکرد بمردم داده شد.

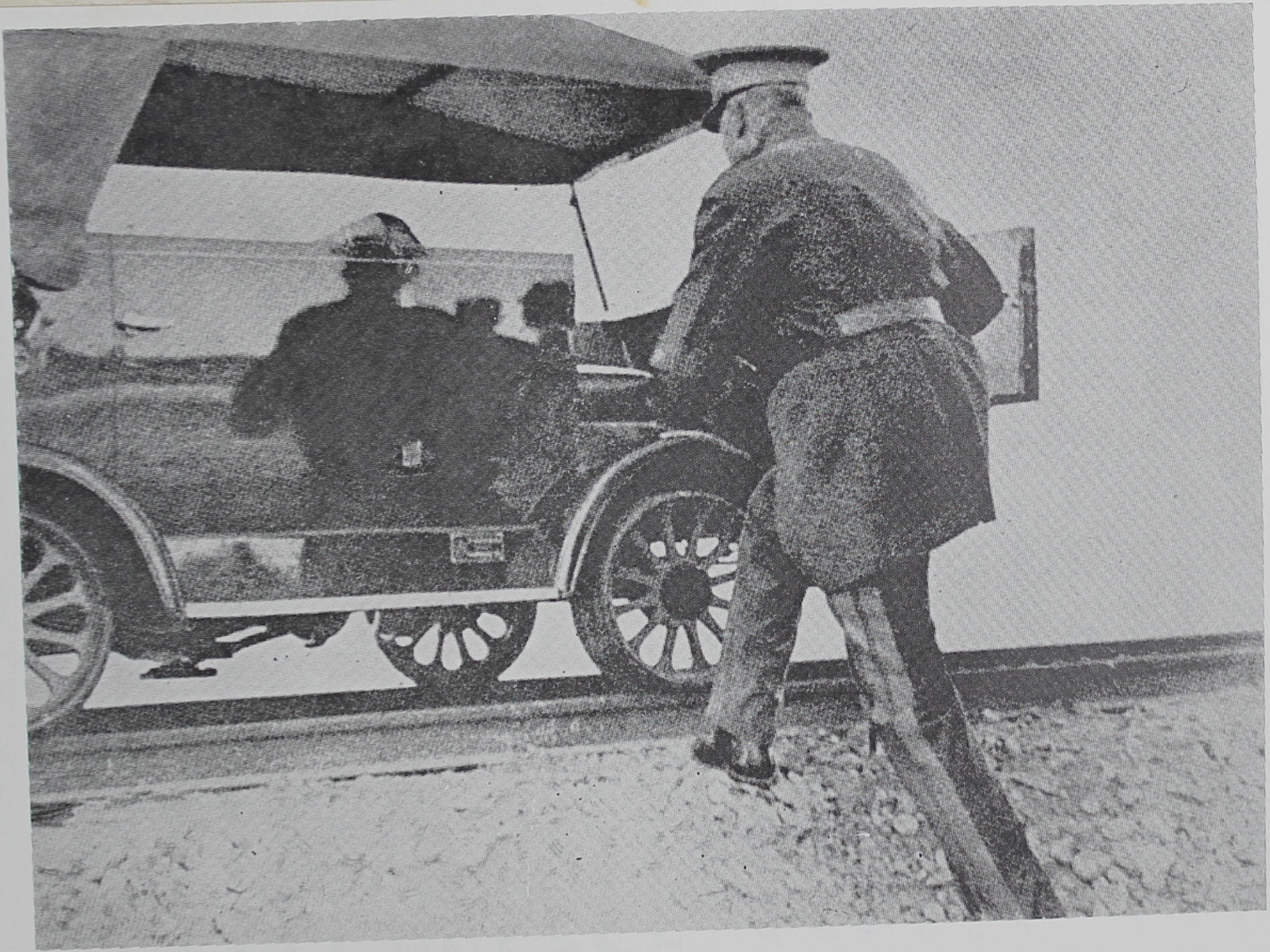
دستگاه موج متوسط تهران با امواج ۳۳۵متر کارمیکرد ودو کیلووات قوه داشت . دستگاه موج کوتاه با امواج ۴۸ متر و۶۴متر کارمیکرد وآن نیزدو کیلو وات قوه داشت . یك دستگاه موج کوتاه دیگر با امواج ۱۹مترو۳۰مترو۴۸ مترو بیست کیلووات قوه‌نیزپس ازآن کار گذاشته‌شد وهریك ازدستگاه‌های موج متوسط کـه در شهرهای دیگر بنا بود بکار بیندازند می‌بایست صدوات قوه داشته باشد. پیداست که این اساس درزندگی جدید چه اثر مهمی داشته وبرای تربیت فکری جامعه و تولید و تشیید روح ملیت و مخصوصاً دادن اطلاعات ومعلوماتی که مردم بدان نیازمند بودند تاچه اندازه موثربوده است .

راه آهن ایران

تردیدی نیست که داشتن راه آهن جزو آرزوهای مردم ایران درسالیان دراز بوده است. اما انجام آن همواره بمشکلات سیاسی واقتصادی واداری وفنی گوناگون برمی‌خورده است و بهمین جهت منتهی بعمل نمی‌شده است. بزرگترین مانع راه آهن درایران این بود که هندوستان مستعمرهٔ انگلستان بود و همهٔ کشورهای بزرگ ازآن جمله روسیه تساری چشم طمع بدان دوخته بودند و روسها تدریجاً بمرزهای هندوستان نزدیك می‌شدند وانگلستان نخست چاره‌ای که دربرابر ایشان اندیشید این بود که افغانستان مستقلی کـه دست نشاندهٔ آن دولت باشد در میان متصرفات روسیه وانگلستان حایل باشد. پس ازآنکه راه آهن درجهان توسعه یافت وایرانیان هم باهمیت آن پی بردند دولت انگلستان همیشه کـوشید راه آهنی درایران نباشد که روسها را زودتر بمرزهای غربی هندوستان از راه ایران برساند وبهمین جهت راه آهن ایران موضوع سیاسی بسیارپیچیده‌ای شده بود که قاجارها هرگز نتوانستند آنرا حل کنند. این موضوع تنها در دورهٔ پهلوی حل شد ویکی از عظیم‌تریـن کارهایی بود که ممکنست ملتی درتاریخ خود کرده باشد. ساختمان راه آهن سراسری ایـران وخطوط فـرعی آن نـه تنهادر زندگی داخلی ایـران و دراوضاع کشور اهمیت داشت بلکه ازوقـایع مهم بشمار رفت وحتی دراقتصاد عمومی جهـان نیز مـوثـرشد، چنانکه در جنگ دوم جهانی کـه انگلستان و امـریکا در صدد



شاهنشاه ایران درمیان دانشجویان ایرانی که درسال ۱۳۰۹ برای ادامه تحصیلات عالیه عازم اروپا بودند



شاهنشاه رضاشاه پهلوی در یکی از مراسم سر کشی باموور راه آهن

برآمدند آلمان هیتلری را از پا درآورند وهرچه بیشتر اسلحه بشوروی برسانند یگانه وسیله‌ای کــه درجهان یافتند و این کار بسیار مهم را با آن تامین کردند همین راه‌آهن سراسری‌ایران‌بود و بهمین جهت ایران را « پل پیروزی» نام‌دادند.

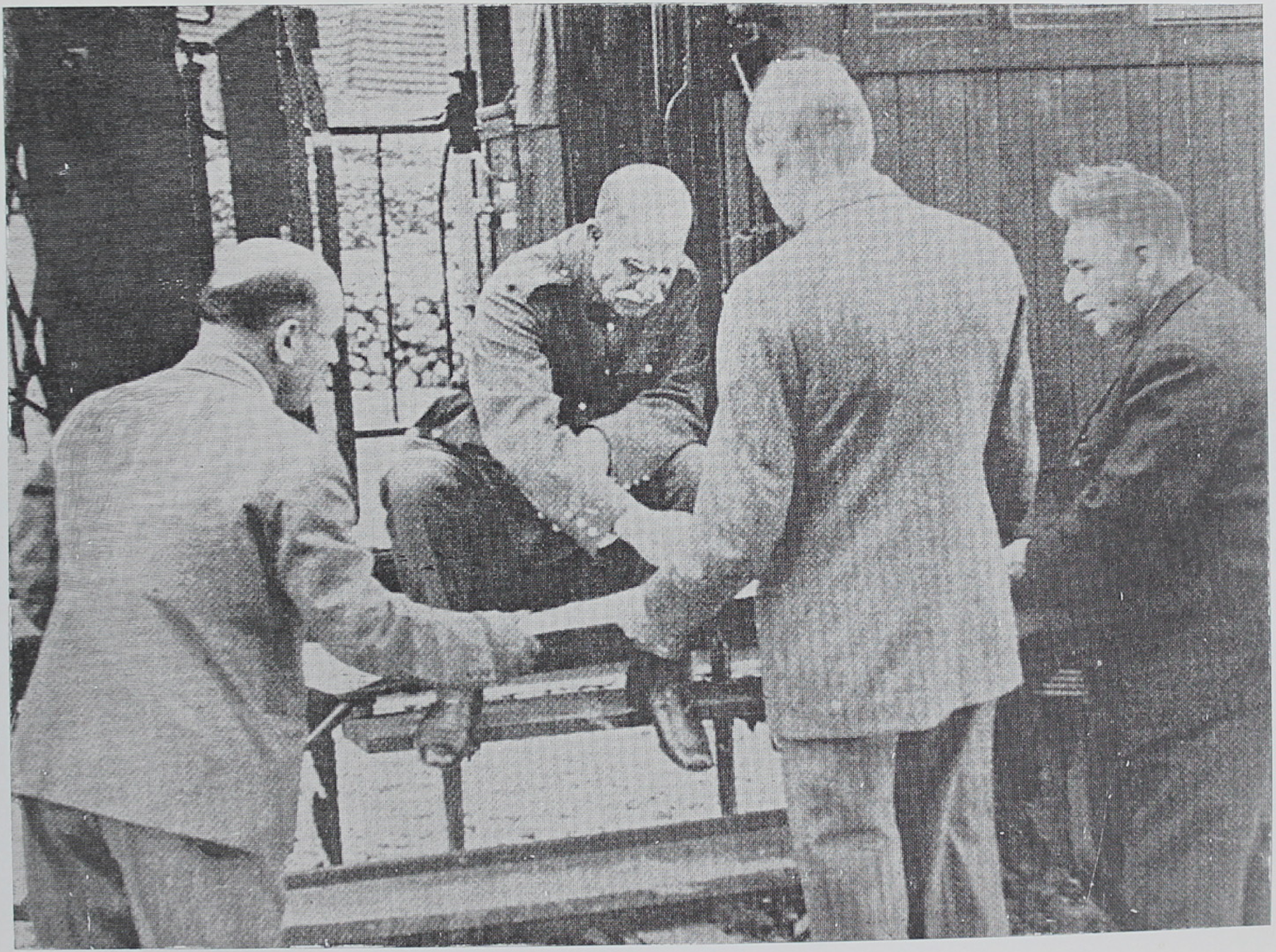
گذشته از جنبهٔ جهانی اگرجنبهٔ ملی راه‌آهن ایران را در نظر بگیریـم می‌بینیم که دراصلاح اوضاع اجتماعی واقتصادی وبسط نفوذ دولت دراقطار کشور وحفظ امنیت وپاسبانی‌ازحیثیت‌وآبروی‌دولت وتامین رفاه وآسایش مردم‌واستقرار تمدن جدید و توسعهٔ‌آن در کشور یگانه راه اساسی راه‌آهن بود و یگانه‌وسیله‌ای بود که ایران را درشمار کشورهای متمدن جهان درآورد ، بهمین جهت همواره آوزوی نیك‌اندیشان وصلاح‌بینان ایرانی این بوده است که راه‌آهن سراسری در کشورشان برقرارشود .

در مدت نزدیك‌بصد سال‌پیش‌ازدورهٔ‌پهلوی که‌از ساختمان راه‌آهن‌واختراع آن درجهان متمدن می گذشت بسیاری از کسانی کــه درآبادی واصلاح اوضاع ایران چاره‌اندیشی کرده بودندراه‌آهن را موثرترین‌وسیله دانسته وهمواره آرزوی آنرا کرده بودند وحتی درمدت هفتاد وسه‌سال تمام پیشنهادهای مختلف دراین‌باره شده بود و امتیازات گوناگون باتباع کشورهای مختلف داده بودند وباز این کار عملی نشده بود وهمان موانع سیاسی وناهموارمانع ازانجام این‌کار مهم‌گشته بود وچنانکه اشاره رفت مهم‌ترازهمه رقابت‌های کشورهای بیگانه درامورداخلی‌ایران بود . دربن میان تنها هفت خط فرعی بسیار کوچك از راه‌آهن در ایران ساخته شده بود : یکی‌راه‌آهن تهران بشاه عبدالعظیم که درسال ۱۳۰۵ قمری‌یك‌شرکت مختلط بلژیکی وروسی که دومیلیون فرانك سرمایه داشت آنرا ساخت . دیگـر راه‌آهن محمودآباد بآمل در۱۸ کیلومتر که مقارن همان زمان حاج محمدحسن امین‌الضرب بازرگان تهران ساخت . سوم راه‌آهن جلفا بتبریز و ازآنجا بشرف

خانه در کناردریاچهٔ رضاییه (ارومیه) بود که در ۲۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۳۱ بانك استقراضی روسی که‌امتیازآنرا داشت‌ساخت. چهارم راه‌آهنی بود که برای مقاصد نظامی ورساندن نیروازقفقاز بآذربایجان در برابرسپاهیان عثمانی درجنگ جهانی اول سپاهیان روسیهٔ تساری ازساحل رودارس تاماکوواز‌آنجاتامرزترکیه ساختند ودرحدود صد کیلومترآن ازخاك ایران میگذشت. پنجم راه آهن زاهدان بود که برای رسیدن سپاهیان هندی بکرمان وفارس از هند وارد خـاك ایران می‌شد و آنرا هم درجنگ جهانی اول ساخته‌بودند. ششم‌راه‌آهنی‌بود که درسال۱۳۳۷قمری بطول ۵۰ کیلومتراز بوشهرتا برازجان نظامیان انگلیسی برای لشکرکشی‌ساخته بودند و برچیدند . هفتم راه آهن باریکی بود که خشتاریا ازاتباع روسیهٔ تساری امتیازآنرا گرفته بود وازرشت بپیله بازارمیرفت .

بدین گونه درسراسراین مدت تنهانزدیك پانصد کیلومترراه‌آهن‌درین هفت خط ساخته شده بود که بهیچ وجه کفاف ایران ومنافع حیاتی‌آنرا‌نمی‌داد و هیچ خطی باخط دیگررابطـه نداشت و از حیث مصـالح واصول مهندسی و لوازم فنی و عرض خط بایك دیگرسازگار نبودند . جزآن هرنقشه ای که درطرح راه‌آهن سراسری ایران کشیده بودند عقیم مانده بود و بهیچ نتیجهٔ اساسی نرسیده بود و بسیاری ازامتیازات که درین زمینه داده بودند روی کاغذ مانده بود و حتی گاهی که موضوع راه آهن ایران بعمل نزدیك می‌شد فوراً دشواریهای بسیارروی میداد وکاربی نتیجه میماند .

بهمین جهت در دورهٔ پهلوی همین کـه بنیاد استقـلال ایران استوار شد و دولت ایران درکار خود پابرجا و مستقل گشت و دست بیگانگان کوتاه شد فورا ساختمان راه‌آهن بزرگی که شمال بجنوب کشوررا بهم پیوسته کند درراس‌کارهای اساسی و مهم قرار گرفت . در نتیجـه در تاریخ نهم خرداد ماه ۱۳۰۴ قـانونی



شاهنشاه ایران دربارهٔ یکی از نقشه‌های راه‌آهن توضیح میخواهد

گذشت که ازهر سه کیلو گرم قند و شکروچای که بایران وارد میشود یادر کشور فراهم میکنند دو ریـال عوارض برای ساختمـان راه‌آهن بگیرند و بدین وسیله هزینهٔ ساختمان راه‌آهن سراسری ایران فراهم شد . سپس در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۴ قانون نقشه برداری وساختمان راه‌آهن‌ازمجلس گذشت وبرای انجام این مقصود یك عده مهندس امریکایی بایران دعـوت کردند واداره راه‌آهن تـاسیس شد . در ۲۳ مهرماه ۱۳۰۶شاهنشاه ایران نخستین کلنگ ساختمان راه‌آهن را درمحلی که میبایست ایستگاه تهران درآنجا ساخته شود بدست خود زد واز آن روز ساختمان راه‌آهن ایران وارد مرحلهٔ عمل شد . درمدت نزدیك بیك سال وهفت ماه که‌نقشه برداری و عملیات مهندسی راه آهن ایران طول کشید شش دسته مهندس و کار گر فنی درشمال و جنوب کشورمشغول کارشدند واین کارها نخست بتوسط ۲۶۷ کار گر آغازشد وسپس شمارهٔ آنها تدریجاً به ۱۹۶۷ رسید .

درین مدت این عملیات صورت گرفت :

۱) بازدیدهای‌فنی درمسافت ۲۳٤٥ کیلومترمسیر راه‌آهن .

۲) نقشه برداری مقدماتی درطول ۱٥۱۳ کیلومتر.

۳) نقشه برداری قطعی درطول۳٥٦ کیلومتردرشمال وجنوب .

٤)مطالعات درآبهای‌ساحلی شمال وجنوب‌وتهیهٔ نقشه های زمینی.

٥) تسطیح وخاك ریزی کامل ۱٥۸ کیلومتردرشمال وجنوب.

٦) نقشه برداری وانجام برخی کارهای‌مقدماتی درایستگاه تهران.

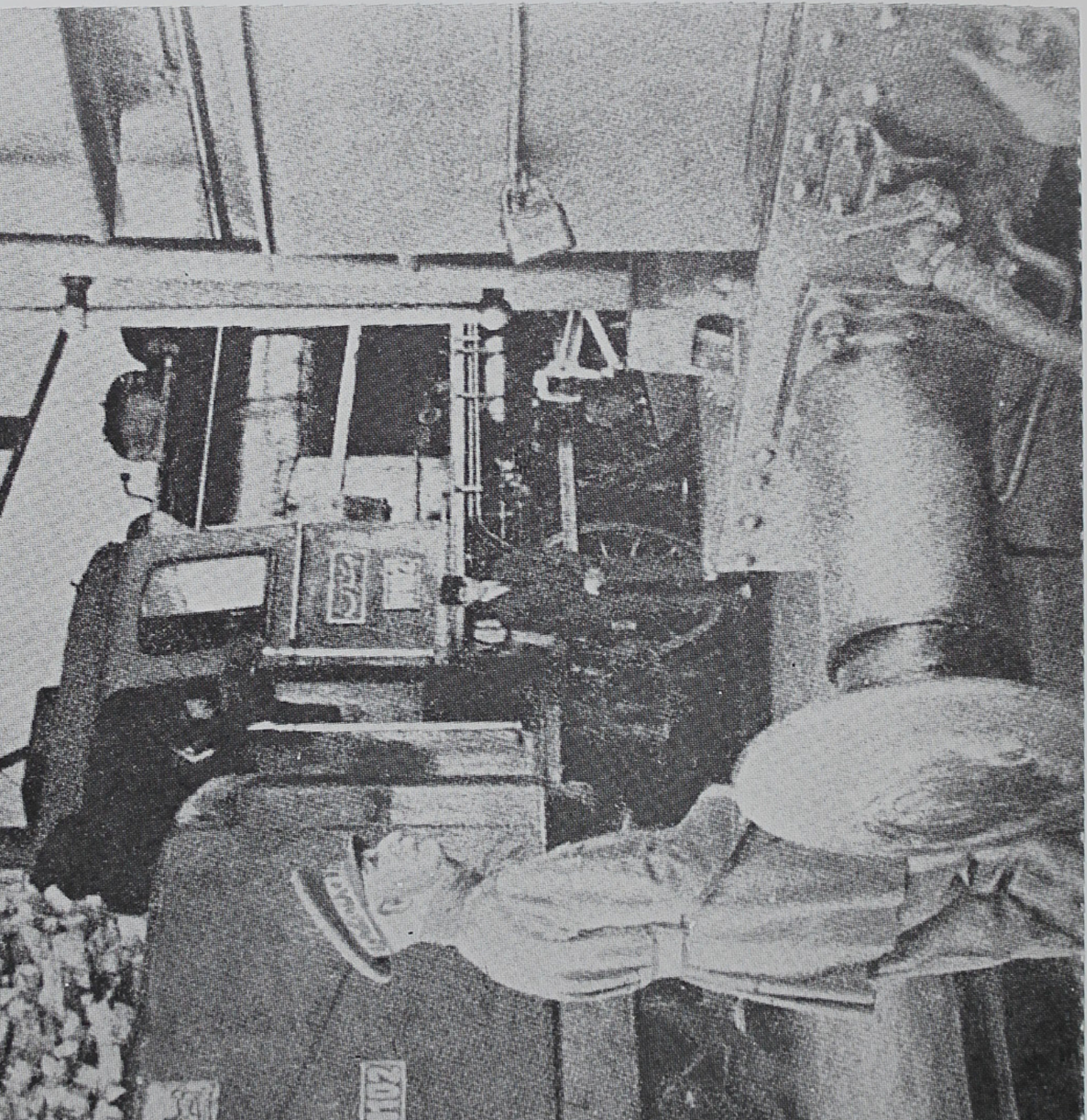
پس ازین کارها در ۱۷ تیرماه ۱۳۰۷ سندیکای راه‌آهن ایران مرکب ازسه شرکت آلمانی و یك شرکت امریکایی تشکیل شد تا عملیـات ساختمان راه آهن را دنبال کنند ونیز ۱٥۰ کیلومترراهی راکه ادارهٔ راه‌آهن‌سابق درشمال و جنوب ساخته بود تکمیل کنند و اسلکه های بندرشاه و بندر شاهپور و سد و پل اهواز را

بسازند و برای هریك کیلومتر راه ۳۶۸۰ ریال اجرت بگیرند و صدی ده برای عملیات ساختمانی ومخارج اداری وحق الزحمه دریافت کنند .

این سندیکا ۱۲۷ کیلومتر درشمال و ۲۵۰ کیلومتر درجنوب خاکریزی و شن ریزی و ریل گذاری کرد و این کار را تا مهرماه ۱۳۱۰ بپایان رساند وچون کارهای آن رضایت بخش نبود درین تاریخ منحل شد . از آن پس دولت ساختمان راه آهن را خود بدست گرفت و بتوسط مهندسان سوئدی در شمال و امریکایی در جنوب کار را دنبال کرد . سوئدیها در مدت دو سال قسمتی از خط شاهی تا کیلومتر ۲۸۵ را تسطیح کردند ودرجنوب هم امریکاییان کارهای نا تمام سندیکای سابق را بپایان رساندند .

سپس در اول خرداد ماه ۱۳۱۲ ساختمان راه آهن ایران بکنسرسیوم کامپساکس که شرکت دانمارکی بود واگذارشد تا بعنوان مشاورفنی ونمایندهٔ وزارت راه تشکیلاتی برای این کار بدهدو تقریباً هزار کیلومتر راه را بسازد وتا اوایل سال ۱۳۱۸ تحویل بدهد یعنی پس ازمدت شش سال بدین گونه که در چهار سال اول خط شمال را بپایان برساند وپس ازشش سال در ۱۳۱۸ خط جنوب را تمام کند . قرارشد از بابت کار مزد وحق السعی متری پنج دلارطلایاهر کیلومتری پنج هزار دلار بکامپساکس پرداخته شود وهزینه‌های دیگر بعهدهٔ دولت باشد. کامپساکس سراسر خط راکه ناتمام مانده بود به ٤۳ قطعه (۲۳ قطعه در شمال و ۲۰ قطعه در جنوب) تقسیم کرد وهر قطعه ای راپی درپی بمناقصه گذاشت .

در سالهای ۱۳۱٤ و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ که منتهای شدت عمل بود در هر روز بیش از شصت هزارتن در ساختمان راه آهن کار میکردند . درین مدت بیش از چهل شرکت اروپایی وایرانی درساختمان آن شرکت کرده اند وکارها رابمناقصه انجام داده اند . سرانجام درنتیجهٔ این عملیات راه آهن سراسری ایران بپایان



شاهنشاه ایران وسائل جدید راه آهن را بررسی میکنند

رسید . عرض این راه ۱۴۳۵ میلی متر ومطابق عرض همهٔ راه آهن های جهانست .
شیب های عمدهٔ آن بدین قرارست :

درمیان بندرشاه وشاهی ۷۷ درهزار.

درمیان شاهی وپل سفید ۱۵ درهزار.

درمیان پل سفیدوفیروز کوه ۲۸ درهزار.

درمیان فیروز کوه وبن کوه ۱۸ ونیم درهزار.

درمیان بن کوه وتهران ۱۵ درهزار.

درمیان تهران واندیمشك ۱۵ درهزار.

درمیان اندیمشك وبندرشاهپور ۵ درهزار .

درین راه بیست وهشت میلیون مترمکعب خاك ریزی وخاك برداری کرده اند.
طبقهٔ شنی که برروی زمین ریخته اند بعرض ۳ متر و ۲۰ سانتی متر وحداکثر بقطر ۴۰ سانتی متر بوده است. طول خط از بندرشاه تا بندرشاهپور ۱۳۹۴ کیلومترست که نزدیك ۹۸۰ کیلومتر آنرا تراورس چوبی گذاشته اندودر ۴۱۴ کیلومتر آن تراورس فلزی بکار برده اند . ازین ۱۳۹۴ کیلومتر ۸۵۲ کیلومتررا از طرف شمال و ۵۴۲ کیلومتررا ازطرف جنوب ریل گذاری کرده اند. در هر کیلومتر از ۱۲۸۰ تا ۱۴۴۰ تراورس فلزی واز ۱۳۶۰ تا ۱۵۲۰ تراورس چوبی بکاربرده اند . قطار های باربری باسرعت ۵۰ کیلومتر وقطارهای مسافری باسرعت صد کیلومتردر سرعت میتوانند درین راه سیر کنند .

درطول این راه ۱۲۴ تونل ساخته شده که ۹۳ تونل آن ازشاهی تاتهران و ۱۳۱ تونل آن از اندیمشك تاتهرانست . مجموع این تونلها ۸۳،۶۶۶ متررافرا می گیرد که ۲۳،۵۹۹ متر آن در شمال و ۶۰،۰۶۷ متر آن جنوبست و طول تونلهای آن معادل شش درصد تمام خطست . برای ایجاد این تونلها سه میلیون

و سیصد هزار متر مکعب خاك برداری شده و یك میلیون متر مکعب عملیات ساختمانی وبنایی لازم شده است و نیز ۳۳۴ تن باروت کوه کنی و ۲۸۰۰ تن دینامیت و ۱۷۰،۰۰۰ تن بتون بکار برده اند. درازترین تونل در شمال تونل گدوکست که ۲ کیلومتر و ۸۸۰ متر طول دارد و طویل ترین تونلهای راه آهن ایرانست. درازترین تونل در جنوب تونل تنگ چهار آبدیزست که دو کیلومتر و ۵۲۶ متر طول دارد. از تونلهای شمال چهار تونل هست که هریك بیش از یك کیلومتر طول دارند و نه تونل که هریك بیش از نیم کیلومتر طول دارند. از تونلهای جنوب چهار تونل هریك بیش از دو کیلو متر و ۱۷ تونل هریك بیش از یك کیلومتر و ۱۶ تونل هریك بیش از نیم کیلومتر طول دارند.

درطول این خط ۴۱۹۰ پل بزرگ و کوچك و آبرو طاقدار و لولهٔ فلزی و گذرگاه ساخته شده است و از آن جمله ۳۶۰ پل بزرگ و کوچکست که با مصالح بنایی و فلز ساخته اند و مهم ترین آنها پل اورین و پل ورسك و پل ایستگاه تهران در شمال و پل رود شور و آبدیز و پل کارون در جنوبست که هریك از آنها را شاهکارهای فنی مهندسی و ساختمان دانسته اند. روی همرفته ساختمانهایی که برای عبور راه آهن از شمال بجنوب شده در خط شمال ۱۹۳۳ دستگاه بطول ۶۸۴۲ متر و در خط جنوب ۲۸۳۹ دستگاه بطول ۱۸۵۳ و روی همرفته ۴۷۷۲ دستگاه بطول ۸۶۹۵ مترست.

درطول خط ۹۰ ایستگاه ساخته شده که ۳۱ ایستگاه آن در شمال تا تهران و ۵۹ ایستگاه آن در جنوب از تهران تا انتهای خطست و معادل ۳۴ هزار متر مربع زمین زیر بناهای اصلی وفرعی این ساختمانها قرار دارد. پس از اتمام ساختمان راه آهن که قطارهای مسافری و باری شروع برفت و آمد کردند مقداری لوازم برای بهره برداری راه آهن فراهم شد که در آغاز شامل ۱۳۲ لکوموتیو و ۲۲۹۷



شاهنشاه ایران بدست خود راه آهن سراسری را بهم متصل میکند

واگون بوده است . ارزش راه آهن ایران ببهایی که در ۱۳۲۶ تخمین زده اند از حیث زمین و ساختمانها و وسایط نقلیه وخطو همهٔ وسایل ارتباطی وبهره برداری معادل با ۷۵۲۵ میلیون ریال بوده است .

گذشته از کارهایی که برای ساختمان راه کرده اند یك عده کارخانهای تعمیرات نیزدرایستگاه های مختلف برای تعمیرلکوموتیووواگونها و لوازم دیگر فراهم شده است که نخست شامل شش کارخانهٔ تعمیرات در تهران و بندرشاه واهواز و اندیمشك وپل سفید و قم بوده و پس از آن دوکارخانهٔ دیگر در اراك و دورود دایر کرده اند . کارخانهٔ تهران که از همه کامل ترست شامل قسمت های مختلف مانند ماشین خانه ونجارخانه و کارخانهٔ ریخته گری و تعمیرات واگون وتعمیرات دیگ بخار وغیره است و دستگاه بسیار بزرگیست که ازهرحیث بامؤسسات مهم کشورهای دیگر برابری میکند و همهٔ تعمیراتی را که ممکنستدرراه آهن ایران لازم بشود انجام خواهد داد . ازآن جمله دو دستگاه جرثقیل الکتریك دارد که هریك ازآنها دارای چهل تن نیروست ومی‌تواند دیگهای لکوموتیورا حمل ونقل کند .

گذشته از آن درایستگاه تهران آشیانه ای دارای نه خط ساخته شده که گنجایش ۱۸ دستگاه لکوموتیوبزرگ رادارد . کارخانهای دیگر که در اهواز و اندیمشك و بندرشاه و اراك و پل سفید و دو رود و قم ساخته شده هریك نیز وسایل لازم را برای تعمیرات دارند . در۳۵ ایستگاه که ۱۳ دستگاه آن درشمال و۲٤ دستگاه آن درجنوبست دستگاه آب گیری برای پر کردن لکوموتیوها فراهم شده واین دستگاه‌ها را نیز بااصول فنی جدید و با کمال دقت ساخته اند و از هرحیث جالب توجهست .

ازسوی دیگر برای احتیاجات برق دومرکز بزرگ برق برای راه آهن

یکی در تهران دارای سه‌موتوردیزل ونیروی ۱۵۰۰ اسب بخارو ۱۳۵۰ کیلووات آمپرودیگری دراهواز دارای سه‌موتور دیزل ونیروی ۷۶۰ اسب بخار و ۷۰۰ کیلو وات‌آمپرفراهم کرده‌اند. نخست‌درمر کزبرق تهران درهر شبانروز سه‌هزار کیلو وات برق بمصرف می‌رسید وپس‌از آنکه‌کارهای تعمیرات راه‌آهن توسعه یافت‌بده هزار کیلو وات رسید و در مر کز برق اهواز ماهی ۳۵۰۰۰ کیلو وات بمصرف رسیده است .

گذشته ازین اقدامات مهمی که درطول راه بعمل‌آمد ساختمان دوبندرمهم یکی درخلیج استراباد در کنار دریای خزر بنام بندرشاه ودیگری در گوشهٔ غربی خلیج فارس بنام بندرشاهپور جزوعملیات راه‌آهن بوده است .

دربندرشاه درحدود ۲۵۰ کیلو متر آبهـای ساحلی‌را نقشه‌برداری کرده و عمق‌آنها را معلوم کرده‌اند ویك اسکلهٔ چوبی بطول ۱۴۹ مترساخته‌اند . دربندر شاه‌پور نیزدرحدود هزار کیلومترمربع آبهای ساحلی‌را مساحی کرده و عمق آنهـا را معلوم کرده‌اند واسکلهٔ بزرگی ساخته‌اند که ۴۱۲ مترطول‌دارد .

دیگرازکارهـای مهم ساختمان راه‌آهن بهداری کارگران بوده‌است که در چندین سال‌چندین هزارتن ازیشان درهرفصلی‌درنواحی مختلف سردسیرو گرمسیر مشغول کارهای گوناگون بوده‌اند . بهمین جهت درضمن عملیات ساختمان توجه تامی ببهداشت‌کارگران داشته‌اند و ادارهٔ بهداری منظمی باعدهٔ کثیرکارمند تأسیس کرده‌اند واین اداره درنقاط مختلف مسیرراه‌آهن صد ویك بیمارستان بزرگ و کوچك دایر کرده است که چهل‌تن پزشك و چهارصد تن پزشکیار و داروساز و پرستار وغیره و۲۴ آمبولانس وپنج اتومبیل سواری برای تأمین نیازمندیهای این بیمارستانها درین زمینه مشغول کار بوده‌اند و گذشته از آن درهرقطعهٔ ساختمانی راه‌آهن یك پست امدادی دارای ۱۵ تا ۲۲ تخت‌خواب دایربوده و نیز درنواحی



شاهنشاه ایران در ایستگاه راه‌آهن فوزیه

کوهستانی درهر پنج کیلومتر مسافت و درنواحی دیگر درهرده تا پانزده کیلومتر مسافت یك پست امدادی دارای دوتختخواب بوده است .

ازسال ۱۳۱۲ تاپایان ساختمان در۵٤ میلیون روزکار بیشتر از ۲٤۸۸ تن از کارگران گرفتار حوادث و اتفاقات درحین انجام وظیفه شده‌اند وازین عده ۱۱۳۷ تن معالجه شده و۶۷۷ تن ناقص گشته و۶۷٤ تن در گذشته‌اند .درمدتی که کنسرسیوم کامپساکس مشغول کار بود تاپایان اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ مبلغ بیست میلیون و سیصد هزار ریال خرج بهداری کارگران شده است .

جمع کل درآمدی که برای ساختمان راه‌آهن سراسری درمدتی که‌عملیات ساختمان ادامه داشته وصول شده است مبلغ ۲،۱۹۵،۱۸۰،۷۰۰ ریال یا ۵۸۷،٤٤۸ لیرهٔ انگلیسی بوده است . ازین مبلغ ۲،۱۸۸،۳۳٤،۲۲۰ ریال خرج شده و پس‌از اتمام عملیات ساختمان مبلغ ۶،۷٤۶،٤۸۰ ریال ازین‌درآمد باقی بوده‌است .

سرانجام راه‌آهن سراسری ایران که ساختمان آن ازمهمترین وقایع تاریخ کشور ماست وشامل ۱۳۹٤ کیلومترست وشمال کشوررا بجنوب آن می‌پیوندد پس ازآنکه ده‌سال ویازده‌ماه ویازده روزساختمان آن کشید در٤ شهریورماه ۱۳۱۷ در ایستگاه فوزیه بهم متصل شد وکاملا براه افتاد وبدست شاهنشاه ایران افتتاح یافت و بدین گونه شش ماه و۲٤ روز زودتر از آنچه انتظار میرفت و پیش‌بینی شده بود بپایان رسید .

نکته‌ای که درین باره اهمیت بسیار دارد اینست که برای ساختمان این راه‌آهن باین عظمت که یکی‌ازدرازترین خطوط‌راه‌آهن درجهانست دولت ایران دیناری ازهیچ کشور بیگانه استعانت نخواست و بهیچ وجه نه درداخله و نه در خارجه برای انجام‌کاری بدین بزرگی که هفتاد سال در رأس آرزوهای ایرانیان بود وبهزاران دشواری سیاست بین‌الملل برمی‌خورد قرضی نکرد و همهٔ هزینه‌های

سنگین آنرا که ازدومیلیارد ریال بیشتر بود ازعایدات جاری بودجهٔ کشور پرداخت وقسمت اعظم کارهای آن بدست ایرانیان انجام گرفت و همهٔ کارگران آن ایرانی بودند واندك مددی ازخارج برای اینکار نشد ویکی ازمشکل‌ترین وپرخرج‌ترین راه‌آهن‌های جهان ویکی ازدشوارترین مسایل اقتصادی وسیاسی آسیا بدین‌آسانی حل شد وجهانیان درشگفت ماندند زیراتازمانی که اینکاربپایان نرسیده بود کسی گمان نمیکرد بدین‌آسانی و بدین زودی انجام‌بگیرد.

پس‌از اتمام راه‌آهن سراسری ایران که شمال کشوررا بجنوب آن متصل کرد دولت ایران بهمان قانع نشد وبلافاصله نقشهٔ وسیع دیگری‌برای ساختمان راههای فرعی طرح کرد که مشرق و مغرب کشوررا بخط شمال وجنوب وشهرها ومراکزعمدهٔ صنعت واقتصادرا بیك دیگرمربوط کند وبدین‌جهت نخست سه خط راه‌آهن دیگرطرح کردند و فوراً بساختمان آنها پرداختند : یکی خط تهران بآذربایجان و از آنجا بمرزترکیه که تسطیح آن تازنجان رسید وجنگ جهانی دوم مانع شد که بپایان برسد. دیگرخط جنوب شرقی که می‌بایست از تهران بمعادن انارك وازآنجا بیزد و کرمان و کرانه‌های خلیج فارس برسد وتسطیح آن تا انارك رسید وباز حوادث جنگ مایع ازاتمام آن شد. سوم خط خراسان و نواحی شمال شرقی که یك قسمت ازآن یعنی راه‌آهن گرمسار بسمنان تمام‌شدو در۲۵ خردادماه۱۳۱۸ افتتاح‌یافت و درمیان سمنان وشاهرودنیزعملیات تسطیح بپایان‌رسیده بود که جنگ مانع‌شد.

خط گرمساربسمنان دردیماه ۱۳۱۶ بساختمان آن شروع کردند واین خط تاشاهرود ۳۱۵ کیلومترست وقسمت عمدهٔ آن از کویرمشرق ایران‌می گذردو برای ساختمان آن دوچاردشواریهای بسیاری‌بوده‌اند . برای ساختمان‌این‌خطاز گرمسار بسمنان۷۴میلیون ریال‌خرج کرده‌اندوهر کیلومتر آن‌درحدود۶۱۰هزارریال‌ارزش



شاهنشاه ایران درمراسم جشن اتصال راه‌آهن سرتاسری

یافته است . مجموع عملیات ساختمانی آن نه‌ماه کشید ودرین مدت‌یك میلیون و دویست هزارمترمکعب خاك‌ریزی وخاك برداری کردند و چهل هزار متر مکعب ساختمان کرده‌اند ودوپل بزرگ درآن ساخته‌اند که هریك ۹٤،۵۵ مترطول‌داردو درهرروزهشت‌هزارکارگرایرانی درآن کارمیکرده‌اند . ازسوی دیگر روزی ٤۵۰ متر ریل گذاری درآن شده و گاهی هم به۹۰۰ متر رسیده است ودرحدود ده هزار تن ریل وصدوهفتاد هزارتراورس کارخانهٔ شیرگاه درآن بمصرف رسیده است.

گذشته ازساختمان این خطوط‌راه‌آهن اقدام مهم دیگری کـه درین زمینه شده تربیت یك‌عده کارمند وکارگرفنی برای کارهای مختلف راه‌آهنست. ازآنجمله یك‌عده جوان ایرانی‌را برای فراگرفتن فنون مربوط باینکار بکشورهای اروپـا فرستادندوایشانرا برای تأمین حوایج آیندهٔ ایران تربیت کردند . نیز دربنگـاه راه‌آهن یکعده‌آموزشگاه مختلف برای کارهای مربوط براه‌آهن تأسیس کردند و ازین‌حیث احتیاجات راه‌آهن ایران‌کاملاتأمین‌شد. این کار بدین بزرگی که دراندك مدتی باکمال‌آسانی بپایان رسید همیشه بدست ایرانیان‌اداره خواهد شدوراه‌آهنها راافراد کشورخود اداره‌خواهند کرد .

دیگراز کارهایی که دربارهٔ راه‌آهن‌های ایران شده اصلاح اساسیست که در راه‌آهن جلفا بتبریز وشرفخانه بعمل‌آمده‌ودرین مدت‌تعمیرهای اساسی‌واصلاح فراوان درآن کرده‌اند ولوازم بسیارازلکوموتیو وواگون وغیره برای آن‌آماده شده‌است وازهرحیث آنراتجدید کرده وراه‌آهن مندرس وفرسودهٔ‌دورهٔ گذشته بکلی ازآن حال‌سابق بیرون‌آمده وهزینه‌های فراوانی که کرده‌اندآنرا بصورت‌راه‌آهن جدیدی درآورده است،ماننداَنکه‌آنراازنوساخته باشند .

Health

اصلاحات بهداشتی

در میان اصلاحات فراوانی که در دورهٔ پهلوی در ایران کرده‌اند باصلاحات بهداشتی نیز اهمیت بسیار باید داد. پیداست که تن‌درستی اساس زندگیست وهیچ کس هرگز تردید نکرده است که افراد رنجورو ناتوان ودردمند نمی‌توانند جامعهٔ نیرومند و کشور توانایی تشکیل دهندواین نکته‌ازبدیهی‌ترین مسایل زندگیست که تن‌درستی افراد و بهداشت ایشان یکی ازمهم‌ترین وظایف هردولتیست زیرا بسیار آشکارست که از مردم ناتوان کار ساخته نیست وازقدیم گفته‌اند عقل سلیم در بدن سالمست .

hygienic

درین دوره از هرجهت نسبت ببهداشت مردم ایران توجه کرده‌اند ودرهیچ دورهٔدیگر نظیر آن‌درتاریخ کشورمادیده نمی‌شود ویکی ازآشکارترین دلایل‌برتری این دوره بردوره‌های‌پیش ازآنست.دردوره‌های گذشته بهیچ‌وجه در بهداشت عمومی وخصوصی‌افراد کشورتوجه‌نمی کردندوبهترین دلیل آنست که‌هروقت درهمسایگی ایران یکی‌ازبیماریهای‌مسری بروزمیکردفورا بایران‌راه می‌یافت ودرادوار گذشته درتاریخ ایران مرتباً می‌بینیم که هرچندیك بار بیماریهای مسری ماندوباوطاعون وحصبه وغیره عمومی شده است و گریبان همه کس را گرفته وهزاران تن جان سپرده‌اند. درایران‌هنوز کسانی هستند که‌یکی‌دوبارسال‌وبایی‌پایان دورهٔقاجارها را

بیاد دارند و آن حصبهٔ مطبقه و گریپ عمومی سال قحطی ۱۲۹۶ را جوان‌ترها نیز ازیاد نبرده‌اند .

اما درین دوره توجه خاصی نسبت ببهداشت عمومی کردند ویکی از نخستین قدمهایی که درین راه برداشتند درین زمینه بود . پس از کودتای ۱۲۹۹ وزارت‌خانهٔ تازه‌ای درایران باسم وزارت صحیّه وامور خیریه تاسیس شد وپس ازچندی تبدیل شد باداره‌ٔ کل صحیهٔ مملکتی و ادارهٔ کل بهداشت کشور وسپس بوزارت بهداری و حال آنکه پیش‌از آن تنها یك‌شعبهٔ صحیه دروزارت داخله مرکب ازدوتن عضوویك مجلس حفظ‌الصحه‌بود که‌اعضای آن افتخاری کارمیکردند وجلسات مرتبی نداشت درین دوره‌ادارهٔ کل بهداشت وادارات بهداشت شهرداریها یك سلسله‌کارهای مهم‌در بهداری عمومی کرده‌اند .

یکی از نخستین اقدامها تاسیس ادارات بهداری در شهرداریها بوده است و بدین وسیله‌نه‌تنها پستهای امدادی درنقاط مختلف کشور دایر شده بلکه‌در بسیاری ازشهرهای ایران بیمارستانهایی ساخته‌اند که بهداری‌آن شهرمتصدی‌آن‌بوده است وبرخی ازآنها را وزارت‌بهداری ساخته است. ازآن جمله‌درتهران‌چندبیمارستان جدید مـانند بیمارستان شهرداری و بیمارستان وزیری و بیمارستان گوهرشاد و بیمارستان فیروزآبادی و بیمارستان پانصد تخت‌خوابی بکار آغاز کرده‌اند و حال آنکه در پایان دورهٔ قاجارها درتهران تنها یك بیمارستان دولتی و یك بیمارستان نظامی احمدیه‌ویك‌بیمارستان زنان دایر بود. گذشته ازآن بیمارستانهای مخصوصی مانند بیمارستان مسلولین در شاه‌آباد تهران و بیمارستان امراض مقاربتی در شهر تأسیس کرده‌اند ونیز درشهرهای دیگر مانند رشت وتبریز و شیراز و کرمان وقم بیمارستانهای دیگر دایرشده که معروف‌تر و مهم‌تر از همه بیمارستان شهرضـا در مشهدست که‌ازبنگاه‌های‌مهم بشمارمی‌رود. درضمن بیمارستانهای سابق‌رانیز تکمیل

واصلاح کرده وشعبه‌های تازه برای بیماریهای دیگر در آنها دایر کرده‌اند.

دیگر توجه خاصیست که ببهداشت افراد نظامی کرده‌اند ونه‌تنها درمراکز عمده بیمارستانهای نظامی دایر شده بلکه درهر واحدی نیز بیمارستان مخصوصی فراهم کرده‌اند و نیز بنگاه رادیولوژی (پرتوشناسی) مهمی برای ارتش تاسیس کرده‌اند. در ضمن بیمارستانهای ارتش را که سابقا تاسیس کرده بودند تکمیل کردند ودو بیمارستان شمارهٔ یك وشمارهٔ دوارتش ازمهم‌ترین تاسیسات بهداری شده است. نیزدارالمجانین (تیمارستان) تهران توسعهٔ کامل یافته و در آن هم اصلاحات مهم کرده‌اند. گذشته ازپست‌های امدادی وبیمارستانها دربسیاری ازشهرهای ایران مخصوصا درتهران بنگاه‌های بهداشتی دیگری چه بدست شهرداریها وچه بدست ادارهٔ کل بهداری تاسیس شده است مانند زایشگاهها و شیرخوارگاهها و مطب‌های عمومی وغیره.

دیگر از کارهای مهمی که درین زمینه کرده‌اند تاسیس بنگاه پاستور در ایرانست که پیش ازآن بهیچ وجه سابقه نداشت وازموسسات مهمیست که در آغاز این دوره‌درتهران برقرارشد واینك آنچه‌سرم ومایه(واکسن) وغیره برای‌احتیاجات بهداری کشور لازم باشد هم‌چنانکه در کشورهای متمدن جهان می‌سازند در بنگاه پاستورتهران نیزتهیه میکنند. پس‌ازآن بنکاه سرم‌سازی حصارك درنزدیکی کرج تاسیس شد واین کارنیزازاقدامات بسیارمهم این دوره بوده است.

کار مهم دیگر که درراه بهداشت کشور کرده‌اند ترویج فوق‌العادهٔ ورزش و تربیت بدنیست که سابقا بفواید گوناگون آن اشاره کردم وسودهای بی‌شماری که این کاربزرك دراصلاح نژاد ایرانی وبهداشت و تن‌درستی جوانان از پسر و دختر دارد بر کسی پوشیده نیست. درین زمینه تاسیسات پیش‌آهنگی دختران وپسران ومسابقه‌های ورزشی را نیز باید ازکارهای مهم در بهبود نژاد و بهداشت جوانان

دانست.

دیگر از کارهای مهم توسعهٔ فوق‌العاده‌ایست که در آبله کوبی داده شد و بهیچ وجه بادستگاه دوره‌های گذشته قابل‌قیاس نیست چنانکه از آن پس دیگر در ایران مبتلای بآبله دیده نشد وحال آنکه در دورهٔ گذشته بسیار فراوان بود. اهمیت این کار بیشتر ازین جهتست که مبتکر آبله کوبی در جهان ایرانیان بوده‌اند و پزشکان قدیم ایران پوستی را که‌روی دانه‌های آبله بسته‌می‌شد می گرفتند و بدن‌دیگری‌را خراش می‌دادند و آن پوست رادر آنجامی گذاشتند و کسی که این‌عمل‌را درو کرده بودند مبتلا بآبله نمی‌شد.

دیگر از کارهای اساسی این دوره توجه خاصی ببهداشت مادران و نوزادان و کودکان شیرخوارست ، چنانکه بیمارستان مخصوص بیماریهای زنان و کودکان گذشته اززایشگاهها و شیرخوار گاه‌هایی که پیش ازین بآنها اشاره رفت تاسیس کردند و روز بروز توسعه یافت و نیز آموزشگاه مخصوص مامایی و آموزشگاه مخصوص پرستاری تاسیس شد وهرسال عده‌ای از زنان ایرانی ازین آموزشگاهها بیرون می آیند وبخدمات مهم خود می‌پردازند.

دیگر از کارهای مهم‌درین زمینه‌معاینهٔ بهداشتی کودکان وجوانان در دبستانها ودبیرستانها ودانشکده‌هاست که‌آن نیزدردورهٔ پیشین معمول نبودواداره‌ٔمخصوصی برای‌بهداری مدارس با وسایل کامل فراهم شده است . درین زمینه بمعاینهٔ صحی پیش از ازدواج ومحروم کردن پسرودخترنابالغ از زناشویی باید اهمیت‌دادزیرا که درحد خود فواید محسوسی دارد که حاجت بتاکید نیست.

قدم بسیاربلند دیگری که برداشته‌اند تربیت یك عده کثیر ازپزشکانست و هرسال‌عدهٔ بسیارازجوانان را برای فراگرفتن علم‌طب‌وکارآموزی دربیمارستانهای بزرگ ومعروف جهان بکشورهای متمدن‌فرستاده‌اند و نیزعده‌ای‌پزشك برای ارتش

تربیت کرده‌اند و دانشکدهٔ طب تهران توسعهٔ کامل یافته واصلاحات بسیار در آن کرده‌اند وبنای بسیار باشکوهی دردانشگاه تهران برای آن ساخته‌اند و مخصوصاً قسمت تشریح‌را در آنجا تأسیس کرده‌اند واین اقدامات نیزدر بهداری‌عمومی‌بسیار مهم بوده‌است.

قدم مهم دیگری که دربهداری عمومی برداشتند وضع واجرای قانون‌طبابت بود که بموجب آن تا کسی ازدانشگاههای کشورهای متمدن گواهی‌نامه‌نداشته و امتحان درفن خود نداده باشد از طبابت محروم باشد . بدین‌وسیله زیانهای بسیار که ازیك عده مردم نادان که در نواحی مختلف پیش خود بطبابت مشغول بودند بجان مردم می‌رسید ازمیان رفت و این شغل شریف منحصر بکسانی شد که واقعاً تحصیلات کامل درین رشته کرده بودند . کسانی که طب قدیم را فرا گرفته بودند بعنوان پزشك مجازاجازه یافتند بمداوای برخی ازامراض مخصوص‌بپردازند وپس ازآنکه این عده ازمیان رفتند دیگر بکسی این اجازه داده نشد .

دیگرازکارهای بسیارمهمی که درین دوره شد تاسیس جمعیت شیروخورشید سرخ برای مردان وزنان بوده است که ازآن نیز در دورهٔ پیشین‌خبری نبود.این بنگاه ملی بسیارمهم که دستیاریهای گوناگون دربهداری عمومی وخصوصی میکند یکی ازمؤثرترین وسایل دستگیری ازمردم بی‌نوا وبی کس ورنجور وبیمارست . مخصوصا در مواقعی که بلاها و آفاتی نازل می‌شود خدمات مهم بجامعه میکند ، چنانکه چندین باردرموقع زلزله وسیل و وقایع دیگرچه مستقیماً از عایدات خود و چه بوسیلهٔ جمع آوری اعانه خدمات جالبی بآفت‌زدگان کرده است . توجه تام و دلسوزی کاملی کـه دولت ایران نسبت بافراد کشور داشت درین مواقع و بدین وسیله‌کاملاآشکار شد وهر گاه خطری یاآفت وبلایی متوجه مردم قسمتی ازکشور شد فورا در صدد رفع و جبران آن برآمدند و ببهترین وجهی آن آفت و بـلای

آسمانی را چاره کردند و بزرگترین سرمشق نوع‌پرستی وانسان دوستی را دولت ایران خود داد و بهمین جهت تاسیس جمعیت شیر وخورشید سرخ را که مهم‌ترین بنگاه ملی برای دستگیری ازبی‌نوایانست ازکارهای مهم این‌دوره بایددانست .

قدم بسیار مهم دیگری که درین راه برداشته شد تاسیس ادارات بهداری کامل شهرستانها و شهرها بود . در دورهٔ سابق اگرهم بهداری وجود داشت منحصر بپای‌تخت بود ومردم شهرهای دیگرازآن محروم بودند . دربسیاری از شهرهای درجهٔ اول ودوم ایران بیمارستان نبود وحال آنکه ایرانیان نخستین ملتی‌درجهان هستند که بیمارستان دایر کرده‌اند و در دورهٔ ساسانیان در گندشاپور که مرکز فراگرفتن علم پزشکی بوده موسسه‌ای بنام « مارستان » وجود داشته که کار بیمارستانهای امروز را میکرده است . در دورهٔ اسلامی بیمارستانهایی که امیر عضدالدولهٔ دیلمی در شهر ری ودر شهر بغداد دایر کرده بود از وقایع مهم تاریخ بشمار می‌رود . در دوره‌های گذشته مردم بسیاری از شهرها از دارو و درمان محروم بودند اما درین دوره در اکناف و اطراف ایران بنگاه‌های بهداری که تابع شهرداریها یا وزارت بهداری بوده‌اند تشکیل داده‌اند ودر هرشهری نیز ادارهٔ بهداری تابع وزارت بهداری تاسیس کرده‌اند و همهٔ مردم ایران علی‌السویه ازین نعمت‌ها برخوردار شدند ودیگر منحصر بمردم پای‌تخت نبود ونیزادارات نظامی که در سراسر کشور بودند وسایل کامل بهداشت افراد خود را آماده ساختند . در مرزهای کشور و جاهایی که در خطر هجوم امراض بودند وسایل کامل قرنطین از هرحیث آماده شد و همین که خطری پیش‌بینی می‌شد با سریع‌ترین وسایل و کامل‌ترین‌وسایطی که‌در کارهست ازآن خطرجلوگیری کردند وبوسایل‌علمی‌افراد را ازخطررهاندند

ازسوی دیگرچنانکه درمبحث مخصوص براه آهن اشاره رفت دولت همواره

توجه خـاص ببهداشت کارگران و طبقات رنج بر کشور داشته است . در ضمـن ساختمان راه آهن دقت تام ببهداشت افراد کرده‌اند و نیز در کارخانهای متعدد که در نواحی مختلف درین دوره بوجود آورده‌اند وسایل کامل بهـداری را فراهـم کرده‌اند وتوجه خاصی نسبت باین مسئله داشته‌اند . حتی در بسیاری از قرادادها و امتیازاتی که درین دوره امضا شده مواد مخصوصی برای تأمین بهداشت افراد هست و صاحبان امتیازات را وادار کرده‌اند توجه تام ببهداری افراد و کارگران وخدمت گزاران خود داشته باشند . دراماکن عمومی مـانند مهمانخانها و کافه‌ها و رستورانها و سینماهـا و غیره و در مغازه‌ها و دکانها مخصوصا در گرمابه‌هـا و مغازه‌های سلمانی و دکانهای فروشندگان مواد خوراکی وآشامیدنی از آن جمله نانواها و قصابها و میوه فروشهـا و خوراك‌پزها و بستنی فروشها و قهوه‌خانه‌ها و غیره مرتبا رعایت شرایط بهداری رامراقبت و بازرسی کامل میکردند و مقررات خاصی برای بهداشت هریك از آنها وضـع کردند و اجرای آنها را جدا خواستار بودند و شهرداریهـا و شهربانی‌ها هر یك در حد خود مامور نظارت درین کارها شدند . از جمله اقداماتی که درین زمینه شده تبدیل خزانهای عمومی گرمابها بدوش بوده است که در سراسر کشور مراقبت کرده‌اند وفواید این کار در بهداری عمومی و برای اجتناب ازبیماریهای ساری و مخصوصا بیماریهای جلدی و مقاربتی بسیارست . دیگر از اقداماتی که درین راه شده معاینهٔ صحی کارگران گرمابها وسلمانیها و رستورانها و دکانهاییست که مواد خوراکی می‌فروشند و فواید این کار نیز آشکارست .

دیگراز کارهایی که در بهداشت عمومی بسیارمؤثر بوده است ترویج درخت کاری و حراست درختهای کهن را باید دانست . این کار مـورد توجه خاص دولت بود و مخصوصا روزی را در سال برای جشن درخت‌کاری مقرر کردند و در میان

آموزشگاه‌های مختلف کشور عمومی شد تا بدین وسیله شمارهٔ درختان کشور روز بروز بیشتر بشود و در تصفیهٔ هوا موثر باشد ودر بهداری عمومی وخصوصی مردم یاری کند درین زمینه سرپرستی ومراقبت کامل از جنگلهای کشوررا نیز باید در نظرداشت که تنها یکی از منابع اقتصادی کشور نیست بلکه یکی از وسایل بهداری افراد نیز بشمارست .

اقدام دیگری که دربهداری عمومی شده ایجاد گردش گاهها وتفرج گاهها و باغهای عمومی درشهرهاوآبادی‌های کشوربوده است وهمه جا اقدامات گوناگون درین راه کرده‌اند و وسایل مختلف برای تفریح و تفرج افراد فراهم آورده‌اند و نتایج این کارمهم نیزدربهداشت عمومی معلومست .

دیگرازکارهای بسیارمفید که درسراسر کشور بدان توجه داشته‌اند وکمال جد وجهد رادر آن بکار برده‌اند مراقبت کامل درپاکیزگی‌شهرها وآبادیهاومخصوصا کوی وبرزنها ومیدانهاومجامع‌عمومی بوده است که‌آن نیز در دورهٔ پیشین‌معمول نبود وکارگزاران دولت کمترین توجهی بدان نمیکردند.

دربارهٔ بهداشت زنان قدم بسیار بزرگی که برداشته شد رفع حجاب بود . پیداست که حجاب گذشته ازمفاسد اخلاقی و اجتماعی ومدنی مضار بهداشتی بسیار نیزداشته است . تردیدی نیست موجودی که مدتی از روز وشب ازهوا وآفتاب که دو عنصر مهم بهداری و تن‌درستیست محروم باشد موجود زود رنج ناتوانیست که تن‌درستی او دستخوش آفت و زیانست و بهمین جهت رفع حجاب راکه مهمترین اصلاح اخلاقی و اجتماعی و مدنی این دوره است یکی از اصلاحات بهداشتی زنان ایران نیز باید دانست واین فایدهٔ عظیم آنرا جزو فوایدی که پیش ازین بدانها اشاره کردم باید بشمار آورد.

دیگر از اصلاحاتی که در زمینهٔ بهداشت عمومی پیش‌آمده توجه خاصیست

که براهنمایی دولت ودانشگاه تهران بعلم پزشکی و کتابهای سودمند بزبان‌فارسی در رشته‌های مختلف این علم ودر بهداشت و غیره کرده‌اند . مخصوصا این توجه سبب شده است که هرچند یك بار کتابهای بسیار سودمند دررشته‌های مختلف طب و بهداشت بزبان فارسی بنویسند یا ترجمه کنند و بطبع و نشر آنها بپردازند و بدین‌وسیله معلومات لازم رابهمهٔ طبقات مردم کشوربرسانند . درین دوره کتابهای چند درین زمینه بزبان فارسی انتشار یافته است که بهیچوجه تا آن زمان نظیر نداشته بودند.

اصلاح دیگری که در زمینهٔ بهداشت عمومی شده ترقیاتیست که در فن داروسازی فراهم آمده و بسیاری ازدواها ومواد طبی را که طرف حاجت عمومیست و پیش ازآن از خارج می‌آوردند در ایران بدست کارگران ایرانی ساختند و شرکت‌های چندبرای این‌کارتشکیل یافت‌ویك قسمت ازنیازمندیهای مردم کشور را تامین کردند .

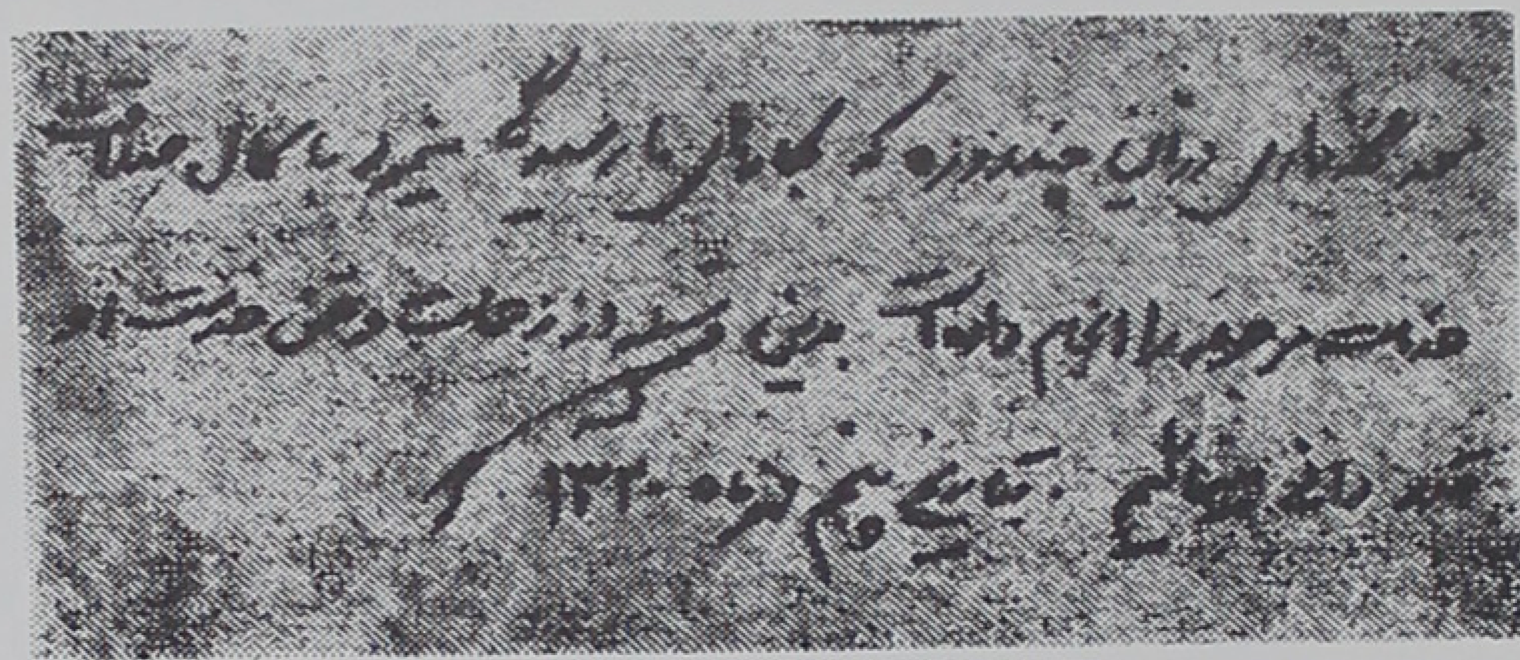
پیشرفت دیگری که درین زمینه فراهم شده ایجادو تاسیس آزمایشگاه‌ها و لابراتوارهای طبی خصوصی برای آزمایشهای ذره‌بینی و پزشکیست که گذشته از آزمایشگاه‌های وزارت بهداری وبیمارستانها و بهداریهای شهرها وغیره دانشمندان ایرانی خود عده‌ای معتنابه ازآنهاتاسیس کرده‌اند واحتیاجات مردم را ازین‌حیث تامین میکنند و این نیز کاریست که در دوره‌های سابق معمول نبود و مردم راهی برای رفع این نیازمندی نداشتند .

دیگر از کارهای مهمی که در بهداری عمومی ایران درین دوره شده است استخراج واستفاده ازآبهای معدنی بوده است که برای اصلاح بیماریهای جلدی ودرونی و کمك در تن‌درستی مردم بسیار مؤثر بوده است وبسا امراض را ازین‌راه علاج کرده‌اند . این آبهای معدنی که از بدو تکوین زمین در ایران بوده است

Considera



هنگام اقامت در آفریقا (جزیره موریس)



نمونهٔ خط رضاشاه

دراین کلیشه نمونهٔ خط رضاشاه کبیر دیده میشود :

در اوائل مهرماه سال ۱۳۲۰ رضاشاه پهلوی خاك ایران را ترك گفت و از طریق اصفهان ـ کرمان ـ سیرجان ـ بندرعباس بسوی آفریقا عزیمت فرمود.

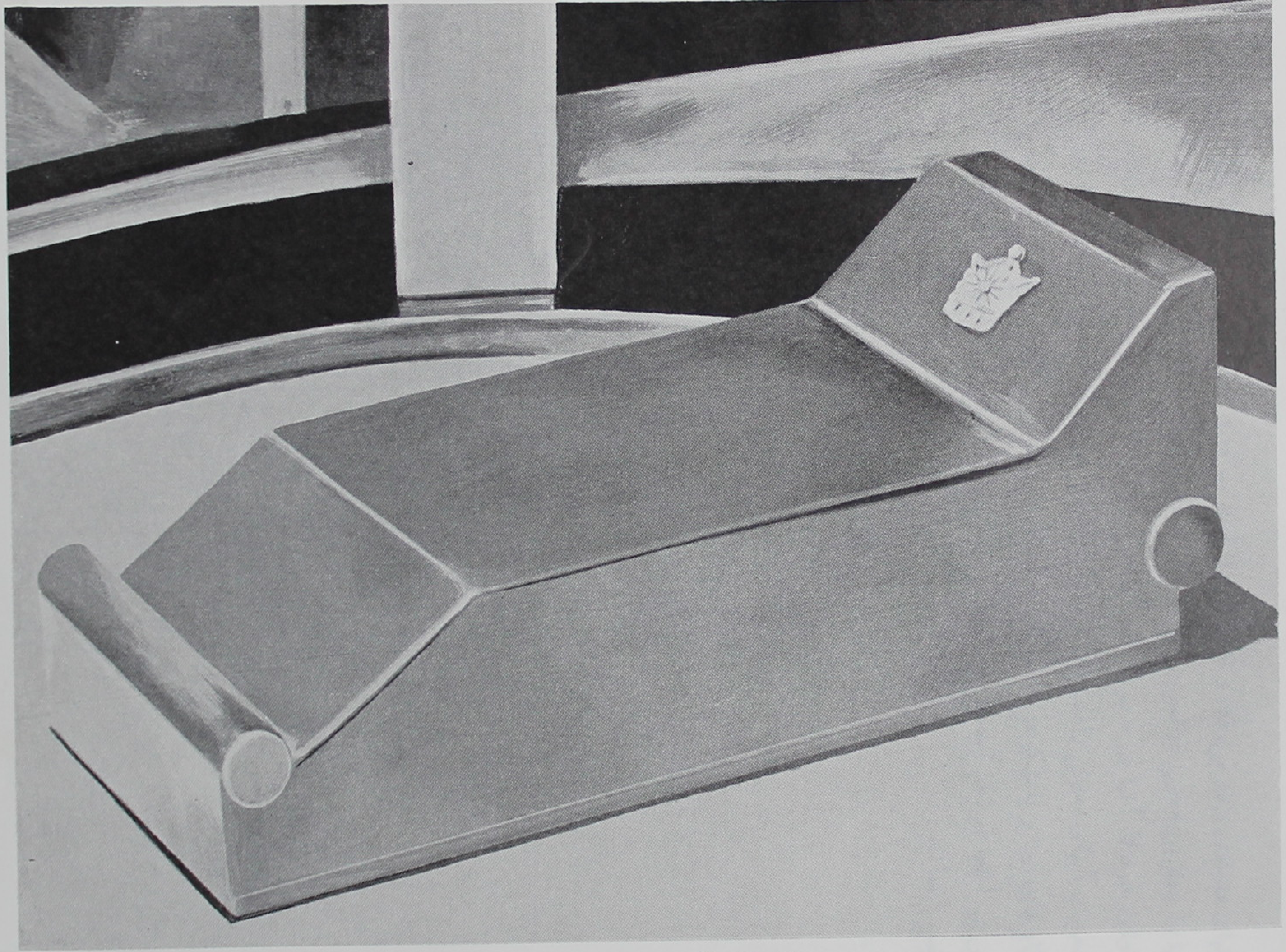
محمد گله‌داری ازعناصر سرشناس ومعروف بندرعباس هنگام عزیمت رضا شاه ، از بندر عباس تا کرمان آمده بود و از کرمان تا بندرعباس در التزام آن شاهنشاه بود.

در آخرین لحظاتی که رضاشاه پهلوی در روی اسکلهٔ بندرعباس عازم کشتی بود از خدمات گله‌داری طی آن چند روز قدردانی شد و بنا باستدعـای گله‌داری ، اعلیحضرت رضاشاه در لحظه عزیمت ازبندرعباس ، این دستخط راشخصاً نوشتند. متن دستخط چنین است :

«محمد گله‌داری در این چند روزه که بکار های ما رسیدگی مینمود باکمال صداقت خدمات مرجوعه را انجام داده است بدینوسیله از زحمات و حسن خدمت او قدردانی مینمائیم .

بتاریخ پنجم مهرماه ۱۳۲۰ رضاپهلوی»

عین این دستخط در نزد دارندهٔ آن محفوظ است .



سنگ آرامگاه رضا شاه در شهر ری

قرنهای متمادی بهدر می‌رفت و هیچ کس ازآنها بهره‌مند نمی‌شد . درین دوره این آبها را ببهترین وجهی در معرض بهره‌مندی مردم قراردادند و هر کس توانست در مداوای خود از آنها بهره ببرد . از آن جمله بـود آب معدنی چشمه علی نزدیك رودهن و آبهای معدنی رامسر کـه ببهترین وجهی مردم از آن بهره یاب شدند و بنگاه های زیبا و با شکوهی درسر آن چشمه‌ها ساختند و هر گونه وسیله برای همه کس در آنجا فراهم آمد تا رنجوران و بیماران از فـواید این آبهای شفابخش بی‌نصیب نمانند .

توضیح

درین کتاب کلمهٔ «شهریاری» را بمعنی حقیقی آن که مرادف کشور داری و فرمانروایيست بکاربرده‌ام. معمول‌شده‌است درین‌زمان درین‌مورد کلمهٔ «زمامداری» را بکار می‌برند. زمام بکسراول بزبان تازی بمعنی مهار و رشته‌ایست که در بینی شتر بندند و بدین گونه زمامداری بدین معنی که امروز بکار می‌برند ناپسندست و باید ازآن پرهیز کرد. معنی حقیقی شهر در زبانهای ایرانی آن‌چیزیست که بآن کشور هم گفته‌اند چنانکه کشور ایران را در قدیم «ایرانشهر» می گفتند و کلمهٔ «شثرپت» که در زبان دری «شهربد» باید گفت وهمانست که یونانیان آنرا«ساتراپ» تلفظ کرده‌اند بمعنی کسیست که فرمان‌فرمای کشوری بوده است. فرهنگ‌نویسان هم «شهریار» را کلانتر وبزرگ شهرمعنی کرده‌اند و شهردرین‌جا بمعنی کشورست. پس معنی درست «شهریاری» فرمانروایی و کشور داریست و در این کتاب نیز بدین معنی بکاربرده‌ام.

منابع این کتاب

درتیرماه ۱۳۱۳ شاهنشاه پهلوی بهیئت دولت دستور دادند صورتی از کسانی که برای تدوین و تألیف تاریخ دوران شهریاری آن شاهنشاه مناسب باشند آماده کند . درمیان کسانی که نامشان برده شده بود مرا بدین افتخار نایل کردند ومن صمیمانه این خدمت را بعهده گرفتم زیرا که دورهٔ پیش‌از شهریاری آن شاهنشاه را درک کرده بودم و پیشرفتهایی را که روزبروز در پرتو کوشش شبانروزی این مرد بزرگ بهرهٔ ایران می‌شد می‌دیدم . در همان زمان دستوری بنخست وزیر آن روز دادند که بهمهٔ وزارتخانه‌ها و دستگاه های دولتی بنویسند هر گونه اطلاعی را که برای این کار لازم دارم از دادن آن دریغ نکنند . منابع این کتاب بدین گونه از درست ترین اطلاعاتی که در دستگاههای دولتی بود فراهم آمد و بسیار شادم که خلاصه‌ای از آنها که راهنمای تاریخ نویسان درآینده خواهد بود بدین گونه درین صحایف انتشار می‌یابد .

مورخه ۲۲ / ۱۱ ماه ۱۳۱۲

ضمیمه

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون

رکن ۳

شعبه

نمره ۱۰۱۵۸

در جواب مراسله حروف و اعداد
ممیزه که متمم نمره است
با نمره ذکر شود

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

تعقیب نمره (۷۸۶۵۸ / ۹۱۱۹۱ — ۲۶ / ۱۰ / ۱۲) متمنی است مقرر — فرمائید اطلاعاتی که برای تدوین تاریخ اعلیحضرت پهلوی ارواحنافداه خواسته شده هرچه زودتر ارسال دارند که اقای نفیسی مورد استفاده قرار دهند.

کفیل ارکان حرب کل قشون

امیرلشکر

حسب الامر مبارک سواد صادره فوق بضمیمه سواد صادره نمره (۷۸۶۵۸ / ۹۱۱۹۱ — ۲۶ / ۱۰ / ۱۲) جهة اطلاع جناب اقای — سعید خان نفیسی ارسال میگردد. —

کفیل رکن سوم ارکان حرب کل قشون

سرهنگ

وزارت مالیه

اداره کابینه وزارتی

دایره

تاریخ ... ماه ... ۱۳۱

نمره ... ضمیمه ...

آقای میرزا سعیدخان نفیسی

راجع باطلاعاتی که طی مراسله مورخه ۱۹ ماه جاری برای تدوین تاریخ شهریاری اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی ارواحنافداه تقاضی نموده این مراتب ذیل که از روی سوابق موجوده تا حد امکان استخراج گردیده استحضاراً اشعار میشود:

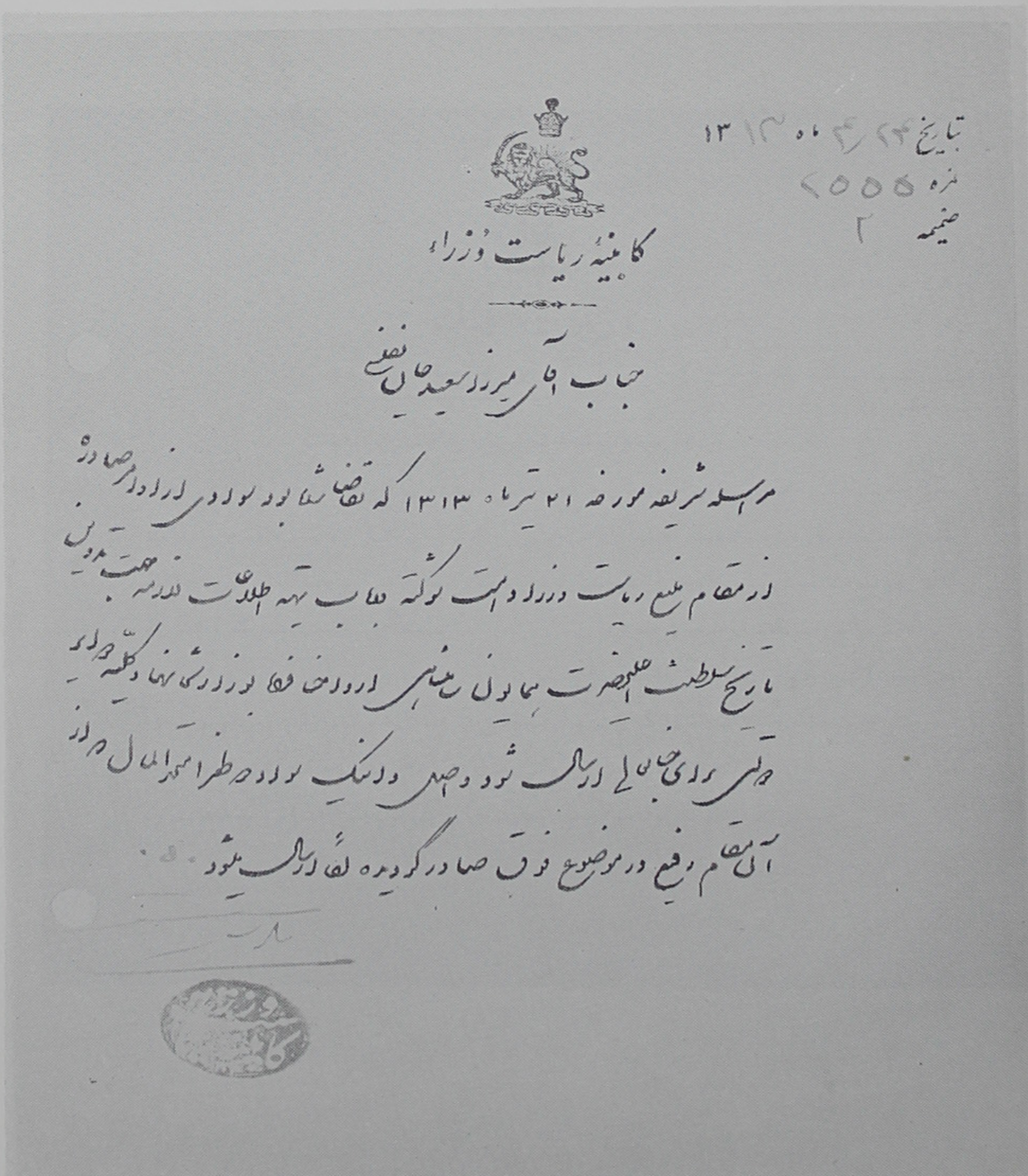
۱) قبل از استعفای مسیو مرنارد مقدار یکهزار و سیصد و هشتاد خروار و سی و هفت من جو از قرار خرواری شش تومان و پنجقران و دویست و پنجاه دینار از طرف انبار غله دولتی از بابت حقوق دو ماهه وزارت داخله محسوب و تحویل داده شده (تاریخ صحیح این عمل معلوم نیست ولی آنچه استنباط میشود مربوط به دو ماه حمل و ثور سنه ۱۳۳۱ یا ۱۳۳۲ قمری است) و نیز بموجب تصویب هیئت دولت وقت معادل حقوق دو ماهه دلو و حوت سنه پارس ئیل وزارتخانه مزبوره یک ثلث گندم ورامین و یک ثلث گندم خارج و یک ثلث جو بنرخ عادله داده شده مبلغ حقوق و قیمت و مقدار جنس معلوم نیست.

۲) بواسطه تاخیر در پرداخت حقوق حمل و ثور تنگوز ئیل اعضاء وزارت مالیه در تاریخ (۲۷) جمادی الاولی سنه ۱۳۳۰ اجازه داده شده که خزانه داری وقت موازی ششصد (۶۰۰) جلد کتاب شاهنامه چاپ امیر بهادر که متعلق بدولت و در وزارت دربار بوده است بفروشند کتب مزبور ظاهراً از قرار جلدی ۶ تومان فروخته شده ولی وجه آن بمصرف دیگری که لازمتر بوده رسیده و بعلاوه شصت و هشت (۶۸) جلد دیگر از کتب مزبور را از قرار قیمت مذکور در عوض چهارصد و چهل تومان (۴۴۰) حقوق دو ماهه حمل و ثور تنگوز ئیل اعضاء محاسبات بیوتات واگذار گردیده است.

۳) در سنه ۱۳۳۰ بر طبق تصویب هیئت دولت وقت و مراسلات وزارت جنگ مقرر بوده که مقداری از اشیاء اسقاط از قبیل توپ و سایر لوازمات دیگر که بمصرف و برای دولت فایده ای نداشته فروخته شده و حقوق معوقه ذخیره داده شود کمیسیونی هم در آنوقت در وزارتخانه مزبوره منعقد و صورتی از این قبیل اشیاء نیز تهیه نموده ولی چون نماینده مالیه صورت موجودی کل ذخیره را خواسته بود و مفتش خزانه هم معین نبود لهذا نتیجه ای گرفته نشد. اگر چنانچه بعدها از اشیاء مزبوره فروخته شده و یا از بابت حقوق معوقه تأدیه گردیده باشد اطلاعی موجود نیست.

ل - ۵۰۱

./.



تاریخ ۲۴ / ۴ / ماه ۱۳۱۳
نمره ۲۵۵۵
ضمیمه ۲

کابینهٔ ریاست وزراء

جناب آقای میرزا سعید خان نفیسی

مراسله شریفه مورخه ۲۱ تیرماه ۱۳۱۳ که تقاضا شده بود سوادی از دستخط صادره
از مقام منیع ریاست وزراء داده شود که جناب تهیه اطلاعات لازمه جهت تدوین
تاریخ سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه بوزارتخانه‌ها و تشکیلات
دولتی برای جنابعالی ارسال شود جواباً زحمت میدهد سواد متحدالمآلی که از
آن مقام منیع در موضوع فوق صادر گردیده لفاً ارسال میشود.

[illegible]

ارکان حرب کل قشون

سواد ....

مورخه ...... ماه ۱۳۱

نمره ۹۱۹۹/[illegible]

ضمیمه مکتوب نمره ....

وزارت جنگ

فوری مستقیم

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

میرزا سعید خان نفیسی مامور است تاریخ اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه را تدوین نماید
مشارالیه مطابق صورت ضمیمه احتیاج باطلاعاتی دارد که باید از وزارتخانه ها و مؤسسات
کشوری بدست بیاورد و حسب الامر جهان مطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداه مقرر است ـ
اطلاعاتی را که خواسته از هر جا گرفته و باو داده شود لذا مستدعی است بطوریکه مقتضی است
بدانند در این خصوص اوامر لازمه صادر فرمایند که اطلاعات منظوره را بوزارت جنگ ارسال
دارند و بطور جامع فرستاده شود که بسهولت منظور بدست آید و تعویقی در کار روی ندهد
عند اللزوم هم وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی برای دادن توضیحات راجع باطلاعات
فوق الذکر و مسائل مربوطه در موقع مراجعه سعید خان نفیسی فوراً اقدام و مساعدت تامه
بعمل آورند. کفیل ارکان حرب کل قشون ــ امیرلشکر

وزارت مالیه

اداره کابینه وزارتی

دایره ضبط کل

تاریخ ... ماه ... ۱۳۱

نمره ... ضمیمه ...

آقای میرزا سعید خان نفیسی

عطف بمذاکرات وتقاضای شفاهی روز ۲۶ بهمن ماه جاری مراتب ذیل را از روی سوابق موجوده معلوم واستحضارا اشعار میدارد :

اولا ابتدا وانتهای خدمات آقایان شوستر و مرنارد و هنسس بسمت خزانه دار :

۱ – مستر شوستر از تاریخ ۲ سرطان ۱۲۹۰ لغایت ۵ جدی ۱۲۹۰ بسمت خزانه دارکل مشغول خدمت بوده

۲ – مسیو مرنارد از تاریخ ۵ جدی ۱۲۹۰ لغایت ۱۲ جوزا ۱۲۹۱ بکفالت خزانه داری کل مشغول خدمت بوده

۳ – مسیو مرنارد از تاریخ ۱۲ جوزا ۱۲۹۱ لغایت ۱۰ سنبله ۱۲۹۳ بسمت خزانه داری کل مشغول خدمت بوده

۴ – مسیو هنسس از تاریخ ۱۰ سنبله ۱۲۹۳ لغایت ۱۱ حمل ۱۲۹۴ بسمت خزانه داری کل مشغول خدمت بوده

ثانیا ابتدا وانتهای خدمات رؤسای بلژیکی گمرک بشرح ذیل است :

۱ – مسیو نوز از تاریخ ۱۸۹۸ مسیحی لغایت ۱۹۰۷ بسمت ریاست کل گمرکات

۲ – مسیو مرنارد از تاریخ ۱۹۰۷ مسیحی لغایت ۱۹۱۴ « « «

۳ – مسیو هنسس از تاریخ ۱۹۱۴ مسیحی لغایت ۱۹۲۰ « « «

۴ – مسیو مولیتر از تاریخ ۱۹۲۰ مسیحی لغایت ۱۹۲۸ « « «

۵ – مسیو دکرکر از تاریخ ۱۹۲۸ مسیحی تا حال

ثالثا ابتدا وانتهای خدمت آقای دکتر میلیسپو رئیس کل مالیه ایران :

در تاریخ ۷ میزان ۱۳۰۱ از شهر نیویورک حرکت و در تاریخ ۲۶ عقرب ۱۳۰۱ وارد ایران ومشغول خدمت شدند و در تاریخ ۶ مرداد ماه ۱۳۰۶ مدت خدمت ایشان خاتمه یافت .

رابعا – یک نسخه طرح بودجه کل مملکتی راجع بسنه ۱۳۲۸ تالیف مرحوم صنیع الدوله لفاارسال میشود .

ل – ۵۰۱

۰/۰

بتاریخ ــــــــ ماه ــــــــ ۱۳۱

نمره ــــــــ ضمیمه ــــــــ

وزارت مالیه

اداره ــــــــ

دایره ــــــــ

ـ ۲ ـ

۴) از دادن اجر در مقابل حقوق اعضاء سوابقی بدست نیامد ولی آنچه معلوم است از بابت حقوق پنجماهه اخیر پارسنیل وزارت عدلیه مقداری اجر و گندم داده شده است.

رئیس کابینه وزارتی

[امضاء]

وزارت مالیه

اداره ________

دایره ________

بتاریخ ________ ماه ________ ۱۳۱

نمره ________ ضمیمه ________

صفحهٔ ۲

راجع بر ساله که مسیو مرنارد در زمان خزانه داری کل در باب دوره عمل خود نوشته اشعار میدارد.

از فرانسه آن در ضبط کل وزارت مالیه نسخه ای موجود نیست و فقط یک نسخه فارسی بعنوان (صورت جامعه محاسبات دوایر مالیه ایران سال ۱۳۳۰ – ۱۳۳۱) موجود است چون منحصر بفرد است نمیتوان از ضبط خارج نمود — ممکن است در دائره ضبط وزارت مالیه آنرا مطالعه فرمائید.

خامساً بطوریکه طی مراسله مورخه ۲۲ بهمن ماه تقاضا نموده بودید اینک احصائیه های گمرکی را بشرح ذیل:

احصائیه فارسی از ۱۳۰۲ الی ۱۳۰۵

احصائیه فرانسه از ۱۳۰۶ الی ۱۳۱۱

تلواً ارسال میشود.

نسخ احصائیه از سنه ۱۳۰۰ لغایت ۱۳۰۵ تمام شده است.

رئیس کابینه وزارت مالیه

[signature]

نمونه ۱۹۴

بتاریخ ۲۸ بهمن ماه سنه ۱۳۱۲

نمره ۳۸۶۲/۳۰ ضمیمه

وزارت پست و تلگراف و تلفن

اداره احصائیه

دایره

آقای میرزا سعید خان نفیسی

طبق مرقومه نمره ۲۱۸۲ / ۵/۱۱/۱۲ ریاست جلیله وزراء عظام راجع به تهیه اطلاعات برای تدوین تاریخ سلطنت پنجساله اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از وزارتخانه‌ها اطلاعات خواسته‌اند چون مطلوبه بطور کامل در مطبوعات تقدیم شود تقاضا دارم مقرر فرمائید آنچه منتشر شده است بترتیب ذیل ارسال گردد

۱ – رساله اطلاعات تلگرافی از سال ۱۳۰۱ لغایت ۱۳۱۰

۲ – رساله اطلاعات پستی از سال ۱۳۰۱ لغایت ۱۳۱۰

۳ – از رساله پستی ۱۳۰۱ یک نسخه بفرستید

۴ – دوره کامل رساله مجله پست و تلگراف از ابانماه ۱۳۱۱ لغایت ابانماه ۱۳۱۲

ضمناً جلب توجه اداره احصائیه شده است که اطلاعات تلفون در ولایات تهیه و مرتباً فرستاده شود

وزیر پست و تلگراف و تلفن

[signature]

فهرست نامهای خاص

فهرست مندرجات